

دیگر از سران حزب منحل‌شده مشروح دعوی‌ها و مبین حلیه همه کما کما لاتی

* دادگاه پس از استماع دفاعیات متهمین وارد شور شد



در دومین جلسه دادگاه ۸ تن از سران مخفی حزب منحله توده که قسمی از آن در روز از نظر خوانندگان گرامسی گذشت متهمین به دفاع از خود پرداختند و دادستان انقلاب ارتش نیز از هواداران خود خواست دفاع کرد.
رئیس دادگاه از متهم پرسید چقدر درآمد دارید. صادق زاده: بنده از ارتش حقوقی معادل ۱۵ هزار تومان می‌گرفتم و یعناز ظهر نیز در همین حدود (۳۰ هزار تومان) درآمد داشتم.

رئیس دادگاه: از متهم سوال منظور شما از کمکی که به حزب می‌دادید چه بود؟
متهم: حرف‌های قبل‌خون را تکرار کرد و گفتم: بنده در تمام مدت خدمت همیشه مخالف با عملکردهای رژیم قبل بودم.

رئیس دادگاه: از اسئوال من خارج نشوید. شما می‌فرمایید من این حزب را در خط امام و انقلاب دیدم شما انقلابی‌تر از حزب توده نیما نکردید که این کمک‌ها را به آن حزب و جمعیت بکنید یعنی واقعا شما حزب توده را از همه جمعیت‌های که مدعی اسلام هستند و یا واقعا هوادار اسلام هستند انقلابی‌تر می‌دانستید؟

متهم: بیچاره انقلاب در سال‌های ۵۸ و ۵۹ می‌دانید که عملکرد لیبرال‌ها خصوصا پی‌سدر و کسان دیگر طوری بود که چهره واقعی حزب‌الله را مخدوش می‌کردند و آنها را که خودشان را روشنفکر حساب می‌کردند گرایش به این حزب داشتند و اگر چنان که برگردیم به آن سال‌ها وضع این طور بوده.

رئیس دادگاه: همان سال‌ها که حزب مخالفت با آنها نمی‌کرد.

متهم: بنده مخالفت نمی‌کردم.
رئیس دادگاه: پس شما چطور گرایش به این حزب پیدا کردید عملکرد آنها را تایید می‌کرد؟

متهم: بله تایید می‌کردم به هر حال بنده با نیست خدمت به مین انقلابی به این حزب رفتم و هیچ‌گونه نظر حیانت‌نداشتم و حالا هر طور که می‌فرمایید.

رئیس دادگاه: شما اگر واقعا نیت خدمت‌ناشیتد بهتر نبود این‌ها چند هزار تومان را به جیب‌ها کمک می‌کردید؟
متهم: بنده از این بابت شرم‌نده هستم عرض کردم اظهار ندانم می‌کنم و نمی‌بایست اینکار را بکنم ولی مسیری بود که افتاده بودم.

رئیس دادگاه: شما فرمودید که از تشکیلات نظامی اطلاع نداشتیم مگر شما خودتان نظامی نیستید؟

دکتر صادق‌زاده: بنده موقمی که رفتم خودم را معرفی کردم به اسم دکتر رحیم صادق‌زاده معرفی کردم پس از محل کار من اطلاع پیدا کردند و فهمیدند که نظامی هستم.

رئیس دادگاه: آقای معزز حرف‌ها که زدند منظور شما درست است؟
معزز: من از اولی که با آقای صادق‌زاده ارتباط گرفتم گفتم که از طرف حزب آمدمم همانطوری که خودشان

به دفتر حزب مراجعه کرده بودند و پارول ایشان را حزب برای من فرستاد تا رابطه بگیرم. رهنمودهای حزبی که به افراد نظامی یا غیرنظامی می‌دادم بایشان هم گفتم حالا اگر خبری ایشان بماندند به دلیل موقعیت شغلی‌شان بوده آنجا خبری نبود و ما تقسیم‌بندی خاصی نکرده بودیم.

رئیس دادگاه: از این اسئوال اطلاع داشتید که وارد شدن افراد نظامی در حزب ممنوع است؟
متهم: فقط یکبار امام پیغام دادند فرامین امام برای بنده مطاع است اول به طاعت ولایت فقیه، دوم به علت فرمانده کل قوا سوم اینکه از قوطه قطب‌زاده به این طرف مرجع تقلید بنده هستند حادث بر این بوده قبل از انقلاب فرامینی که از طرف فرمانده کل قوا صادر می‌شود اینها به امضای فرمانده کل قوا بود چون امام این مطالب را در میان فرمایشاتشان مطرح فرمودند، پیش خودم فکر نکردم ممکن است که اهمیت زیادی این موضوع نداشته و علاوه رهنمودهایی که اینها می‌دادند منبر اینها که در خط انقلاب باشیم و کارهایی که خودم انجام می‌دادم فکر می‌کردم که کار خیرات باری در این مملکت نیارم و کارهایی که در ارتش انجام دادم پیش از توانائی و پیش از حد وظیفه من بوده که اگر ضروری باشد به آگاهی‌تان می‌رسانم.

رئیس دادگاه: این ساله که شما برخلاف دستور امام عضو حزب هستید و این ساله را کتمان کردید و در ارتش باقی ماندید خود این خیانت نیست و خود آن عمل مخفی کاری نیست؟ و شرکت در تشکیلات مخفی نیست؟
متهم: اگر اشتباهی از بنده سرزده بوزش می‌طلبم.
رئیس دادگاه: ساله دیگری مطرح کردید اینکه شماره تلفن و آدرس ندادید می‌شد برداشت کرد که شما چگونه مخالفتی با حزب می‌کردید؟ درست برداشت کردم؟
متهم: البته این اواخر گرایش من به حزب کمتر شده بود یعنی تمایلی نداشتم که دیگر با حزب همکاری کنم.

رئیس دادگاه: پس چرا پول می‌دادید؟
متهم: این مسیری بود که بطور اشتباه در آن افتاده بودم.

رئیس دادگاه: ساله دیگری مطرح کردید اینکه شما در ارتش باقی ماندید و در ارتش باقی ماندید خود این خیانت نیست و خود آن عمل مخفی کاری نیست؟ و شرکت در تشکیلات مخفی نیست؟
متهم: اگر اشتباهی از بنده سرزده بوزش می‌طلبم.

رئیس دادگاه: ساله دیگری مطرح کردید اینکه شما در ارتش باقی ماندید و در ارتش باقی ماندید خود این خیانت نیست و خود آن عمل مخفی کاری نیست؟ و شرکت در تشکیلات مخفی نیست؟
متهم: اگر اشتباهی از بنده سرزده بوزش می‌طلبم.

رئیس دادگاه: شما عمل را از عقیده جدا می‌کنید؟ امکان دارد که انسان برخلاف عقیده‌اش عمل کند؟ شما ایندولوزی حزب را می‌دانستید یا نه؟

متهم: ایندولوزی حزب مارکسیستی بوده ولی اینها می‌گفتند که برای ما فرقی نمی‌کند یک مسلمان باشد یک غیر مسلمان باشد. یعنی هر کسی می‌تواند عضو حزب ما باشد حتی از مذاهب دیگر بنابر این برام اشتراکی آنها را قبول نمی‌کنم ولی برنامه‌شان را قبول کرده بودم.

رئیس دادگاه: پس شما عضو حزبی شدید که ایندولوزی آن را قبول نداشتید؟ چطور شد قبل از این که مقلد امام بشوید هاهی هزار تومان کمک می‌کردید بعناز این که مقلد امام شدید هاهی چهار هزار تومان به اینها کمک می‌کردید؟
متهم: عرض کردم اشتباه کردم.

رئیس دادگاه: بسیار خوب آخرین دفاع خود را بفرمایید.
متهم: تقاضای عفو و رحمت الهی را از دادگاه محترم دارم.

در اینجا دادستان اتهامات افرای با اسم مستعار «زرتشت» را باز دیگر قرائت کرد.
متهم: در دفاع از خود با درود به رهبر کبیر انقلاب گفتم: از ابتدای افسری که من در شهرستان‌ها عهده داریستی بودم بعد از انقلاب به سرهنگی رسیدم. در شیراز و جهرم رئیس راهنمایی بودم.
رئیس دادگاه: در اینجا رئیس دادگاه خواست از شرح زندگی خودداری کند.

متهم: در ادامه دفاعیاتش افزود: میرفکرزی زندگی من بخصوص دوسال قبل از انقلاب که در مسجد سلیمان رئیس راهنمایی و معاون شهربانی و فرمانده عملیات در میمان بودم مردم و بخصوص نمایندگان مجلس شورای اسلامی و امام جمعه شهرستان آگاهی کامل دارند که احتیاج باشد تحقیق بشود. من در تمام دوران که آنجا حکومت نظامی نبوده عملیات واحد هفتکل، سربازان و ماسوران شهربانی و ژاندارمری در اختیارم بوده با همه ناراحتی‌ها و جراحاتی که برای من و افسران من بوجود آمده بود نخواستم يك تیر بروی مردم شلیک شود که می‌توانید از نحوه حرکت و خدمت در آنجا تحقیق کنید.

از روز انقلاب در مسجد سلیمان به سمت رئیس شهربانی انتخاب شدم مدتی آنجا بودم که در تغییر و تحولات به تهران منتقل شدم. این نحوه خدمت من سبب شد آقای بنام حسن اریایی بیدگلی که چند سال پیش می‌شناختم من دیدن من آمد، صحبت‌هایی در این باب، در مورد کشتن حزب

انتخاب شدم مدتی آنجا بودم که در تغییر و تحولات به تهران منتقل شدم. این نحوه خدمت من سبب شد آقای بنام حسن اریایی بیدگلی که چند سال پیش می‌شناختم من دیدن من آمد، صحبت‌هایی در این باب، در مورد کشتن حزب

صحت کرد من در اداره پلیس بین المللی و تشخیص هويت کار می کردم که ایسی فرد برای انجام کارش به دیدن من آمده بود . او گفت چون تو اینطوری خدمت کردی و حرکت تو مردمی بوده می خواهم که در حزب وازم شوی چون حزب احتیاج به چنین افرادی مثل تو دارد . بهتر است که با ما همکاری کنی . روز بعد آمد بمن گفت اسم ترا دادم آقای بنام معزز به دیدن من می آید که آقای معزز به اداره من آمد و پیشنهاد کرد که در جای دیگری دیدار کنیم يك روزی آمد منزل ملاقاتی داشتیم من بمنام چند مدت گفتم که فعلا علاقمند به حزب نیستم مدتی نیامدم تا بعد از زنگ زدند مجددا پیش من آمدند باز هم همینطور صحبت پیش آمد در روز سه شنبه ۱۳۵۷ گفتم که در این وقت من در تهران هستم ؟ از این وضع چگونه نمی آید که مدتی باز هم به تاخیر افتاد .

آفرای افزود میزادتی بگو از آقایان خبری کاری در مورد راهنمایی داشتند و به منزل من آمدند و شوالیسی کردند در مورد گواهی نامه ، گفتم من آن زمان که سرکار بودم قیامیتش این بود حالا نمی دانم . سؤال اگر نخواستید فرما به شما می گویم . فردا باز هم مراجعه کردند و پاسخ گرفتند و رفتند . در این ملاقات همراه آقای معزز شخص حزبی دیگری هم بود بنام قائم بنیاد .

بزرگوار جاسوسی و اینبار آقای ذابستان خواهش می کند بفرمایید که اینها من در چه مرحله ای هستم ؟ طرفدار یا عضو کادر و یا کادر های بالاتر بودند که از مسائل شبکه نظامی منحصرا اطلاع داشته باشم ؟ در مورد این اتهام ، من در چه حسی بودم که از آن آگاه باشم . اگر فرمایشات دادستان ثابت شود من قبول دارم . در مورد جاسوسی و براندازی که به من هم مربوط می شود . آیا من چیزی نوشته یا جلسه ای با آقای نوری داشته ام که دال بر جاسوسی و براندازی علیه جمهوری اسلامی باشد اگر جلسات حزبی یا پرسش و پاسخها روزنامه مردم به این سلسله جاسوسی و براندازی اشاره شده باشد و من هم اطلاع داشته باشم ، اتهامات را قبول می کنم .

در مورد تهیه و جمع آوری سلاح او مخفی کردن آن . اگر آقایان رده بالا در این مورد بگویند که من سلاح تحویل ندادم ، آن را می بینم من تا در چه سرنوشتی بودم ؟ نظام خود سلاحی نداشته ام . که تحویل بدم ، پرونده من در شهرتانی هست پس از انقلاب

هم رئیس شهرتانی در شهرستان بود بمنام انتقال به تهران سلاح نداشتیم . من که سلاحی نداشته ام تحویل بدم آیا این ساله در مورد من صادق است؟ من به عنوان هوادار یا طرفدار از بودن اسلحه و مخفی کردن اسلحه از طرف مقامات بالا اطلاعی نداشته ام .

در مورد شاخه نظامی نیز اطلاع نداشتیم که افراد نظامی در شبکه مخفی هست ، اگر گفتم و نوشته های رده های بالای حزب دال بر این است همه آن را قبول دارم . من حدود ۲ سال است که باز نرفته شده ام وقتی از این مسائل اطلاع نداشته ام چگونه می توانم علیه جمهوری اسلامی طرح براندازی اجرا کنم؟ امیدوارم که در مورد حرکت من و گفتار من تفتیش بیشتر شود سؤال شود از آقایان بالاتر .

هر چه بفرمایند با کمال میل قبول دارم . در مورد حق عضویت تا چند مدت کسر کار بودم ماهی هزار تومان میدادم و بمنام باز نشستی بدادم معزز گفتم شش هزار و صد تومان حقوق می گیرم ۳ هزار تومان کرایه خانه می دهم ، هفت نفر را اداره می کنم . اگر دروغ است از ایشان سؤال کنید هر چه بگویند مورد قبول است ، عرض دیگری ندارم و تقاضای رای عادلانه می کنم .

حیثیت نظامی

سپس آقای ری شهری از دادستان خواستند اگر در مورد متهم مذکور مطالبی دارند بگویند .

دادستان در سخنان خود گفت : عنوان جاسوسی و براندازی که در بخش موضوع اتهامات آمده ، به تمام متهمین اشاره می کند و در شرح تفصیلی اتهامات هر يك ، اتهامات آنها ذکر شده اگر در این چیزها هابی که اکنون برایتان قرائت شد مساله دادن اخبار محرمانه و اسرار مطرح بود ، اتهامات جاسوسی منوجه شما هم هست اگر مطرح نبود این قسمت متوجه شما نیست ، اما مساله استنادی کیفر خواست که ماده ۱۹۹ قانون حدود و قصاص است دقیقا با عمل شما منطبق است لزومی ندارد که شما این معنی را بپذیرید این ادعا در محضر دادگاه مطرح می شود ، پذیرفتن یا رد کردن مساله صرفا در صلاحیت دادگاه است در مورد مخفی کردن اسلحه ، به آنچه در مورد شما قرائت شد دقت کنید و در مورد اتهامات از خود دفاع کنید . مساله باز نشستی که مطرح کردید سؤال این است که آیا نظامی باز نشسته حیثیت نظامی خود را از دست می دهد یا نه ، قرائن زیاد می گویند از دست نمی دهد بخاطر همین می گویند سرنوشت باز نشسته ،

حتی در صورت هر گز میگویند سرنوشت متوفی اگر به حسابیت کنار کشیدن نظامیان از احزاب توجه کنیم می بینیم در مورد نائل و باز نشسته هر دو صادق است این که من گوید به هدف براندازی آگاهی نداشته ام ، شما چند سؤال مطرح است ، شما پذیرفتید عضو حزب شدید و حق عضویت پرداختید ، چرا عضو شدید ؟ آیا عضو شدید برای این که حزب به قدرت برسد و اهدافش را جامعه تحقق پیدا کند یا این که عضویت شما يك امر بویج و بی بهره بوده است که قابل پذیرش نیست که شای تحویل کرده بودم و بی قدر عضو حزب شدید پس باید پذیرفت که عضویت را برای رسیدن حزب به اهدافش ، به صورتی که يك گروه اش را شما تأمین کنید ، قبول کردید . آیا فکر می کردید که نظام ، اطلاعات و کشوری که به نظر صد مردم به جمهوری اسلامی را می دادند .

مساله اجرای احکام اسلام مطرح بود ؟ آیا قبول دارید که ۹۸ درصد رای داده اند . متهم : بله (خود من هم رای دادم)

دادستان : آیا شما فکر می کردید که حزب توده که منحص بود ضد اسلام است ، مرتواند با مبارزه سیاسی به قدرت برسد ؟ این بیگانه است اگر چنین تعلق داشته باشید شما منفا تا حدودی از هوادار ها ، سمیات ها و اعضای حزب اطلاع داشتید اگر آن را با اکثریت مردم ایران مقایسه کنید می بینید که از طریق مبارزه سیاسی نمی تواند پشتیبانی ملت را تأمین کند . فقط يك راه باقی می ماند آن هم براندازی ، دست زدن به اعمال کودتا است . چگونه منصف هستید که نمی دانستید اینها در مقام برانداز بودند ؟ صورتی که من مستطر داشتم ، وارد جمعیتی شدید که اسلحه زیاد جمع کرده و اهداف دراز مدتی منحص بود . جمع این موارد نشان می دهد که وارد شدن شما در این جمعیت درست و ماده استنادی (۱۹۹) صحیح است .

متهم : در پاسخ افزود : شما می گویند من اطلاع داشتم در صورتی که من به از طریق نشریات حزبی و نه از طریق رابط خودم که در اینجا حضور دارد از این امر اطلاع نداشتم اگر واقعا حزب ، وضعیت و روشش در این مورد روشن بوده پس چرا این حزب آزاد بوده است تا ما گرفتار آن شویم چرا ۶ یا ۷ یا يك یا دو سال بعد از آن در صورتی روشن بودن جاسوسی آن ، انحلال آن از طریق جرایم اعلام شد ، تا اعضای که

می دانند این حزب این برنامه ها را دارد ، ۲ ماه فرصت معرفی دادند ، تا رابطه خود را قطع کنند ، هنگامی که من از اینها اطلاع نداشتیم نشریاتی که می گفت اگر در خانه شما يك فشنگ پیدا شود ، شما ضد انقلاب هستید من چگونه می توانستم آقای دادستان مخترم دادگاه به این مساله پی ببرم . از کجا می دانستم ، این حزب که يك روز جاسوس شده و ضد انقلاب است .

در این هنگام آقای ری شهری حاکم شرع ارتش از امیر معزز رابط آفرای پرسید آیا ایشان اطلاعات محیط کار خود را می دادند یا نه . اطلاع در مورد بافست محیط کار

معزز پاسخ داد ایشان در مورد شرایط بافت محیط کار اطلاعات نمی دادند ولی خبر نمی دادند فقط در باره مواضع و احوال آن صحبت می کردند . سپس رئیس دادگاه از متهم خواست آخرین دفاع خود را مطرح کند .

آفرای : تقاضای من این است که اگر در مورد این سم مورد سرپرستان این شبکه در مورد مسائل دارند ، حال بهترین موقع است که حضورا گفته شود که آیا من آگاه بودم یا اینها دروغ می گویند ، این سه مورد در مورد من مطرح نیست . آخرین دفاع من همان مسائلی بود که در مورد کیفر خواست عرض کردم . اگر آنها در جلسات خود به من در آن ترازه آگاهی دادند یا جرایمی دیدم من رسید که آگاه بودم همه را قبول می کنم .

در اینجا رئیس دادگاه از متهم بختی ایران نژاد خواست تا به دفاع از خود بپردازد . ایران نژاد : بسم الله الرحمن الرحیم . یا سلام به رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی . من در مهره ماه ۵۷ به دانشگاه تهران معرفی و در بیمارستان دکتر شریعتی مشغول کار شدم تا حدود دی ماه ۶۱ آنجا بودم پس از انقلاب با فرو پاشی نظام جبار پهلوی يك باره محیط باز سیاسی ایجاد شد که در دانشگاه ها واضحتر بود . حتی گروه ها فعالیت داشتند و من هم به مطالبه نشریات آنها پرداختم بدون اغراق همه آنها علیه جمهوری اسلامی بودند .

از این گروه ها تنها حزب توده در تمام نشریات خود از نظام جمهوری اسلامی دفاع می کرد . من بدلیل ندانستن پایه محکم اسلامی و بینش مذهبی و بدلیل داشتن عشق به مردم به طرف حزب که شعار دفاع از امام عزیز می داد تشیده شده چون شلم طابت

بود و در دانشگاه تحصیل می کردم با محیط نظامی سروکار نداشتم ارتباط من با حزب بیشتر نظامی بود و نه نظامی به همین خاطر خبری از تشکیلات مخفی نظامی نداشتم. بزبان این پسری به اهمیت فرمان امام در مورد کاره گیری نظامیان از حزب نبودم. بدلیل درگیری های آموزشی حتی قادر به مطالعه جزوات و کتب پیشنهاد شده نبودم. آقای معزز هم میدانند در مورد حق عضویت باید بگویم که ابتدا ماهی ۵۰۰ تومان بود بعداً ۵۰۰ تومان اضافه شد و این اواخر هر ماه به ۱۵۰۰ تومان رسید. توجیه آنها این بود که بچه های حزب از ادارات پلک سازی می شوند وضع خانوادگی آنها خوب نیست و درآمد آنها هم خوب است لذا باید حق عضویت را با اضافه کردن در مورد حاضر شدن در مبارزه باید هر چقدر کم که غالباً به دین گرفتاری و کسب های بیمارستانی برقرار حاضر نمی شد با توجه به این که از خانواده مستضعف بوده و در شرایط دشوار به تحصیل ادامه دادم، با استفاده از مزایای اجتماعی توانستم پزشک شوم. از خداوند خواستام که باید خود و دانشم در راه مردم مستضعف قرار گیرد. بدین وسیله آمادگی خود را از نظر تکلیف شرعی در محضر دادگاه شرح اسلامی اعلام می کنم تا حتی به صورت زندانی در هر نقطه از مملکت اسلامی به مردم سلطان ایران که آنها را عاشقانه دوست دارم خدمت نمایم. در خاتمه به خاطر سهل انگاری که بخاطر اجرای فرمان امام داشتم طلب عفو و بخشش از محضر امام دارم تا آزادی حاکمیت قوانین الهی اسلام در تراسر جهان.

رئیس دادگاه: خطاب به متهم گفت بنابر این شاهنامه اتهامات مطرح شده را می پذیرد؟
متهم جواب داد اتهامات مربوط به عضویت و پرداخت حق عضویت همه مشخصات ولی از مساله براندازی و جاسوسی هیچ خبری نداشتم و در محیط نظامی هم نبودم.
رئیس دادگاه: در اینجا از متهم پرسید اسم مستعار شما برای چه بود؟
متهم پاسخ داد: اسم های مستعار را روز اول آقای معزز پیشنهاد دادند و چون باید یک فرقه غیر نظامی ارتباط داشتم فکر نمی کردم تشکیلات نظامی هست و بخاطر مخفی شدن از دید ضد انقلاب آنها توجیه می کردند اگر ضد انقلاب ضربه بزنند به انقلاب و حزب هم ضربه بخورد افراد با اسم مستعار ناشناخته می مانند.
رئیس دادگاه: ضد انقلاب

حزب را دستگیر نمی کرد بلکه مسئولین انقلاب بودند که حزب را دستگیر نمی کردند گروه های ضد انقلاب اسم شما را سوال نمی کنند آن کسی که سوال می کند حکومت است و به این دلیل تمام اینها نشان می دهد که داشتن اسم مستعار تاز ضد انقلابی است.

توجیه حزب توده:
متهم: در پاسخ به این اظهارات گفت مسئولین برای ما توجیه کردند که چون حزب توده در معرفی ضد انقلاب نقش دارد این خطر هست که حزب و اعضای آن در خطر باشند اسم مستعار لازم است.

رئیس دادگاه: با توجه به این که دادستان ارتش در رابطه با متهم سوالی نداشت خواست تا متهم آخرین دفاع خود را مطرح کند.
متهم: آخرین دفاع این است که به عنوان پزشک در خدمت مستضعفین جامعه باشم و حتی اگر به عنوان زندانی هم باشد دین خود را ادا کنم. در مورد پرداخت حق عضویت من به مسجد فضل هم پول کمک می کردم و این شاید نشان دهنده هدف من **گفت:** مستضعفین بود.
رئیس دادگاه: آیا شاهنامه اتهاماتی که مطرح شد را می پذیرد؟
ایران نژاد: اتهاماتی که در مورد عضویت و حق عضویت بوده است را می پذیرم ولی از مساله براندازی و تشکیلات نظامی و جاسوسی هیچ خبری نداشتم و در محیط نظامی هم نبودم.

رئیس دادگاه: اسم مستعار شما برای چه بوده؟
ایران نژاد: ماروزاولی که آقای معزز را دیدیم، ایشان گفتند که این اسم مستعار برای شناسایی و چون من با یک فرد غیر نظامی تماس داشتم و فکر نمی کردم که تشکیلات نظامی وجود دارد گفتند که بخاطر عدم شناسایی نسبت به هم دیگر داشته باشیم، نه من ایشان را می شناختم و نه ایشان مرا و شاید بخاطر مخفی شدن از دید ضد انقلاب بود.

رئیس دادگاه: اسم مستعار شما برای مخفی شدن از دید چه ضد انقلابی بود؟
ایران نژاد: این طور توجیه می دهم که اگر ضد انقلاب یک روزی به انقلاب و جمهوری اسلامی ضربه بزنند که قطعا حزب هم زیر ضربه می رود، افرادی که اسم مستعار دارند و مخفی هستند ضربه نخواهند خورد.

رئیس دادگاه: آخرین دفاع خود را بنمایید؟
ایران نژاد: آخرین دفاع من این است که به عنوان یک پزشک می خواهم در خدمت مستضعفین جامعه باشم و حتی اگر به عنوان زندانی هم باشم

که لااقل دین خودم را به جمهوری اسلامی ادا کرده باشم ضمناً در مورد این حق عضویت بایم بگویم که حتی من به مسجد محل مان هم پول میدادم و اگر تحقیق بشود شاید نشان بدهد که من هدفم کمک به مستضعفین بوده است.

پس از پایان دفاعیات ایران نژاد رئیس دادگاه از متهم یعنی (مفیدی) خواست تا به دفاع از خود بپردازد.
مفیدی در دفاع از خود گفت:
بسم الله الرحمن الرحيم. در ابتدا از برادران بازجو تشکر می کنم که با من با محبت رفتار کردند و از برادران پاسدار کمال امتنان را دارم.

علل گرایش به حزب:
علل گرایش من به هواداری از حزب یکی فساد محضرضای شاهی بود که ما با کمال تاسف دچار ضعف تقوا شدیم و ما به طاغوت دیگری مبتلا شدیم. دوم شرایط سیاسی و اجتماعی در سال ۵۸ مصادف با تسخیر لانه جاسوسی، که حزب از آن حمایت می کرده برای خارج کردن رقیب از صحنه، باعث شد حزب زاهد خط انقلاب و وجود بنی صدر و قطب زاده در سطح بالای حاکمیت این شبهه را ایجاد کرد که خدای ناخواسته اینها می خواهند حاکمیت را قبضه کنند. تشکیلات حزب خائن بوده، در حمایت از خست امام و انتشار روزنامه و غیره و داشتن کادرهای قدیمی با تجربه برای شکار انسانهای صادق و بی تجربه، من احساس کردم که به گمان خودم از جمهوری اسلامی حمایت می کنم در جلسات اولیه رابطه گفت شما تا یکسال حداقل هوادار خواهید بود، در صورت موافقت حزب عضو می شوید، خوشبختانه تا آخرین لحظه به عضویت حزب پذیرفته نشدم.

در مورد معرفی سرهنگ دکتر ایران نژاد، باید بگویم پس از آنکه رابطه پیشنهادی هواداری از حزب را به من کرد و برای جلسه بعد منتظر جواب بود موضوع را با ایشان که دوست چندین ساله بودیم و رابطه خانوادگی داشتیم در میان گذاشتم و ایشان موافقت کردند که با هم در جلسات هواداران حزبی شرکت کنیم. اما در معرفی برادرانم که در کبیر خواست آمده باشند بگویم ایشان قبل از من هوادار حزب بوده و لسی بعلت بسته شدن دفتر حزب در ادخیره در مشهد مقدس تهران موضوع را با من در میان گذاشت من هم به رابطه گفتم و بعد هم اطلاع ندارم چه شد، در خاتمه بگویم که بدلیل قانونی بودن حزب در آن زمان تصور می کردم

که عمل غیر قانونی انجام می دهم و از اعمال خائنه حزب کاملاً بی اطلاع بودم چون قصد سوء استفاده بر رابطه محل کار نداشتم ابتدا در آبان ۵۸ **تقاضای بازنگری کردم** که بلاجواب ماند. در خرداد ۵۹ تقاضای استعفا نمودم. در خاتمه من از هیچ گروه و حزبی تقاضای عضویت ننمودم و حتی از هیچ کسی تقاضا نکردم بعداً در زندان متوجه شدم شخصی بنام محمد انصاری مرا بدون اجازه و خواست من به حزب معرفی کرده است.

رئیس دادگاه: از متهم سوال کرد که آیا شما عضو حزب بودید یا نه؟
متهم جواب داد: آقای معزز در جلسات اولیه گفت یک سال هوادار هستم اگر حزب موافقت کند به عضویت درمی آید و به مدت سه سال و نیم هوادار بودم و با وجود گذشت یکسال اول ایشان نگفتند که آیا من عضو حزب هستم یا نه.

رئیس دادگاه: پس چرا شما حق عضویت می دادید؟
مفیدی: این چیزی بود که ایشان به ما دیکته می کرد و می گفت هوادار باید کمک کند بخصوص که من دو وعده کار می کردم.

رئیس دادگاه: پس شما در حقیقت حق هواداری میدادید؟
مفیدی: من حتی در زمان بازجویی هم معانی هوادار و عضو را نمی دانستم بعداً در جلساتی که آقای کیانوری در جلسات را دیو گفتند متوجه شدم ما را وسیله قرار دادند که بنشینیم اگر افراد جاسوسی و خائن هستند آنها را عضو حزب کنند اگر نیست راه ندهند.

رئیس دادگاه: از امیر معزز مسئول متهم خواست در این مورد توضیح دهد.
معزز: ما با افراد ارتشی که تماس داشتیم اول اسانامه حزب را توجیه می کردیم؛ اسانامه حزب می گوید هر فردی به مدت یک سال عضو آزمایشی است اگر در عرض یکسال رابطه عضویت حزب در می آید خود بخود دادن حق عضویت هم دلیل عضویت است، ما این توضیح را برای اکثر این آقایان دادیم.

مفیدی: آقای رئیس دادگاه، باور بفرمائید تا همین حرکت، دروغ برآوردندگی آنها را نشان می دهد. این واقعت دروغ است و او هرگز چنین حرفی به ما نزد.

رئیس دادگاه: یعنی ایشان اسانامه را به شما نشان ندادند؟
مفیدی: اسانامه را یکبار داد و بعد گرفت، اسانامه می گوید اگر کسی ۲ ماه حق عضویت نداد مستعفی شناخت می شود ۳ ماه ندادم باز او آمد

چند بار سرفراز حاضر نشدم
مجدداً به مطب من آمد و مرا
مخبر به ادامه همکاری کرد
اینجا اینجور آندهایی هستند.
رئیس دادگاه آقای مهرز
اینطور است یا نه؟

مهرز: دقیقاً اینطور نیست،
آقای مفیدی کمی گوید ایشان
را شکار کردیم، اصلاً ایشان
را به حزب معرفی نکردیم
بلکه از طریق شخص دیگری
معرفی شدیم و من رفتم در
مطب با ایشان تماس گرفتم و
حتی یادم نیست که آیا برای
ایشان در روزنامه علامت‌تر
زدیم یا نه. بهرحال وقتی
سراغ ایشان رفتیم ابراز تمایل
کردند اگر ابراز تمایل نمی‌کردند
ارتباط را قطع می‌کردیم توی
مطب خود جلوه می‌گذاشتند
حق عضویت نمی‌دادند هیچ
اصراری ما نکردیم مساله شکار
بروز اصلاً مطرح نبود.

مفیدی: یک عرض دارم
ایشان که می‌گوید ما زور
نمی‌گوئیم من حداقل ۳ یا ۴
ماه پول نیدادم اساسنامه
می‌گوید اگر دو ماه ندهد
مستعفی شناخته می‌شود ایشان
باز ادامه می‌داد تا اینا ایشان
بجای بار خود گفتند من که
حزب از این جملات شما و
و آندمان آن تراضی است من
از آن تصور اینها احسان
ناراحتی می‌کردم در این دو
سال آخر چون درصدم تهیه
مسکن برای خانواده‌ام بودم
فکر می‌کردم بریدن از اینها
برایم ایجاد اشکال کند چون
می‌دانستم آنگاه‌های خطرناکی
هستند از زمان گاهی از قتل
انگلیسی توسط اینها ترسیم
از آنجا که می‌گفتند ما در
هنگامی که در همه ادارات عوامل
داریم می‌توسیدم بریدن از
اینها مشکلی برایم بوجون
آورد و از همه چیز بیستم
الان هم که در زندان هستم
شرایط مالی من بد است یک
مسکن تهیه کرده‌ام با هشتصد
هزار تومان قرض

رئیس دادگاه: بعضی
می‌گویند اینها با تهدید از
شما پول می‌گرفتند
مفیدی: تهدید نمی‌کردند
تهدید از نظر روانی بود
تحت فشار اخلاقی و روانی
بودم

منهم در آخرین دفاع خود در
پایان ضمن تکرار بعضی
موضوعات قبلاً در مسوود
عضویت خود، معرفی برادر
زن خود افزود: جز انتظار
عقل الهی و رحمت الهی ندارم
و چون سه فرزند دارم که
احتیاج به هدایت من دارند
تقاضای رحم و عفو دارم
در اینجا رئیس دادگاه پایان
رسیدگی به پرونده شاخه
نظامی فوق را از گروه
نظامی مخفی حزب توده اعلام
کرد
و دادگاه وارده شور

بابان یافتن محاکمه ۸ عضو سازمان مخفی حزب توده

دادگاه دو تن دیگر از اعضای سازمان مخفی حزب توده وارد کشور شد



دادگاه انقلاب ارتش در تاریخ ۱۷ و ۱۸ بهمن ۶۲ جهت رسیدگی به اتهامات متهمین سرهنگ هوشنگ عطاریان و سرهنگ بیژن کبیری تشکیل جلسه داد. اتهامات متهمین متهم ردیف ۲ - هوشنگ عطاریان

متهم ردیف ۲ در سال ۳۱ به علت کار در یک کارگاه با حزب توده آشنا و در اوائل سال ۳۲ تقاضای عضویت در سازمان جوانان حزب توده را کرد و ولی به علت کودتای ۲۸ مرداد این عمل انجام نیشود و تماس وی قطع میگردد ولی بعد از پیروزی انقلاب ضمن مراجعه به دفتر حزب تماس تجدید گرفته و فعالیت خود را در رابطه با شبکه مخفی نظامی شروع میکند. اکنون تماس تا وقت دستگیری ادامه داشته است. اعمال ارتكابی مشارالیه شرح زیر است:

الف - فعالیت در شبکه مخفی نظامی تشکیلات با نام مستعار خبیب و تحت مسئولیت بابک و خسرو (شرح مندرج در صفحات ۵۱ و ۵۲ پرونده) ب - اجرای قرار و تشکیل جلسات حزبی در ماشین و منزل خود که در بعضی از این قرارها کیانوری هم حضور داشته است. (ص ۳۴ و ۵۱) ج - پرداخت حق عضویت ماهی ۱۰۰ تومان

د - دادن اطلاعات سیاسی نظامی محرمانه بشرح مندرج در صفحات (۱۱) الی ۲۰ و ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۴، ۳۵ و ۳۶ و ۴۲ الی ۴۵ و ۵۳ پرونده) ضمناً مشارالیه تا قبل از دستگیری فعالانه مرتبط بوده است.

با عنایت به شرح فسوق رسیدگی نهائی به اتهامات نامبردگان و صدور حکم شرعی در باره هر یک به عنوان مجازب و مفسد فی الارض و با استناد ماده ۱۹۹ قانون حدود و قصاص مورد تقاضاست.

داستان انقلاب اسلامی ارتش - اتابکی سپس حجت الاسلام محمدی ری شهری رئیس دادگاه متهمین حاضر در جلسه دادگاه خواست تا خود را معرفی کنند و آنها به ترتیب زیر بدمعرفی خود پرداختند. نورالدین کیانوری: دبیر کل حزب توده. محمد مهدی پرتوی: عضو هیات سیاسی و مسئول تشکیلات متهم ردیف ۳ - بیژن کبیری متهم ردیف ۳ در سالهای ۳۰ و ۳۱ با مسائل سیاسی آشنا و فعالیت خود را در رابطه با سازمان جوانان حزب توده شروع میکند بعد از کودتای ۲۸ مرداد تماس خود را با حزب قطع و مجدداً بعد از پیروزی

انقلاب با تشکیلات فوق تماس گرفته و فعالیت خود را شروع میکند که این فعالیت تا روز دستگیری ادامه داشته است. فعالیت های وی از این قرار است: الف - فعالیت در شبکه مخفی نظامی تشکیلات فوق تحت مسئولیت بهرام و خسرو (شرح مندرج در صفحات ۷۶ و ۷۷ و ۱۶ و ۴۶ پرونده) و با نام مستعار رضا. ب - اجرای قرار و تشکیل جلسات حزبی در منزل خود و خیابان و اماکن عمومی که در بعضی از این قرارها کیانوری هم حضور داشته است (صفحات ۶ و ۷ و ۸ و ۴۷ و ۵۰) ج - پرداخت حق عضویت ماهانه ۱۰۰۰ تومان که جمع

تأسیسات ۲۰۰ هزار تومان میباشد
 در رابطه با عملکرد خود به
 تشکیلات و نفوذ در نهاد
 انقلابی (صفحات ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳
 و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲)

هـ تحویل دو قبضه سلاح
 یوزی و ۲ قبضه سلاح زولور
 با استفاده از موقیعت نظامی
 بودن خود به تشکیلات (ص ۷)

و - معرفی یک نظامی به
 تشکیلات (ص ۴ و ۵) - در صفا
 مشارالیه تاقیل از دستگیری
 فلانان مرخص بوده است و
 قی - اما به فعالیت در زندان
 برای تشکیلات

پس از قرائت کثیر خواست
 توسط دادستان، حاکم شرع از
 آقای عطاریان خواست که اگر
 دفاعی دارند از خود بنمایند.
 دفاعات آقای عطاریان

مع جاسوسی و اقدام
 بر علیه امنیت کشور و براندازی
 را قبول نداشته ولی فعالیت
 و عضویت در شبکه مخفی را
 قبول دارم زیرا اگر کسی
 هدف براندازی داشته باشد به
 خاطر این است که به چیزی
 و پول و مقامی برسد و در
 جهت تصعیق انقلاب عمل
 می نماید ولی من از بدست

ایستاده به دور جمهوری
 اسلامی مسئولیت ندارم تا
 روز دستگیری بودی مع تنظیم
 چندین ماه و نیز ادامه دفاع
 نمونه های از اقدامات که در
 طول خدمت انجام داده بود
 بر سر د و اینها را بدلی می
 برود اتهام براندازی دانست
 و گفت از طرف حزب اصلا
 صحبت براندازی نداشتیم
 که اگر چنین مطلبی از عنوان
 کرده بودند می الان می اینجا
 نشسته بودم نامبرده اظهار

داشت طی ۳۳ ماهی که در
 جبهه بوده یا حزب تماس
 نگرفته و همراه با مسئولین
 دادگاه و سایر مسئولین در
 تماس بوده است برای این که
 بتواند کار خود را بنحو

احسن انجام داده بود و رابط
 تشکیلاتی مانی بر تمام این
 امور نباشد ۳۵ روز فقط این
 زبان ساموریش را باقی می ماند
 دقت فرستادند و اگر نامه ای
 را از من خواستند که من به
 ایشان بگویم اما در رابطه
 با جاسوسی وی اظهار داشت
 که من خبرها را پاسبانی را
 افشاء می کردم ولی هیچکدام
 از مؤلفین را که در جبهه

می نامم به صورت کتبی و
 طبقه بندی شده نبوده که
 به صورت جاسوس باشد مثلا
 من جریان طیس را به عوامل
 حزب گفتم که شب از رادیو
 توسط بنی صدر افشاء شد و با
 اختاری را که از رادیوهای
 مختلف جمع آوری می شد من
 به صورت تحلیل در می آوردم
 که (خبر) علاوه بر این که
 این مطالب را داشته باشد و
 من به ایشان می دادم که بعد
 ایتان علاقایی نشان ندادند

در مورد قرارها من مطالبی
 یکبار ایشان را می دیدم و
 اصولا من نیز رابطه ها فرازا
 تبیل بودم و فلانند عمل
 نمی نمودم و در قرارها من
 نتایج جنگ و اخبار ستاد مشترک
 و همچنین چند مورد که محرمانه
 بوده ولی من این گزارشات
 را به صورت سند و مدرک
 ندادم و در مبتدی که در
 کمیسیون شورای عالی دفاع
 بوده ام گزارشات از آن جلسات
 را به رابط می دادم

سید حاکم شرع از آقای
 (پرتوی) خواست که در این
 زمینه اگر مطلبی دارند بیان
 کنند
 آقای پرتوی فعالیت های
 قبل از انقلاب ایشان را تایید
 می کند و گفت بعد از انقلاب
 ایشان شخصا به حزب مراجعه
 نموده و پارول ارتباطی ایشان
 را آقای کیانوری به من دادند
 و من به یکی از مسئولین

تشکیلاتی نام تانک دادم که
 در آن زمان ای عطاریان فرمانده
 لشکر ۱ - پیاده بودند و از
 اواخر ۵۸ و یا اوایل ۵۹ خودم
 با ایشان تماس می گرفتم که
 این تماسها در خیابان
 بوده و یا در کافه ها و کتاه
 بود نامبرده اظهارات عطاریان
 را بر می مورد هستی در امر
 ملاقات و قرار و این کدر
 مدتی که در جبهه بوده و به
 تهران می آمده غیرم نظر
 حزب با مسئولین تماس
 نمی گرفته را تایید نمود و
 گفت که این اواخر من چه
 در تهران می رفتم و چهار نینا
 پنج بار نیز بیشتر حق عضویت که
 هر بار ۱۰۰۰ تومان بوده نداده
 است و در مورد اطلاعات :
 ایشان چون ماموریتی در رابطه
 با بررسی جرمات طبس

داشتند رونوشت گزارش
 خویش را به من دادند و در
 مورد جنگ نیز ایشان اخبار
 جنگ را می داده و علاوه بر
 آن اگر قرار بوده حملاتی
 صورت بگیرد و این که از
 کدام نقطه باید صورت بگیرد
 را گاهی بطور کلی در اختیار
 ما می گذاشته و اصولا از وقت
 که در مقام مشاورت وزارت
 دفاع قرار گرفتند دستیابی
 ایشان به اطلاعات بالا بطور
 سیستماتیک افزایش یافته و در
 هر ملاقاتی ایشان کم و بیش
 این مطالب را مطرح می نمودند

و دیگری این که ایشان مدتی
 در یکی از کمیسیون های
 شورای عالی دفاع شرکت
 می کرده و مطالبی را که باید
 در جلسات شورای عالی دفاع
 مطرح شود را به من دادند و
 چون ایشان با فایندگان امور
 خارجه وغیره در ارتباط بودند
 مطالبی را که آنها مطرح
 می نمودند را نیز به من می دادند
 و نمیتوانی در مورد طرح
 دفاعی کشور تشکیل شده بود
 که این اطلاعات را نیز به
 من دادند و کلا با شخصیت

های مختلفی از تماس
 داشتند مطالب بدست آمده را
 به من میدادند و همچنین
 اطلاعات سری را تا آنجا که
 بنسبت بی آوردند به من
 میدادند

سپس دادستان در مورد
 اتهامات عطاریان مطالب زیر
 را بیان نمودند
 همانطور که همه اعتراف
 نموده اند منظور از ایجاد
 شبکه مخفی چیزی جز بدست
 آوردن قدرت و عوض کردن
 سیستم به نفع خود که همان
 براندازی است نمی باشد چرا
 که اگر صرفا فعالیت حزبی
 مطرح باشد وجود اسامی مستعار
 و مخفی کاری و ... مفهومی
 ندارد و مسلم است که براندازی
 رژیم را که با پشتوانه نیش
 از ۹۸٪ آرا مردم یا نرجاست
 امکان نداشته و قهرانه
 چنین اعمالی قوسل هسته و
 انجام به ایجاد تشکیلات مخفی
 می نماید و همین خدماتی را
 که شما بعنوان زود براندازی
 بر سر میدید بنا بر اظهارات آقای

پرتوی برای اینکه خط حزب
 این بوده که اقتضای برای
 فعالیت خود می موقیعت خویش
 و نفوذ هر چه بیشتر به
 فعالیت های مجریه نمایند دقیقا
 در خط حزب و برای حزب
 بوده نه برای تثبیت جمهوری

اسلامی و در نهایت زدن
 ضربه ای عظیم و هولناکتر
 و اما در رابطه با جاسوسی
 تلقی شما از جاسوسی نادرست
 بوده و من قانون را برای
 شما میخوانم : هر گاه کسی
 با تمسد دولتی که طرف
 خصومت یا دولت خیمتوری
 اسلامی ایران است مکاتبه
 یا معاویه نماید و آن مکاتبه
 و معاویه متضمن هیچکدام از
 جنایات مذکور در ماده ۲
 (یعنی ماده قبلی) نبوده باشد
 ولی میداند که برای دشمن
 متضمن تمهینات و فوآئیدی
 است که برای امور نظامی
 یا سیاسی دولت جمهوری
 اسلامی مضر است جزای او...
 مساله این است که برای صدق
 عنوان جاسوسی دادن اطلاعاتی
 که متضمن تمهینات و فوآئیدی
 است کافی است نه لزومی دارد
 که شما اطلاعات را بعد از
 وقوع بدهید در حالی که
 آقای پرتوی اظهار کردند
 که شما اطلاعاتی را قبل از
 عمل داده اید تا با شما
 نظامی هستید و میداند که
 اگر در چند مرحله اگر
 حتی بعد از انجام عملیات
 نیز شما اطلاعات و چگونگی
 عملیات را به دشمن بدهید
 شگرد عملیات نظامی بدست
 دشمن خواهد آمد و آنها
 پیش بینی خواهند کرد که
 ما در برنامه های تدافعی و
 تهاجمی خویش چگونه عمل
 خواهیم نمود و اما ماده ۲
 رد آن قسمتی که شما گفته
 که مدرک کتبی ندادید ما در

هیچ کجا برای صدق عنوان
 جاسوسی دادن مدرک کتبی
 شرط نیست و در هیچ کجا
 قانونگذار قید نکرده است
 به کتبی بودن مطلب می -
 گوید هر کس که نقشها و
 اسراری را که راجع به سیاست
 داخلی و خارجی منکلت است
 به هر نحو به کسی که صلاحیت
 اطلاع بر آن را ندارد بدهد
 یا آنها را بنحوی از اسرار
 با نقش های مزبور مطلع
 سازد و یا بطور کلی مرتکب
 عملی شود که متضمن قسمتی
 از جاسوسی باشد برای صدق
 جاسوسی کافی است . هر چند
 شما پذیرفتید که اطلاعات
 محرمانه را داده اید

حاکم شرع :
 اگر توضیحی دارید بعنوان
 آخرین دفاع بیان نمائید .
 عطاریان : ضمن تأیید اینکه
 میدانسته یا حزبی که صدر
 مد طرفدار شوروی است در
 ارتباط بوده بیان نمود من
 از برادران بازخو تشکر
 می کنم که آخرت را به من
 نشان دادند و من بازداشتگاه
 را دانشگاه یافتیم و اکنون
 نیز مردن بر این بهتر بود
 تا اینک به این دادگاه من
 همه اتهامات را درست می -
 پذیرم و آن دفاعات را نیز
 به این علت عنوان نمودم که
 شما بنا نداشتید در وجود من چه
 میگذشته و می گذرد ولی

اکنون به درگاه خداوند توبه
 کردم از همه گناهان گذشته ام
 توبه کرده ام و نذر کردم اگر
 خلاصی یافتم بقیه عمر را در
 جبهه ها بر برم و از شما
 میخواهم که به من فرصت داده
 تا بدین وسیله گناهانم
 را جبران نمایم . من تفهیم
 که چه کردم من را لیرالها
 به این راه کشاندند من
 میخواهم تا ندمتوان برهنه
 بلکه بعنوان یک سرباز بسیجی
 ساده به جنگ رفته و کشته
 شوم والا ماندمت و زندگی
 کردم با این جنگ چه فایده ای
 دارد شما را به خدا بگذارید
 که کشته شوم تا این ننگ در
 خانوادام باقی نماند

حاکم شرع از آقای بیژن کبیری
 خواستند که در رابطه بنا
 موارد اتهام خویش که توسط
 دادستان قرائت شد دفاعیات
 خویش را بیان کند
 دفاعیات بیژن کبیری :
 من به هیچ وجه نمیخواهم از
 گذشته خویش دفاع نمایم من
 اصلا از تشکیلات مخفی و
 نظامی حزب اطلاعی نداشته ام
 خودم را عضوی از حزب ندیده
 میدانستم و فکر میکردم تنها
 عضو نظامی این حزب هستم
 من با توجه به سابقه ذهنی سال -
 های ۳۱ و ۳۲ و اینکه میدیدم
 که حزب ملتی فعالیت می نماید
 و روزنامه و نشریاتش را ملتی

به فروش میرساند و از انقلاب حمایت نمینماید چلب حزب شدم ولی متأسفانه حزب را انتخاب کردم که رهبرانش امروز اعتراف به خیانت و وابستگی نمودند که من اصلاً اطلاع نداشتم و بعد که این اعترافات را دیده و شنیدم متوجه این قضیه شدم و شنیدم محکوم می‌نمایم. اینها له‌تیا به کشور و انقلاب و مردم خیانت کردند بلکه به من نیز خیانت نمودند اگر آنان اسلحه نداشتند من مطلع نبودم اگر با شوروی ارتباط داشتند به من نروغ گفتند. بنا براین من نمی‌دانستم که در مسجرای جاسوسی و براندازی یک سازمان قرار گرفته‌ام و در مورد تحویل سلاحها نیز فقط يك روزی و دو همد روز که متعلق به یگان من نبوده بلکه در جریانات انقلاب بدست آورده محسوس این حزب دادم به این دلیل که حزب را حامی انقلاب می‌دانسته و فکر میکردم که اگر مسالهای اتفاق بیافتد این حزب نیز حامی انقلاب است و بدینست که این اسلحه‌ها را نگهداری نماید و بعد نیز که از مسئول اسلحه را خواستم گفت تحویل کمیته داده‌ایم و من در تمام مدتی که درجه‌ها بودم مطلقاً با عوامل حزب تماس نداشتم فقط یکبار (بهرام) که قبل از پرتوی مسئول بود یکبار با من تماس گرفت که آنهم حتی دقیقه هم طول نکشید و مسالهای نبود که زندانهای و در رابطه با خدماتی که انجام داده‌ام هیچ حرفی نمی‌زنم و معتقدم که خدا توفیق انجامشان را داده و خواست خدا بوده

سپس حاکم شرع از آقای پرتوی خواستند که در این مورد اگر مطلبی دارند بیان نمایند.

پرتوی توضیح داد که نامبرده زمینه‌هایی در رابطه با جذب به حزب داشته و از لحاظ سابق و خانواده و نحوه پیوستن او را به حزب بعد از انقلاب را شرح داد و گفت که تا قبل از اواخر سال ۸۰ (بهرام) با ایشان تماس داشته و از آن به بعد خودش با ایشان تماس نداشته تا زمان دستگیری و برای اینکه ایشان مطمئن تر برخورد نماید وی را به ملاقات آقای کیانوری بردم سپس به تشریح مواضع منافقانه حزب در رابطه با پشتیبانی از جمهوری اسلامی پرداخت و گفت که اگر حزب حرکتی در این زمینه انجام میداده نه بواسطه همکاری و همیاری با جمهوری اسلامی بودم بلکه به علت استفاده از قدرت این رژیم در سرکوبی عوامل آمریکا و جریانات امپریالیستی که بوده است و همچنین افزود که ایشان (کیبری) به علت موقعیت خویش دسترسی به اطلاعات نظامی

بقیه در صفحه ۲۳

نداشتند که به من بدهند ولی اگر تماسهایی با مقامات داشتند مطالب مطرح شده در ملاقات را با من در میان می‌گذارند و گفت که اصلاً در رابطه با تشکیلات مخفی بامتهم صحبت نکرده بود ولی تاکید نموده بود که این ارتباطات باید مخفی باشد و ایشان یک نفر را نیز جهت همکاری به ما معرفی کرده بود که پس از اینکه ما با آن شخص تماس گرفتیم او قبول نکرد و همکاری را رد نمود. و در خاتمه آقای پرتوی افزود که همه این جریانات از ایدئولوژی نشأت یافته یعنی وقتیکه ما معتقد شده به حزب مارکسیستی بنا به مقتضای ایدئولوژیکی خود وابستگی به یک مرکز کمونیستی جهانی پیدا کرده و همه این مسائل در برون آن جای نخواهد گرفت پس وابستگی احزاب کمونیستی به مرکز آن که شوروی است امری طبیعی است و جاسوسی نیز در پوشش اترناسیونالیستی و تئوری پردازانه‌ای از این قبیل عنوان میگردد ولی واقعیت امروز روشن شده است و واقعیت این است که ماهمه این مسائل را به ایدئولوژی که به آن معتقد بودیم توجه می‌نمودیم و حتی خود من که مدتی مستقیماً با یکی از عوامل شوروی در تماس بودم واقفاً فکر میکردم که کاری اصولی و منطقی انجام میدهم حتی قبیح این مسالده را تشخیص نمی‌دادم و فکر میکردم که این مساله به ریشه قضیه مربوط است و در ماهیت هیچ تغییری نمی‌نماید چون ماهیت از عمل ناشی میگردد و عمل ما هم در این جهت میباشد یعنی هم جاسوسی و هم براندازی است در دراز مدت بدینصورت تمام اعضای حزب جاسوسی میکردند چون هر کدام در تهیه خبر و در وسع توان و امکاناتشان در این زمینه کوشش میکردند و همه اعضاء فعالیت میکردند که هر چه بیشتر حزب قوی شود و به طرف بدست گرفتن قدرت سوق یابد و بنا براین همه اعضاء حزب در این اتهامات شریکند. البته من فکر میکنم که میتوان بین افرادی که با چشم باز و آگاهانه این جریانات را پدید آورده بودند و افرادی که ناآگاهانه در دام افتاده بودند تفاوت قائل شد و اگر امروز هم به اینجا برسیم که بجای این که از خود دفاع کنیم خود را محکوم و از جمهوری اسلامی ایران دفاع میکنیم بخاطر اینستکه ما به این نتیجه رسیده‌ایم که در چه گمراهی بسر می‌بریم گمراهی که در درجه اول جنبه فکری و عقیدتی و ایدئولوژیکی داشته و بنا براین مساله جاسوسی و براندازی که همه این جرائم که ما انجام دادیم بخاطر آن بوده و ما باید مجازات گردیم

در این رابطه قرار میگیرد. سپس دادستان مطالبی مبنی بر رد دفاعیات متهم بیان داشت و گفت که تحویل سلاح به حزب که شروع فعالیت براندازی و یا اقدامی است در این زمینه و همچنین شرکت در تشکیلات مخفی و نیز فعالیت در خبر رسانی حتی بعد از دستگیری سران حزب توده از آن جمله است.

سپس حاکم شرع از متهم خواست که آخرین دفاعیات خویش را بیان نماید کیبری در آخرین دفاعیات خود گفت:

من پس از انقلاب با حزب تماس گرفتم و چون فعالیتی در رابطه با مسائل ایدئولوژیکی نداشتم پس از نظر تئوری بسیار ضعیف بودم و فقط در رابطه با مسائل عدالت اجتماعی طرفدار این حزب شده بودم نه بخاطر ضدیدت با مذهب و هیچ وقت نیز به این صورت به این مساله فکر نکردم که مارکسیسم و اسلام اختلاف ریشه‌ای دارند و از همه اینها گذشته من اصلاً از اقدامات حزب و خودم نیز که عضوی از آن بودم دفاعی نمیتوانم بکنم. من فقط در دلم این است که فکر نمی‌کردم جاسوس شوروی بوده و در حال براندازی بودم قصد این اعمال را نیز نداشتم ولی حزب در این راهها قدم برداشته بود و اکنون نیز چون بارها شاهد عدالت دادگاه انقلاب اسلامی بوده‌ام مطمئنم که هر حکمی بدهند حق است و با طیب خاطر خواهیم پذیرفت و در پایان دادگاه برای شور خاتمه یافت.

گزارش پنجمین جلسه محاکمه عناصر تشکیلات مخفی، نظامی حزب جاسوسان

بخش خبری جمهوری اسلامی - دادگاه انقلاب اسلامی ارتش در پنجمین جلسه محاکمه عناصر تشکیلات مخفی نظامی حزب جاسوسان، به اتهامات سرهنگ عطاریان فرمانده سابق منطقه عملیاتی غرب کشور و سرهنگ کبیری مبنی بر عضویت در تشکیلات مخفی، جاسوسی بنفع حزب خائن توده و شوروی و اقدام بر علیه امنیت کشور رسیدگی و پس از آن وارد شور شد.

ماهی ۱۰۰ تومان
دندان اطلاعات سیاسی
نظامی محرمانه بشرح مندرج در
صفحات (۱۱ الی ۲۰ و ۲۵ و ۲۶،
۲۷، ۳۴، ۳۵، ۳۶ و ۴۲ الی
۴۵ و ۵۳ پرونده) ضمناً مشارلیه
تا قبل از دستگیری فعالانه
مرتبط بوده است.

متهم دوم سرهنگ بیژن
کبیری فرزند جواد دارای
شناسنامه شماره ۲۰۱ صادره از
تهران متولد ۱۳۱۶ دارای عیال
و اولاد بسیار داشت از تاریخ
۶۲/۲/۹

وی در سالهای ۳۰ و ۳۱ با
مسائل سیاسی آشنا و فعالیت
خود را در رابطه با سازمان
جوانان حزب توده شروع میکند.
بعد از کودتای ۲۸ مرداد تماس
خود را با حزب قطع و مجدداً
بعد از پیروزی انقلاب با
تشکیلات فوق تماس گرفته و
فعالیت خود را شروع میکند که
این فعالیت تا روز دستگیری
ادامه داشته است.
فعالتهای وی از این قرار
است:

الف- فعالیت در شبکه مخفی
نظامی تشکیلات گاه نام مستعار
مسئولیت بهرام و خسرو (بشرح
مندرج در صفحات ۶-۷-۸-
۱۶ و ۶۶ پرونده و با نام مستعار
رضا)

ب- اجرای قرار و تشکیل
جلسات حزبی در منزل خود در
خیابان و اماکن عمومی که در
بعضی از این قرارها کنایه هم
حضور داشته است (صفحات
۶-۷-۸-۱۳ و ۵۰ پرونده)

ج- پرداخت حق عضویت
ماهانه ۱۰۰۰ تومان که جمع آن
۲۰ هزار تومان میباشد.
دندان اطلاعات محرمانه در
رابطه با عملکرد خود به
تشکیلات و نفوذ در نهاد انقلابی

بگزارش خبرنگار ما در این
جلسه که پرتوی مسئول سازمان
مخفی نظامی حزب منجمله و
خائن توده نیز حضور داشت،
پس از تلاوت آیاتی چند از
کلام الله مجید، دادستان انقلاب
اسلامی ارتش متن کیفر خواست
دو متهم مذکور را بدین شرح
قرائت نمود:

متن کیفر خواست
سرهنگ هیوشنگ عطاریان
فرزند علی دارای شناسنامه
شماره ۸۰۶۱۱ صادره از همدان
متولد ۱۳۱۵ دارای عیال و
اولاد بسیار داشت از تاریخ
۶۲/۲/۱۰

وی در سال ۱۳۳۱ بعثت کار
در یک کارگاه با حزب توده آشنا
و در اوائل سال ۳۳ تقاضای
عضویت در سازمان جوانان حزب
توده را کرد ولی بعثت کودتای
۲۸ مرداد این عمل انجام
نمیشود و تماس وی قطع
میکردد ولی بعد از پیروزی
انقلاب ضمن مراجعه بدفتر حزب
تماس مجدد گرفته و فعالیت
خود را در رابطه با شبکه مخفی
نظامی شروع میکند که این
تماس تا وقت دستگیری ادامه
داشته است.

اعمال ارتكابی مشارلیه بشرح زیر
است:
الف- فعالیت در شبکه مخفی
نظامی تشکیلات گاه نام مستعار
حبیب و تحت مسئولیت بنایک و
خسرو (بشرح مندرج در صفحات
۵۱ و ۵۲ پرونده)
ب- اجزای قرار و تشکیل
جلسات حزبی در ماشین و منزل
خود که در بعضی از این قرارها
کنایه هم حضور داشته
است (ص ۳۴ و ۳۵ پرونده)
ج- پرداخت حق عضویت

(صفحات ۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-
۱۹-۲۰-۲۱-۲۶-۲۹-
۳۰-۳۱-۳۲ پرونده)
د- تحویل دو قبضه سلاح
پوزی و ۲ قبضه سلاح رولوریا
استفاده از موقعیت نظامی بودن
خود به تشکیلات (ص ۷ پرونده).
و- معرفی یک نظامی بنام
تشکیلات (ص ۷ و ۴۷).
ق- ادامه فعالیت در زندان برای
تشکیلات

ضمناً مشارلیه تا قبل از
دستگیری فعالانه مرتبط بوده
است.

گزارش خبرنگار ما حاکیست
که سپس ججستالا سلام
ری شهری رئیس دادگاه انقلاب
اسلامی ارتش از سرهنگ
عطاریان خواستار دفاع از خود
شد.

عطاریان:
من جاسوسی و اقدام بر علیه
امنیت کشور و براندازی را قبول
نداشته، ولی فعالیت و عضویت
در شبکه مخفی را قبول دارم
زیرا اگر کسی هدف براندازی
داشته باشد بخاطر این است که
به چیزی و پول و مقامی برسد و
در جهت تضعیف انقلاب عمل
مینماید، ولی من از تاریخ ۵
اسفند ۵۷ که در جمهوری
اسلامی مسئولیت پذیرفتم تا روز
دستگیریم برای حفظ نظام
جنگیدم.

وی سپس در ادامه دفاعیات
خود نمونههایی از اقداماتی را
که در طول خدمت انجام داده
بود برشمرد و اینها را دلیلی بر
رد اتهام براندازی دانست و
گفت: از طرف حزب اصلاً
صحبت براندازی پیش نیامد که
اگر چنین مطلبی را عنوان کرده
بودند من الان در اینجا نشسته
بودم. طی ۱۳ ماهی که در جبهه
بوده با حزب تماس نگرفته و هر
ماه با مسئولین دادگاه و سایر
مسئولین در تماس بودم، برای
اینکه بتوانم کار خود را بنحو
احسن انجام داده و روابط
تشکیلاتی مانعی بر انجام این
امور نباشد. ۱۵ روز قبل از
پایان ماهی من (بناک)
را به دفترم فرستادند و آئین
نامه‌ای را از من خواستند که متن

به ایشان ندادم. اما در رابطه با
جاسوسی من خبرها و اسنادی را
افشاء میکردم ولی هیچکدام از
مواردی را که من به حزب
میدادم بصورت کتبی و طبقه
بندی شده نبودند، که بصورت
جاسوسی باشد. مثلاً من خبری
طیس را به عوامل حزب گفتم که
شب از رادیو توسط بسنی صدر
افشاء شد و بنا اخباری را که از
رادیوهایی مختلف جمع آوری
میشد من بصورت تحلیل در
میاوردم که (خسرو) علاقمند
بود که این مطالب را داشته باشد
و من به ایشان میدادم که بعداً
ایشان علاقهای نشان نداده و در
مورد قرارها من هفتغای یکبار
ایشان را میدیدم و اصولاً من در
رابطه با قرارها تنبیل بودم و
فعالانه عمل نمی نمودم و در
قرارها من نتایج جنگ و اخبار
ستاد مشترک و همچنین چند
مسوره که محرمانه بوده را

میدادم، ولی من این گزارشات را
بصورت تند و بمذکرک ندادم و
در حدی که در کمیسیون
شورای عالی دفاع بودم گزارشات
از آن جلسات رابطه میدادم.
سپس حاکم شرح از پرتوی
خواست که در این زمینه اگر
مطلبی دارند بیان کنند.

پرتوی فعالیتتهای قبل از
انقلاب ایشان را تأیید نمود و
گفت: بعد از انقلاب ایشان
شخصاً به حزب مراجعه نموده و
پارالل ارتباطی ایشان را آقای
کیانوری بمن دادند و من به
یکی از مسئولین تشکیلاتی بنام
بابک دادم که در اترمان آقای
عطاریان فرمانده لشکر ۲ پیاده
بودند و از اواخر ۵۸ و با اوایل
۵۹ خودم با ایشان تماس
میکرفتم که این تماسها یا در
خیابان و یا در ماشین و کوتاه
مدت بوده است.

وی سپس اظهارات عطاریان
را در مورد بستنی در امر ملاقات
و قرار و اینکه در مستدیکه در
جبهه بوده و به تهران میآمده
علیرغم نظر حزب با مسئولین
تماس نمیکرده را تأیید نمود و
گفت: در این اواخر من به
منزلشان میرفتم و چهار یا پنج
بار نیز بیشتر حق عضویت که هر

بار ۱۰۰ تومان بوده نداده است و در مورد اطلاعات ایشان چون مأموریتی در رابطه با بررسی جریانات طبعی داشته اند رونوشت گزارش خویش را بمن دادند و در مورد جنگ نیز ایشان اخبار جنگ را میداده و علاوه بر آن اگر قرار بود حمله‌ای صورت بگیرد و اینکه از کدام نقطه بیاید صورت بگیرد گاهی بسطور کلی در اختیار ما میدادند و اصولاً از وقتیکه در مقام مشاورت وزارت دفاع قرار گرفتند دستیابی ایشان به اطلاعات بالا بطور سیستماتیک افزایش یافته و در هر ملاقاتی ایشان کم و بیش این مسائل را مطرح مینمودند و دیگر اینکه ایشان مدتی در یکی از کمیسیونهای شورایی دفاع شرکت میکرد و مطالبی را که باید در جلسات شورایی دفاع طرح شود را بمن دادند و چون ایشان با نمایندگان امور خارجه و غیره در ارتباط بودند مطالبی را که آنها مطرح مینمودند را نیز بمن میدادند و سمینارهای در مورد طرح دفاعی کشور تشکیل شده بود که این اطلاعات را نیز به من دادند و کلاً با شخصیتهای مختلفی تماس داشتند و مطالب بدست آمده را بمن میدادند و همچنین اطلاعات سری را تا آنجا که بدست میآوردند بمن میداد.

سپس دادستان در مورد اتهامات عطاریان گفت:
همانطوریکه همه اعتراف نمودند منظور از ایجاد شبکه مخفی چیزی جز بدست آوردن قدرت و عوض کردن سیستم بنفع خود که همان بر اندازی است نمیباشد، چرا که اگر صرفاً فعالیت حزبی مطرح باشد وجود اسامی مستعار و مخفی کاری و... مفهومی ندارد و مسلم است که بر اندازی رژیم را که با پشتوانه بیش از ۹۸٪ آراء مردم پابرجاست امکان نداشته و قهراً به چنین اعمالی توسل جسته و اقدام به ایجاد تشکیلات مخفی مینماید و همین خدماتی را که شما بعنوان رد بسیراندازی بر شمردید، بنا بر اظهارات آقای پرتوی برای اینکه خط حزب این بوده که افسران برای تشبیت موقعیت خویش و نفوذ هرچه بیشتر فعالیتهایی بنمایند دقیقاً در خط حزب و برای حزب بوده نه برای تثبیت جمهوری اسلامی و هدفشان در نهایت زدن ضربتهای عظیم و هولناکتر و اما در رابطه با جاسوسی تلقی شما از جاسوسی نادرست بوده و من قانون را برای شما میخوانم: هر گاه کسی با تبعه دولتی که طرف خصومت یا دولت جمهوری اسلامی ایران است...

بسر ببرم و از شما میخواهم که بمن فرصت داده تا بدین وسیله گناهانم را جبران نمایم. من نفهمیدم که چه کردم. من را لیبرالها به این راه کشاندند! من میخواهم تا بعنوان سرهنگ بلکه بعنوان یک سرباز و بسیجی ساده بجنگ رفته و کشته شوم والا ماندنم و زندگی کردنم با این ننگ چه فایده‌ای دارد. شما را بخدا بگذارید که کشته شوم تا این ننگ در خانواده‌ام باقی نماند.

بگزارش خبرنگار ما سپس حاکم شرع دادگاه انقلاب اسلامی ارتش از بیژن کبیری خواستند که در رابطه با موارد اتهام خویش که توسط دادستان قرائت شد، از خود دفاع نمایند. بیژن کبیری: من به هیچ وجه نمی‌خواهم از گذشته خویش دفاع نمایم، من اصلاً از تشکیلات مخفی و نظامی حزب اطلاعی نداشتم و خودم را عضوی از حزب توده میدانستم و فکر میکردم تنها عضو نظامی این حزب هستم.

من با توجه به سابقه ذهنی سالهای ۳۱ و ۳۲ و اینکه میدیدم که حزب علنی فعالیت مینماید و روزنامه و نشریاتش را علنی به فروش میرساند و از انقلاب حمایت مینماید جذب حزب شدم، ولی متأسفانه حزبی را انتخاب کردم که رهبرانش امروز اعتراف به خیانت و وابستگی نمودند که من اصلاً اطلاع نداشتم و بعداً که این اعترافات را دیده و شنیدم متوجه این قضیه شده و شدیداً محکوم می‌نمایم. اینها نه تنها به کشور و انقلاب و مردم خیانت کردند بلکه به من نیز خیانت نمودند. اگر انبار اسلحه داشتند من مطلع نبودم، اگر بنا شوروی ارتباط داشتند به من دروغ گفتند. بنابراین من نمی‌دانستم که در مجرای جاسوسی و براندازی یک سازمان قرار گرفته‌ام و در مورد تحویل سلاحها نیز فقط یک یوزی و دو عدد رولور که متعلق به یگان من نبوده، بلکه در جریانات انقلاب بدست آورده تحویل این حزب دادم به این دلیل که حزب را حامی انقلاب میدانسته و فکر میکردم که اگر مسئله‌ای اتفاق بیافتد، این حزب نیز حامی انقلاب است و بد نیست که این اسلحه‌ها را نگهداری نماید و بعداً نیز که از مسئول اسلحه را خواستم گفت تحویل کمیته داده‌ام و من در تمام مدتی که در جبهه‌ها بودم مطلقاً با عوامل حزب تماس نداشتم. فقط یکبار (بهرام) که قبل از پرتوی مسئول بود با من تماس گرفت که آنهم حتی ۵ دقیقه هم طول نکشید و

مخابره نماید و آن مکاتبه و مخابره متضمن هیچکدام از جنایات مذکور در ماده ۲) یعنی ماده قبلیش نبوده باشد ولی میدانم که برای دشمن متضمن تعلیمات و فوایدی است که برای امور نظامی یا سیاسی دولت جمهوری اسلامی مضر است جزای او... مسئله اینست که برای صدق عنوان جاسوسی، دادن اطلاعاتی که متضمن تعلیمات و فوایدی است کافی است نه لزومی دارد که شما اطلاعات را بعد از وقوع بدهید، در حالیکه آقای پرتوی اظهار کردند که شما اطلاعاتی را قبل از عمل داده‌اید ثانیاً شما نظامی هستید و میدانید که اگر در چند مرحله اگر حتی بعد از انجام عملیات نیز شما اطلاعات و چگونگی عملیات را به دشمن بدهید، شگرد عملیات نظامی بدست دشمن خواهد آمد و آنها پیش‌بینی خواهند کرد که مآذ بر نامه‌های تدافعی و تهاجمی خویش چگونه عمل خواهیم نمود و اما ماده ۷ در رد آن قسمتی که شما گفتید که مدارک کتبی ندادید، در هیچ کجا برای صدق عنوان جاسوسی دادن مدارک کتبی شرط نیست و در هیچ کجا قانونگذار قید نکرده است به کتبی بودن مطلب، می‌گویند هر کس که نقشه‌ها و اسراری را که راجع به سیاست داخلی و خارجی مملکت است به هر نحو به کسی که صلاحیت اطلاع بر آن را ندارد بدهد یا آنها را بنحوی از اسرار یا نقشه‌های مزبور مطلع سازد و یا بطور کلی مز تکب عملی شود که متضمن قسمتی از جاسوسی باشد، برای صدق جاسوسی کافی است. هر چند شما پذیرفتید که اطلاعات مجرمانه را داده‌اید.

حاکم شرع: اگر توضیحی دارید بعنوان آخرین دفاع بیان نمائید؟

عطاریان: ضمن تأیید اینکه میدانسته با حزبی که صددرصد طرفدار شوروی است در ارتباط بوده از برادران بازجو تشکر میکنم که آخرت را بمن نشان دادند و من بساز داشگاه را دانشگاه یافتم و اکنون نیز مردن برایم بهتر بود تا آمدن به این دادگاه، من همه اتهامات را در بست میپذیرم و آن دفاعیات را نیز به این علت عنوان نمودم که شما بدانید در وجود من چه میگذشته و میگذرد، ولی اکنون بدرگاه خداوند توبه کردم. از همه گناهان گذشته‌ام توبه کرده‌ام و نذر کردم. اگر خلاصی یافتم بقیه عمرم را در جبهه‌ها

مستلغای نبود که رد نمایم و در رابطه با خدماتی که انجام داده‌ام هیچ حرفی نمی‌زنم و معتقدم که خدا توفیق انجامشان را داده و خواست خدا بوده

سپس حاکم شرع از آقای پرتوی خواست که در این مورد اگر مطلبی دارند بیان نمایند. پرتوی: نامبرده زمینهای در رابطه با جذب به حزب داشته و تا قبل از اواخر سال (۵۸) (بهرام) با ایشان تماس داشته و از آن به بعد خودش با ایشان تماس داشته تا زمان دستگیری و برای اینکه ایشان مطمئن تر برخورد نمایند وی را به ملاقات آقای کبانوری بردم. وی سپس به تشریح مواضع مناقات حزب در رابطه با پشتیبانی از جمهوری اسلامی پرداخت و گفت: اگر حزب حرکتی در این زمینه انجام میداده نه بواسطه همکاری و همیاری با جمهوری اسلامی بوده، بلکه به علت استفاده از قدرت این رژیم در سرکوبی عوامل آمریکا و جریانات امپریالیستی بوده است وی همچنین افزود: ایشان (کبیری) به علت موقعیت خویش دسترسی به اطلاعات نظامی نداشتند که به من بدهند ولی اگر تماسهایی با مقامات داشتند مطالب مطرح شده در ملاقاتها را با من در میان میگذاردند. در رابطه با تشکیلات مخفی با متهم صحبت نشده بود ولی تأکید نموده بودم که این ارتباطات باید مخفی باشد و ایشان بکنفر را نیز جهت همکاری به ما معرفی کرده بود که پس از اینکه ما با آن شخص تماس گرفتیم و او بقیه در صفحه ۲

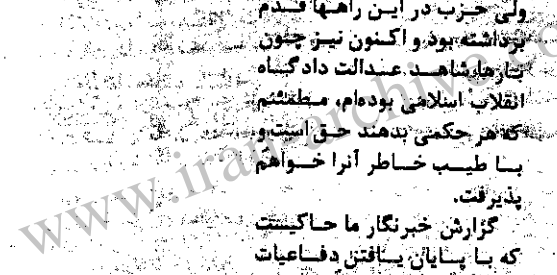
گزارش پنجمین

بقیه از صفحه ۱۱

قبول نکرد و همکاری را رد نمود. همه این جریانات از ایدئولوژی نشأت یافته، یعنی وقتیکه ما معتقد شدیم به حزب مارکسیستی بنا به مقتضای ایدئولوژیکی خود وابستگی یک مرکز کمونیستی جهانی پیدا کرده و همه این مسائل در درون آن جای خواهد گرفت پس وابستگی احزاب کمونیستی به مرکز آن که شوروی است امری طبیعی می‌باشد و جاسوسی نیز در پوشش انترناسیونالیستی و تئوری پردازی‌هایی از این قبیل عنوان میگردد ولی واقعیت امروز روشن شده است. واقعیت این است که ما همه این مسائل را با ایدئولوژی که به آن معتقد بودیم توجیه می‌نمودیم و حتی خود

من که مدتی مستقیماً با یکی از عوامل شوروی در تماس بودم واقعاً فکر میکردم که کاری اصولی و منطقی انجام میدهم. حتی قبح این مسئله را تشخیص نمی‌دادم و فکر میکردم که این مسئله به ریشه قضیه مربوط است و در صاهیت هیچ تستیبری نمی‌نماید چون صاهیت از عمل ناشی میگردد و عمل ما هم در این جهت می‌باشد هم جاسوسی و هم براندازی است در دراز مدت بدینصورت تمام اعضای حزب جاسوسی میکردند چون هر کدام در تهیه خسر و در وسیع توان و امکاناتشان در این زمینه کوشش میکردند و همه اعضا فعالیت می‌کردند که هر چه بیشتر حزب قوی شود و به طرف بدست گرفتن قدرت سوق یابد و بنابراین همه اعضا حزب در این اتهامات شریکند. البته من فکر میکنم که میتوان بین افرادی که با چشم باز و آگاهانه این جنایات را پسندید آورده بودند و افرادی که ناآگاهانه در دام افتاده بودند تفاوت قائل شد و اگر امروز هم به اینجا میرسیم که بجای این که از خود دفاع کنیم خود را محکوم و از جمهوری اسلامی ایران دفاع میکنیم بخاطر اینست که ما به این نتیجه رسیدیم که در چه گمراهی بیرونی بودیم. گمراهی که در درجه اول جنبه فکری و عقیدتی و ایدئولوژیکی داشته و بنابراین مسئله جاسوسی و براندازی که همه این جرائم را که ما انجام دادیم بخاطر آن بوده و ما باید مجازات گردیم. سپس دادستان مطالبی مبتنی بر رد دفاعیات متهم بیان داشت و گفت: تحویل سلاح به حزب که

شروع فعالیت براندازی و ایسا اقدامی است در این زمینه و همچنین شرکت در تشکیلات مخفی و نیز فعالیت در خسر رسانی حتی بعد از دستگیری سران حزب توده از آن جمله است. سپس حاکم شرع از متهم خواست که آخرین دفاعیات خویش را بیان نماید. کبیری: من پس از انقلاب با حزب تماس گرفتم و چون فعالیتی در رابطه با مسائل ایدئولوژیکی نداشتم پس از نظر تئوری بسیار ضعیف بودم و فقط در رابطه با مسائل عدالت اجتماعی طرفدار این حزب شده بودم، نه به خاطر ضدیت بنا مذهب و هیچ وقت نیز به این صورت به این مسئله فکر نکردم که ما کسبیم و اسلام اختلاف ریشه‌ای دارند و از همه اینها گذشته من اصلاً از اقدامات حزب و خودم نیز که عضوی از آن بودم دفاعی نمی‌توانم بکنم. من فقط درد دلم این است که فکر نمی‌کردم جاسوس شوروی بوده و در حال براندازی بودم و قصد این اعمال را نیز نداشتم. ولی حزب در این راهها قدم برداشته بود و اکنون نیز چون نیازها شاهد عدالت دادگناه انقلاب اسلامی بوده‌ام، مطمئنم که هر حکمی بدهند حق است و با طیب خاطر آنرا خواهم پذیرفت. گزارش خبرنگار ما حاکیست که با پایان یافتن دفاعیات متهمین عسائریان و کبیری، جلسه دادگاه خاتمه یافت و بمنظور صدور حکم نهائی وارد شور شد.



اطلاعات

چهارشنبه ۲۳ آذرماه ۱۳۶۲

صفحه ۴

محاكمه دومین گروه از عناصر نظامی تشکیلات مخفی حزب منجمله وخائن توده آغاز شد

دادگاه انقلاب اسلامی ارتش، صبح امروز محاکمه دومین گروه از عناصر نظامی تشکیلات مخفی حزب جاسوسی توده را به اتهام عضویت در تشکیلات مخفی با هدف براندازی و جاسوسی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، آغاز کرد.

اسامی گروه اتفوری که تحت مسئولیت محمد مهدی پرتوی مسئول تشکیلات مخفی و شاهرخ جهانگیری مسئول شاخه نظامی تشکیلات مخفی حزب توده در نیروی هوایی و دریائی ارتش جمهوری اسلامی ایران، مذبحخانه فعالیت داشتند، عبارت است از: شاهرخ جهانگیری (فیرنظامی) ناخدا سوم محسن بیدگلی، ناخدا علی اکبر میرزائی، همافر یکم بهمن حافظینیا، سرگرد نیروی هوایی صابر ظفر حیدری و نائبروان عباس هاشمی نژاد.

جلسه علنی امروز دادگاه که در آن محمد مهدی پرتوی نیز حضور داشت، پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید و سنیّت پانث و دادستان انقلاب اسلامی ارتش کیفرخواست هریک از متهمین را قرائت کرد.

در محاکمه دومین گروه از اعضای تشکیلات مخفی حزب منحل توده

گزارش محاکمه دومین گروه اعضای تشکیلات مخفی حزب منحل توده

نحوه ارتباط اعضای حزب خائن توده با شوروی و چگونگی آموزش شبکه مخفی در آن کشور فاش شد.

صفحه ۳



آمریکا از انگلیس بدو
انگلیس از آمریکا بدو
شوروی از آمریکا بدو
طرح پیشنهادی
برنامه‌های
سازمانی

تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی
صبح دیروز محاکمه ۶ تن دیگر از اعضای شبکه مخفی حزب جاسوس توده، در محل دادگاه انقلاب آرش و پینه رشت تحت الحمایه اسلامی شهری آغاز شد.
در این جلسه شاهرخ جهانگیری و ناخدا سوم محسن بیگلی و همافز یکم بهمن حافظی ضمن پاسخگویی به سئوالات رئیس دادگاه بدفاع از خود در برابر اتهامات وارده در کیفرخواست پرداختند.

کیفرخواست مستقیماً تهیه و بیرونده مرکباً منضم است لیکن از جهت این که این عده تحت مسئولیت مشخص واحدی عمل نمی‌کرده‌اند، ذیلاً با عمل ارتكابی هر يك اشاره میشود. شرح اتهامات متهم ردیف يك (شاهرخ جهانگیری)
۱- حضور در بالای تشکیلات مخفی و مشاور کمیته مرکزی تحت مسئولیت خسرو (ص) ۱۱ و ۳۲)
۲- مسئول شاخه هوایی، درتایی تشکیلات مخفی (ص) ۳۲)
۳- تحت مسئولیت داشتن افرادی به نام های شاهین، شایان، همایون، و تیمور که هر يك از آنان تعدادی نظامی تحت مسئولیت خود داشتند (ص ۳۲ و ۱۱۳)
۴- تحت مسئولیت داشتن عده‌ای از افسران توده‌ای به اسمی مستعار سهراب، مهاجر بیژن، جاوید و فرهنگ، سیاوش، عارف، بهمن و تشکیل جلسات در منزل آنها.

متولد سال ۱۳۲۶، بازداشت از تاریخ ۲۲/۴/۶۲
۱- ناخدا علی اکبر بیروانی فرزند علی محمد، با نام مستعار سهراب دارای شناسنامه شماره ۲۱۹ صادره از آراك متولد ۱۳۲۵، بازداشت از تاریخ ۱۷/۲/۶۲
۲- موضوع اتهامات: جاسوس، عضویت در تشکیلات مخفی با هدف برانگیزی کردشکار و نتیجه تحقیقات - در این کشف تشکیلات مخفی حزب خائن و جاسوس توده که در صدد برانگیزی جمهوری اسلامی ایران بودند مشخص شد که متهم ردیف يك مسئولیت شاخه نظامیان در نیروی هوایی و نیروی دریایی را به عهده داشته و در راه تحقق اهداف خود این حزب منفور بسیار فعال از کارگزاران و عاملین اصلی و مهم این شبکه بود.
۳- شرح اتهامات: مشارکت در ارتكابی هر يك از متهمین بطور جداگانه فر

متولد سال ۱۳۲۵، بازداشت از تاریخ ۱۷/۲/۶۲
۳- همافز یکم بهمن حافظی نیا فرزند اکبر با نام مستعار فرهنگ دارای شناسنامه شماره ۶۰۱ صادره از تهران متولد سال ۱۳۲۹، بازداشت از تاریخ ۱۷/۲/۶۲
۴- سرگرد هوایی صابر ظفرحیدری فرزند حسین با نام مستعار مهاجر دارای شناسنامه شماره ۶۱ صادره از سراب متولد سال ۱۳۲۱، بازداشت از تاریخ ۱۷/۲/۶۲
۵- ناو سروان عباس حاشمی نژاد فرزند مرتضی با نام مستعار سپهر دارای شناسنامه شماره ۳۴ صادره از خمین

بگزارش خبرنگار ماسدو این جلسه پس از تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید، دادستان انقلاب اسلامی مشخصات و متن کیفرخواست متهمین را بدین شرح قرائت نمود:
الف - مشخصات متهمین:
۱- شاهرخ جهانگیری فرزند غلامحسین با نام مستعار فرهنگ دارای شناسنامه شماره ۳۳۹، ۲ صادره از رشت متولد ۱۳۲۸، دبلیه بازداشت او تاریخ ۱۷/۲/۶۲
۲- ناخدا سوم محسن بیگلی، فرزند سعید با نام مستعار بیژن دارای شناسنامه شماره ۱۳۸۰ صادره از ورامین

۵- تلاش جهت جذب نیرو و گسترده کردن تشکیلات و دادن رهنمود های سیاسی ، امنیتی باعضا و تشویق آنها به تفوق مرجه بیشتر و دادن انواع گزارشات (ص ۹۹)

۶- دریافت جدید ترین و دقیق ترین اطلاعات نظامی محرمانه از نیرو های تحت مسئولیت خود (ص ۹۹) ۱۰۱ و ۱۰۲

۷- موظف نمودن اعضا تشکیلات مخفی پندادن حق عضویت و جمع آوری آن و از این رهگذر دریافت کمک هزینه ماهانه و مبلغ یکصد و پنجاه هزار تومان جهت خرید اتومبیل (ص ۱۱۴)

۸- جاسازی ایناد و منیرک درون گروهی در منزل خود.

۹- دریافت چندین قفسه سلاح از زیر دستان خود و تحویل آنها به مسئول کسل تشکیلات مخفی (ص ۱۰۵، ۱۰۶)

۱۰- داشتن ارتباطات جاسوسی بااعضاء سفارت روسیه در تهران و تبادل اطلاعات (ص ۸ و ۳۷ و ۵۱ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۹۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹)

۱۱- طی نمودن دوره آموزشی بمدت ۶ ماه در شوروی (ص ۱۱ و ۳۵)

۱۲- سعی در ایجاد راه های فرار برای مسئولین حزب از طریق افراد تحت مسئولیت خود که در این رابطه اقداماتی انجام گرفته از آن جمله تهیه يك قایق موتوری (ص ۸۲ و ۱۱۴)

۱۳- ارتباط با رابلا کثرت جهت انتقال افراد نظامی و اسبه نیازمان فدائیان اکثریت حزب توده و انتقال یافتن یازده نفر اکثریتی بحزب توده از این رهگذر (ص ۷۳)

شرح اتهامات متهم ردیف ۲ (ناخدا سوم محسن بیدگلی)

۱- عضویت و فعالیت در شبکه مخفی نظامی و تحت مسئولیت حاتمی و هوشنگ (ص ۱۰۵، ۱۰۸)

۲- با نام مستعار بیژن

۳- پرداخت حق عضویت ماهانه هزار و هشتاد و دو هزار تومان (ص ۱۹ و ۳۶)

۴- تشکیل جلسات حزبی در منزل خود که در بعضی از آن جلسات کیانوری هم حضور داشته است (ص ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲)

۵- گزارش دادن از محیط اطراف خود، نظاره به مذهبی بودن و ادامه فعالیت حتی پس از پیام حضرت امام و تا لحظه دستگیری.

شرح اتهامات متهم ردیف ۳ (بهمن حافظی نیا)

۱- عضویت و فعالیت در شبکه مخفی نظامی با نام مستعار فرهنگ و تحت مسئولیت هوشنگ (ص ۲۵)

۲- تشکیل جلسات حزبی در منزل خود و اجرای قرارهای تشکیلاتی (ص ۱۸ و ۱۹)

۳- دادن گزارشات و اطلاعات محرمانه از محل کار خود به تشکیلات و دریافت دوربین مخصوص جهت عکسبرداری از اسناد و مدارک (ص ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۴)

۴- پرداخت حق عضویت بطور متفاوت و جمعا ۲۴ هزار تومان (ص ۴۷)

۵- جذب معرفی چهار نفر نظامی به تشکیلات با نامی محمد انصاری ، حمید ، علی و رشید (ص ۱۷ و ۳۰ و ۴۳)

۶- جمع آوری سه قفسه اسلحه ۳ باضافه دو قفسه دیگر که اوائل انقلاب سرق کرده بود و تحویل آنها به تشکیلات مخفی (ص ۱۹)

۷- ادامه همکاری حتی بعد از پیام حضرت امام (ص ۳۳)

شرح اتهامات متهم ردیف ۴ (صابر ظفر حیدری)

۱- عضویت و فعالیت در شبکه مخفی با نام مستعار مهاجر و تحت مسئولیت هوشنگ (ص ۵)

۲- پرداخت حق عضویت در مجموع دوازده تا سیزده هزار تومان (ص ۶ و ۱۶)

۳- اجرای قرار های تشکیلاتی در خیابان و در منزل خود به اتفاق مسئولین (ص ۱۵)

۴- معرفی محمد تقی کاوه به تشکیلات (ص ۱۶ و ۳۵)

۵- دادن اطلاعات سیاسی، نظامی به تشکیلات (ص ۲۱ و ۳۰)

۶- دریافت مبلغ پنجاه هزار تومان از حزب به عنوان قرض (ص ۲۶)

۷- ادامه فعالیت تا لحظه دستگیری (ص ۲۲)

شرح اتهامات متهم ردیف ۵ (ناوسروان عباس هاشمی نژاد)

۱- عضویت و فعالیت در شبکه مخفی نظامی با نام مستعار سپهر تحت مسئولیت سیاوش (حسن صراف پور)

۲- اجرای قرار و تشکیل جلسه در منزل خود (ص ۱۷)

۳- پرداخت حق عضویت به میزان پانصد تومان (ص ۲۰)

۴- ادامه فعالیت حتی بعد از پیام حضرت امام و تا لحظه دستگیری (ص ۱۰)

شرح اتهامات متهم ردیف ۶ (علی اکبر میرزائی)

۱- عضویت و فعالیت در شبکه مخفی با نام مستعار سهراب و تحت مسئولیت دائی و هوشنگ (ص ۳۲ - ۳۵ - ۹۱)

۲- تشکیل جلسات حزبی در منزل خود با اتفاق حقیقت ، احمدی ، بیدگی ، محافی همراشان که دو بار در این جلسات کیانوری شرکت داشته و در بقیه موارد دائی یا هوشنگ حضور داشته اند.

۳- پرداخت حق عضویت ماهانه هزار تومان و جمعا ده هزار تومان با اینس توضیح که اغلب بملت اینکه متهم در تهران نبوده حتی

عضویت راهمشرش می پرداخته است .

۴- قبول پیشنهاد مسئول خود در رابطه با فراری دادن عده ای از سران حزب توده یوسله قایق از ایران به این که این قفسه بعد امتحانی میشود (ص ۹۱)

۵- دادن گزارشات و اطلاعات محرمانه از محل کارش به تشکیلات (ص ۹۰ و ۹۱)

۶- ادامه فعالیت حتی بعد از پیام حضرت امام و تا لحظه دستگیری.

با عنایت بشرح فوق رسیدگی نهائی پشاهامات هر يك از متهمین و صدور حکم شرعی در پاره هر کدام بعنوان معارب و مفسد فی الارض و باستناد ماده ۱۹۹ قانون حدود و قصاص مورد تقاضاست.

دانشتان انقلاب اسلامی ارتش- اتابکی

بسر قرائت متن میفرخواست توسط دادستان دادگاه انقلاب ارتش، شاهرخ جهانگیری مسئول شاخه نیروهای هوایی و دریائی تشکیلات مخفی حزب جاسوسی توده به دفاع از موارد مختلف اتهامات خود پرداخت و گفت:

برای من شوروی را بعنوان سبیل کمک به نهضت های آزادیبخش مطرح کرده بودند، و به این ترتیب من را بطرف حزب نامرحله عضویت گرایش دادند تا اینکه در سال ۵۲ پس از مدتی کار ثوریک بدیشهاد پرتوی از کار در بانک استعفا دادم و برای فعالیت آزادتر به روستا رفتم و معلمم و همزمان مسئولیت پخش تراکت های کوچکی را که منتشر میکردیم نیز بعهده داشتم.

تا اینکه پس از مستفی تشکیلات ما ترانسفر شدیم به ویسوی حزب را منتشر کند که از همان روز اول مسئولیت پخش آن نیز بعهده من بود. در سال ۵۵ آقای پرتوی بمن اطلاع داد که بوزی برای خارج از کشور هست که باید از آن استفاده کنم و در پی آن بدآلمان شرقی رفتم و در آنجا درخواست کیانوری برای طی يك دوره شش ماهه به اتحاد شوروی رفتم و پس از طی چند دوره کلاس آموزشی و تخصصی در رابطه با مثنی حزب توده مجددا به ایران برگشتم و بنوان راننده تاکسی فعالیت کردم.

پیش مجددا نشریات حزبی را از سرگرفتم تا اینکه بدلیل تجربه ای که در پخش نشریات داشتم، مسئولیت چند نفر دیگر از اعضای حزب را برای فعال شدن کار پخش بمن دادند که این اولین مسئولیت عمده من در حزب بود.

جهانگیر افزود: در سال ۵۷ از کار پخش نشریات

کناره گرفتم و مسئولیت بلاتر در امر نشر نشریات حزب بمن واگذار شد تا اینکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی که بمن تمایل به فعالیت در بخش مطبوعاتی حزب داشتم به سفارش پرتوی که در مخفی نبودن فعالیت تشکیلات حزبی داشت، بمدت یکسال دیگر نیز در تشکیلات مخفی باقی ماندم. در سال ۵۹ تشکیلات اسناد نظامی را که جذب حزب شده بودند مستقل کردند و مسئولیت شاخه نیروهای هوایی را که یکی از سه شاخه ارتش بود بمن واگذار کردند، ولی کار در این قسمت را با مسئولیت هفتست همافر توده ای آغاز کرده ام و بترتیب کلیه مسائل نیروی هوایی در ارتباط با حزب را بمن واگذار کردند.

متهم گفت: یکسال پیش از دستگیری مسئولیت يك گروه پخشنده از عناصر نفوذی حزب در نیروی دریائی نیز از طریق پرتوی بمن واگذار شد و چون در نیروی دریائی تشکیلات گسترده ای نداشتیم، تشکیلات جداگانه برای آن فراهم نکردند و از همین انام مسئولیت امور حزب در نیروی دریائی را نیز بمن بعهده داشتم.

وی در مورد چگونه ای جابجائی سلاح اعتراف کرد: در سال ۵۸ ما شش تا که سلاح جمع آوری شده بود به پرتوی آن جاسازی شده بود و برای تخلیه در اختیار پرتوی قرار دادم.

متهم گفت: در مدت فعالیت من مجموعا ۵۵ نفر تحت مسئولیت من بودند که اکثر آنان را همافران و افسران نیروی هوایی تشکیل میدادند.

وی افزود: از این تعداد ۱۹ یا ۲۰ نفر و بقیه با من ارتباط داشتند و بقیه افراد نیز از طریق آنها با من ارتباط قرار می کردند. جهانگیری در مورد نحوه ارتباط با سفارت شوروی گفت: در سال ۶۱ در ملاقاتی که به پیشنهاد پرتوی با کیانوری داشتم، وی به من گفت به عنوان رابط باید با یکی از ماموران سفارت شوروی تماس برقرار کنم تا در مواقع ضروری که حزب زیر زیره قرار می گیرد و احتمالا ارتباطش با خارج از کشور قطع می شود بتوانیم رابطه شوروی را با سفارت داشته باشیم.

جهانگیری در این ملاقات تاکید کرد که در ملاقات با مامور سفارت شوروی هیچگونه حق اظهار نظر ندارم و تنها به عنوان رابط باید ارتباط برقرار کنم. جهانگیری گفت: ماموران سفارت در ملاقات ها از اسامی مستشار الهام و اکبر استفاده می کردند و من مجموعا برای ۳

با ۴ بار در ملاقات با آنها حامل دستهای از طرف کیانوری برای نظارت و مقابلت است. از طرف نظارت کیانوری بود که از محتوای آنها مطلقاً اطلاع نداشتیم.

جهانگیری در پاسخ سؤال رئیس دادگاه که از وی پرسید در شوروی چه دوره های را می گذراندی گفت: در این مدت در مدرسه بین المللی لنین در مسکو بودم که افراسختی از کشور های گوناگون در این مدرسه دوره های کوتاه و دراز مدت در زمینه آیدئولوژی کمونیستی شامل فلسفه اقتصاد تئوری تاکتیک تاریخ شوروی و تاریخ جنبش های کارگری و همچنین دوره های آموزش های کارگری و همچنین دوره های آموزش صنایع ضدبلیسی را طی می کردند. وی افزود: به هنگام ورود من به مسکو یک مترجم و یک نفر از مسئولان خدمات مدرسه مرا به خواجگان در مدرسه احاطه کردند که پس از یک هفته مابین روشکی به اتاقی که یک فرد از زن دیگر ایرانی نیز در آن زندگی می کردند راهنمایی شدم.

وی با اشاره به این نکته که نسبت به دو ایرانی دیگر مطلقاً شناخت و آشنایی قبلی نداشته است، گفت: فرمودی که در مسکو بودم برای تماس با خانواده ام که فکر می کردند من در آلمان هستم از طریق نامه هایی که به آلمان می فرستادم و از آنجا به تهران ارسال میشد تماس میگرفتم که پس از شنیدن نامه بعلت نگرانی خانواده ام به تهران بازگشتم.

وی اضافه کرد: در مدت اقامت در خواجگان مدرسه بین المللی مسکو یک دوره آموزش مبارزه با پلیس زاهد مدت ۳ ماه طی کردم.

برائین این گزارش محمد علی نوری که بعنوان شاهد در جلسه دیروز دادگاه حضور داشت در تکمیل توضیحات جهانگیری گفت: بنات حزب در مورد جمع آوری سلاحها یک سیاست کاراانه بود و بطوریکه اینکه تعداد زیادی سلاحها گرفته بود با تبلیغات زیاد چند بار اعلام کرده عین سیاست و حتی در این زمینه سخنانی صادر کرد و به اعضای حزب گفت که در صورتی که در این زمینه همکاری شود بابت آن پاداش داده خواهد شد.

همین گزارش حاجت در ادامه جلسه دیروز پس ناخدا سوم حسن بیگدلی دفاع از کثیر خواست پرداخت و گفت: ارتباط من با حزب راه مطالی بود که بدلیل شناختن جامعه اسلامی طی کردم.

وی افزود: من نسبت به خطاهای خود آگاهم و به همین

دلیل نمیتوانم دفاع از خطاهایم بکنم و تنها چیزی که میتوانم بگویم این است که از احوال گذشته خود بیخبرم و از دادگاه عدل اسلامی تقاضای طو و بخشش دارم.

وی در پاسخ سئوالات رئیس دادگاه فرمود: نحوه آشنایی خود با تشکیلات حزب جاسوسی بوده گفت: قبل از پیروزی انقلاب با حمید احمدی که نظامی هم اقامت بود از منزلان با کیانوری تماس گرفتیم و بدینال آن و ارسال ۵۸ ارتباط را با حزب برقرار کردم.

وی افزود: امروز که خیالتهای رهبری حزب بوده مشخص شده است احساس میکنم بعنوان حزبی از کل مرتکب خیانت شدم.

متمم مدعی شد من قبل از دستگیری نسبت به حیاتی که متکرم گمان نمیدادم ولی امروز خودم را در این خیانت مقصر میدانم.

حسن بیگدلی به ۲ کثیر خواست دادستان مبنی بر پرداخت حق عضویت ماهانه هزار تومان و جمعا ۱۲ هزار تومان را تأیید کرد و گفت: این مبلغ را در سال ۶۸ آخرین سال عضویت هر خزن پرداخت کرده ام.

متمم در بیان دفاعیات خود سایر موارد مطرح در کثیر خواست دادستان مبنی بر عضویت و فعالیت در تشکیلات مخفی نظامی و تحت مسئولیت جانشین و هوشنگ با حاکم مستشار بیژن تشکیلات جانشین حزبی در منزل خود که در محض آن جلسات کیانوری نیز حضور داشته است و ارائه گزارش از محیط اطراف خود و اظهار بیخبری در این زمینه و اعلام فعالیت حتی بعد از پیام حضرت امام تا لحظه دستگیری را پذیرفت و ضمن اظهار ندامت از اعمال گذشته خود از امام امت و امت انقلابی ایران و دادگاه تقاضای عفو و بخشش کرد.

همین گزارش حاجی است سپس هیاتر یک بهمن حافظی نیا متمم دیگر جلسه علی دیروز در مقابل اتهامات خود شامل عضویت و فعالیت در تشکیلات مخفی نظامی با نام مستعار فرهنگت تحت مسئولیت هوشنگ تشکیلات حزبی در منزل خود و اجرای قرارهای تشکیلاتی ذالین گزارشات و اطلاعات مجزانه از محل کار خود به تشکیلات و دریافت در زمین مخصوصی جهت عمکرداری از اسناد و مقارن و پرداخت حق عضویت بطور متفاوت جمعا به مبلغ ۲۴ هزار تومان جذب و معرفی چهار نفر نظامی به تشکیلات به اسمی میبند. انصاری، حمید علی و رشید، جمع آوری سه قبضه اسلحه و ۳ قبضه دیگر که اوائی انقلاب سرقت کرده بود و تحویل

آنها به تشکیلات مخفی و ادامه همکاری با تشکیلات جاسوسی و جاسوسی نظامی امام خمینی و اطلاع از کثیر خواست نامیستان پرداخت.

متمم همانر یکم حافظی نیا ضمن بیان جو خفقان حاکم بر ارتش شاه و فشار های روانی که از طرف رژیم ستمشاهی بروی وارد شده بود، به هیئتی و شرکت خود در جریان انقلاب اسلامی هنگام بل مردم اشاره کرد و در خصوص نحوه آشنایی و عضویت خود در حزب شوم گفت: در نوروز سال ۵۸ و بدینال چندین بار رفته و آمدنم به خانه یکی از دوستانم که قبلا در نیروی هوایی خدمت میکرد و در سال ۵۶ استغاده و به آمریکا رفته بود و در آن زمان بهقاری از آمریکا برگشته بودم و در آن زمان در تشکیلات مخفی حزب دستگیر شده بودم و در آن زمان در تشکیلات مخفی حزب کانی از مردم عضویت این حزب قبضه در صفحه ۱۹

دنباله گزارش دادگاه

بقیه از صفحه ۴

را پذیرفت و تحت مسئولیت هوشنگ که همان شاهرخ جهانگیری باشد قرار گرفت و وی افزود: بمناسبت جریان عزل بنی صدر و معنائی که در این رابطه پیش آمد دچار هذات وجدان و یکسره کشنگی روحی هدم و در این هنگام بود که به برائین بودن آنها و نبوی بودن شعارهای گروهکها پس برهم و حزب بوده را حزبی فریکار که با شمارهای فرسنده سعی یافت خود را انقلابی نشان دهد یافت.

وی سپس با مطرح ساختن این ادعا که در آغاز زمستان سال ۶۰ و بخاطر فشارهای روحی ارتباط با حزب را قطع کرده و پس از آن برای آگاهی از اینکه نامش از لیست اعضای حزب حذف شده و کنار بنا روابط ملاقات نموده اعتراف کرد که در طول مدت عضویت در حزب مرتکب تقصاتی شده است و اظهار امیدواری کرد که به شش و هفتاد دادگاه عدل اسلامی شامل حال وی بشود و از دادگاه خواست تا به او فرصتی بدهد و در اشتباهاتش را بجهانر کند متمم در پاسخ بهسؤال رئیس دادگاه که از چهگونگی فعالیت های وی در حزب تجویا شده بود اعتراف کرد که قبل از ازدواج ماهانه هزار تومان و پس از ازدواج به خاطر تامین مخارج زندگی بیشتر از ۵۰۰ تومان حق عضویت قناده است و این رقم تا زمستان سال ۶۰ ادامه داشته و در آن زمان

پس از قطع رابطه حق عضویت نیز نپرداخته است. وی در مورد معرفی به کمیسیون قضایی با اشاره به این نکته که وی عضو انصاری را در سالهای ۱۳۵۸ به حزب معرفی کرده است گفت: در مورد دفتر نظامی دیگر به اسمی رشید، علی و حمید که پرسنل دیپلمه و لیسانس وظیفه بودند باید بگویم اسمی طی و حمید که قبل از آشنایی من هوادار حزب بودند و هنگام آشنایی با اینجانب خدمتشان در ارتش پایان یافته بود توسط من به هوشنگ داده شد و رشید که بزرگ بود از ادامه رفت و آمد با من خودداری کرد و ارتباط احتمالی وی کاملا بر اطلاع هستم. متمم در ادامه اعترافش فرموده: تحویل اسلحه به حزب گفت در جریان انقلاب ۲ قبضه اسلحه از مرکز آموزش نیروی هوایی بدست آوردم که آنها را از مرکز اینکامان مورد مواخذة

قرار گیرم تحویل ارکانهای مسئول ندادم. انصاری نیز که در اوائل آشنایی با من به ملاقات من در کتکهای فدائی خلق تمایل داشت. سه قبضه ۳۰ بین فاداندا آنها را تحویل آن سازمان دهم، ولی چون آنها در آن روزها در رژیمه جمهوری اسلامی ایران در کردستان جنگ راه انداخته بودند من از ترس اینکه مبادا این سلاحها در کردستان علیه جمهوری اسلامی به کار گرفته شود شخصا اقدام به نگهداری آنها کردم، ولی پس از رفتن من از نگهداری آنها نگران بودم موضوع را با هوشنگ در میان گذاختم وی گفت سلاحها را به ما بده تا خودمان آنها را به سپاه تحویل دهیم و متمم ۵ قبضه سلاح را تحویل آنها دادم.

متمم در مورد اجرای قرارهای که در کثیر خواست قید شده است گفت: قرارها هر ۱۰ تا ۱۵ روز یکبار در منزل انصاری انجام میشد که من مربوط به بمناسبت عضویت انصاری در حزب است ولی قبل از عضویت انصاری من و هوشنگ عهدتا در خیابان و در اتوبوس من ملاقات میکردیم.

متمم در رابطه با عضویت خود در حزب توده اظهار داشت پیام انعام مبنی بر عدم عضویت نظامیان در احزاب در بهار سال ۶۱ بوده در حالی که من در سال ۶۰ ارتباط تشکیلاتی خود را با حزب قطع کرده بودم و در مورد نوربینی که از طرف هوشنگ به من داده شد من از

چند پیشنهاد که بر تالیق
اعلامات محل کتارم در زمینه
اسامی افراتیا کتاری شتعارتن
ولپروزی جوانی نصب شده بود
حکم ناری کردم که البته
استدلال خردنگه در این مورد
این بود که این عناصر شت
انتقالی ممکن است پس از
با کتاری نول کتاری دیگر
نقود کنند و به همین دلیل لازم
است که اسامی آنها رایداشته
باشیم.

جهاکتیری در ادامه جلسه
دادگاه فرموده سخنان حنافر
یکم بهمن حافظی نسیا گفت:
نامبرده در اواخر همکاری با
حزب دچار فشار روحی بود و
بسیار متشنج به نظر میرسید و
روزی نامبرده بمن خواست تا
اورا از کشور خارج کنیم که
من به وی گفتم امکان این کار
برای ما وجود ندارد و رابطه
با حزب هم ناوظنانه است و
شماستولید کتار یکشید که
ایشان من از مدتی با حزب
قطع رابطه کرده اند رئیس دادگاه
از مهم فرموده خارج شدن
از کشور پرسید که مهم در
جواب گفت بطاطر عضویت
در حزب باور می بردن به اشتباه
خود و عتاب وجدانی که
گریانگیر من شده بود و ترس
و وحشتی که بر من حاکم شده
بود باعث شد که تمت ایسن
شرایط روحی من این مطلب را
هنوان کردم که یامرا از کشور
خارج کنید و یادست از سرم
برگازید ولی قسم می خورم که
جدی بوده و یک چنین تصمیم
نداشتم و همچنین من کشور
مهم بود راست.

وی در پاسخ به سؤال رئیس
دادگاه مبنی بر اینکه اگر شما
توبه کرده بودید چرا پس از
اینکه دادستانی اعلام کرد خود
را معرفی نکردید گفت: من
فکر میکردم که اصلاح شهام
و به سزخانه و زندگی خود
رفته بودم و افکار و تبلیغات
تودمائی برای همیشه از زندگی
من کتار رفته بود و لزومی
نی دیدم که خود را معرفی
کنم چون از حزب کتار
رفته بودم. در خانه رئیس
دادگاه از وی خواست کتار
آخرین دفاع خود را هنوان
کند. مهم ضمن اشاره به
مدت زمانی که در حزب منفور
بوده فعالیت می کرده و در این
مدت مرتکب اشتباه شده است
گفت: بجز این مدت من یک
عیر زندگی شرافتمندانه داشتم
و من از قطع رابطه از حزب
فعالیت کاری خود را افزایش
دادم و ولی به خاطر ضعف
ایمان و نداشتن درک درست
و تبلیغات وسیع گروه کتار
بخصوص این حزب به دام آن
کشیده شدم ولی مصلحت الهی
این بود که من امروز در کتار
کسانی که روزی با آنها
فعالیت می کردم در محضر
دادگاه و در روی میز مطاکمه
نشستم. وی از مسئولین و
محضر دادگاه خواست برای
حبران خطاها و انحرافات
گذشته اش به وی فرصتی داده
شود. وی گفت: من در
مقابل دادگاه احساس گناه
میکم و رای دادگاه هر چه
باشد برای من محترم است.
گزارش خبرنگار ما حاکیست
با پایان یافتن دفاعیات دهمین
باجدا سوم محسن بیدگلی و
نامر یکم بهمن حافظی نسیا
ظهر دیروز جلسه علنی دادگاه
پایان یافت و جلسه بعدی به
روز شنبه ۲۶ آذر ماه موکول
شد.

در جلسه محاکمه دومین گروه از عناصر تشکیلات مخفی نظامی حزب خائن توده:

جزئیات دیگری از نحوه تبادل اطلاعات محرمانه حزب جاسوسان با سفارت شوروی فاش شد

بخش خبری جمهوری اسلامی - محاکمه دومین گروه از عناصر تشکیلات مخفی نظامی حزب جاسوسان به اتهام عضویت در تشکیلات مخفی با هدف براندازی، جاسوسی و اقدام بر علیه امنیت کشور صبح دیروز در دادگاه انقلاب اسلامی ارتش ریاست حجت الاسلام ری شهری آغاز شد.

گزارش خبرنگار ما در این جلسه پس از تلاوت آیتي چند از کلام الله مجید، دادستان انقلاب اسلامی مشخصات و مستند کثیر خواست متهمین را بدین شرح قرائت نمود:

الف- مشخصات متهمین:
(۱) شاهرخ جهانگیری فرزند غلامحسین با نام مستعار هوشنگ دارای شناسنامه شماره ۳۳۶۰۲ صادره از رشت مستولد ۱۳۲۸ دیلمه بازداشت از تاریخ ۶۲/۲/۱۷

۲- ناخدا سوم محسن بیدگلی فرزند محمد با نام مستعار بیژن دارای شناسنامه شماره ۱۸۰ صادر از ارومیه مستولد سال ۱۳۲۵ بازداشت از تاریخ ۶۲/۲/۱۷

۳- سعید باقر یکم بهمن حافظی نیا فرزند اکبر با نام مستعار فرهنگ دارای شناسنامه شماره ۶۰۱ صادر از تهران مستولد سال ۱۳۳۹ بازداشت از تاریخ ۶۲/۴/۱

۴- سرگرد هوایی ماسر ظفر جیدری فرزند حسین با نام مستعار سحر دارای شناسنامه شماره ۶۱ صادر از سراب مستولد سال ۱۳۲۱ بازداشت از تاریخ ۶۲/۲/۱۳

۵- ناو سروان عباس هاشمی نژاد فرزند مرتضی با نام مستعار سپهر دارای شناسنامه شماره ۳۴ صادر از خیسین مستولد سال ۱۳۲۶ بازداشت او تظلم تاریخ ۶۲/۴/۵

۶- ناخدا علی اکبر میرزائی فرزند علیمحمد با نام مستعار سهراب دارای شناسنامه شماره ۲۱۹ صادره از اراک مستولد ۱۳۲۵ بازداشت از تاریخ ۶۲/۲/۱۷

ب- موضوع اتهامات: جاسوسی عضویت در تشکیلات مخفی با هدف براندازی

ج- گیرندگان و نتیجه تحقیقات- در پی کشف تشکیلات مخفی حزب خائن و جاسوس نبوده که در ضد براندازی جمهوری اسلامی ایران بوده ماند مشخص شد که متهم ردیف یک مسئولیت شاخه نظامیان در نیروی هوایی و نیروی دریایی را بعهده داشته و پور راه تحقق اهداف شوم این حزب مستغور بسیار فعال از کارگزاران و عواملین اصلی و مهم این شبکه بوده است. هر چند مشروع اتهامات و افعال ارتكابی هر یک از متهمین بطور جداگانه در کثیر خواست مستغنی تهیه و پیرونده هر کدام منضم است لیکن از جهت اینکه این عده تحت مسئولیت مشخص واحدی عمل میکردند بدیلا با اعمال ارتكابی هر یک اشاره میشود. شرح اتهامات متهم ردیف یک (شاهرخ جهانگیری)

۱- عضو رده بالای تشکیلات مخفی و مشاور کمیته مرکزی تحت مسئولیت خسرو (ص ۱۱ و ۳۷)

۳- تحت مسئولیت داشتن افرادی بنامهای شاهین، شایان، همایون، و تیمور که هر یک از اینان تعدادی نظامی تحت مسئولیت خود داشتهاند (ص ۳۷ و ۱۱۳)

۴- تحت مسئولیت داشتن هدمای از افسران تودهای باسامی مستعار سهراب، مهاجر، بیژن، جاوید و فرهنگ، سیاوش، عارف، بهمن و تشکیل جلسات در منزل آنها.

۵- تلاش جهت جذب نیرو و گسترده کردن تشکیلات و دادن رهنمودهای سیاسی، امنیتی باعضا و تشویق آنها بنفوذ هر چه بیشتر و دادن انواع گزارشات (ص ۹۹)

۶- در تصافت چندیدترین و دقیق ترین اطلاعات نظامی محرمانه از نیروهای تحت مسئولیت خود (ص ۴۹) ۵۰، ۱۰۱ و ۱۰۷

۷- موظف نبودن اعضا تشکیلات مخفی بدادن حق عضویت و جمع آوری آن و از این رهگذر دریافت کمک هزینه ماهانه و مبلغ یکمصد و پنجاه هزار تومان جهت خرید اتومبیل (ص ۱۱۴)

۸- جاسازی اسناد و مدارک درون گروهی در منزل خود.

۹- دریافت چندین قفسه سلاح از سردستان خود و تحویل آنها به مسئول کل تشکیلات مخفی (ص ۶۵، ۶۶)

۱۰- داشتن ارتباطات جاسوسی با اعضاء سفارت روسیه در تهران و تبادل اطلاعات (ص ۸ و ۲۷ و ۵۱ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و

۷۹ و ۸۰ و ۸۱) ۱۱- طی نمودن دوره آموزشی بمدت ۶ ماه در شوروی (ص ۱۱ و ۳۵)

۱۲- سعی در ایجاد راههای فرار برای مسئولین حزب از طریق افراد تحت مسئولیت خود که در این رابطه اقداماتی انجام گرفته از آن جمله تهیه یک قایق موتوری (ص ۸۲ و ۱۱۴)

۱۳- ارتباط با رابط اکثریت جهت انتقال افراد نظامی وابسته بنژادمان فدائیان اکثریت بحزب توده و انتقال یافتن یازده نفر اکثریتی بحزب توده از این رهگذر (ص ۲۳)

شرح اتهامات متهم ردیف ۲ (ناخدا سوم محسن بیدگلی)

۱- عضویت و فعالیت در شبکه مخفی نظامی و تحت مسئولیت حاتمی و هوشنگ (ص ۱۵، ۱۸) با نام مستعار بیژن

۲- پرداخت حق عضویت ماهانه هزار و جمعا ۱۲ هزار تومان (ص ۱۹ و ۳۶)

۳- تشکیل جلسات حزبی در منزل خود که در بعضی از آن جلسات کنسپتوری هم حضور داشته است (ص ۹، ۳۵، ۳۶)

۴- گسارتن دادن از محیط اطلاعات خود و تطاهر بندهی بودن و ادامه فعالیت حتی بعد از پیام حضرت امام و تال لحظه دستگیری.

شرح اتهامات متهم ردیف ۳ (بهمن حافظی نیا)

۱- عضویت و فعالیت در شبکه مخفی نظامی با نام مستعار فرهنگ و تحت مسئولیت هوشنگ (ص ۲۰)

۲- تشکیل جلسات حزبی در منزل خود و اجرای قراردادهای تشکیلاتی (ص ۸ و ۱۸).
۳- دادن گزارشات و اطلاعات محرمانه از محل کار خود به تشکیلات و دریافت دوربین مخصوص جهت عکسبرداری از اسناد و مدارک (ص ۱۰، ۳۴، ۴۳)

۴- پرداخت حق عضویت بطور متفاوت و جمعا ۲۴ هزار تومان (ص ۴۷).

۵- جذب و معرفی چهار نفر نظامی به تشکیلات باسامی محمد انصاری، حمید علی و رشید (ص ۱۷ و ۲۰ و ۴۳) - ۶- جمع آوری سه قبضه اسلحه ۳ با اضافه دو قبضه دیگر که اوائل انقلاب سرقت کرده بود و تحویل آنها به تشکیلات مخفی (ص ۱۹)
۷- ادامه همکاری حتی بعد از پیام حضرت امام (ص ۲۳)

شرح اتهامات متهم ردیف ۴ (ص ۱۰)

۱- عضویت و فعالیت در شبکه مخفی با نام مستعار مهاجر و تحت مسئولیت هوشنگ (ص ۵)
۲- پرداخت حق عضویت در مجموع دوازده تریستریه هزار تومان (ص ۶ و ۱۶)

۳- اجرای قراردادهای تشکیلاتی در خیابان و در منزل خود با تفاق مسئول (ص ۱۵)

۴- معرفی بخند تقی کاوه به تشکیلات (ص ۱۶ و ۳۵)

۵- دادن اطلاعات سیاسی، نظامی به تشکیلات (ص ۲۱ و ۳۰)

۶- دریافت مبلغ پنجاه هزار تومان از حزب بعنوان قرض (ص ۲۶)

۷- ادامه فعالیت تا لحظه دستگیری (ص ۲۲)

شرح اتهامات متهم ردیف ۵ (ناویروان عباس هاشمی نژاد)
۱- عضویت و فعالیت در شبکه مخفی نظامی با نام مستعار سپهر تحت مسئولیت سیاوش (حسن صراف پور)

۲- اجرای قرار و تشکیل جلسه در منزل خود (ص ۱۷)

۳- پرداخت حق عضویت بمیزان پانصد تومان (ص ۲۰)

۴- ادامه فعالیت حتی بعد از پیام حضرت امام و تا لحظه دستگیری (ص ۱۰)

شرح اتهامات متهم ردیف ۶ (علی اکبر میرزائی)

۱- عضویت و فعالیت در شبکه مخفی با نام مستعار سهراب و تحت مسئولیت دائمی و هوشنگ (ص ۳۲-۳۵-۹۱)

۲- تشکیل جلسات حزبی در منزل خود با تفاق حقیقت احمدی، بیدگلی، صفایی همسرانشان که دو بار در این جلسات کیانوری شرکت داشته و در بقیه موارد دالی یا هوشنگ حضور داشتند

۳- پرداخت حق عضویت ماهانه هزار تومان و جمعا ده هزار تومان با این توضیح که اغلب بعلت اینکه متهم در تهران نبوده حق عضویت را همسرش میپرداخته است.

۴- قبول پیشنهاد مسئول خود در رابطه با فراری دادن عده‌ای از سران حزب توده بوسیله قایق از ایران به یمن که این قضیه بعدا منتفی میشود (ص ۹۱)

۵- دادن گزارشات و اطلاعات محرمانه از محل کارش به تشکیلات (ص ۹۰ و ۹۱)

۶- ادامه فعالیت حتی بعد از پیام حضرت امام و تا لحظه دستگیری

با عنایت بشرح فوق رسیدگی نهائی با اتهامات هر یک از متهمین و صدور حکم شرع در باره هر کدام بعنوان محارب و مفسد فی الارض و باستاند ماده ۱۹۹ قیانون حدود و قصاص مورد تقاضاست.

دادستان انقلاب اسلامی ارتش- اتابکی

بگزارش خبرنگار ما در جلسه علنی دیروز دادگاه پس از قرائت متن کیفرخواست متهمین توسط دادستان انقلاب ارتش، ابتدا شاهرخ جهانگیری مسئول شاخه هوایی- دریائی تشکیلات مخفی حزب جاسوس توده به تشریح چگونگی آشنایی، عضویت و فعالیت خود در تشکیلات حزب پرداخت و اعتراف کرده

برای من شوروی را بعنوان صعبل کمک به نهضت‌های آزادبخش مطرح کرده بودند، و به این ترتیب من را بطرف حزب تارحله عضویت گرایش دادند. تا اینکه در سال ۵۲ پس از مدتی کار تزویج به پیشنهاد پرتوی از کار در بانک استعفا دادم و برای فعالیت آزادتر به پروستا رفته و معلم شدم و همزمان مسئولیت بخش تراکتهای کوچکی را که منتشر می‌کردیم نیز بعهده داشتم.

تا اینکه پس از مدتی تشکیلات ما توانست نشریه نوید و بسوی حزب را منتشر کند که از همان روز اول مسئولیت بخش آن نیز بعهده من بود. در سال ۵۵ آقای پرتوی به من اطلاع داد که بوری برای خارج از کشور هست که باید از آن استفاده کنم و در پی آن به آلمان شرقی رفتم و در آنجا به درخواست کیانوری برای طی یک دوره شش ماهه به اتحاد شوروی رفتم و پس از طی چند دوره کلاس آموزشی و تخصصی در رابطه با مشی حزب توده مجدداً به ایران برگشتم و بعنوان راننده تاکسی فعالانه بخش مجدد نشریات حزبی را از سرگرفتم تا اینکه بدلیل تجربهای

که در بخش نشریات داشتم، مسئولیت چند نفر دیگر از اعضای حزب را برای فعال شدن کار بخش بمن دادند که این اولین مسئولیت عمده من در حزب بود.

جهانگیری افزود: در سال ۵۷ از کار بخش نشریات کناره گرفتم و مسئولیت بالاتر در امر نشر نشریات حزب بمن واگذار شد تا اینکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی که من تمایل به فعالیت در بخش علمی حزب داشتم به سفارش پرتوی که در مخفی بودن فعالیت تشکیلات نوید اصرار داشت، بمدت یکسال دیگر نیز در تشکیلات مخفی باقی ماندیم. در سال ۵۹ تشکیلات افراد نظامی را که جذب حزب شده بودند مستقل کردند و مسئولیت شاخه نیروهوایی را که یکی از شاخه ارتش بود بمن واگذار کردند، ولی کار در این قسمت را بامسئولیت هفت همافر توده‌ای آغاز کرده‌ام و بترتیب کلیه مسایل نیروی هوایی در ارتباط با حزب را بمن واگذار کردند.

متهم گفت: یکسال پیش از دستگیری، مسئولیت یک گروه پنج نفره از عناصر نفوذی حزب در نیروی دریایی نیز از طریق پرتوی بمن واگذار شد و چون در نیروی دریایی تشکیلات گسترده‌ای نداشتیم، تشکیلات جداگانه برای آن فراهم نکردند و از همین ایام مسئولیت امور حزب در نیروی دریایی را نیز من بعهده داشتم.

وی در مورد چگونگی جابجایی سلاح اعتراف کرد: در سال ۵۸ ماشینی را که سلاح جمع‌آوری شده در صندوق عقب آن جاسازی شده بود را برای تخلیه در اختیار پرتوی قرار دادیم.

متهم گفت: در مدت فعالیتیم مجموعاً ۵۵ نفر تحت مسئولیت من بودند که اکثر آنان را همافران و افسران نیروی هوایی تشکیل میدادند.

وی افزود: از این تعداد ۶ یا ۷ نفر مستقیماً با من ارتباط داشتند و بقیه افراد نیز از طریق آنها با من ارتباط برقرار می‌کردند. جهانگیری در مورد نحوه ارتباط با سفارت شوروی گفت: در سال ۶۱ در ملاقاتی که به پیشنهاد پرتوی با کیانوری داشتم، وی بمن گفت بعنوان رابط باید با یکی از مأموران سفارت شوروی تماس برقرار کنم تا در مواقع ضروری که حزب زیر ضربه قرار می‌گیرد و احتمالاً ارتباطش با خارج از کشور قطع میشود بتوانیم رابطه رزروی را با سفارت داشته باشیم.

وی افزود: کیانوری در این ملاقات تاکید کرد که در ملاقات بامامور سفارت شوروی هیچگونه حق اظهارنظر ندارم و تنها بعنوان رابط باید ارتباط برقرار کنم.

جهانگیری گفت: مأموران سفارت در ملاقاتها از اسامی مستعار الهام و اکبر استفاده می‌کردند و من مجموعاً برای ۳ یا ۴ بار در ملاقات با آنها حاصل بستنای از طرف کیانوری برای سفارت و متقابلاً بستنای از طرف سفارت برای کیانوری بودم که از محتوای آنها مطلقاً اطلاع نداشتم.

جهانگیری در پاسخ سئوال رئیس دادگاه که از وی پرسید در شوروی چه دوره‌هایی را میگذراندی گفت: در این مدت در مدرسه بین‌المللی لنین در مسکو بودم که افراد مختلفی از کشورهای گوناگون در این مدرسه دوره‌های کوتاه و درازمدت در زمینه ایندئولوژی کمونیستی شامل فلسفه اقتصاد- تئوری تاکتیک- تاریخ شوروی و تاریخ جنبش‌های کارگری و همچنین دوره‌های آموزش‌های کارگری و همچنین دوره‌های آموزش عملیات ضد پلیسی را طی میکردند. وی افزود: به هنگام ورود من به مسکو یک مترجم و یک نفر از مسئولان خدمات مدرسه من را به خوابگاهی در مدرسه راهنمایی کردند که پس از یک هفته معاینه پزشکی به اتاکی که یک مرد وزن دیگر ایرانی نیز در آن زندگی میکردند راهنمایی شدم.

وی با اشاره به این نکته که نسبت به دو ایرانی دیگر مطلقاً شناخت و آشنائی قبلی نداشته

است، گفت: در مدتی که در مسکو بودم برای تماس با خانواده‌ام که فکر میکردند من در آلمان هستم از طریق ناممهایی که به آلمان میفرستادم و از آنجا به تهران ارسال میشد تماس میگرفتم که پس از شش ماه بعلت نگرانی خانواده‌ام به تهران بازگشتم.

وی اعتراف کرد: در مدت اقامت در خوابگاه مدرسه بین‌المللی مسکو یک دوره آموزش مبارزه با پلیس را در مدت ۳ ماه طی کردم.

بر اساس این گزارش محمد مهدی پرتوی که بعنوان شاهد در جلسه دیروز دادگاه حضور داشت در تکمیل توضیحات جهانگیری گفت: سیاست حزب در مورد جمع‌آوری سلاحها یک سیاست ریاکارانه بود و علیرغم اینکه تعداد زیادی سلاح اختفا کرده بود با تبلیغات زیاد چند بار اعلام کرد غیر مسلح است و حتی در این زمینه سخننامه

صادق کرده و به انضمام حزب گفت که هر کس با اسلحه دستگیر شود نفوذی است و از ما نیست و در این زمینه تلاش کرد تا افکار مردم را قریب دهد.

همین گزارش ها که کیست در ادامه جلسه دیروز رئیس نهادی بود از کجای خواست پرداخت و گفت: ارتباط من با حزب بر او خطای بود که بدلیل شناسایی جناح اسلامی طی کردم.

وی افزود: من نسبت به خطاهای خود آگاهم و به همین دلیل نمیتوانم دفاعی از خطاهایم بکنم و تنها چیزی که میتوانم بگویم این است که از اعتنا گذشته خود پشیمانم و از دادگاه عدل اسلامی تقاضای عفو و بخشش دارم.

وی در پاسخ شناسایی رئیس دادگاه در حضور نحوه آشنایی خود با تشکیلات حزب جاسوسی توده گفت: قبل از پیروزی انقلاب با حمید احمدی که نظامی هم اتاق بود از منزلان با کلبه نوری متصل گفتم و بدنبال آن و از سال ۵۸ ارتباط را با حزب برقرار کردم.

وی افزود: امروز که خیانتی رهبری حزب توده مشخص شده است احساس میکنم بعنوان جزئی از کل مرتکب خیانت شده‌ام.

متهم مدعی شد من قبل از دستگیری نسبت به خیانتی که میکردم آگاه نبودم و پس از پیروزی خودم را از این خیانت معذور میدانم.

محسن بیگدانی بند ۲ کتفول خواست دادستان مبنی بر پرداخت حق عضویت ماهانه هزار تومان و جرم ۱۲ هزار تومان را تأیید کرد و گفت: این مبلغ را در سال ۶۱ آخرین سال عضویت در حزب پرداخت کرده‌ام.

متهم در پایان دفاعیات خود سبب پیوسته خود را مستند در کتفول خواست دادستان مبنی بر عضویت و فعالیت در شبکه مخفی نظامی و تحت مسئولیت حائمی و هوشنگ با نام مستعار بیژن، تشکیل جلسات حزبی در منزل خود که در بعضی از آن جلسات کلبه نوری نیز حضور داشته است و از آنجا گزارش از محیط اطراف خود، تظاهر به مذهبی بودن و ادامه فعالیت حتی بعد از پیام حضرت امام تا لحظه دستگیری را بر میگرداند و ضمن اظهار ندامت از اعمال گذشته خود از اتمام کت و افت انقلابی ایران و آنگاه تقاضای عفو و بخشش کرد.

همین گزارش حساسی است پس همافزیکم بهمین حائمی برانهم دیگر جلسه علنی دیروز

در مقابل اتهامات خود شامل عضویت و فعالیت در شبکه مخفی نظامی با نام مستعار فرهنگ و تحت مسئولیت هوشنگ، تشکیل جلسات حزبی در منزل خود و اجرای گزارش های تشکیلاتی، دادن گزارشات و اطلاعات محرمانه از محل کار خود به تشکیلات و دریافت دوره پسین مخصوصی جهت مسکرداری از اسناد و مدارک و پرداخت حق عضویت بطور متفاوت جمعا مبلغ ۴۴ هزار تومان، جذب و معرفی چهار نفر نظامی به تشکیلات بنامهای محمد انصاری، حمید علی و رشید، جمع آوری سه قبضه اسلحه ۳-۳ باضافه دو قبضه دیگر که اوائل انقلاب سرقت کرده بود و تحویل آنها به تشکیلات مخفی و ادامه همکاری با تشکیلات حتی بعد از پیام حضرت امام خمینی، بدفاع از کتفول خواست دادستان پرداخت.

متهم همافزیکم حافظی نیا ضمن بیان جو خفقان حاکم بر ارتش شاه و فشارهای روانی که از طرف رژیم ستم شاهی

بر وی وارد شده بود، به همپانی و شرکت خود در جریان انقلاب اسلامی هنگام ستاد مردم اشاره کرد و در خصوص نحوه آشنایی و عضویت خود در حزب توده گفت: در نوروز سال ۵۸ بدنبال جانی کار رفت و آمد من به خانه یکی از دوستانم که قبلا در پیروی هوایی خدمت می کرد و در سال ۵۶ استعفا داده و به امریکا رفته بود و کار آن زمان به تازگی از امریکا بر گشته بود، بدون اجازه و آگاهی من نام مرا در تشکیلات مخفی حزب ثبت کرده بود و من هم بدلیل ندانستن پیش اسلامی و شناخت کافی از مردم عضویت این حزب را پذیرفتم و تحت مسئولیت هوشنگ که همان شاه رخ جهانگیری باشد قرار گرفتم، وی افزود: بعد از جریان عزل بی صدر و مسائلی که در این رابطه پیش آمد دچار عذاب وجدان و یقین کشمکش روحی شدم و در این هنگام بود که به بن اساس بودن آنها و تهی بودن شعارهای کتفول بی مردم و حزب توده را از طریق یکی از دوستانم شناسایی کردم و منی داشت خود را انقلابی نشان دهد تا وقت وی پیش با مطرح ساختن این ادعا که در آغاز زمستان سال ۶۰ و بخاطر فشارهای روحی ارتباط با حزب را قطع کرده و پس از آن برای آگاهی از اینکه نامش از لیست اعضای حزب حذف شده یکبار بار ابطن ملاقات نموده اعتراف کرد که در طول مدت عضویت در حزب مرتکب تخلفاتی

شده است و اظهار امیدواری کرد که بخشی و مخلوق دادگاه عدل اسلامی شامل حال وی بشود و از دادگاه خواست تا پروا فرستی داده شود تا اشتباهاتش را جبران کند. متهم در پاسخ به سؤال رئیس دادگاه گناه گناه از چگونگی فعالیت های وی در حزب جویا شده بود اعتراف کرد که قبل از ازدواج ماهانه هزار تومان و پس از ازدواج بخاطر تسامح مخارج زندگی بیشتر از ۵۰۰ تومان حق عضویت نداده است و این امر تا زمستان سال ۶۰ ادامه داشته و در آزمون پس از قطع

رابطه حقیق عضویت نیز نپرداخته است. وی در مورد معرفی غیر نظامی به حزب با اشاره به این نکته که وی همافر انصاری را در سال ۵۸ به حزب معرفی کرده است گفت: در مورد سه نفر نظامی دیگر به اسامی رشید، علی و حمید که پرسنل دیپلمه و لیسانس وظیفه بودند باید بگویم اسامی علی و حمید که قبل از آشنایی من هوادار حزب بودند و هنگام آشنایی با اینجانب خدمتشان در ارتش پایان یافته بود توسط من

به هوشنگ داده شد و رشید که پزشک بود از ادامه رفت و آمد با من خودداری کرد و از ارتباط احتمالی وی گناهی بی اطلاع هستم. متهم در ادامه اعترافش در مورد تحویل اسلحه به حزب گفت که در جریان انقلاب ۲ قبضه اسلحه از مرکز آموزشهای نیروی هوایی بدست آوردم که آنها را از ترس اینکه سبب سوء سوء قرار، گرم تحویل آرگانهای مسئول ندادم. انصاری نیز که در اوائل آشنایی با من به سازمان چریکیهای فدائیان خلق تسامیل داشت سه قبضه ۳ بنم داد تا آنها را تحویل آن سازمان دهم و ولی چون آنها در آن روزها بر علیه جمهوری اسلامی ایران در کردستان جنگ راه انداخته بودند من از ترس اینکه میباد این سلاحها در کردستان علیه جمهوری اسلامی به کار گرفته شود شخصا اقدام به نگهداری آنها کردم. ولی پس از مدتی چون از نگهداری آنها نگران بودم موضوع را با هوشنگ در میان گذاشتم وی گفت سلاحها را به ما بده تا خودمان آنها را به سپاه تحویل دهیم و من هم ۵ قبضه سلاح را تحویل آنها دادم. متهم در مورد اجسرای قرارهایی که در کتفول خواست قید شده است گفت: قرارها هر ۱۰ تا ۱۲ روز یکبار در منزل انصاری انجام میشد که این مربوط به بعد از عضویت انصاری در حزب است و منی قبل از عضویت انصاری من و هوشنگ عمدتا در خیابان و در اتومبیل من ملاقات میکردیم.

جزئیات دیگری

متهم در رابطه با عضویت خود در حزب توده اظهار داشت پیام امام مبنی بر عدم عضویت نظامیان در احزاب در بهار سال ۶۱ بوده، در حالی که من در سال ۶۰ ارتباط تشکیلاتی خود را با حزب قطع کرده بودم و در مورد دوربینی که از طرف هوشنگ به من داده شد من از چند بنخشنامه که در کابلو اطلاعات محل کارم در زمینه اسامی افراد پاکستانی شده ارتش بقیه در صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱۵

و نیروی هوایی نصب شده بود تکسبرداری کردم که البته استدلال هوشنگ در این مورد این بود که این عناصر ضد انقلاب ممکن است پس از پاکسازی در مراکز گانهای دیگر نفوذ کنند و به همین دلیل لازم است که اسامی آنها را داشته باشیم. جویا نگیزی هزارادامه جلسه دادگاه در مورد سخنان همافزیکم بهمین حافظی نیا گفت: نامبرده در اواخر همکاری با حزب دچار فشار روحی بود و بسبب متشنج به نظر میرسید و روزی با مراجعه بمن خواست تا او را از کشور خارج کنیم که من به وی گفتم امکان این کار برای ما موجود ندارد و رابطه با حزب هم او طلبیانه است و شما می توانید کنار بکشید که ایشان پس از مدتی با حزب قطع رابطه کرد. رئیس دادگاه از متهم در مورد خارج شدن از کشور پرسید که متهم در جواب گفت: بخاطر عضویت در حزب و پی بردن به اشتباه خود و عذاب وجدانی که گریبانگیر من شده بود و ترس و وحشت که بر من حاکم شده بود باعث شد که تحت این شرایط روحی من این مطلب را عنوان کردم که با مرا از کشور خارج کنید و یا دست از سرم بردارید ولی قسم منی خبورم که جندی نبوده و ینگ چنین تصمیم نداشتیم و همه چیز من کشور و میهنم بوده است.

در پاسخ به سئوال رئیس دادگاه مبنی بر اینکه اگر شما توبه کرده بودید چرا پس از

اینکه دادستانی اعلام کرد خود
را معرفی نکردید گفت: من فکر
می‌کردم که اصلاح شده‌ام و به
سرخانه و زندگی خود رفته بودم
و افکار و تبلیغات توده‌های بی‌ای
همیشه از زندگی من کناررفته
بود و لزومی نمی‌دیدم که خود
را معرفی کنم چون از حزب کنار
رفته بودم. در خاتمه رئیس
دادگاه از وی خواست که آخرین
دفاع خود را عنوان کند. متهم
ضمن اشاره به مدت زمانی که در
حزب مسطور کرده فعالیت
می‌کرده و در این مدت مرتکب
اشتباه شده است گفت: بجز این
مدت من یک عمر زندگی
شرافتمندانه داشتم و پس از قطع
رابطه از حزب فعالیت کاری خود
را افزایش دادم، ولی به خاطر
ضعف ایسمان و نداشتن درک
درست و تبلیغات وسیع گروه‌ها
بخصوص این حزب به دام آن
کشیده شدم ولی مصلحت الهی
این بود که من امروز در کنار
کسانی که روزی با آنها فعالیت
می‌کردم در محضر دادگاه و در
روی میز محاکمه بنشینم. وی از
مسئولین و محضر دادگاه
خواست برای جبران خطاها و
انحرافات گذشته‌اش به وی
فرصتی داده شود. وی گفت: من
در مقابل دادگاه احساس گناه
نمیکنم و رای دادگاه هرچه باشد
برای من محترم است.
گزارش خبرنگار ما حاکیست
با پایان یافتن دفاعیات متهمین
ناخدا سوم محسن بسیدگلی و
همان‌فریگم بهمن حافظی نیا ظهر
دیروز جلسه علنی دادگاه پایان
یافت و جلسه بعدی به روز شنبه
۳۶ آذرماه موکول شد.

کمیته‌بان

شنبه ۲۶ آذر ۱۳۶۲ -

صفحه ۲

در محاکمه دومین گروه از اعضای تشکیلات مخفی
حزب توده

کیانوری: اخباری که توسط نظامیان تهیه می‌شد، بوسیله افراد رابط به سفارت شوروی تحویل می‌دادم

جلسه محاکمه دومین گروه از اعضای تشکیلات مخفی
حزب منحل توده صبح امروز به ریاست حجت‌الاسلام بهری
تشکیل شد. بعد از تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید حجت‌الاسلام
ریشه‌ری از تورالدین کیانوری خواست که در زمینه ارتباط
شاهرخ جهانگیری با سفارت شوروی توضیحاتی ادا کند.
کیانوری در این زمینه گفت: من از چند راه با سفارت
شوروی ارتباط داشتم و اخباری که توسط نظامیان تهیه
میشد بوسیله افراد رابط به سفارت شوروی تحویل می‌دادم.
آنگاه محمد مهدی پرتوی در این مورد گفت: اطلاع‌رسانی
که از سال ۱۳۵۵ به تدریج تهیه شده بود به‌صورت کیانوری
در یک تماس خیابانی تحویل یکی از افراد سفارت شوروی
دادم. در این جلسه سپس متهمین چهار و پنج و شش با نامی
مرکز دهوانی صابر ظفر حیدری یا ننام مستعار مهاجر،
فاوسروان عباس هاشمی‌نژاد با نام مستعار سیهر و ناخدا
علی‌اکبر میرزائی با نام مستعار بهراب ضمن پاسخگویی
به سؤالات رئیس دادگاه در برابر اتهامات وارده در
کیفرخواست بدفاع از خود پرداختند.

اطلاعات چاپ دوم

مشروح اعترافات دومین گروه از عناصر تشکیلات مخفی حزب خائن توده

صفحه ۲۱

در شماره قبل بخشی اول از محاکمه گروه دیگری از سازمان مخفی حزب خائن توده را خواندید. اینک بخشی دوم این جلسه از نظر آنان میگذرد:

تحويل سلاح

وی در مورد چگونگی جابجایی سلاح اعتراف کرد: در سال ۵۸ ماشینی را که سلاح جمع آوری شده در صندوق عقب آن جاسازی شده بود، برای تخلیه در اختیار برتوی قرار دادیم.

متمم گفت: در مدت فعالیتیم، مجموعاً ۵۵ نفر تحت مسئولیت من بودند که اکثر آنان را همافران و افسران نیروی هوایی تشکیل میدادند.

وی افزود: از این عده، ۶ یا ۷ نفر مستقیماً با من ارتباط داشتند و بقیه افراد نیز از طریق آنها با من ارتباط برقرار میکردند.

ارتباط با سفارت شوروی

جهانگیری در مورد نحوه ارتباط با سفارت شوروی گفت: در سال ۶۱ در ملاقاتی که به پیشنهاد برتوی با کیانوری داشتم، وی بمن گفت به عنوان رابط باید بایکی از مأموران سفارت شوروی تماس برقرار کنم تا در مواقع ضروری که حزب زیر سربرقرار میگردد احتمالاً ارتباطش با خارج از کشور قطع میشود، بتوانیم رابطه رزروی را با سفارت داشته باشیم.

وی افزود: کیانوری در این ملاقات، تاکید کرد که در ملاقات با مأمور سفارت شوروی، هیچگونه حقی اظهار نظر ندارم و تنها به عنوان رابط باید ارتباط برقرار کنم. جهانگیری گفت: مأموران سفارت در ملاقات ها از اسامی مستعار، الهام و داکتر استفاده میکردند و من مجموعاً برای ۳ یا ۴ بار در ملاقات با آنها، حامل بسته ای از طرف کیانوری برای سفارت و متقابلاً بسته ای از طرف سفارت برای کیانوری بودم که از محتوای آنها، مطلقاً اطلاع نداشتم.

آموزش دوره مبارزه با پلیس

جهانگیری در پاسخ سؤال رئیس دادگاه که از وی پرسید: در شوروی چه دوره هایی را می گذراندی؟ گفت: در این مدت، در مدرسه بین المللی لنین در مسکو

کیانوری در دومین جلسه محاکمه اعضای دومین گروه از تشکیلات مخفی حزب منحل توده:

حزب توده، از چند راه با سفارت شوروی در ارتباط بود

دومین جلسه محاکمه اعضای دومین گروه از تشکیلات مخفی حزب منحل و خائن توده، برای رسیدگی به اتهامات شاهرخ جهانگیری و نظامیان تحت مسئولیت او، ساعت ۱۰ و ۱۵ دقیقه، بامداد امروز، تریبست حجت الاسلام محمدی ری شهری، در دادگاه انقلاب اسلامی ارتش تشکیل شد.

جلسه دادگاه، با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید رسنیت یافت و در آغاز جلسه، حجت الاسلام ری شهری گفت که دومین جلسه دادگاه، برای رسیدگی به اتهامات شاهرخ جهانگیری، و نظامیان تحت مسئولیت او، اختصاص دارد.

خبرنگار ما می نویسد: در این جلسه، نورالدین کیانوری، محمد مهدی برتوی، صابر ظفر حیدری بانام مستعار «مهاجر» عباس هاشمی نژاد بانام مستعار «صهیره» و علی اکبر میرزایی بانام مستعار «سهراب» حضور داشتند.

در آغاز، نورالدین کیانوری دبیرکل حزب منحل و جاسوسی توده در زمینه ارتباط حزب منحل و خائن توده با سفارت شوروی در ایران و دادن اخبار توسط شاهرخ جهانگیری به سفارت شوروی که توسط نظامیان تحت مسئولیت او تهیه می شد، توضیح داد و گفت: ما از چند راه با سفارت شوروی در ایران، ارتباط داشتیم و من، مستقیماً بدون نفر، در ارتباط بودم. پس از مدتی، یکی از آنها، مریض شد و من فقط بایکی از آنها، ارتباط داشتم. بعدها فراز شد که شاهرخ جهانگیری را بعنوان نامزد انتخاب کنیم تا او به جای من با سفارت شوروی، رابطه برقرار کند.

آنگاه برتوی در این زمینه گفت: اطلاعاتی که در سال ۵۸ تهیه می شد، بدستور کیانوری صورت می گرفت و این اطلاعات و گزارشها را در یک تماس خیابانی تحويل یکی از افراد سفارت شوروی می دادیم. مشروح گزارش دومین جلسه محاکمه اعضای دومین گروه از تشکیلات مخفی حزب منحل و جاسوس توده، در شماره آینده روزنامه اطلاعات، از نظر خوانندگان گرامی خواهد گذشت.

صفحه ۲

بودم که افراد مختلفی از کشورهای گوناگون در این مدرسه دوره های کوتاه و دراز مدت در زمینه آیدئولوژی کمونیستی شامل فلسفه، اقتصادی، تئوری تاکنیک، تاریخ شوروی و تاریخ جنبشهای کارگری و همچنین دوره های آموزشی عملیات ضدپلیسی را طی می کردند.

وی افزود: به هنگام ورود من به مسکو یک مترجم و یک نفر از مسئولان خدمات مدرسه من را به خوابگاههای مدرسه راهنمایی کردند که پس از یک هفته معاینه پزشکی به اتاقی که یک مرد وزن دیگر ایرانی نیز در آن زندگی می کردند، راهنمایی شدم.

وی با اشاره به این نکته که نسبت به دو ایرانی دیگر مطلقاً شناخت و آشنائی قبلی نداشته است، گفت: در مدتی که در مسکو بودم، برای تماس با خانواده ام که فکر می کردند من در آلمان هستم، از طریق نامه های که به آلمان میفرستادم و از آنجا به تهران ارسال می شد، تماس می گرفتم که پس از شش ماه به علت نگرانی خانواده ام، به تهران بازگشتم.

وی اعتراف کرد: در مدت اقامت در خوابگاه مدرسه بین المللی مسکو، یک دوره آموزش مبارزه با پلیس را مدت ۳ ماه طی کردم.

پس از اتمام این آموزش، من به عنوان «مختصده بندی پستروی» که به عنوان شاهد در جلسه دیروز دادگاه حضور داشت، در تشکیل توضیحات جهانگیری گفت: سیاست حزب در مورد جمع آوری سلاحها، یک سیاست ریاکارانه بود و علی رغم اینکه تعداد زیادی سلاح اختفاء کرده بود، با تبلیغات زیاد، چند بار اعلام کرد غیر مسلح است و حتی در این زمینه، بحثنامه صادر کرد و به اعضای حزب گفت که هر کس با اسلحه دستگیر شود، نفوذی است و از ما نیست! و در این زمینه تلاش کرد تا افکار مردم را قریب دهد.

گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی حاکی است: در ادامه جلسه دیروز، سپس ناخدا سوم محسن بیگدلی به دفاع از کیفرخواست پرداخت و گفت: ارتباط من با حزب رام خطائی بود که به دلیل شناختن جامعه اسلامی طی کردم.

مرتکب خیانت شده ام

وی افزود: من نسبت به خطائای خود آگاهم و به همین دلیل، نمی توانم دفاعی از خطائایم بکنم و تنها چیزی که میتوانم بگویم، این است که از اعمال گذشته خود پشیمانم و از دادگاه عدل اسلامی تقاضای عفو و بخشش دارم.

وی در پاسخ سوالات رئیس دادگاه در مورد نحوه آشنائی خود با تشکیلات حزب خاموسوی توده، گفت: قبل از پیروزی انقلاب، به حمید اعددی که نظامی هم نامم بود، از متولمان یا کبانوری تماس گرفتم و بدینال آن از سال ۵۸ ارتباط را با حزب برقرار کردم. و با افزودن امروز که خیانتهای زهری حزب توده مشخص شده است، احساس می کنم به عنوان جزئی از کل مرتکب خیانت شده ام.

منهم مدعی شدم: من قبل از دستگیری، نسبت به خیانتی که می کردم، آگاه نبودم ولی امروز خودم را در این خیانت مقصر میدانم.

محسن بیگدلی بند کیفرخواست دادستان مبنی بر پرداخت حق عضویت ماهانه هزار تومان و جمعاً ۱۲ هزار تومان را قائل شد و گفت:

این مبلغ را در سال ۶۱ آخرین سال عضویت در حزب پرداخت کردم.

منهم در پایان دفاعیات خود، سایر موارد مندرج کیفرخواست دادستان مبنی بر عضویت و فعالیت در شبکه مخفی نظامی و تحت مسئولیت حامی و هوشنگ با نام مستعار «بیزن» تشکیل جلسات حزبی در منزل خود که در بعضی از آن جلسات، کبانوری نیز حضور داشت

است و از آنجا که گزارش از محیط اطراف خود، تظاهر به مذهبی بودن و ادامه فعالیت حتی بعد از پیام حضرت امام تا لحظه دستگیری را پذیرفت و ضمن اظهار ندامت از اعمال گذشته خود، از امام امت و امت انقلابی ایران و دادگاه تقاضای عفو و بخشش کرد.

حسین گزارش حاکی است: سپس همان یک بهمن حافظی بنا منم دیگر جلسه علنی دیروز، در مقابل اتهامات خود، شامل: عضویت و فعالیت در شبکه مخفی نظامی با نام مستعار «فرهنگ» و تحت مسئولیت هوشنگ تشکیل جلسات حزبی در منزل خود و اجرای قراردادی تشکیلاتی، دادن گزارشها و اطلاعات محرمانه از محل کار خود به تشکیلات و دریافت دوربین مخصوص جهت عکسبرداری از اسناد و مدارک و پرداخت حق عضویت بطور متفاوت جمعاً به مبلغ ۲۴ هزار تومان، جذب و معرفی چهار نفر نظامی به تشکیلات به اسامی محمد انصاری، حمید، علی و رشید جمع آوری سه قبضه سلاح ۳- به اضافه دو قبضه دیگر که اوائل انقلاب سرقت کرده بود و تحویل آنها به تشکیلات مخفی و ادامه همکاری با تشکیلات حتی بعد از پیام حضرت امام خمینی، به دفاع از کیفرخواست دادستان پرداخت.

حزب فریبکار

منهم همان یک حافظی بنا، ضمن بیان جو خفقان حاکم بوارتشی شاه و فشارهای روانی که از طرف رژیم استعشاهی بروی وارد شده بود، به همپائی و شرکت خود در جریان انقلاب اسلامی هنگام با مردم اشاره کرد

و در خصوص نحوه آشنائی و عضویت خود در حزب توده گفت: در نوروز سال ۵۸ و بدینال چندین بار رفت و آمد من به خانه یکی از دوستانم که قبلاً در نیروی هوائی خدمت می کرد و در سال ۵۶ استعفاء داده و به آمریکا رفته بود و در آلمان به تازگی از آمریکا برگشته بود، بدون اجازه و آگاهی من نام مرا در تشکیلات

مخفی حزب، ثبت کرده بودند و من هم بدلیل نداشتن بینش اسلامی و شناخت کافی از مردم، عضویت این حزب را پذیرفتم و تحت مسئولیت هوشنگ که همان شاهرخ جهانگیری باشد، قرار گرفتم. وی افزود: بعد از جریان عزل بنی صدر و مسائلی که در این رابطه پیش آمد، دچار عذاب وجدان و یکتو ع کشمکش روحی شدم و در این هنگام بود که به بی استاس بودن آنها و تخی بودن شعارهای گروهکها پی بردم و حزب تودم را حزبی فریبکار که با شعارهای فریبنده، سعی داشت خود را انقلابی نشان دهد، یافتم. وی سپس با مطرح ساختن این ادعا که در آغاز زمستان سال ۶۰ و بخاطر

فشارهای روحی ارتباط با حزب را قطع کرده و به نیاز آن برای آگاهی از اینکه نامش از لیست اعضای حزب حذف شده، یکبار با رابطش ملاقات نموده، اعتراف کرد که در طول مدت عضویت در حزب، مرتکب تخلفاتی شده است و اظهار امیدواری کرد که بخشش و عفو شود. دادگاه عدل اسلامی شامل حال وی بشود و از دادگاه خواست تا به او فرصتی داده شود تا اشتباهاتش را جبران کند، منم در پاسخ به سوال رئیس دادگاه که از چگونگی فعالیتهای وی در حزب جویا شده بود، اعتراف کرد که قبل از ازدواج، ماهانه هزار تومان و پس از ازدواج، بخاطر تامین مخارج زندگی، بیشتر از ۵۰۰ تومان حق عضویت نداده است و این امر تا زمستان سال ۶۰ ادامه داشته و در آلمان، پس از قطع رابطه، حق عضویت نیز نپرداخته است. وی در مورد معرفی ۴ نفر نظامی به حزب، با اشاره به این نکته که وی همان انصاری را در سال ۵۸ به حزب معرفی کرده است، گفت: در مورد سفر نظامی دیگر به اسامی رشید، علی و حمید که پرسنل دیپلمه و لیسانس و طبقه بودند، باید بگویم اسامی علی و حمید که قبل از آشنائی من هوادار حزب بودند و هنگام آشنائی با اینجانب، خدمتشان در ارتش پایان یافته بود، توسط من به

هوشنگ داده شد و رشید که پزشک بود، از ادامه رفت و آمد با من خودداری کرد و از ارتباط احتمالی وی کاملاً بی اطلاع هستم. منم در ادامه اعترافاتش در مورد تحویل اسلحه به حزب گفت: در جریان انقلاب، ۲ قبضه سلاح از مرکز آموزشهای نیروی هوایی، بسمت آوردیم که آنها را از ترس اینکه میادا مورد مواخذه قرار گیرم، تحویل ارگانهای مسئول ندادم.

انصاری نیز که در اوائل آشنائی با من به سازمان چریکهای فدائی خلق، تمایل داشت. سه قبضه ژن-۳۳ من داد تا آنها را تحویل آن سازمان دهم ولی چون آنها در آن روز ها، علیه جمهوری اسلامی ایران در کرمان جنگ راه انداخته بودند، من از ترس اینکه میادا این سلاحها در کرمان علیه جمهوری اسلامی به کار گرفته شود، شخصاً اقدام به نگهداری آنها کردم. ولی پس از مدتی، چون از نگهداری آنها نگران بودم، موضوع را با هوشنگ در میان گذاشتم.

محل ملاقات و قرارها

وی گفت سلاحها را به مانده تا خودمان آنها را به سپاه تحویل دهیم و منم ۵ قبضه سلاح را تحویل آنها دادم.

منم در مورد اجرای قرارهایش که در کتبخوار قید شده است، گفت: قرارها هر ۱۰ یا ۷ روز یکبار در منزل انصاری انجام میشد که این مربوط به بعد از عضویت انصاری در حزب است. ولی قبل از عضویت انصاری، من و هوشنگ عمدتاً در خیابان و در انجمنیه من ملاقات میکردیم.

منم در رابطه با عضویت خود در حزب توده، اظهار داشت: پیام امام مبنی بر عدم عضویت نظامیان در احزاب، در بهار سال ۶۱ بوده در حالی که من در سال ۶۰ ارتباط تشکیلاتی خود را با حزب قطع کرده بودم و در مورد دور بینی که از طرف هوشنگ به من داده شد، من از چند بخشنامه که در تابلو اعلانات محل کارم در زمینه اسامی افراد پاکسازی شده ارتش و نیروی هوایی نصب شده بود، عکس برداری کردم که البته استدلال هوشنگ در این مورد، این بود که این عناصر ضدانقلاب، ممکن است پس از پاکسازی در ارگانهای دیگر نفوذ کنند.

به همین دلیل، لازم است که اسامی آنها را داشته باشیم.

جهانگیری در ادامه جلسه دادگاه، در مورد سخنان همنام یکم بهمن حافظی نیا گفت: وی در اواخر همکاری با حزب، دچار فشار روحی بود و بسیار متشنج به نظر میرسید و روزی با مراجعه بمن، خواست تا او را از کشور خارج کنیم که من به وی گفتم امکان این کار برای ما وجود ندارد و رابطه با حزب هم داوطلبانه است و شما نمیتوانید کنار بکشید که ایشان پس از مدتی، با حزب قطع رابطه کرد.

رئیس دادگاه از منم در مورد خارج شدن از کشور پرسید که منم در جواب گفتم: به خاطر عضویت در حزب وی بردن به اشتباه خود و عذاب وجدانی که گریبانگیر من شده بود و ترس و وحشتی که بر من حاکم شده بود، باعث شد که تحت این شرایط روحی، من این مطلب را عنوان کردم که یامرا از کشور خارج کنید و یا دست از سرم بردارید. ولی قسم می خورم که جدی نبوده و یک چنین تصمیمی نداشتم و همه چیز من کشور و میهنم بوده است.

وی در پاسخ به سوال رئیس دادگاه مبنی بر اینکه اگر شما توبه کرده بودید، چرا پس از اینکه دادستانی اعلام کرد، خود را معرفی نکردید؟ گفتم: من فکر می کردم که اصلاح شده ام و به سرخانه وزندگی خود رفته بودم و افکار و تبلیغات توده ای برای همیشه از زندگی من کنار رفته بود و لزومی نمی دیدم که خود را معرفی کنم. چون از حزب کنار رفته بودم.

در خانه رئیس دادگاه، از وی خواست که آخرین دفاع خود را عنوان کند. منم ضمن اشاره به مدت زمانی که در حزب منقور توده فعالیت می کرده و در این مدت، مرتکب اشتباه شده است، گفتم: بیجز این مدت، من یک عمر زندگی شرافتمندانه داشتم و پس از قطع رابطه از حزب، فعالیت کاری خود را افزایش دادم، ولی به خاطر ضعف ایمان و نداشتن درک درست و تسلیفات وسیع گروهکها، بخصوص این حزب، به دام آن کشیده شدم. ولی به صلیحت الهی این بود که من امروز در کنار محضر دادگاه و در روی میز محاکمه بنشینم.

وی از مسئولین و محضر دادگاه خواست برای جبران خطاها و انحرافات گذشته اش، به وی فرصتی داده شود.

وی گفت: من در مقابل دادگاه، احساس گناه میکنم و رای دادگاه هرچه باشد، برای من محترم است.

با پایان یافتن دفاعیات متهمین تا خدا سوم محسن بدگلی و همنام یکم بهمن حافظی نیا، ظهر دیروز، جلسه علنی دادگاه پایان یافت و جلسه بعدی به روز شنبه ۲۶ آذر ماه جاری موکول شد.



در دومین جلسه محاکمه ۶ تن دیگر از اعضای مخفی حزب منحل توده

چگونگی ارتباط حزب خائن توده با سفارت شوروی فاش شد

چون ارتباط بین جوانشیرین بود خواستند که با خبر و تماس بگیریم اول با او و بعد با آرتیک با آرتیک رابط دیگر تماس گرفتیم و ارتباط بین آنها به بار بود که دوبار در باره مسائل سیاسی و بار اطلاعاتی در مطابقت با امکان قرار از طرف خود در کمیته صورت انجام گیرد. اطلاعات نظامی بنابراین اهمیت آن می باشد که داده شود.

رئیس دادگاه از پروتوی خواست برای این مورد توضیح دهد پروتوی گفت در مورد اینکه کیانوری گفت که تمام اطلاعات نظامی از طریق من به سفارت داده می شد اصولاً آنچه از طریق من بعنوان مسئول سازمان نظامی داده میشد اصل آن در سال ۵۸ و بعد از آنکه من اطلاعی داشته باشم تهیه شده بود که اسناد خاصی بود و بدلیل اینکه افراد نظامی زیر نظر مستقیم یا غیرمستقیم من بودند بمن داده میشد و از او اسناد سال ۵۸ بتدریج به دستور کیانوری این اطلاعات راتیمه و در اواخر سال ۵۸ در یک قرار خیابانی تحویل جوانشیر دادند و در اوائل سال ۵۹ آقای کیانوری مسئولیت مستقیم ارتباط خیابانی با فرد شوروی را بمن محول کرده که در مرداد ماه دستگیر شدم و ارتباط قطع شد که بعد متوجه شدم این ارتباط به ریگان هاتنی و پس از ۶ ماه به سعید آذرنگ داده شده بود که تا اول سال ۶۰ ادامه داشت.

پروتوی گفت اطلاعات نظامی شامل دو قسمت است یکی اسناد خاصی که در کمیته خاصی روی آنها بود و یکی مجموعه اخباری که افراد نظامی بنا میدادند که در مورد اخبار چیزی به فرد شوروی میدادند و اخبار ارتش و بخش غیر نظامی مشکلات مخفی را بصورت کلی یا شفاهی به آقای کیانوری میدادیم رئیس دادگاه از پروتوی سؤال کرد شما با چند نفر از اعضای سفارت ارتباط داشتید؟

پروتوی: ۳ جلسه با یک نفر و شش نفر (۴ مردان و ۲ با فرد دیگری که این ارتباط سپس بااطافی و آرتیک برقرار شده بود. وی در مورد نحوه این ارتباط گفت این ارتباطها به

ران در خبرگزاری جمهوری اسلامی دو زمین جلسه شاه رخ جهانگیری مسئول شاخه نظامی (هوایی) فرسازمان مخفی حزب توده و سه تن از افراد مسئولیت آن صبح امروز در دادگاه انقلاب اسلامی ارتش است حيث الاسلامه مخفی ری شهری حاکم شرح و رئیس دادگاه دو نفران تشکیل شد.

در این جلسه پس از تلاوت آیتان از قرآن مجید رئیس دادگاه گفت چون در جلسه قبل قسمتی از مسائل مطرح شده از سوی جهانگیری با آقای کیانوری ارتباط داشت که بیایست وی در آن مورد توضیح دهد لذا مجدداً از جهانگیری و پروتوی می خواهیم ترمورد نحوه ارتباط با سفارت شوروی توضیح دهند.

سپس کیانوری گفت: ما بچند طریق مستقیم و غیر مستقیم با مقامات سفارت شوروی ارتباط داشتیم که رابطه مستقیم آن بین من و آنها بود و رابطه غیرمستقیم از طریق دو نفر رابط برقرار شد که برای احتیاط بیشتر با مشورت مسئول دادگاه جهانگیری را بعنوان رابط ذخیره معرفی کردیم که جمعاً دو بار کارهای جزئی توسط وی انجام شد انتخاب رابط ذخیره با این دلیل بود که اگر ما بهر طریق مجبور به مخفی شدن شدیم از این امکان اشتغال کنیم و جهانگیری در این رابطه یک بار یک گزارش و بار دیگر دو نامه به ریگان آنتان از نشتهای روزنامهها و مجلات ادبیانجان شوروی درباره ایران را به مسئولین سفارت داد.

رئیس دادگاه از کیانوری سؤال کرد جهانگیری با چه کسی در سفارت ارتباط داشتید کیانوری: من شخصا با یک نفر و بعضی اوقات

رئیس دادگاه: حتماً به کیانوری گفت که چگونه می توانی خود را با سفارت شوروی در مورد دادن اطلاعات که اغلب از راه نظامیان تهیه می شد بیان داریید کیانوری گفت: اطلاعات از راه نظامیان تنها از راه خسر و داده میشود

- ۱ - ارتباط خیابانی، علامت گذاری، تلفظ و توسعه هیئت
- ۲ - تهیه دستکم سه نسخه از احوال رادیویی بود بدین ترتیب
- ۳ - رادیو، شبیه رادیو معمولی در اختیار من گذاشته بودند
- ۴ - راز بود در ساعت و روز معینی طول موج معینی را بگیرم
- ۵ - قتلزار، کلاه صورتی، سرسره نقره، عینک، پیراهن نارنجی
- ۶ - قتلزار، کلاه، عینک، سرسره نقره، عینک، پیراهن نارنجی
- ۷ - عینک، سرسره نقره، عینک، پیراهن نارنجی
- ۸ - فقط یکبار بطور آزمایشی پیام وضع عالی است بخار شد.
- ۹ - رئیس دادگاه از منم سرگردد هوایی صابر نظر حیدری
- ۱۰ - خواست تا ضمن معرفی خود به اتهامات وارده پاسخ گوید.
- ۱۱ - حشوت و فعالیت در شبکه مخفی با نام مستعار مهاجر و تحت مسئولیت هوشنگ.
- ۱۲ - پرداخت حق عضویت در مجموع ۱۲ تا ۱۳ هزار تومان.
- ۱۳ - اجرای قرارهای تشکیلاتی در خیابان و منزل خود با شوق و اشتیاق.
- ۱۴ - معرفی محمدتقی کاوه به تشکیلات حزب.
- ۱۵ - دادن اطلاعات سیاسی، نظامی به تشکیلات.
- ۱۶ - دریافت مبلغ پنجاه هزار تومان از حزب بعنوان قرض.
- ۱۷ - ادامه فعالیت تا لحظه دستگیری.

مهم ترین پذیرفتن موارد اتهام ابتدا مختصری از بیوگرافی خود را شرح داد و گفت من که در عشق عدالت اجتماعی می سوختم از شماره ها و تحلیل های حزب توده خوشامد و به همین دلیل جذب حزب شدم. اما شناخت دقیقی از حزب توده و مارکسیسم همچنین از اسلام نداشتیم. من فکر می کردم بین خط امام و خط حزب توده يك هماهنگی وجود دارد در حالی که من برخلاف فرمایش امام با اینکه يك ارتشی بودم و از این بابت خود را کلاهکبار و مستوجب مجازاتی میدانم.

مهم به بند دوم کيفرخواست منی بر پرداخت ماهانه مبلغ ۱۰۰۰ ریال حق عضویت اعتراف کرد و معرفی هوشنگ محمدتقی کاوه به تشکیلات حزب توده توسط او را مورد تأیید قرار داد و قبول کرد که در این مورد جز ترکیب اشتباه شده است.

و من همچنین اعتراف کرد که اطلاعات مربوط به محیط کار خود «نیروی هوایی» را به حزب می داده است.

نظر حسینی گفت: علیرغم اینکه من اشتباهاتی را از حزب دیده بودم و با آن مخالفت میکردم شجاعت آن را نداشتم که از حزب جدا شوم.

وی در بخش دیگری از اعترافاتش گفت: روزی حزب یادداشتی برای من فرستاد و اطلاعاتی در مورد سیستم های جنگ الکترونیک نیروی هوایی خواسته بود که دو کتاب خیلی محرمانه در این زمینه در اختیار حزب توده قرار دادم حزب هم پیر از تهیه فتوکپی از صفحات آن به من مسترد کرد. وی در مورد بند ششم کيفرخواست منی بر گرفتن ۵۰ هزار تومان به عنوان قرض از حزب توده گفت: این پول بصورت وام نسیئة و اعتباری حزب توده بعثت گرفتاری مالی من آن را جمع آوری کردند و به من تحویل دادند البته ممکن است که حزب این پول را داده باشد اما به من حریفی در این مورد زده نشد.

وی در پایان گفت من مرتکب خطای شده و خود را کلاهکبار میدانم و هرگونه مجازاتی را که دادگاه تعیین کند می پذیرم.

دادستان انقلاب اسلامی ارتش: توجهات شما بهیچوجه قابل قبول نیست چرا که بدعا عتراف خودتان شناختی نسبت به ایدئولوژی مارکسیسم نداشتاید همانطور که شناختی از اسلام نداشتاید.

و اضافه کرد که جنب شعارهای عبدالخواهان حزب توده شده اند این خطا را این نظر قابل قبول نیست زیرا اولاً شعارهای عدالت اجتماعی اسلام در برگیرنده حائزترین مضامین است شائناً به قدرت تبلیغاتی حزب توده اقتدار قوی بود نه شعارهای آنان اقتدار پرمحتوی بود که شما جنب این حزب شوید.

دادستان سپس با توجه به موارد اعتراف مهم و کشف است و مدارکی ذیل بر تسلیم کتب محرمانه ارتش به حزب توده و جاسوس خوانده و گفت: مهم کتابهای کتب متضمن اسناد خیلی محرمانه بوده به حزب داده است اما تنهم بعداً می گویند که این کتابها مهم نبوده است محال است چیزی که عنوان «خیلی محرمانه» داشته باشد چیزی مهمی نباشد و کسی که این کتابها را در دست داشته باشد از اهمیت آن آگاه نبوده و برای او يك سری اطلاعات عادی تلقی شود.

در پایان رئیس دادگاه ادامه محاکمه اعضای سازمان مخفی حزب جاسوس توده را به امروز موکول کرد.

دادستان انقلاب ارتش برای ۶ عضو تشکیلات مخفی حزب خائن توده

بعنوان محارب و مفسد فی الارض تقاضای مجازات کرد

دادگاه گروه دوم تشکیلات مخفی حزب منحل توده وارد شور شد

دادستان انقلاب اسلامی ارتش برای این نفر بعنوان محارب و مفسد فی الارض تقاضای مجازات کرد
بررسی جرائم تازه دیگری از عناصر مخفی حزب خائن توده از طرف دادگاه انقلاب ارتش آغاز می شود.

دادگاه انقلاب اسلامی ارتش ساعت ۱۰ صبح دیروز جهت ادامه رسیدگی به اتهامات ۶ تن دیگر از عناصر تشکیلات مخفی حزب منحل توده تشکیل جلسه داد.

در این جلسه از دادگاه که بریاست حجت الاسلام مجلسی ری شهری رئیس دادگاه انقلاب اسلامی ارتش و با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید رسمیت یافت ، صابر ظفر حیدری متهم ردیف چهارم ، نایب روان عباس هاشمی نژاد متهم ردیف پنجم و علی کبر میرزائی متهم ردیف ششم ضمن پاسخگویی به سئوالات رئیس دادگاه به دفاع از خود در برابر اتهامات وارده در کیفرخواست پرداختند . در این جلسه از دادگاه همچنین نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی ، محمد مهدی یرتوی مسئول تشکیلات مخفی و شاهرخ جهانگیری سرشاخه تشکیلات حزب منحل توده بعنوان شهود شرکت داشتند.

به گزارش خبرنگاری جمهوری اسلامی در ابتدای جلسه دادگاه شاهرخ جهانگیری در مورد اتهامات متهم صابر ظفر حیدری گفت :

از اوایل سال ۵۹ ارتباط ظفر حیدری از طرف حزب بمن داده شد که سه سال با وی ارتباط داشتم و در این مدت رهنمود های مخفی کاری حزب را که منطبق با سیاست های منافقانه آن بوده به اطلاع وی میرساندم و اطلاعات ظفر حیدری در مورد محل کارش را از وی می گرفتم .

جهانگیری: در این مدت ظفر حیدری طبق ضوابط ما عمل میکرد و در يك مورد کتاب نظامی را که پرتوی مسئول تشکیلات درخواست کرده بود ، وی تهیه کرده که از طریق من در اختیار پرتوی قرار گرفت و پس از استناده مجددا بوی تحویل دادم .

ظفر حیدری که در جلسه گذشته دادگاه از خود در برابر اتهامات وارده کیفرخواست دادستان دفاع کرده بود در این جلسه مدعی شد در مقابل درخواست های حزب مقاومت میکرد است و در چند مورد درخواست های حزب را عملی نکرده است .

وی در پایان دفاعیاتش عضویت خود در حزب را خطا دانست و گفت : من اشتباه کردم و بخاطر اشتباهم سرعظیم در مقابل دادگاه اسلامی فرود می آورم و جگم دادگاه را هرچه که باشد می پذیرم .

سپس نایب روان عباس هاشمی نژاد در دفاع از خود در برابر کیفرخواست متهم بر عضویت و فعالیت در شبکه مخفی حزب توده با نام مستعار سپهر اجرای قرار پرداخت حق عضویت و ادامه فعالیت تا لسنه دستگیری به سابقه فعالیت

خود در ارتش جمهوری اسلامی و نحوه آشنائی با حزب توده اشاره کرد و گفت : در اوایل آشنائی رابط تشکیلاتی بین اطمینان داد که تشکیلات هیچ هدفی جز حمایت از انقلاب اسلامی ایران ندارد .

وی مدعی شد از هیچیک از برنامه های جاسوسی و مخفی حزب توده اطلاع نداشته است وی در پایان دفاعیات خود از دادگاه انقلاب اسلامی خواست تا برای جبران خطاهای خود فرصت دیگری در اختیارش قرار گیرد .

شاهرخ جهانگیری در توضیح پیرامون نحوه فعالیت متهم هاشمی نژاد در تشکیلات حزب گفت : از طریق شخصی بنام ناخدا دوم مقصد حقیقت از تمایل هاشمی نژاد برای عضویت در حزب مطلع شدم و طی دو جلسه کوتاه که در منزل حقیقت با وی داشتم پس از تشریح مواضع حزب در مقابل انقلاب اسلامی هاشمی نژاد را علاقمند به فعالیت در تشکیلات دینم و به همین خاطر از وی عضوگیری کردیم .

جهانگیری گفت : فعالیت هاشمی نژاد در تشکیلات در سطح پائین و ابتدایی بود .

همین گزارش حاکی است در ادامه جلسه دیروز دادگاه ناخدا سوم علی کبر میرزائی بدفاع از خود در برابر اتهامات عضویت و فعالیت در شبکه مخفی با نام مستعار سپهر ، تشکیل جلسات حزبی در منزل ، پرداخت حق عضویت ماهانه هزار تومان ، قبول پیشنهاد مسئول خود برای فراری دادن علمای از سران حزب توده و دادن گزارشات و اطلاعات محرمانه در محل کارش پرداخت و مدعی شد هیچگاه از هدف حزب جاسوس توده مبنی بر جمع آوری اطلاعات از محل کار اعضاء خود آگاه نبوده است .

و اطلاعات را بطور غیر مستقیم و بی اطلاع از این هدف در اختیار جهانگیری قرار میداده است . جهانگیری در این زمینه گفت: در جریان یکسال ارتباط با میرزائی حدود ده بار بلوی ملاقات کردم که در این ملاقاتها متهم گزارشات در مورد آسیب رسیدن به چند فروند کشتی حامل آذوقه را به من اطلاع داد . وی افزود: برای فرار احتمالی رهبران حزب توده از کشور میرزائی بمن اطلاع داده بود که امکان استفاده از يك لنج معمولی برایش فراهم است و در صورت ضرورت میتواند اینکار را انجام دهد . ولی کشورهای منطقه بدلیل وابستگی

شدید به آمریکا برای فرار سران حزب توده جای مناسبی نبود که مساله منتهی شد .

در اینجا متهم اعتراف نمود: در ملاقاتهایی که با رابط تشکیلاتی خود داشتم وی همیشه وانمود میکرد نظامیان زیادی خواستار عضویت در حزب توده هستند که بدلیل ممنوعیت عضویت نظامیان در احزاب و گروهها حزب توده نمیتواند آنان را به عضویت بپذیرد . در حالیکه امروز منوجه شده ام که اینطور نبوده و جز عده معدودی کسی تمایل به همکاری با آنان نداشته است .

دادستان انقلاب اسلامی در رد دفاعیات متهمین با استناد

به ماده ۱۹۲ قانون حدود و قصاص اظهار داشت : عمل این گروه دقیقاً با ماده مزبور مبنی بر اینکه هر گروهی که طرح برانگیزی نظام را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و کسانی که با آگاهی سلاح در اختیار آنان بگذارند محارب و مفسد فی الارض می باشد منطبق است . چرا که این افراد گروهی را تشکیل داده بودند که طرح برانگیزی نظام

جمهوری اسلامی ایران را ریخته‌است و برای عملی شدن آن
اسلحه و مواد منفجره تهیه کرده‌اند .
از آنجا که طبیعت توطئه اقتضای آنست که همه عناصر
از جزئیات طرح مطلع و آگاه باشند شخصا آگاهی تفصیلی
نسبت به آن نداشته‌اند ولی به اعتراف خودشان علم اجمالی
نسبت به آن داشته‌اند . دادستان تاکید کرد . اطلاع متهمین
از این مطلب که حزب توده با مسائلی از جمله انبار اسلحه ،
اسم مستعار ، آماده‌باش در موقعیت مناسب در رابطه با تهیه
مقدمات فرار، اجرای ملاقاتهای مخفیانه تشکیلاتی فراز در
لحظه حساس ، پرداخت حق عضویت ، جمع‌آوری اطلاعات
سیاسی و نظامی در ارتباط است، همه قرائن گویای علم اجمالی
آنان به توطئه براندازی است .

علی‌اکبر میرزائی در پایان دفاعیات خود با اعتراف به
این نکته که پس از صدور پیام امام امت مبنی بر ممنوعیت
عضویت نظامیان در احزاب و گروهها میدانسته برخلاف
قانون عمل می‌کند گفت: بواسطه قطع ارتباط با منبع فیض
الهی و عروقه‌الوثنی در ظلمت و گمراهی غوطه‌ور بودم .
فعالیت گذشته من در حزب یک ناسیاسی به پیشگاه پروردگار
میان بود و من امروز از اشتباه گذشته خود توبه می‌کنم
در بیان جلسه دادگاه متهم همافز تکمیل نیروی هوایی
بهمن حافظی نیز به‌سئوالات رئیس دادگاه در زمینه تقاضای

خروج از کشور و اعزام به شوروی از رهبران حزب جاسوس
توده ، قطع ارتباط با حزب بدلیل عدم پذیرش عنوان عضو
آزمایشی و تحویل چند قبضه سلاح به حزب پاسخ گفت . براساس
این گزارش سپس محمدمهدی پرتوی مسئول تشکیلات مخفی
حزب جاسوس توده در مورد دفاعیات متهمین گفت: نحوه
ارتباط و مسائل جنسی آن طوری بود که اعضاء میتوانستند
مسئله براندازی مطلع شوند . وی افزود: اطلاعات مربوط
به نیروی دریایی را علاوه بر اعضاء عادی از طریق ناخدا
افضلی فرمانده نیرو نیز بدست می‌آورده است و به همین
دلیل معمولاً برای دریافت اطلاعات این نیرو از اعضاء جزء
تمایل چندانی نشان ندادند .

وی ضمن تایید استدلال دادستان در مورد دفاعیات
متهمین گفت: اطلاعات تفصیلی حزب را فقط کادرهای مسئول
میدانستند و عناصر ساده از اطلاعات اجمالی مطلع میشدند .
گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی حاکی
است این جلسه مقارن ظهر امروز با تکبیر حاضران پایان
یافت و تشکیل جلسه آینده دادگاه که طی آن عناصر دیگری
از حزب توده محاکمه خواهند شد به روز سه‌شنبه ۲۹ آفریماه
جاری موقوف شد .

محاكمه دومین گروه از عناصر نظامی حزب منحله توده پایانی یافت

محاكمه دومین گروه از عناصر نظامی تشکیلات مخفی حزب جاسوس توده صبح دیروز با محاكمه سه تن دیگر از عناصر این گروه در دادگاه انقلاب اسلامی ارتش پایانی یافت.

بگزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی در جلسه دیروز دادگاه که نورالدین کیا نوری، محمد مهدی پرتوی، شاهرخ جهانگیری، مستقیم حافظی نیا و مجید میدگی حضور داشتند به ترتیب متهمین صابر ظفر حیدری، عباسی هاشمی نژاد و علی اکبر میرزایی از عناصر حزب جاسوس توده در نیروی دریایی که تحت مسئولیت شاهرخ جهانگیری در حزب فعالیت میکردند در قبال اتهامات خود در کفر خواسته به دفاع پرداختند.

پرتوی در دفاع خود از اتهامات شاهرخ جهانگیری در حزب فعالیت میکردند در قبال اتهامات خود در کفر خواسته به دفاع پرداختند.

پرتوی در دفاع خود از اتهامات شاهرخ جهانگیری در حزب فعالیت میکردند در قبال اتهامات خود در کفر خواسته به دفاع پرداختند.

پرتوی در دفاع خود از اتهامات شاهرخ جهانگیری در حزب فعالیت میکردند در قبال اتهامات خود در کفر خواسته به دفاع پرداختند.

پرتوی در دفاع خود از اتهامات شاهرخ جهانگیری در حزب فعالیت میکردند در قبال اتهامات خود در کفر خواسته به دفاع پرداختند.

پرتوی در دفاع خود از اتهامات شاهرخ جهانگیری در حزب فعالیت میکردند در قبال اتهامات خود در کفر خواسته به دفاع پرداختند.

پرتوی در دفاع خود از اتهامات شاهرخ جهانگیری در حزب فعالیت میکردند در قبال اتهامات خود در کفر خواسته به دفاع پرداختند.

ظفر حیدری نیز که در جلسه گذشته دادگاه از کفرخواست دادستان دفاع کرده بود در این جلسه نیز مدعی شد در مقابل در خواستههای حزب مقاومت میکرده است و در چند مورد در خواستههای حزب را عملی نکرده است.

وی در پایان دفاعیاتش عضویت خود در حزب را خطا دانست و گفت من اشتباه کرده ام و بخاطر اشتباهم سر تعظیم در مقابل دادگاه اسلامی فرود می آیم و شکم دادگاه را هر چه که باشد میپذیرم.

سپس ناو سروان عباسی هاشمی نژاد در دفاع از کفرخواست مبنی بر عضویت و فعالیت در شبکه مخفی حزب توده با نام مستعار سپهر، اجرای قرار پرداخت حق عضویت و ادامه فعالیت تا لحظه دستگیری، به سابقه فعالیت خود در ارتش جمهوری اسلامی و نحوه آشنایی با حزب توده اشاره کرد و گفت:

در اوایل آشنایی رابط تشکیلاتی بمن اطمینان داد که تشکیلات هیچ هدفی جز حمایت از انقلاب اسلامی ایران ندارد.

وی مدعی شد از هیچیک از برنامه های جاسوسی و مخفی حزب توده اطلاع نداشته است. وی در پایان دفاعیات خود از دادگاه انقلاب اسلامی خواست تا برای جبران خطاهای خود فرصت دیگری در اختیارش قرار گیرد.

شاهرخ جهانگیری در توضیح پیرامون نحوه فعالیت متهم هاشمی نژاد در تشکیلات حزب گفت از طریق شخصی بنام ناخدا دوم محمد حقیقت از تسامیل هاشمی نژاد جزوای عضویت در حزب مطلع شدم و طی دو جلسه کوتاه که در منزل حقیقت با وی داشتم بمن از شرح مواضع حزب در مقابل انقلاب اسلامی هاشمی نژاد را متفصلاً شنیدم و فعالیت در تشکیلات دادم و به همین خاطر از وی عضوگیری کردم.

وی افزود: فعالیت هاشمی نژاد در تشکیلات در سطح پائین و ابتدایی بود. همین گزارش حاکی است در ادامه جلسه دادگاه ناخدا سوم علی اکبر میرزایی بدفاع از کفرخواست مبنی بر عضویت و فعالیت در شبکه مخفی با نام مستعار سپهر، تشکیل جلسات حزبی در منزل و پرداخت حق عضویت ماهانه هزار تومان، قبول بستن نامه مسئولیت خود برای فرزای دادن عتده ای از سران حزب توده و دادن گزارشات و اطلاعات محرمانه در محل کارش پرداخت و مدعی شد هیچگاه از هدف حزب جاسوس توده مبنی بر جمع آوری اطلاعات از محل کار، اعضاء خود آگاه نبوده است.

و اطلاعاتی را بطور غیر مستقیم و بی اطلاع از این هدف در اختیار جهانگیری قرار میداده است. شاهرخ جهانگیری در این زمینه گفت در جریان یکسال ارتباط با میرزایی حدود ده بار با وی ملاقات کردم که در این ملاقات ها منتم گزارشاتی در مورد آسیب رسیدن به چند فرزند کشتی حامل آذوقه را به من اطلاع داد.

وی افزود: برای فرار احتمالی رهبران حزب توده از کشور میرزایی بمن اطلاع داده بود که امکان استفاده از یک لنج معمولی برایش فراهم است و در صورت ضرورت میتواند اینکار را انجام دهد. ولی کشورهای متعلقه بدلیل وابستگی شدید به آمریکا برای فرار سران حزب توده جای مناسبی نبود که مساله منتفی شد.

منتم اعتراف کرد در ملاقاتهایی که با رابط تشکیلاتی خود داشتم وی همیشه وانمود میکرد نظامیان زیادی خواستار عضویت در حزب توده هستند که بدلیل ممنوعیت عضویت نظامیان در اجزای و گروهها حزب توده نمیتواند آنان را به عضویت بپذیرد. در حالیکه امروز

متوجه شده ام که اینطور نبوده و جز عده معدودی کسی تمایل به همکاری با آنان نداشته است. دادستان انقلاب اسلامی در رد دفاعیات متهمین مطالبی بیان داشت و با استناد به ماده ۱۹۲ قانون حدود و قصاص گفت: عمل این گروه دقیقاً با ماده مزبور مبنی بر اینکه هر گروهی که طرح براندازی نظام را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و کسانی که با آنها اسلحه در اختیار آنان بگذارند محارب و مفسد فی الارض می باشد منطبق است. چرا که این افراد گروهی را تشکیل داده بودند که طرح براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران راریخته است و برای عملی شدن آن در نهایت اختیار اسلحه و مواد منفجره تهیه کرده اند.

وی افزود: از آنجا که طبیعت توطئه اقتضا نمی کند که همه عناصر از جزئیات طرح مطلع و آگاه باشند شخصاً آگاهی تفصیلی نسبت به توطئه نداشتند و لکن به اعتراف خودشان قلم اجمالی نسبت به آن داشته اند.

دادستان تاکید کرد که اطلاع متهمین از این مطلب که حزب توده با مسائلی از جمله انتشار اسلحه، اسم مستعار، آماده باش در موقعیت مناسب، در رابطه با تهیه مقدمات فرار، اجرای ملاقاتهای مخفیانه تشکیلاتی، فرار در لحظه حساس، پرداخت حق عضویت، جمع آوری اطلاعات سیاسی و نظامی در ارتباط است. همه فرائض گویای علم اجمالی آنان به توطئه براندازی است.

علی اکبر میرزایی در پایان دفاعیات خود با اعتراف به این نکته که پس از صدور پیام امام امت مبنی بر ممنوعیت عضویت نظامیان در اجزای و گروهها خود را متوجه بودیم و عمل خود را متوقف کردیم. پس از آنکه

علی اکبر میرزایی در پایان دفاعیات خود با اعتراف به این نکته که پس از صدور پیام امام امت مبنی بر ممنوعیت عضویت نظامیان در اجزای و گروهها خود را متوقف کردیم و عمل خود را متوقف کردیم. پس از آنکه

علی اکبر میرزایی در پایان دفاعیات خود با اعتراف به این نکته که پس از صدور پیام امام امت مبنی بر ممنوعیت عضویت نظامیان در اجزای و گروهها خود را متوقف کردیم و عمل خود را متوقف کردیم. پس از آنکه

علی اکبر میرزایی در پایان دفاعیات خود با اعتراف به این نکته که پس از صدور پیام امام امت مبنی بر ممنوعیت عضویت نظامیان در اجزای و گروهها خود را متوقف کردیم و عمل خود را متوقف کردیم. پس از آنکه

علی اکبر میرزایی در پایان دفاعیات خود با اعتراف به این نکته که پس از صدور پیام امام امت مبنی بر ممنوعیت عضویت نظامیان در اجزای و گروهها خود را متوقف کردیم و عمل خود را متوقف کردیم. پس از آنکه

ارتباط با منبع فیض الهی و عروة
الوثقی در ظلمت و گسرهی
غوطه وز بودم وی افزود : فعالیت
گذشته من در حزب یک
ناسیاسی به پیشگاه
پروردگازمان بود و من امروز از
اشتباه گذشته خود توبه می کنم.

گزارش خبرنگار خیرگزی
جمهوری اسلامی حاکی است در
پایان جلسه دیروز دادگاه متهم
همافریکم نیروی هوایی بهمن
حافظی نیا به سئوالات رئیس
دادگاه در زمینه تقاضای خروج
از کشور و اعزام به شوروی از
رهبران حزب جاسوس توده قطع
ارتباط با حزب بدلیل عدم
پذیرش عنوان عضو آزمایشی و
تخریب چند قبضه سلاح به حزب
پاسخ گفت بر اساس این گزارش
سپس محمد مهدی پرتوی
مسئول تشکیلات مخفی حزب
جاسوس حزب توده در مورد
دفاعیات متهمین گفت: نحوه
ارتباط و مسائل جنبی آن طوری
بود که اعضاء نمیتوانستند از
مساله براندازی مطلع شوند وی
افزود : اطلاعات مربوط به نیروی
دریایی را علاوه بر اعضاء عادی
از طریق ناخدا افضلی فرمانده
نیرو نیز بدست می آورده است و
به همین دلیل معمولاً برای
دریافت اطلاعات این نیرو از
اعضاء جزء تمایلی چندانی نشان
نمیداده است وی ضمن تأیید
استدلال دادستان در مورد رد
دفاعیات متهمین گفت: اطلاعات
تفصیلی حزب را فقط کادرهای
مسئول میدانستند و عناصر ساده
از اطلاعات اجمالی مطلع
میشدند.

گزارش خبرنگار خیرگزی
جمهوری اسلامی حاکی است
این جلسه مقارن ظهر دیروز با
تکبیر حاضران پایان یافت و
تشکیل جلسه آینده دادگاه که
طی آن عناصر دیگری از حزب
توده محاکمه خواهند شد به روز
سه شنبه ۲۹ آذر ماه جاری
موکول شد.

اظهارات حاکم شرع دادگاه انقلاب ارتش پیرامون محاكمة اعضای تشکیلات مخفی حزب خائن توده

تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی
حجت الاسلام ری شهری حاکم شرع دادگاه انقلاب اسلامی ارتش پیرامون محاکمه اعضای تشکیلات مخفی نظامی حزب جاسوس توده تا دو هفته دیگر ادامه خواهد یافت.

وی در ابتدای این مصاحبه با اشاره به پایان پذیرفتن محاکمه دو شاخه نظامی این تشکیلات در دادگاه انقلاب اسلامی ارتش گفت: احکام افرادی که محاکمه شدند اکثرًا صادر شده ولی چون این احکام برای قطعیت یافتن باید مراحلی را طی کند لذا ما پس از قطعیت یافتن کلیه احکام همه را یکجا اعلام خواهیم کرد.

وی آنگاه در مورد هدف رهبران حزب از ایجاد چنین تشکیلات مخفی نظامی گفت:

این حزب دو هدف اصلی داشته است که در کنار اهداف فرعی آنها را دنبال میکرد است و آنظوری که از اعتراضات صریح منتهین و محتوبات پرونده بدست میاید این اهداف یکی جاسوسی برای شرق در جهت تأمین منافع آنها بود و دیگری براندازی نظام جمهوری اسلامی و روی

مار آوردن یک حکومت صددرصد وابسته به شوروی بود. این تشکیلات حجت الاسلام ری شهری دو پاسخ به این سوال که علت عدم حضور خبرنگاران خارجی در جلسات دادگاه چیست گفت:

توسعه گری کار مخفی حزب جاسوس توده از معجزات بزرگ این انقلاب است و از آنجا که غنای زیادی از تحویل این مسأله عاجز مانده اند که چگونه حزب جاسوسی که مدتها تحت عنوان فعالیت میگردید و گروهی را فریب داده اند اکنون ایمان صریح به جاسوسی و براندازی اعتراف میکنند لذا به موضوعاتی نظیر: ترس و مؤثر صدا و غیره متوسل میشوند و آخرین موضوعی که اینها در این رابطه مطرح کردند عدم حضور خبرنگاران خارجی است در صورتی که جلسات دادگاه علمی است و محرک نخواهد میتواند شرکت کند و تنها ماله ای که سبب شد از حضور خبرنگاران خارجی منعوت شود جنبه امنیتی قضیه و مسائل محرمانه نظامی است که در دادگاه مطرح میشود و چون ماهیت این خبرنگاران خارجی برای ما معلوم نیست لذا این تصمیم گرفته شده و حال نیز سعی کنیم تا در یکی از جلسات که بران حزب بعنوان آخرین دفاع در این شرکت خواهد داشت و از جنبه امنیتی نیز اشکالی نیافتد باید از آنها دعوت کنیم.

وی افزود: علی رغم این مسائل فی ضمن هم که اگر از آنها دعوت هم نکنیم مجدداً ماله دیگری را مطرح خواهند کرد و بعد از اینها هر چه میخواهند بکنند. وی سپس در ادامه سخن خود افزود: ماندگاری که لازم میدانم در اینجا متذکر شوم اینست که نظایانی که در دادگاه محاکمه میشوند افراد بسیار اندکی هستند این ماله خود بعد فوت ارتش ما را که پس از انقلاب بریتوی بیوی اسلام گرایش پیدا کرده، نشان میدهد که چگونه علیرغم همه این فعالیتها پیروز ساز انقلاب اینها نتوانستند جز افراد انگشت شماری را جذب کنند.

حجت الاسلام ری شهری در پایان این گفتگو با تأکید بر خط مشی انقلاب اسلامی نفی وابستگی به همه ابرقه آنها نیست بلکه دیگری که در ضمن این محاکمه برهنگان آشکار میشود و دیگر نیازی به فکر ندارد اینک دیگر موضوع تدریسی که تدریسی بودن انقلاب قسم عینی پیدا کرده و دقیقاً مشخص است همانند کارهایی که نوکران شرق را مجازات کرده همان دادگاه نوکران شرق را محاکمه می کند وی متذکر شد که محاکمه اعضای تشکیلات مخفی نظامی بصورت علنی تا دو هفته ادامه خواهد یافت.

کیان

سه شنبه ۲۹ آذر ۱۳۶۲

صفحه ۲ و ۲

صبح امروز در دادگاه انقلاب اسلامی ارتش ؛ محاكمة سومین گروه از اعضای تشکیلات مخفی حزب منحل توده آغاز شد

اولین جلسه محاکمه هفت تن از عناصر سومین گروه از تشکیلات سازمان مخفی حزب منحل توده ساعت ۱۰ صبح امروز به ریاست حجت الاسلام محمد ری شهری حاکم شرع دادگاه انقلاب ارتش تشکیل شد.

در این جلسه که نورالدین کیانوری دبیر کل حزب، محمد مهدی برتری مسئول تشکیلات مخفی و محمد مزر مسئول این هسته به عنوان شاهد حضور داشتند، ابتدا آیتانی از کلام الله مجید قرائت شد و سپس سرنگه اتابکی دادستان انقلاب ارتش متن کیتز خواست را قرائت کرد. بر اساس کیتز خواست صادره اتهامی منتهین به شرح زیر می باشد:

- ۱- محمد بهرامی نژاد ۲-
 - جعفر بهرامی نژاد ۳- باقر سامیز ۴- سیدفائله هیاوند
 - مت خلیل قنادی آذر ۶-
 - عسکر خیانی ۷- عبداللہ
- دریگوند.

به گزارش خبرنگار ما از این دادگاه اتهامات متهم ردیف اول بنام محمد بهرامی نژاد فرزند حسن با نام مستعار «بابک» دارای شناسنامه شماره ۵۹ صادره از اردبیل متولد ۱۳۳۰ که در تاریخ ۱۲ آذر ۱۳۶۲ بازداشت شده است به شرح زیر می باشد:

مسئولیت شاخه نظامی، مسئولیت بخش ژاندارمری، شهرتانی و نیروی زمینی، جذب و وصل دوتن از برادران خوب به حزب، جمع آوری اطلاعات سیاسی و نظامی و انتقال آن به تشکیلات، جمع آوری کمک های مالی و پرداخت ماهیانه ۲۰۰۰ تومان به عنوان عضویت و هزینه مسافرت های تشکیلاتی، جمع آوری اسلحه و مهمات و به انحراف گناندن نظامیان حتی یتیمز پیام امام، بعد از قرائت اتهامات متهم ردیف اول رئیس دادگاه از بهرامی نژاد خواست فرموده اتهامات وارده پاسخ گوید که متهم به پاسخگوئی پرداخت. مشروح اولین جلسه دادگاه فردا از نظر خوانندگان گرامی خواهد گذشت.

صفحه ۲

در جریان محاکمه گروهی دیگر از اعضای سازمان مخفی حزب منحل شده فاش شد

حزب جاسوسان برای بردن انقلاب به سمت شرق بر اندازی جمهوری اسلامی را ضروری میدانست

دادگاه انقلاب اسلامی ارتش صبح دیروز رسیدگی به اتهامات محمد بهرامی نژاد و ۱۳ تن از افراد نظامی تحت مسئولیت وی را آغاز کرد.

در این جلسه که نورالدین کیانوری، محمد مهدی پرتوی و محمد معزز به عنوان مطلع حضور داشتند پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید دادستان انقلاب اسلامی ارتش کیفرخواست متهم ردیف یک محمد بهرامی نژاد را بدین شرح قرائت کرد.

متن کیفرخواست

- ۱- مسئول بخش نظامی شاخه ژاندارمری، شهرستانی و نیروی زمینی تشکیلات مخفی حزب توده با نام مستعار بابک.
- ۲- جذب و وصل برادران خود (علی و جعفر بهرامی نژاد) و تحت مسئولیت داشتن آنها.
- ۳- جمع آوری اطلاعات نظامی و سیاسی از افراد تحت مسئولیت خود و انتقال آنها به حزب جاسوس توده.
- ۴- تحت مسئولیت داشتن متهمین ردیفهای ۲ الی ۴ این کیفرخواست.
- ۵- جمع آوری کمکهای مالی افراد تحت مسئولیت خود و پرداخت ماهانه حدود دو هزار تومان و پذیرفتن هزینههای مسافرتی تشکیلاتی.
- ۶- جمع آوری اسلحه و مهمات حتی از نظامیانی که مهمات جبهه را بسرقت می بردند و دادن آنها بحزب منحل و خائن توده.
- ۷- به انحراف کشاندن نظامیان و ارتباط با آنان حتی بعد از پیام امام و فعالیت تا لحظه دستگیری.

دفاعیات محمد

بهرامی نژاد

سپس متهم به دفاع از خود در قبایل موارد اتهام مندرج در کیفرخواست دادستان پرداخت و ضمن تشریح چگونگی جذب خود در حزب و تشکیلات مخفی گفت: سران حزب در مورد

تشکیلات مخفی عنوان کرده بودند که عدهای از نیروهای خود را به صورت ذخیره برای مواقع ضروری آماده نگهداشتند وی ادعا کرد که از مسئله جاسوسی حزب آگاه نبوده است و تنها بعد از دستگیری سران حزب و از اعترافات آنها پی برده که اطلاعات سری را به روسیه می دادند. متهم افزود: مسئولین حزب همیشه مسأله جاسوسی را از ما پنهان میکردند و ما اگر از نیت آنها آگاه می شدیم هرگز در حزب باقی نمی ماندیم. متهم در دفاعیات خود ادعا کرد، مسئولیت من تنها رساندن اطلاعات و تحلیلهای حزب به افراد تحت مسئولیت بود و هرگز آنها را تشویق و ترغیب به کسب خبر از محل کارشان نمی کردم. و در مورد جذب ۲ تن از برادرانم به حزب باید بگویم که ایشان در دانشگاه تودهای شده بودند و من در جذب آنها به حزب اصلا مسئولیتی نداشتم ولی چون یکی از برادرانم نظامی بود مسئولیت او به عهده من گذاشته شده بود. بهرامی نژاد در ادامه دفاع از اتهامات وارده اتهام جاسوسی را رد کرد و گفت: من هیچ اطلاعاتی که مضر برای انقلاب اسلامی باشد و نیز هیچ اطلاعاتی از ارتش به حزب ندادم و تنها اخباری را که به نفع انقلاب بود از جمله در سلماس مرکزی بود که ضدانقلابیون را از کشور خارج می کرد که با پی گیری این مرکز آشنائی و به حزب معرفی کردم وی سپس گفت: من علیه کسانی که ما را در پشت پرده و با توجیحات ساده لوحانه جذب حزب کردند اعلام جرم می کنم وی همچنین تحت مسئولیت داشتن ۸ نفر نظامی و غیرنظامی را پذیرفت و در مورد کمک مالی به حزب

بر اساس اتهام مندرج در کیفرخواست گفت: من مبلغ ۲ هزار تومان کمک مالی ماهانه به حزب را تکذیب می کنم من این قدرها درآمد نداشتم که بتوانم ۲ هزار تومان به حزب کمک کنم و تنها هزینه مسافرت خود را به شهرستانها که بالغ بر ۲۰۰ تومان در هفته بود تسبیل می کردم.

متهم محمد بهرامی نژاد در دفاع از اتهام بند ۶ کیفرخواست مبنی بر جمع آوری اسلحه و مهمات از نظامیان که مهمات جبهه را به سرقت می بردند و دادن آنها به حزب منحل توده گفت: در جریان انقلاب اسلامی معلمی که با من آشنا بود ۲ قبضه اسلحه و ۳ بدست آورده بود که من از آنها نگهداری می کردم و هر ما را با تصمیم دولت موقت میسی بر جمع آوری سلاحهایی که در دست مردم بود حرب توده نیز با انتشار اطلاعیه اقدام به جمع آوری سلاح از اعضای خود کرد و اعلام نمود که اینها را به دولت خواهد داد بر این اساس من هم این دو قبضه اسلحه را به حرب دادم و اصلا فکر نمی کردم که آنها سلاحها را پنهان خواهند کرد. وی افزود: در مورد سرقت اسلحه نیز من هیچ کس را ترغیب به این کار نمی کردم فقط روزی یک نظامی تحت مسئولیت من یک نارنجک و تعداد ۱۰ عدد فشنگ به من داد که من در مقابل عمل انجام شده قرار گرفتم و اینها را به مسئولم دادم. سپس متهم به بند ۷ کیفرخواست مبنی بر انحراف کشاندن نظامیان اشاره کرد و ضمن رد این اتهام گفت: من حتی یک کتاب مارکسیستی به آنان ندادم و تنها چیزی که به آنها دادم همان اطلاعیه ها و روزنامه مردم و تحلیلهای حزب بود. وی مدعی شد که همیشه به خاطر عضویت افراد نظامی تحت مسئولیتش آنان را سرزنش میکرد است.

متهم در پاسخ به سؤال رئیس دادگاه که چگونگی عضویت وی در حزب را جویا شده بود گفت: در سال ۵۶ در دانشگاه قصد داشتم پایان نامه خود را در رشته جغرافی بنویسم در این هنگام شخصی به نام عطاء اسماعیل زاده با من آشنا شد و در برخورد های خود طوری وانمود می کرد که می تواند در مورد پایان نامه به من کمک کند به این ترتیب به همراه وی به سیلان رفتیم و ایشان کم کم مرا به مسائل سیاسی آشنا کرد و توجیحات وی باعث شد که جذب حزب شوم. سپس رئیس دادگاه از محمد امیر معزز که بعنوان مطلع در دادگاه حاضر شده بود خواست در رابطه با اتهامات محمد بهرامی نژاد توضیحاتی بدهد.

معزز گفت: محمد بهرامی نژاد در سال ۵۶ عضو گروهی بود که مشی حزب را بررسی میکرد و اواخر سال ۵۶ بود که گروه آنها مشی حزب را پذیرفت. از اوایل سال ۵۹ تصمیم گرفته شد که شبکه مخفی به دو بخش تقسیم شود. و بخش نظامی از آن جدا شود. از اوایلین جلسه پایهریزی شبکه مخفی نظامی محمد بهرامی نژاد در جریان چگونگی کارها قرار داشت و هر ماه ۲ بار با پرتوی جلسه داشت و مستقیماً در جریان کلیه امور قرار می گرفت. اینطور نبود که بواسطه من از جریان کارها مطلع شود.

آنگاه رئیس دادگاه از آقای پرتوی خواست تا در این مورد توضیح دهد. پرتوی قبل از شرح ماجرا و چگونگی ارتباط محمد بهرامی نژاد با وی گفت: ما همه در مقابل انقلاب و مردم گناهکاریم و هر کدام در حد مسئولیتی که داشتیم خلاف کردیم. باید خود را گناهکار اعلام کنیم و از توجیه مسائل دست برداریم. و با افشای جرائم خود ماهیت حزب توده، شوروی و تمام جریان کمونیستی جهان و وظیفه خود را ادا کنیم.

وی افزود: بهرامی نژاد مسائل را در دست پذیرفت ولی سعی می کند توجه کند. او از سال ۵۶ در تمام فعالیتها بود. هیچ کس نمی تواند این موضوع را مطرح کند که تشکیلات مخفی نظامی برای کمک به انقلاب بوده است. چون حزب توده نمی توانست به تک تک اعضای خود بگوید که از انقلاب دفاع کنند و لزومی نداشت که تشکیلات مخفی بماند. با توجه به ایندولوزی حزب توده روشن بود که هدف نهایی ما کسب قدرت است اما اعلام نشدن آن این معنی را نمی دهد که ما نمی توانستیم این استنباط را نداشته باشیم. درست است که برای ما مشخص نبود که چه زمانی از نیروهای مخفی نظامی برای براندازی استفاده خواهیم کرد اما روشن بود که روزی به علاوه از آن تشکیلات این استفاده خواهد شد.

وی در پایان از بهرامی نژاد خواست که از توجیه حقایق دست بردارد و در اثناء حقایق بعنوان یک وظیفه عمل کند. سپس دادستان انقلاب ارتش گفت: آقای بهرامی نژاد گفتند که من کسی را به سرقت اسلحه تشویق نکردم. اسلحه در کفرخواست وی به جمع آوری در اسلحه متهم شده است. که متهم در این مورد اعتراف کرده است. دادستان افزود: متهم گفت میدانستیم که تشکیلات ما مخفی است و از اولین روز تأسیس هم در جلسات آن نیز شرکت داشته است. بنا بر این، این مطلب که از هدف نهایی تشکیلات نظامی بی اطلاع بوده است قابل قبول نیست.

دادستان ادامه داد اعلام جرم محمد بهرامی نژاد هم از نظر قانون پذیرفته نیست چرا که خود شریک جرم بوده است. گزارش خبری کار خبرگزاری جمهوری اسلامی آنگاه محمد معزز بعنوان مطلع از اعمال محمد بهرامی نژاد بنا به کسر بمتونهای از گزارهای او گفت: وقتی حزب از بهرامی نژاد خواست که یک نوع موسک خاصی از نیروی زمینی را تهیه کرده برای حزب بسازد متهم تهیه فعالیت میکرد تا این موسک را تهیه کند. وقتی حزب از اعضای خود چنین تقاضاهایی بکند باید برای شخص معلوم شود که حزب موسک را برای چه میخواهد. اینجاست که ما باید از حزب میپریدیم ولی این کار را نکردیم.

بر اساس همین گزارش سپین محمد مهدی پرتوی گفت: بهرامی نژاد مدت بسکسال مرخصی بدون حقوق گرفت تا در این مدت بتواند مسئولیتها و

ماموریتهای حزبی خود را خوبی انجام دهد که در این مدت حزب حقوق او را برداخت میکرد. وی افزود: بعد از دستگیری افراد و رهبران حزب توده من به بهرامی نژاد گفتم اگر تمام قسمتهای حزب از بین برود باید بخش نظامی آن سالم بماند.

در یک جلسه هم که با بهرامی نژاد صحبت میکردم انقلاب را شکست خورده میدانستیم و چون فکر میکردیم انقلاب یا باید به سمت شرق حرکت کند یا به سمت غرب و اگر بطرف شرق نرود با ما در تضاد است بنا بر این یکسک براندازی ضروری به نظر می رسید.

در ادامه جلسه دیروز دادگاه متهم محمد بهرامی نژاد در پاسخ به اظهارات محمد معزز و محمد مهدی پرتوی گفت: عمده ترین مسئلهای که آقایان مطرح کردند این بود که بنده را به عنوان یکی از سازماندهان تشکیلات مخفی معرفی کردند ولی من ابتدا در سازماندهی شاخه نظامی تشکیلات دخالت نداشتم. شرکت من در اولین جلسه تشکیلات مخفی کلا نمایشی بود زیرا تصمیمات اصلی قبلا توسط سران گرفته شده بود و در جلسه اول به من ماموریت دادند که به اهواز بروم و مسئولیت چند تن از اعضای تشکیلات را بپذیرم و کار

مورد اینکه آقای پرتوی میگویند گناهان خود را توجیه نکنم بلکه بگویم این توجیه نیست بلکه شکایت از گناه گشادی است که بر سر ما رفته است. متهم ادعا کرد مسئولین حزب فرصت تفکر را از وی گرفته بودند. و در مورد اینکه من بنه نظامیان تحت

مسئولیت خود اجازه تفکر نمیدادم این را قبول ندارم. متهم اتهام جفت آوری کمکهای مالی اعضای تحت مسئولیت خود و دادن آنها به حزب توده را قبول کرد و ضمن اظهار ندامت گفت: من خود را در پیشگاه ملت و محضر دادگاه گناهکار میدانم. متهم در ادامه دفاعیات خود گفت: حزب ۲ چهره داشت یکی دفاع از انقلاب اسلامی و دیگری جاسوسی و خیانت و ما تنها چهره خوب حزب را دیده بودیم.

وی در مورد جذب افراد به حزب گفت: مسئولین اساسی افراد را به من میدادند و من هم با آنها تماس میکردم. وی با اشاره به اینکه از مخفی بودن تشکیلات حزب آگاهی داشته است ادعا کرد که اطلاع نداشته که هدف تشکیلات مخفی چه بوده است. بهرامی نژاد در رابطه با موضوع موسک که آقای معزز مطرح کرده بود گفت. آقای معزز هرگز از من نخواست که موسک از ارتش بیاورم. وی تنها میگفت که

موشکهائی در ارتش وجود دارد و برادر من میدانست که این سلاحها در ارتش هست و برای من و برادرم امکان آوردن چنین موشکهائی از ارتش امکان نداشت. متهم در پاسخ به سؤال رئیس دادگاه مبنی بر اینکه حزب تشکیلات مخفی را برای چه منظوری میخواسته است گفت: حالا این بردهام که برای سرنگونی انقلاب اسلامی ولی قبلا این موضع را نمیدانستم.

محمد بهرامی نژاد در پایان جلسه دیروز دادگاه گفت: ما فکر میکردیم که برای انقلاب کار میکنیم. اما حالا فهمیدیم که اشتباه کردیم.

ادامه محاکمه اعضای شاخه نظامی مخفی حزب توده به جلسه بعد که صبح امروز تشکیل میشود موکول شد.

www.Iran-archiv.com

در دومین جلسه رسیدگی به اتهامات اعضای هسته نظامی تشکیلات مخفی حزب توده :

چگونگی جاسوسی عوامل نفوذی حزب توده در نیروی زمینی ارتش

تشریح شد

دادگاه انقلاب اسلامی ارتش صبح چهارشنبه گذشته به منظور رسیدگی به اتهامات محمد بهرامی نژاد مسئول هسته نظامی تشکیلات مخفی حزب توده و نظامیان تحت مسئولیت وی تشکیل جلسه داد.

در این جلسه که برپاست حجت الاسلام محمدی ری شهری حاکم شرع دادگاه انقلاب اسلامی ارتش تشکیل شد و نورالدین کیانوری، محمد مهنی پرتوی و امیر مهزوز نیز بعنوان مطلع حضور داشتند پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید ابتدا دادستان در مورد دفاعیات روز گذشته متهم ردیف اول محمد بهرامی نژاد با اشاره به این نکته که یکی از مسائلی که متوجه ایشان می باشد آن را پذیرفتند جمع آوری اطلاعات است و با یادآوری سواد مندرج در کیفرخواست متهم در مورد جمع آوری اطلاعات از وی خواست تا در این مورد توضیح دهد و متهم در این رابطه گفت اطلاعاتی که من به حزب می دادم سری و از اسناد ارتش نبوده است و من هیچ یک از افراد تحت مسئولیت خود را به جمع آوری اخبار و اطلاعات سری ترغیب و تشویق نمی کردم و تنها در مورد مسائل انقلاب، جنگ و تحلیل های حزب با آنها صحبت می کردم. رئیس دادگاه از پرتوی خواست که در مورد انکار متهم مبنی بر دادن اطلاعات سری به حزب توضیح دهد و پرتوی در پاسخ پس اشاره این نکته که یکی از وظایف شاخه ها رد کردن اطلاعات که آقای بهرامی نژاد مسئول یکی از آنها بوده است کمت وظیفه آنها این بود که اطلاعات عادی و نظامی محیط کار خود را جمع آوری و به مسئول خود تحویل دهند. در مورد اینکه ایشان گفتند سندی نداشته اند درست است ایشان اطلاعات را به صورت شفاهی در حوزه می دادند و ماهر کداها که لازم میدانستیم

به افراد می گفتم که بنویسند و بدهند و یک نمونه آن این است که یکی از آقایان که پزشک و در جبهه خدمت میکرد آماری در رابطه با شهداء و مجروحین حملات را می داد و ما بیشترین خبرها را از طریق شاخه نیروی زمینی که مسئولیت آن پس آقای بهرامی نژاد بود دریافت می کردیم.

پرتوی افزود ایشان گزارشی از وضع جبهه ها و حملاتی که قرار بود انجام شود گزارش می دادند و در یک مورد حتی آقای بهرامی نژاد در حضور آقای کیانوری و چند تن از افراد شاخه گزارش مفصلی در رابطه با اوضاع جبهه بمنز یکی از عملیاتها به ما دادند سپس کیانوری اظهارات پرتوی را تأیید کرد. متهم در رابطه با اظهارات پرتوی جمع آوری اطلاعات و اخبار را پذیرفت و مدعی شد که این اطلاعات نوع مشخص نبوده و تنها اطلاعات عادی جبهه ها بوده است.

وی همچنین مدعی شد که اخبار سری به حزب نداشته است متهم در مورد اطلاعاتی که دکتر غیاثوند در مورد آمار شهداء و مجروحین به وی داده است گفت دکتر غیاثوند یک پزشک بود و در محدوده کوچکی در جبهه فعالیت میکرد و آنچه را که در ظاهر می دید اطلاع می داد ولیکن در مورد اینکه ما به آمار دقیق شهداء و مجروحین دسترسی داشته باشیم اصلا صحت ندارد.

وی افزود: وقتی دکتر غیاثوند از جبهه باز میگشت مطالبی میگفت که رادیو و روزنامه ها هم اینها را مطرح میکردند متهم در خاتمه مجدداً متکرر دادن اطلاعات سری به حزب شد و گفت افراد تحت مسئولیت من از جمله دکتر غیاثوند و سرگرد سامیر هنگامه که از جبهه مراجعت میکردند تنها مشاهدات خود از جبهه را به ما می دادند و در مورد زمان شروع حملات این را ما براساس

شواهد حدس می زدیم و در رابطه با اینکه آقای پرتوی گفتند من در حضور کیانوری اطلاعات دادم باید بگویم که کیانوری معمولاً به حوزه های حزب سرکشی میکرد و بر حسب تصادف روزی ایشان در حوزه حضور داشت که من هم داشتم یک سری اخبار عادی جبهه ها را گزارش می دادم که این مطالب را همه مرهم میدانستند.

پس از دفاعیات متهم ردیف اول محمد بهرامی نژاد، رئیس دادگاه از جعفر بهرامی نژاد متهم ردیف دوم خواست در مورد صحت اظهارات برادرش توضیح دهد که وی اظهارات محمد بهرامی نژاد را تأیید کرد.

در ادامه جلسه دادستان انقلاب اسلامی ارتش کیفرخواست متهم ردیف دوم جعفر بهرامی نژاد را به این شرح قرائت کرد:

- ۱- عضویت و فعالیت در تشکیلات مخفی با نام های مستعار «فریبرز» و «ابونور» تحت مسئولیت «بابک» (محمد بهرامی نژاد).
- ۲- دادن اخبار و اطلاعات نظامی محیط کار خود به مسئولین.
- ۳- پرداخت حق عضویت ماهانه ۱۰۰۰ تومان.
- ۴- معرفی سروان حسن معقول.
- ۵- فعالیت و ادامه ارتباط تا لحظه دستگیری.
- سپس رئیس دادگاه از متهم خواست ضمن تشریح قصه جذب خود به حزب در قبال اتهامات مندرج در کیفرخواست از خود دفاع کند.
- متهم با اشاره به اینکه در سال ۶۰ به طور رسمی جذب حزب شده است و در سال ۶۸ نیز به حزب گرایش داشته است علل گرایش خود را مسائل موجود در دوران نثریات حزب عنوان کرد و گفت هیچ کس در جذب من به حزب مسئول نبوده است. وی در مورد بند دوم کیفرخواست

خواست مبنی بر دادن اطلاعات و اخبار محیط کار خود به مسئولین مدعی شد که هر ۵۰ روز یکبار به مرخصی می آمدم و در این مدت با برادر و اعضای خانواده خود از مسائل جبهه صحبت میکردم و اینها برای وی شیرین و خاطره انگیز بود. وی مدعی شد که اصلاً با مسائل سری آشنا نبوده و به آنها دسترسی نیز نداشته است و تاکنون اخبار و اطلاعاتی که به ضرر انقلاب و مردم باشد به حزب نداده است.

متهم مساله پرداخت حق عضویت به حزب را پذیرفت و علل آنرا گرفتن حق مأموریت و فوق العاده جنگی خواند و گفت من حق عضویت را نوعی خدمت به مردم میدانستم.

متهم در مورد معرفی سروان حسن معقول به حزب گفت وقتی در گروهان سوم خدمت می کردم فرمانده گروهان من سروانی بود که همه از گرایش های وی به حزب توده آگاه بودند ولی من در جذب وی به حزب فعالیت نمی کردم فقط برادرم از طریق من ایشان را جذب کرد. متهم جعفر بهرامی نژاد در مورد اتهام فعالیت و ادامه ارتباط تا لحظه دستگیری گفت فعالیت ما تنها خواندن تحلیل های روزنامه «مردم» بود و من تا پس از دستگیری سروان حزب و اعتراف آنها به مساله جاسوسی و براندازی پی نبرده بودم.

رئیس دادگاه از متهم خواست که صریحاً بگوید که آیا سروان حسن معقول را به حزب معرفی کرده است یا نه. متهم گفت من وی را نه به عنوان یک فرد تودم ای بلکه چه به حزب معرفی کردم. سپس رئیس دادگاه ضمن قرائت قسمت هایی از متن بازجویی و اعترافات وی مبنی بر دادن اطلاعات نظامی به مسئولین را قرائت کرد و وی را متهم به تناقض گویی کرد.

متهم تلویحا مواردی چند از اتهامات خود را پذیرفت و به عنوان آخرین دفاع خود گفت حزب توده پس از انقلاب با ارائه برنامه هایی باعث جذب جوانانی مثل من که حساس بودند شد طرفداری حزب از انقلاب و امام باعث گرایش من به حزب شده و هرگز فکر نمی کردم سران حزب جاسوس از کار درمی آیند و قصد براندازی داشته باشند. اگر از نیات واقعی حزب آگاه می شدم هرگز به سمت آن کشیده نمی شدم. وی نیز خاتمه منتهی شد که در زندان به ماهیت جاسوسی و هدف براندازی حزب می برده است. بر اساس گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی پس از اتمام دفاعیات متهم ردیف دوم جعفر بهرامی - نژاد دادستان متن کیفر متهم ردیف سوم سرگرد باقر سامیر را به این شرح قرائت کرد: ۱- عضویت و فعالیت در شبکه مخفی با نام «کیو» و «بایک» و تحت مسئولیت ۲- پرداخت حق عضویت ماهانه ۱۰۰۰ الی ۱۵۰۰ تومان. ۳- اجرای فرار های تشکیلاتی در خیابان و داخل ماشین خود در آلمان و فرودین. ۴- معرفی خلیل بیانی به تشکیلات. ۵- دادن اخبار محیط کار خود به بایک. ۶- ارتباط با حزب حتی بعد از پیام حضرت امام تا لحظه دستگیری. پس از قرائت کیفرخواست توسط دادستان متهم در حالیکه بشدت متاثر بود گفت: من تمامی اتهامات را می پذیرم و حداکثر جرم را برای خودم درخواست می کنم چون احساس می کنم با این تنگ که بنحوا بر علیه جمهوری اسلامی جاسوسی کنم دیگر زندگی برام ارزشی ندارد. متهم ضمن اشاره به شرایط زندگی و اختناق رژیم گذشته و گرایش خود به حزب گفت من هیچگاه فکر نمی کردم که خط حزب جدایی از خط انقلاب باشد به این جهت حداکثر کوشش و فعالیت خود را می کردم چون فکر می کردم مشوق خود را یافته ام وی افزود: با شروع جنگ تحمیلی من نیز به جبهه رفتم در این حال با حزب نیز تماس داشتم ولی لحظه ای فکر نمی کردم که به مملکت دارم خیانت می کنم تا اینکه کیانوری را در تلویزیون دیدم که صحبت می کرد تصور خیانت برام خیلی مشکل بود زیرا عاشقانه در جبهه خدمت می کردم. من یا دیدن محرومیت ها و رفیع ها فکر می کردم که مارکسیسم تمام اینها را بر طرف می کند بر این اساس برای من جاذبه داشت ولی پس از این - یزدن به مسئله جاسوسی حزب دچار یحیران روحی شدم متهم سرگرد باقر سامیر در خاتمه

گفت: من خود را گناهکار می دانم و از حاکم شرع می خواهم حداکثر مجازات را برای من تعیین کند من این تنگ را به کجا ببرم من فکر می کردم با تمام توان دارم برای مردم کار می کنم. بر ادامه جسد دادگاه دادستان کیفرخواست متهم ردیف ۴ سیف الله غیاثوند را به شرح زیر قرائت کرد: ۱- عضویت و فعالیت در شبکه مخفی با نام «کیو» و تحت مسئولیت «بایک». ۲- پرداخت حق عضویت ماهانه ۱۰۰۰ الی ۱۵۰۰ تومان و مجموعا ۱۰۰۰۰ تومان. ۳- دادن اخبار محیط کار و جبهه به بایک. ۴- اجرای قرار های تشکیلاتی هر ۱۵ روز یکبار در خیابان و منزل. ۵- معرفی سروان قدرت الله مقیمی، محمد صلاحی پور، فالح فاضل، حسین رضایی، مهداد صفح آبادی و طباطبائی در جهت جذب و وصل آنها به حزب توده. ۶- فعالیت بعد از پیام امام تا لحظه دستگیری. سپس متهم در قبال اتهامات مندرج در کیفرخواست به دفاع از خود پرداخت و ضمن بیان گوشه ای از زندگی خود گفت پس از گذراندن تحصیلات در دانشکده پزشکی تبریز به علت نداشتن گرایشهای مذهبی، مطالعه کتاباطاعت گورگورانه از روزبه و جزوه «چهره های درخشان» که توسط شخصی بنام سروش به من داده شد تحت تاثیر قرار گرفتم و برنامه حزب را منطبق با انقلاب دیدم و جذب آن شدم. وی در دفاعیات خود معرفی مقیمی، صلاحی پور و طباطبائی را به حزب رد کرد و در مورد فعالیت خود در شبکه نظامی حزب گفت من وقتی جذب شدم غنسی فعالیت می کردم و دوستان من از عضویت من در حزب خبر داشتند و من بخاطر نداشتن پیشه سیاسی فعالیت من منحصرا به خواندن تشریح بود. وی افزود روزی مسئول در مورد جریان فعالیت حزب در ارتش سؤال کردم که وی جواب داد که فقط شما چند نفر هستید و گروه حزب که با رژیم طاغوت طرف نیست که بنحوا تشکیلات نظامی داشته باشد که روبروی رژیم بایستد به همین جهت تصور من این بود که فقط خودم هستم و این بیجهت. متهم مدعی شد که قبلا از شبکه مخفی اسلامی نداشت ولی الان قبول می کند که عضو شبکه مخفی بوده است وی همچنین پرداخت حق عضویت را پذیرفت و گفت: من فکر می کردم کار

درستی می کنم و این مبالغه را به صورت کمک و نه به صورت حق عضویت به حزب می دادم. متهم در مورد دادن اطلاعات و اخبار به مسئول خود گفت با شروع جنگ تحمیلی با اعتقادی که به جنگ داشتم و از سوی دیگر انطباق آن با برنامه های حزب به جبهه رفتم و سیمانه فعالیت می کردم با اینکه در آنجا چندین بار آسیب دیدم و مدت ۳۰ ماه در جبهه بودم که هر ۶ ماه یکبار به مرخصی می آمدم در این مدت هیچ گاه از من خواسته نشده که اطلاعات بدهم و یا توجه به اینکه از چگونگی عملیاتها اطلاع داشتم هرگز از من اطلاعات خواسته نشد وی افزود البته بعد از حملات من تنها از فتوحات جنگ و کشته ها و مجروحین نیروهای خودمان با مسئول صحبت می کردم که این مسائل هم در روزنامه ها نوشته می شد و جنبه سری نداشت. متهم از محضر دادگاه خواست تا با وی به عنوان پزشکی که از یک زندگی خیلی ساده برخوردار است و کسی که فریبش ندادند و از اوسوه استفاده شده و همچنین به عنوان کسی که راه خود را درست تشخیص نداده ولی حسن نیت داشته است برخورد کند. دادستان خطاب به متهم گفت چرا پس از فرمان امام از حزب کناره گیری نکردید. متهم اظهار داشت من درگیر جنگ بودم و روزانه ۲۰ ساعت کار می کردم و از سوئی رسانیه من اعلام نشده بود که عضو حزب هستم ولی در مجموع این اشتباهی بود که من مرتکب شدم. متهم در مورد ارتباط خود با سروش گفت من در اهواز مطب داشتم و بخاطر نداشتن پیشه و دید سیاسی و طی ۱۲ سال عمر خود در ارتش با شروع انقلاب احساس کمبود می کردم تا اینکه روزی پیرمردی به مطب من آمد و با هم درباره انقلاب صحبت کردیم روز بعد پیرمرد با شخصی به نام سروش به مطب آمد که سروش کتاب «اطاعت گورگورانه» را به من داد و بار دیگر جزوه «چهره های درخشان» را به من داد به این ترتیب با مطالعه این کتابهاو گرایشی که داشتم جذب حزب شدم. متهم دکتر غیاثوند به عنوان آخرین دفاع از دادگاه خواست به عنوان کسی که با هدف خدمت ولی به طاعت شناخت کم به این راه کشیده شده و با توجه به خلوص نیت با وی برخورد شود.

بگزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی با پایان یافتن دفاعیات متهم سیف الله غیاثوند جلسه دادگاه در ساعت ۱۲ پایان یافت و رسیدگی به اتهامات عناصر دیگر تشکیلات نظامی حزب جاسوسی توده به جلسه روز شنبه (امروز) موکول شد.

کیهان

شنبه ۴ دی ۱۳۳۲
صفحه ۱۷

دادگاه ارتش دیگر از اعضای تشکیلات مخفی حزب خائن توده پایان یافت



تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی - دادگاه انقلاب اسلامی ارتش صبح دیروز با استماع دفاعیات ۶ تن دیگر از عناصر تشکیلات مخفی حزب جاسوسی توده محاکمه اعضاء سومین شاخه از این تشکیلات را ادامه داد. بگزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی در این جلسه که به ریاست حجت الاسلام محمدی ری شهری و با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز شد و نورالدین کیانوری محمد مهدی پرتوی - محمد معزز و محمد بهرامی نژاد بعنوان افراد مسئول و مطلع از نحوه فعالیت این شاخه از تشکیلات مخفی نیز حضور داشتند.

دادستان با قرائت کیفرخواست متهمین خلیل قنادی آذر سرهنگ عسکر غیاتی ستوانیکم اسدالله دریکوندی - سرپاسان مهدی مسطفوی سا باذر غلامی و نبی الله زاده نور از ریاست دادگاه برای مجازات هر یک از متهمین تقاضای صدور حکم شرعی کرد پس متهمین به دفاع از خود پرداختند.

متهم ردیف چهارم خلیل قنادی آذر که ستوانیار شهربانی می باشد در دفاع از کیفرخواست دادستان مدعی شد هیچگونه اخباری از محیط کارش به ریابط تشکیلاتی خود نداده است. وی اعتراف کرد برای مدت ۳۰ ماه ماهانه مبلغ ۵۰۰ ریال به ریابط تشکیلات حزب پرداخت کرده است. متهم

مدعی شد از اسم مستعار و اینکه از تشکیلات مخفی حزب توده فعالیت میکند آگاه نبوده است محمد بهرامی نژاد مسئول حزبی قنادی آذر در توضیحات خود پیرامون اتهامات متهم گفت: اولین تماسی که با متهم داشتم در ترمینال شرق تهران بود و در مدت ارتباطم هیچگاه اسم مستعار آنها را بنخودشان نگفته بودم. دادستان انقلاب اسلامی ارتش در رد دفاعیات متهم متهم بر عدم آگاهی از پیام امام امت مبنی بر ممنوعیت فعالیت نظامیان در اجزای و گروهها گفت: فعالیت نظامیان در اجزای حتی از قبل از انقلاب اسلامی نیز ممنوع بود و پس از انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۴/۱۲/۲۹ امام امت طی پیامی صریحا این موضوع را اعلام کردند که از کلیتیه رسانه های گروهی و وسائل ارتباط جمعی نیز انعکاس کافی داشت به همین دلیل بر اطلاعی از انتشار چنین

مطلبی که فوق العاده حائز اهمیت است قابل قبول نخواهد بود.

بر اساس این گزارش متهم سرهنگ عسکر غیاتی که در خرداد ماه سال جاری بازداشت شده است در دفاع از خود مدعی شد از ۱۸ مساه پیش

ارتباط تشکیلاتی با ریابط حزب نداشته است وی عضویت در حزب توده را انکار کرد و گفت: من عضو حزب توده

نبودم و اولین بار در جلسه ای از طریق پاسخ هائی که عمومی عضو حزب توده. به سئوالان شرکت کنندگان در آن جلسه عینا متوجه شعارهای حزب شدم و در پاسخ سئوالی که در زمینه عوامل شکست کودتای ۲۸ مرداد ماه از عمومی کردم وی ضمن توضیحاتی گفت کتابهایی در این زمینه را در اختیار من قرار خواهد داد. غیاتی افزود: پس از حدود پنج ماه از تشکیل جلسه پاسخ و پرسش که در آن شرکت کردم شخصی که خود را بهرام معرفی میکرد در بروجسرد محل اقامت با من تماس گرفت

و به تشویه حزب بوده را
بین داد و از من خواست
گزارش بر مورد اوضاع
داخلی ارتش برای وی تهیه
کنم که هیچگاه اینکار را
نکردم. من هم گفت: در سومین
ملاقات حزبی با محمد معزز
و سپس با بهرامی تژاد آشنا
شدم و مجموعاً در طول ۸
جلسه ملاقات با مسئولان حزبی
پس از مطالعه نشریات و نوار
های حزب به ماهیت تشکیلات
آنها پی بردم و به همین خاطر
از ۲۵ مرداد ماه سال ۵۹ بطور
کلی ارتباط را با عناصر
حزبی قطع کردم و در قرار
هائی که پس از آن برای من
ترتیب داده میشد شرکت
نکردم.

بهرامی تژاد مسئول این شاخه
از تشکیلات مخفی فر
توضیحات خود پیرامون
اتهامات غیائی قطع ارتباط
وی از یکسال و نیم پیش را
تایید کرده و گفت: عدم تأیید
من هم به ادامه قرارهای
تشکیلاتی قابل لمس بود و من
به همین لحاظ وی را یک
توده ای نمیدانم.
محمد معزز مسئول شاخه
نظامی تشکیلات مخفی حزب
جاسوس بوده نیز گفت: من هم
غیائی عضو بود بلکه هواداری
بود که قصد داشت مسائل را
درک کند مگر غیائی در مورد
پرداخت ۳ هزار ریال حق
عضویت مدعی شد این مبلغ را
در مقابل نوارهایی که از
حزب دریافت میکشیده
می برداشته است.

محمد مهدی برتوی مسئول
تشکیلات مخفی حزب توده فر
این زمینه گفت: قرار حزبی
معمولاً برای کسانی ترتیب داده
میشود که میخواهند عضو
حزب بشوند. به احتمالاً مگر
غیائی نیز از افرادی بوده
است که برای عضویت ابراز
تفاهت داشته است. وی در
توضیحات خود حضور نامظم
و بی توجهی من هم به قرارهای
تشکیلاتی را تأیید کرد.

فادستان انقلاب اسلامی
ارتش در رد دفاعات من هم
عسکر غیائی با این توضیح
که پرداخت حق عضویت غالباً
برای هزینه مخارج حزب است
گفت من هم در مدت ارتباط با
حزب به مسئول تشکیلاتی
عوض کرده ام. وی اینکه
وجهی را که ایشان برداشته
برای مخارج نوار بوده است
یا چیز دیگری تفاوتی نمیکند
و مهم پرداخت وجهی بعنوان
حق عضویت است. مگر غیائی
بعنوان آخرین دفاع از
کیفرخواست مدعی شده در مدت
۸ جلسه ای که با عناصر حزبی
داشته است از اینکه با آنان
بعنوان مسئول تشکیلات ملاقات
میکند و قرار نیز تناسس
تشکیلاتی است آگاه نبوده
است.

سپس ستوان یکم اسداله
در یک وندوی در دفاع از کیفر
خواست دادستان مبنی بر عضویت
و فعالیت در بخش نظامی
تشکیلات مخفی، دادن اخبار و
اطلاعات محیط کارش به مسئولان
حزبی و اقدام به معرفی یک
نظامی در جهت جلب و عضویت
پرداخت حق عضویت ماهانه
۵۰۰ تومان.

اجرای قرار های تشکیلاتی
خیابانی و در اختیار گذاشتن و
استفاده از منزل جهت برگزاری
جلسات ادامه فعالیت به دوازدهم
حضرت امام و در ضمن پیدا کردن
یک قبضه کلاشینکف در منزل
ایشان و ضمن ابراز بی اطلاعی
از شبکه مخفی مدعی شد خود را
یک فرد مخفی نمی دانسته است.
من هم گفت: فعالیت وی در

حزب حالت عادی داشته است
و رابط حزبی وی هیچگاه از
جریان تشکیلات مخفی وی غایب
مطلق نگردیده است.

وی گفت من به هیچ وجه
مارکسیست نبودم و حالا بابت
پردن به ماهیت حزب متوجه
شده ام که تشریح شعارهای
اقتصادی حزب توده و حمایت
های ظاهری آنها را از خط امام
خورده بودم.

من هم مدعی شد کوچکترین
اطلاعات و اخبار را به مسئولان
حزب نداده و یک بار به حزب
معرفی نکرده است در یک وندوی
کیفرخواست دادستان مبنی بر
فعالیت در تشکیلات حزب پس از
صدور پیام امام را پذیرفت و
گفت: بدلیل اینکه اهمیت پیام
امام را واقعا درک نکرده بودم
تا اوائل اسفندماه ۶۱ ارتباط
را با حزب قطع نکرده بودم.

من هم گفت: در قبال بی توجهی
که نسبت به پیام امام امت داشتم
از امام خمینی طلب عفو و بخشش
می کنم و از ایشان تقاضا می کنم
بن فرصت دیگری بدهند تا به
جامه برگردم و در خدمت مردم
و انقلاب باشم. و به اسلام خدمت
کنم من هم در مورد نگهداری
سلاح کلاشینکف در منزلش
توضیح داد این اسلحه را از
اداره خلق سلاح برای حفاظت
از جان و منزل خود گرفته بودم
و هیچ ارتباطی با فعالیت
حزبی ام نداشته است. در این
زمینه کارم غیرقانونی نبوده
است. وی بعنوان آخرین دفاع
از خود گفت: در حضور دادگاه
حاضر می شوم و بعد بدم که هر آینه
به هیچ وجه از خط اسلام خارج
نشوم.

سپس دادستان در دفاعیات
من هم با اشاره به اهمیت پیام من
امام امت در رابطه با عضویت
فعالیت نظامیان در احزاب
گفت مهم این است که امام امت
در مقام فرماندهی کل قوا
دستوری را می دهند که بعنوان

یک قانون برای شما امیری
مطاع است و می بایست اجرا
می گردید و اینکه از اجرای آن
سرباز زده اید مرتکب خلاف
شده اید. وی در مورد سلاح گفت
اگر جواز داشته باشد نگهداری
سلاح ممنوع نیست اما نگه
داری سلاح برای فردی که حق
عضویت می بردارد در قرار
تشکیلاتی اجرامیکند و چگونه
پرونده ای داشته یک امر ساده
نقعی نمی شود و غیر مجاز است
سربازان مهدی مصطفوی که
شهری رما ما لجاری بازداشت
شده است نیز بدفاع از کیفر
خواست پرداخت و مدعی شد
تا لحظه دستگیری از هدفی
نوپنه گرانه حزب توده اطلاع
نداشته است وی گفت تصور
نمی کردم عضو حزبی باشم که
کیانوری رهبر آن آنگونه
بلیدیهای آنرا آشنا کند.

من هم اعتراف کرد مبلغ ده
هزار ریال بعنوان حق عضویت
به حزب پرداخت کرده است وی
گفت: غالباً فعالیت من در حد
مطالعه نشریات حزبی بود که
از طریق بهرامی تژاد تهیه
می کردم مصطفوی گفت:
حزب توده با شعارهای
فریبنده ای که در دفاع از
امام و انقلاب اسلامی میداد
مرا جذب خود کرد.

بهرامی تژاد در توضیحات
خود پیرامون اتهامات من هم
مصطفوی گفت:

مشولان حزبی به من گفته
بودند عضویت در حزب منافاتی
با مذهب ندارد و یک فرد
مذهبی هم می تواند عضو حزب
باشد و من نیز این توجیحات
را برای مصطفوی توضیح دادم.
من هم مصطفوی به عنوان
آخرین دفاع خود مدعی شد
عضویت ما در حزب توده به
نیت دفاع از انقلاب بوده است
و من فکر می کردم حزب شعار
های خود در دفاع از محرومین
را عملی می کند.

اباذر غلامی من هم دیگر
دادگاه در دفاع از کیفر
خواست دادستان گفت:
وقتی که من عضو حزب
شدم پیام امام منتشر نشده بود
و من از موضوع فعالیت
نظامیان در حزب اطلاعی
نداشتم.

وی مدعی شدم از جاسوسی
حزب اطلاعی نداشتم و
نمی دانستم برای حزب جاسوسی
می کنم.

غلامی اعتراف کرد من اخبار
و اطلاعاتی را که از جهت
های جنگ بستم می آوردم
به تصور این که حزب از آنها
در مخالفت با ضد انقلاب
استفاده می کند در اختیار
مسئولان حزبی قرار میدادم.
وی افزود انگیزه عضویت
من در حزب بدلیل عدم

اعتمادی بود که به سرمشک
مردوم پور موسی فرمانده
لشکرمان داشتم و فکر می کردم
اگر حرکت های ضد انقلابی
را از طریق حزب به مسئولین
برسانم به انقلاب خدمت میکنم
و به همین دلیل پس از صدور
پیام امام امت مبنی بر ممنوعیت
فعالیت نظامیان در احزاب
ترجیح دادم به فعالیت خود
در حزب ادامه دهم. وی مدعی
شد زمانی که متوجه شدم
فعالیت نظامیان در احزاب
ممنوع است در پناه مشغول
مبارزه با ضد انقلاب بودم و
به همین خاطر بیرون آمدم
از ارتش را صحیح نمی دانستم
و از طرفی نمی خواستم حزب
را به خاطر این که اطلاعات
من را به مسئولین می دهند از
دست بدهم.

من هم غلامی بعنوان آخرین
دفاع خود ضمن قبول اتهامات
مندرج در کیفرخواست
دادستان ضمن طلب عفو و
بخشش از دادگاه خواست
فرصت دیگری به وی داده
شود تا بتواند در کنار خانواده اش
به کشاورزی در روستا بپردازد.
نبی الله زاده نور ششمین
من هم امروز دادگاه در دفاع
از کیفرخواست دادستان در
مورد نحوه آشنایی با تشکیلات
حزب توده گفت در چند
ملاقات خانوادگی که با شخصی
بیم رانده داشتم وی از من
خواست به خاطر این که
نیروهای ضد انقلاب در افکارم
نفوذ نکنند در ملاقات های
بعنی اطلاعاتی را در مورد
جریان انقلاب به اطلاع من
برساند که من نیز موافقت
کردم ولی پنهاناً که از موافقت
خود ابراز نگرانی کردم.

چندین بار نگرانی خود را به
اطلاع وی رساندم ولی وی
تاکید داشت مساله عضویت و
یا فعالیت در حزب مطرح
نیست فقط کافی است که در
جریان مسائل باشد و من نیز
تلقیاً پذیرفتم ولی پس از
آن در ملاقات هایی که برایم
ترتیب داده می شد شرکت
نمی کردم و از این طریق هم
تمایل خود به تسلووم
ملاقاتها را به اطلاع آنان
رساندم.

وی مدعی شد من هیچگاه
از عضویت در حزب توده اطلاع
نداشتم و اطلاعاتی را نیز به
حزب ندادم.

من هم نبی الله زاده اعتراف
کرد از اینکه ارتباط را بطور
مشخصی با عناصر حزب توده
قطع نکرده ام خود را مقصر
میدانم.

وی افزود من بصورت نامرئب
ماهانه جزایر ریال به حزب
پرداخت میکردم و از آنجا
که فکر نمی کردم عضو حزب
باشم متوجه خطرات آینده آن
نبودم.

11

غلامی در پایان دفاعیات خود
ضمن اصراف به گناهانش در
اقدام علیه جمهوری اسلامی
ایران از اعمال گذشته خود
ایزاز ندامت کرد و گفت :
اگر دادگاه فرصت دیگری برای
خدمت به انقلاب بن دهد
حداکثر تلاش خود را برای
خدمت به جمهوری اسلامی ایران
بکار نخواهم گرفت تا خطاهای
گذشتم را از این طریق
جبران کنم.
گزارش خبرنگار خبرگزاری
جمهوری اسلامی حاکی است
این جلسه بند از ظهر دیروز
با پایان یافتن دفاعیات متهمین
پایان یافت و محاکمه باقیمانده
عضای سومین شاخه تشکیلات
منحفی حزب توده به دهمروز
یکشنبه چهارم دیماه جاری
مواکول شد.

تصحیح امروز در دادگاه انقلاب اسلامی ارتش معاکمه ۱۳ تن از اعضای چهارمین شاخه سازمان مخفی حزب خائن توده آغاز شد

مادره از باختران متولد ۱۳۳۷
۶- دانشجوی پوزیدارتش
رضا پاکدل با نام مستعار محمد
دارای شناسنامه شماره ۲۱۶
صادر از رشت متولد ۱۳۳۱
۷- دانشجوی پوزیدارتش
محمود دلاور فرزند حسن با
نام مستعار رسول دارای شناسنامه
شماره ۱۸۸ صادر از آستف
اشرفیه متولد ۱۳۳۲
۸- سروان حسن مقبول
فرزند عباس با نام مستعار بابک
دزای شناسنامه شماره ۱ صادره
از مشهد متولد ۱۳۳۱
۹- اکبر عابد فرزند علی
با نام مستعار بهروز دارای
شناسنامه شماره ۶۰۳ صادر از
اصفهان متولد ۱۳۲۴
۱۰- صافر محمد اسماعیل
فرزای فرزند عباس با نام مستعار
محمد دارای شناسنامه شماره
۱۶۲ صادره از تهران متولد
۱۳۳۲
۱۱- استوار غلامی واحد
فرزند محمد علی با نام مستعار
مجیدی دارای شناسنامه شماره
۲۲ صادره از بهمنور متولد
۱۳۳۲
۱۲- درجه دار ابوالقاسم
عظیمی فرزند محمد تقی متولد
۱۳۳۶
۱۳- درجه دار ارتش آقا
وردی احمدی با نام مستعار
کمال دارای شناسنامه شماره
۴۷۸ صادره از اردبیل
موضوع اتهامات: جاسوسی
عضویت و فعالیت در حزب
خائن توده با هدف براندازی
پس از قرائت متن کیفری
خواست که از سوی دادستان
دادگاه انقلاب اسلامی ارتش
ایراد شد. متهم ردیف اول به
دفاع از خود پرداخت. مشروح
جرایم معاکمه در شماره های
آینده به آگاهی خوانندگان
خواهد رسید.

در ادامه معاکمه اعضای
سازمان مخفی حزب خائن توده
صبح امروز معاکمه ۱۳ تن
دیگر از اعضای سازمان مخفی
حزب متحله توده به ریاست
حجت الاسلام محمدی ریشه‌ری
رئیس دادگاههای انقلاب
اسلامی ارتش در محل این
دادگاه آغاز شد.
در اولین جلسه معاکمه
این افراد ۸ تن از چهارمین
شاخه سازمان نظامی حزب
خائن توده که تحت مسئولیت
خسرو لطفی فعالیت میکردند
شرکت داشتند.
به گزارش خبرنگار کبریا
دادگاه یا ملات آتشی از
کلام الله تعالی و به ریاست
حجت الاسلام محمدی ریشه‌ری
آغاز بکار کرد و سپس دادستان
انقلابی اسلامی ارتش حسین
کیفرخواست متهمین را قرائت
کرد. متهمینی که معاکمه
آنها آغاز شده است عبارتند از:
۱- خسرو لطفی با نام
مستعار کظم دارای شناسنامه
شماره ۲۸۸ صادره از قائم شهر
متولد ۱۳۳۲
۲- بیژن حیدریان فرزند
علی صفر با نام مستعار هرم
دارای شناسنامه شماره ۲۲۸
صادر از نوشهر متولد ۱۳۳۸
۳- دانشجوی پوزیدارتش
علیل امروزی فرزند جلیل
با نام مستعار اکبر دارای
شناسنامه شماره ۱۳ صادره از
شیراز
۴- درجه دار ارتش علی
اکبر رضایی فرزند
غلامعلی با نام مستعار
رضا دارای شناسنامه شماره
۲۴۹ صادره از یونبار متولد
۱۳۲۹
۵- دانشجوی پوزیدارتش
هادی حسینی فرزند محمد
دارای شناسنامه شماره ۳۱۴۰۴

در محاکمه گروهی دیگر از اعضای مخفی حزب خائن توده :

پرتوی: ارتباط حزب توده بعنوان یک حزب کمونیست باشعوروی برای همه

روشن بود



از راست به چپ بالا: مهدی پرتوی، محمد معزز، خسرو لطفی، خلیل ابرقوئی، بیژن حیدریان
پائین: علی اکبر رضائی، هادی حسرتی، رضا پاکدل محمد دلاور، حسن معقول

۹- اجزای قرارهای شیخیانی با عناصر بخش تشکیلات مخفی: که در تاریخ ۶۲۳۷۳۳ در یکی از این قرارها در میدان فاطمی دستگیر شده اند.

پس از قرائت کیفرخواست و متهم در مقابل موارد اتهام به دفاع از خود پرداخت. وی در بخشی از دفاعیات خود گفت: کسانیکه تحت مسئولیت من بودند اطلاعات خود را بطور شفاهی به من می دادند و من بصورت مکتوب به حزب منتقل می کردم. وی افزود: من اطلاع نداشتم که حزب این اطلاعات را به شعوروی می فرستد.

محمد معزز که جهت ارائه توضیحات در دادگاه حضور داشت در مورد نحوه جاسازی اسلحه لطفی گفت: یک روز خسرو لطفی را به خانه پدرم بردم او اسلحه هائی را که روز ۲۲ بهمن توسط اعضای حزب توده جمع آوری شده بود در آنجا جاسازی کرد. وی با اشاره به این نکته که لطفی در سال ۶۰ به شاخه مخفی نظامی حزب توده منتقل شد و مسئولیت این شاخه را به عهده گرفت. گفت:

روزی که لطفی دستگیر شده بود به او گفتم که به هیچ عنوان مقاومت نکنند، ما خیانت کرده ایم و برای جبران این خیانت باید اطلاعات خود را در اختیار دادگاه انقلاب قرار دهیم.

آنگاه آقای پرتوی گفت: خسرو لطفی هنگامی که دوران سرپازی خود را طی می کرد مقداری کارت پایان خدمت سفید برای حزب آورده بود. او بعد از اینکه مسئول شاخه مخفی مازندران شد اجرای قرارهای تشکیلاتی و نگهداری شاخه مخفی و کوشش جهت جذب افراد جدید را به عهده داشت.

تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی - محاکمه چهارمین گروه از شاخه نظامی مخفی حزب جاسوسی توده تحت مسئولیت خسرو لطفی صبح دیروز در دادگاه انقلاب ارتش به ریاست حجت الاسلام محمدی ری شهری آغاز شد.

بگزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی پس از تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید و رسمیت یافتن دادگاه ابتدا سرهنگ اتابکی دادستان انقلاب ارتش اتهام منسرح در کیفرخواست خسرو لطفی با نام مستعار کاظم متهم ردیف ۱ را به این شرح قرائت کرد:

۱- عضویت در تشکیلات مخفی نوید تحت مسئولیت احمد و بهرام و تحت مسئولیت داشتن تشکیلات نوید در مازندران و اداره ۵ نفر بهاسامی افشین، نسیرین، دادخواه، حسن و آرزو.

۲- مسئولیت اداره یک بخش نظامی پانزده نفره در شاخه تشکیلات مخفی حزب جاسوس توده.

۳- پرداخت حق عضویت ماهانه ۲۰۰۰ الی ۳۰۰۰ ریال و جمع آوری حق عضویت افراد تحت مسئولیت خود ماهانه ۲۱۰۰۰ ریال و پرداخت آن به محمد معزز.

۴- دریافت حقوق و هزینه سفر ماهانه ۳۳۵۰۰ ریال از حزب توده.

۵- گرفتن اخبار و اطلاعات محرمانه نظامی از افراد تحت مسئولیت خود و انتقال آن به سید محمد معزز.

۶- اجرای قرارهای تشکیلاتی به اتفاق بهروز با احمد و خسرو.

۷- همکاری و اقدام جهت جاسازی و مخفی ساختن سلاحهای حزب توده در زیرزمین منزل پدر سید محمد معزز.

۸- معرفی شخصی به نام حمید جهت عضویت در حزب.

البته ممکن است او اطلاعاتی از روابط حزب با شوروی نداشته باشد اما اینکه حزب بوده بعنوان يك حزب کمونیست با شوروی ارتباط دارد چیزی است که برای همه کس روشن بود. رئیس دادگاه از متهم ردیف یک پرسید هدف تشکیلات نظامی و مخفی حزب بوده است - و چگونه تشکیلات مخفی میخواند محافظ و محافظان انقلاب باشند که متهم در این زمینه جوابی برای پرسش نداشت. تحت اسلام ریشه‌ری همچنین گفت: آیا یک شبکه نظامی مخفی هدفی غیر از براندازی دارد. متهم جواب داد من فکر نمی‌کردم تشکیلات مخفی چنین هدفی داشته باشد.

رئیس دادگاه سؤال کرد حزب بوده اطلاعات نظامی را برای چه منظور میخواست است. خسرو لطفی پاسخ داد به من گفته بودند که حزب اطلاعات خود را به مقامات دولتی می‌دهند اما به ما گفته بودند که اطلاعات نظامی خود را نمی‌توانیم به مقامات بدهیم زیرا اگر چنین کاری انجام دهیم دولت متوجه تشکیل شبکه نظامی حزب توده میشود. متهم ضمن تشریح چگونگی جاسازی و مخفی کردن اسلحه‌های حزب توده گفت: در زیر زمین خانه پدر سید محمد معزز اسلحه‌ها را جاسازی کردیم و روی آن دو لایه دیوار کشیدیم و در این زمینه خود را مقرر می‌دانم.

وی در پایان گفت: من دادگاه و امام را حامی مستضعفان و زحمتکشان می‌دانم و به همین دلیل دادگاه هر حکمی صادر کند قبول دارم.

دادستان انقلاب اسلامی ارتش در دفاع از کیفرخواست صادره گفت: ادعای متهم بر حقوق به تمام صد درصد شد اما چرا که اگر امام اعتماد داشتند باید فرمان ایشان مبنی بر خروج ارتشیان از احزاب توجیه می‌کردند. عدم اطلاع متهم به وابستگی حزب منحل توده به شوروی هم غیر قابل قبول است چرا که الفتای مشی این حزب وابستگی به حزب کمونیسم شوروی و طبیعتاً دولت شوروی میباشد و نمیتوان از کسیکه در این حزب بعنوان مسئول فعالیت می‌کرده و طرح میداده پذیرفت که از این وابستگی بی‌اطلاع بوده است.

رئیس دادستان با ادعای متهم مبنی بر دفاع از انقلاب اسلامی گفت: آیا جاسازی اسلحه، داشتن اسم مستعار، فعالیت در سازمان مخفی دفاع از انقلاب است؟ اگر ایشان از انقلاب اسلامی دفاع می‌کردند پس چرا بزرگ گروه مخفی باید فعالیت کنند؟

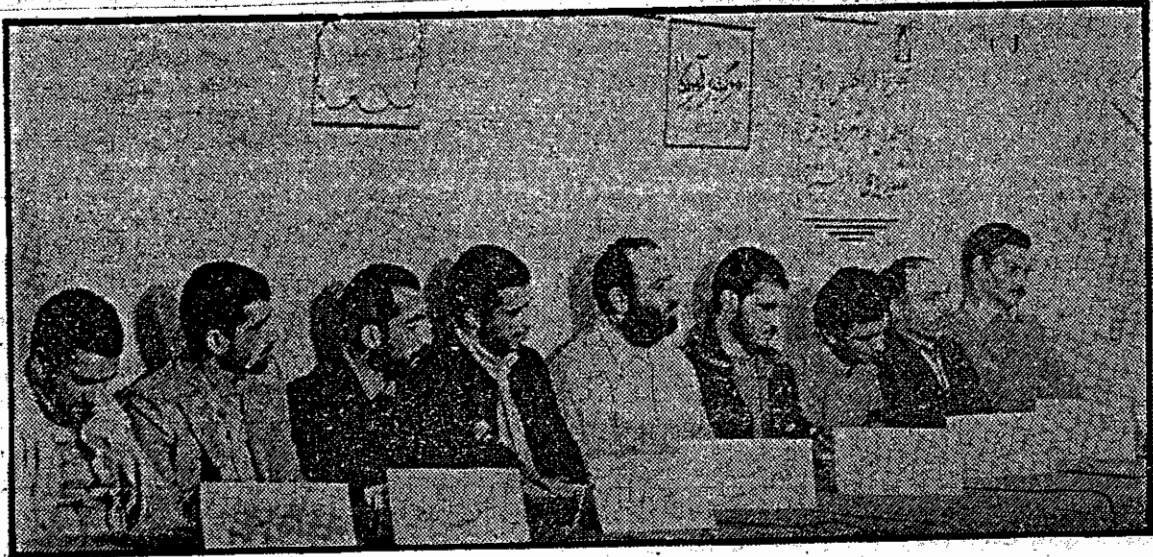
بر اساس همین گزارش دادستان انقلاب ارتش سپس موارد اتهام مندرج در کیفرخواست بیژن حیدریان متهم ردیف ۲ را به شرح زیر قرائت کرد:

- ۱- عضویت و فعالیت در تشکیلات مخفی تحت مسئولیت کامل (خبر و لطفی) ۲- پرداخت حق عضویت ماهانه ۳۰۰ الی ۵۰۰ ریال مجموعاً ۳۰۰۰ ریال ۳- اجزای قرارهای تشکیلاتی در خیابان و منزل و تشکیل اجتماعات در منزل هر دو روز یکبار ۴- معرفی هادی حسرتی به تشکیلات ۵- ادا نمودن فعالیت تالیف و دستگیری

متهم در دفاعیات خود ضمن تأیید موارد اتهام مندرج در کیفرخواست گفت من به هیچ وجه از وجود سازمان مخفی و نظامی در حزب توده خبر نداشتم و مسئول من هم در این مورد با من حرفی نزده بود وی در رابطه با معرفی هادی حسرتی به تشکیلات گفت: چون او علناً از مواضع حزب توده دفاع میکرد من او را معرفی کردم بیژن حیدریان در پیش دادگاری از تشکیلات خبر گرفت و به او خبر داد که هادی حسرتی در تشکیلات قرارها می‌گیرد و هم از راهی است که عضو حزبی باشد هم کمک مالی میکند و هم از راهی تشکیلاتی باز.

سپس دادستان انقلاب اسلامی ارتش طی سخنانی گفت اگر به سحنتهای متهم دقت شود نظامی اتهامات مندرج در کیفرخواست را پذیرفته است اما وی در مورد توجه فعالیت‌های خود بر آمده است متهم که یکبار در تاریخ ۱۳۵۷ در رابطه با بخش اعلامیه حزب منحل توده با لباس ارتشی دستگیر شده بود در بازجویی گفته است من از ماهیت این اعلامیه بی‌خبر بودم و برادرم مرا فریب دادهاست و اضلاع در رابطه با حزب توده فعالیت ندارم اگر آن حرف درست بوده پس چرا به اندازه آزادی دوباره فعالیت کرده است این نشانه عدم صداقت و راستگویی متهم است وی در بخش دیگری از سخنانی گفت افسر ادیکه با یورس ارتش تحصیل میکنند در حقیقت از بیت‌المال استفاده کرده‌اند و متهم نیز از این بورسها استفاده کرده و بجای خدمت به مردم در صدد خیانت به آنها برآمده حتی در زندان هم از مواضع حزب توده دفاع کرده است بر اساس همین گزارش رئیس متهم بعنوان آخرین دفاع گفت اعتقاد من بر این است که جمهوری اسلامی بهره‌ری از امام خمینی در جهت حمایت از مستضعفان عمل میکند و توطئه‌های بی‌برمی این دولت‌ها بر علیه این انقلاب گویای همین مسأله است و من هم به این امید که حزب توده از انقلاب اسلامی حمایت میکند و در جهت محرومین گام بر می‌نهد به این حزب پیوستم و از مانیکه فهمیدم حزب توده در جهت منافع شوروی گام بر می‌نهد در سرگشته گرفتم بگزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی پس از پایان محاکمه بیژن حیدریان جلسه دادگاه بعنوان تنفس تعطیل و محاکمه سایر متهمین به فردا موکول شد.

www.iran-arc



در ادامه محاکمه اعضای چهارمین شاخه نظامی حزب توده

جزئیات جدیدی از نحوه جاسوسی اعضای تشکیلات نظامی حزب منحل توده در ارتش و جبهه جنگ فاش شد

● علی اکبر رضائی بعلت گرایشاتی که به حزب داشتیم اطلاعات و اخبار جبهه را به حزب می‌دادیم.

صفحه ۴

تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی :
در جلسه صبح دیروز دادگاه انقلاب اسلامی ارتش محاکمه شدن دیگر از عناصر چهارمین شاخه نظامی تشکیلات مخفی حزب جاسوس توده تحت مسئولیت خسرو لطفی پایان یافت .

در این جلسه که ساعت ۱۰ صبح دیروز با تلاوت آیاتی از کلاما... مجید ریاست خجسته اسلام محمدی ری شهری ، آغاز شد با حضور محمد ابرقویی و محمد معزز دو عنصر مقدم تشکیلات مخفی حزب خلیل ابرقویی علی اکبر رضائی، هادی حسرتی ، محمود دلاور، رضا پاکدل و حسن معقول ۶ تن از عناصر نظامی تحت مسئولیت خسرو لطفی در مقابل اتهامات مندرج در کیفرخواست دادستان بدفاع از خود پرداختند .
در این جلسه ابتدا دادستان کیفرخواست متهم خلیل ابرقویی را قرائت کرد و در قبال اتهامات وی مبنی بر عضویت در تشکیلات مخفی پرداخت حق عضویت ماهانه، معرفی ناصر کرجی به حزب، دادن اطلاعات و اخبار محیط کار خود به حزب، اجرای قرارهای تشکیلاتی در منزل خود و ادامه فعالیت بعد از پیام حضرت امام از ریاست دادگاه تقاضای صدور حکم شرعی برای متهم کرد .

آنگاه متهم بدفاع از خود پرداخت و گفت : من مائستی را که در تخلف از فرمان امام است می‌پذیرم و از امام امت و رئیس دادگاه پوزش می‌طلبم وی مدعی شد :

من به هیچوجه جزء تشکیلات مخفی نبودم . متهم با اشاره به نحوه آشنائی و عضویت خود در حزب توده گفت : در دانشگاه و محل سکونت همه من را بعنوان تودم‌های می‌شناختند و فعالیت برای حزب مخفیانه نبود .
وی اعتراف کرد من علنا نشریات حزب را در خیابانها

و دانشکده میفروختم متهم گفت : پس از انقلاب فرهنگی در دانشگاه ارتباط من با هواداران حزب توده قطع شد و پس از شش ماه قطع ارتباط مجدداً با یکی از دوستان حزبی تماس گرفتم که در جریان آن مدت دو ماه با شخصی بنام حمید تحلیل‌های حزب را در خانه می‌خواندیم .
وی گفت : اطلاعات من از حزب در حد مطالب نشریات علنی حزب بوده است و از تشکیلات مخفی به هیچوجه اطلاع نداشتم. ابرقویی گفت : از آنجا که پس از انقلاب فرهنگی تنها تحلیل‌های علنی را دریافت و مطالعه میکردم اتهام عضویت در تشکیلات مخفی را نمی‌پذیرم .

وی اعتراف کرد شخصی بنام کاظم دانشجوی دانشکده دندانپزشکی را بدرخواست خود برای انجام فعالیت علنی به حزب معرفی کرده است. خسرو لطفی مسئول شاخه چهارم تشکیلات مخفی در مورد عضویت ابرقویی در تشکیلات مخفی گفت وجود جریان تشکیلات مخفی را من و مسئولان حزبی بالاتر میدانستیم و در مورد آن صحبتی با حاضرین زیر دستم نمی‌کردیم - سپس دادستان طی سخنانی ضمن رد دفاعیات متهم با استناد به سابقه خلیل ابرقویی در دانشتانی انقلاب ارتش گفت: مادگاهی که یکبار دیگر در گذشته خلیل ابرقویی را محاکمه کرده است صلاحیت خدمت متهم در ارتش را رد کرده بود . وی خطاب به متهم اظهار داشت : اعترافات صریح شما و مسئول حزبی شما خسرو لطفی و اسم مستعار اکبر که شما داشتهاید همه حاکی از فعالیت مخفیانه در حزب است .

وی سپس از متهم خواست اتهامات خود را توجیه نکند و صریحاً به جرائم خود اعتراف کند . متهم در مقابل اظهارات دادستان در دفاع از خود مدعی شد فعالیتش علنی و در دفاع از امام امت بوده است. خلیل ابرقویی در پاسخ سؤال رئیس دادگاه اعتراف کرد به همکاری قبلی با دادگاه انقلاب اسلامی ارتش طبرستان آنکه با حزب توده فعالیت میکردند منکر این فعالیت شده است .

وی گفت : براساس پیشی که از نشریات علنی حزب می‌گرفته است از ترس پاکسازی از دانشگاه پادگاه دروغ گفته است . متهم مدعی شد : با آگاهی‌هایی که پس از دستگیری گرفتارم امروز بیشتر من نسبت به گذشته خوش شده است . متهم در پاسخ درخواست رئیس دادگاه که از وی خواست ثابت کند که همانند مادگاه گذشته‌اش دروغ نمی‌گوید گفت : در دادگاه گذشته‌ام چون پیشی خاصی از مسئولین آن داشتم دروغ می‌گفتم ولی امروز پیشی من عوض شده است و دروغ نمی‌گویم .

خلیل ابرقویی گفت : در دانشکده دندانپزشکی اطلاعات خاصی نبود که من به حزب بدهم. وی سپس در پاسخ اظهارات رئیس دادگاه که به اعترافات متهمین مندرج در پرونده خلیل ابرقویی استناد می‌کرد اعتراف کرد : اخبار و اطلاعات مربوط به پاکسازی و ترفیع و پلانکیف بودن کارکنان دانشکده و دانشجویان را به حزب میداده است .

خلیل ابرقویی در مورد علت داشتن اسم مستعار مدعی شد. نیندانشته است چرا برای وی اسم مستعار اکبر را انتخاب کرده‌اند. متهم بعنوان آخرین دفاع خود از خود ضمن قبول

تخطی از فرمان امامت گفت: من برای خطاهای که کردم پوزش میخواهم
برائیس اینک از من چنین بدستگاه موارد اتهامات علی اکبر
رضانی منبری بر عضویت و فعالیت در تشکیلات مخفی پرداخت
حق عضویت ماهانه ۹۰۰ ریال دادن اطلاعات مربوط به سیاه
و ارتش از جبهه های جنگ تحمیلی با حزب اجرای قرار و تشکیل
جلسات مخفی در منزل آدامه خود دهقانی رحیم آبادی و آدامه
فعالیت پس از فرمان امامت راقرائت کرد و منم دفاع از
موارد اتهامات خود پرداخت: وی اعتراف کرد من قبول میکنم
بعلت گزاشتی که به حزب داشته اطلاعات و اختیار جبهه را به
حزب میدادم.

ولی دادن اطلاعات به این دلیل نبود که ارتش و سیاه
بیتوانند پیش نایکدیگر کار کنند: وی مدعی شدن خود را عضو
حزب نمیدانم و بولی که به حزب می پرداختم بعنوان کمک مالی
بوده است نه حق عضویت: آنگاه دادستان در دفاع از کیفرخواست
خطاب بهمتم گفت: شما عضو تشکیلات مخفی حزب بوداید.
حق عضویت می پرداخته اید. اطلاعات خود در مورد فرماندهی
نظامی در جبهه جنگ را به حزب میدادید. اسم مستعار
داشته اید. وی بوجه به فرمان امام در فعالیت خود حدیث بخرج
میدادید.

حق عضویت از تشکیلاتی سران خائن حزب بوده در صورتی که
حاضر عضویت در منزل آدامه خود دهقان رحیم آبادی قرار
ملاقات من با دهقان رحیم آبادی در منزل آدامه دهقان رحیم آبادی
روشن و واضح است و من در توجیه با شما

متهم در دفاع از خود گفت: من تشکیل جلسات در منزل
آدامه و پرداخت حق عضویت ماهانه را میپذیرم ولی نمیتوانم
چراغی من اسم مستعار گذاشته اند وی گفت: من اطلاعات جبهه
را بدستور حزب خود میدادم به خاطر اینکه از وقوع کودتا در
ارتش جلوگیری کنم و اطلاعات را از خدمت گرفته باشم.
منم مدعی شده من نمیتوانم که دادن اطلاعات جبهه به
حزبی که فعالیت ضد اسلام دارد خطا است.

وی مدعی شد من عشق و علاقه خود را به جمهوری اسلامی
هنوز دارم و اگر برستی من بحدن محبط نتیجه باز میگردم
و من کمک هادی حسرتی در دفاع از خود در مقابل کیفرخواست
دادستان منبری بر عضویت و فعالیت منم در تشکیلات مخفی
پرداخت حق عضویت ماهانه اجرای قرارهای تشکیلاتی در
خیابان همام و منزل خود. دادن اطلاعات منزل کار خود به
شخص بنام کاظم و آدامه فعالیت پس از فرمان امام گفت:
تمام موارد اتهام مندرج در کیفرخواست ترا میپذیرم و همه
آنها را صحیح میدانم.

وی سپس مدعی شد از جریان تشکیلات مخفی هیچ اطلاعی
نداشتم و فعالیت من در تشکیلات مخفی را از حزب میدانم
هادی حسرتی گفت: من مسائل عمومی را به حزب میدادم
هیچگاه تکرار نکردم و هیچگاه منجر به و با امنیت و استقلال کشور
ضربه میزدند.

وی افزود: اعضای را که دادستان گفت من مرتکب شده ام و
چیزی برای دفاع از خود ندارم و هرچیزی را که دادگاه عدل
اسلامی بدهد بجان میپذیرم.
منم گفت: من در پیشگاه اسلام دمام امت و امت حزب الله
بخاطر عملکردی که کرده ام خطا داشتم و شرمند هستم و
هیچوقت تکرار نمیکنم از چیزی سردی باورم که به امنیت و
استقلال کشور ضربه بزند.

وی در ادامه دفاعیات خود به جوانان فرسوده توصیه
کرد قریب چهاردهای تو خالی و زرق و برق دار احزاب و گروههای
وابسته را بخوردند.
وی گفت: جوانان باید قریب گروهی را که جا کمیت را
از آن یک تیر خاصی میزنند بخورند و آنان باید بدانند اینها
ظرف نازک حج خلقی حتی کارگرو کشاورز هم نیستند زیرا نمونه
عملکرد آنها در افغانستان بوضوح مشهود است.

منم گفت: در این مرحله گرایش به احزاب جبهه در مرحله
اول خود را نشان دادند و این روند من فکر میکنم مردم اسلام چنین
فکر میکنند که در این مرحله منم و دهقان رحیم آبادی و دهقان
استیضای جهانی را در این مرحله میگردم. اسلام در زمان
و روزه خلاصه میشود.

هادی حسرتی در مورد علل گرایش خود به حزب متهمه گفت
در شرایط انقلابی کشور من از یک سو به انقلاب عشق داشتم و از
یک سو فکر میکردم اسلام در نماز و روزه خلاصه میشود و
نمیشود بولند. انقلاب را بینه بیست و بیست و
به همین خاطر ترجیح دادم برای فعالیت در راه انقلاب به
حزب بدهم و منم شوم.

وی گفت: اطلاعاتی را که من به حزب میدادم در مورد
مسائل جاری جامعه بود.

هادی حسرتی سپس اعتراف کرد: من اخبار محیط
دانشگاه افسری شامل موضوع گیریهای احتمالی آنجناب اسلامی
در باره حزب توده و نظایر آنرا به حزب میدادم.

منم گفت: من هیچگاه فکر نمیکنم اخبار نظامی را
که از محیط دانشگاه افسری به حزب میدادم به استقلال کشور
ضربه میزند.

وی بعنوان آخرین دفاع از خود گفت: من تمام اتهاماتی
را که دادستان بیان کرد میپذیرم و اعلام میکنم همه آنها را از
روی عدم شناخت به احکام رهایی بخش اسلام ناگاهانه انجام
دادام.

بگزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی حناکی
است در ادامه جلسه رضا پاکدل چهارمین متهم جلسه در مقابل
اتهامات عضویت و فعالیت در تشکیلات مخفی، اجرای
قرارهای تشکیلاتی در خیابان و تشکیل جلسات تشکیلاتی
در منزل خود و معرفی محمود داور به تشکیلات مخفی حزب
دفاع از خود پرداخت و گفت: من اسم مستعار نداشتم و به
حزب نیز کمک هادی نمیکنم و تنها فعالیت من مطالبه
نشریات حزب بوده است.

وی گفت: پس از انقلاب فرهنگی که دانشگاه باز شد
کلیه قرارهای خود را ترک کردم.
وی مدعی شد من از حزب توده به خاطر گذشت حزبی
که داشت منصرف شدم.

منم مدعی شدن شدت اتهامات که با حزب ارتباطی
ندارم.

دادستان در دفاع از کیفرخواست با استناد به سابقه تشکیلاتی
متهم و حکم صادره از سوی نهادهای قبل در مورد وی گفت:
متهم برخلاف آنچه که مدعی میشود در محاکمات قبلی خود
در دادگاه انقلاب در آن دادگاه نیز بر خورد تشکیلاتی داشته
است و از اعتراف به فعالیت در تشکیلات حزب توده بنحوی
خودداری میکرد است.

دادستان اظهار داشت: طبق لیست دانشگاه افسری پیش
از ۱۶۰ هزار تومان از اموال بیت المال برای تحصیل متهم
هزینه شده است ولی بجای خدمت به ملت ایران همه آنها را زیر
پا گذاشته و علیرغم خیانتهایی که مرتکب شده است امروز
نیز در محضر دادگاه به مخفی کاری خود ادامه میدهد و
حاضر به اعتراف به اتهامات خود نیست.

سپس متهم به توصیه دادستان انقلاب ارتش اعتراف
کرد: من همه نشریات حزب توده را میخواندم ولی گرایش
به حزب توده نداشتم. رضای پاکدل گفت: من گرایش به حزب
توده نداشتم و در هیچ راهی به حزب معرفی نکردم فقط بخود
دلاور را برای گرفتن نشریات به یکی از اعضای حزب معرفی
کردم.

خسرو لطفی متهم وی را ملاقات فیکردم و تحلیل های فتنگی
من در منزل منم وی را ملاقات فیکردم و تحلیل های فتنگی
حزب را بوی میدادم.

محمد مهدی بیروی مسئول تشکیلات مخفی حزب نیز
در مورد کیفیت نشریه تحلیل های حزب گفت: پس از تویف
نشریات علنی حزب نشریه های فتنگی که حاوی تحلیل های
حزب بود منتشر میشد که در سطح جامعه پخش میشد و تنها
در اختیار اعضای حزب و با هواداران قرار می گرفت.

سپس دادستان در رد دفاعیات متهم گفت: نشریه ای که
تنها خواستار اعضای و با هواداران حزب قرار میگیرد نمیتواند
علنی باشد و مخفی است.

خسرو لطفی مسئول شاخه چهارم تشکیلات مخفی حزب
در مورد چگونگی فعالیت رضا پاکدل با حزب گفت: من بوی
را بعنوان یک عضو نمیدانستم و در نظر داشتم با آن بیشتر کار
کم تا صلاحیت عضویت در حزب را بدست آورد.

محمد معزز در این زمینه گفت: طبق رهنمودهای حزب
ما برای عضو گیری افراد نظامی ابتدا قرار ارتباطی افراد را
از حزب می گرفتیم و پس از مدتی ارتباط آنها را از طریق گروه
و در صورت لزوم بعنوان عضو آزمایش و برای آنها قرار
میگذاشتیم.

وی گفت: آنطور که اطلاع دارم ما بایکی از افراد
تحت مسئولیت خسرو لطفی قطع ارتباط کردیم که احتمالاً
آن شخص رضا پاکدل بوده است. محمد مهدی بیروی در این
زمینه گفت: معمولاً قرار برای کسی تعیین میشود که شخصی
بعنوان عضو آزمایشی پذیرفته شده باشد.

وی گفت: کلیه عناصر تحت مسئولیت لطفی قبلاً از
نیمه دوم سال ۶۰ فعالیت علنی در حزب داشته اند که پس از
یک ارزیابی به عضویت درمی آمدند.

متهم رضا پاکدل بعنوان آخرین دفاع از خود در مقابل کیفرخواست دادستان گفت: من دفاعی از خود نمیتوانم داشته باشم ولی میدانم که قربانی مطالعه نشریات حزب شده‌ام و اطمینان دارم دادگاه با عدالت با اتهامات من برخورد خواهد کرد.

سیس دادستان اتهامات متهم محمود دلاور مبنی برداشتن اسم مستعار رسولی، دریافت هزار تومان قرض از مسئول ارتباط بنام کاظم، استفاده از منزل خود جهت فعالیت های حوزهای، تشکیل جلسات و قرارهای حزبی و ادامه فعالیت پس از پیام امامت را قرائت کردند. و در مقابل متهم بدفاع از خود پرداخت.

وی گفت: من موارد اتهامات را در مجموع میپذیرم ولی توضیح میدهم که قرض رابخاطر این گرفتم کذا زارتش اخراج شده بودم و نیاز به پول داشتم.

وی اعتراف کرد: من همیشه قرارها را در منزل خودم ترتیب میدادم. دلاور گفت: دقیقاً نمیدانستیم که به عضویت حزب درآمدیم یا نه و مسئولین حزبی هرگز بمن نگفتند که من عضویم یا نه.

وی اعتراف کرد: چون من قبلاً از ارتش اخراج شده بودم در ارتباط با حزب فعالیت مخفی داشتم. و از هواضخ حزب دفاع میکردم.

وی افزود: من زمان انقلاب فرهنگی و در تعطیلات دانشگاه از حزب تقاضای عضویت کردم.

متهم اخراج کرد در محاکمه قلمی که داشتند از ارتش اخراج از دانشگاه در دادگاه رابطه با حزب را انکار کرد. سیس دادستان در دفاع از کیفرخواست با استناد بیه اعترافات متهمین دیگر مندرج در پرونده وی گفت: تقاضای عضویت شما از حزب بخاطر این بود است که چون از دانشگاه اخراج شده‌اید حداقل حزب را از دست ندهید.

وی گفت: زمانی که اخراج شده‌اید گفته‌اید که تازه يك نفس راحت کشیدم چطور حالا میگوئید که ترس اخراج از دانشگاه را داشته‌اید.

متهم بعنوان آخرین دفاع از خود گفت: من عضویت حزب و تخلف از فرمان امام و سایر موارد اتهامات را میپذیرم. وی گفت: زمانی که از دانشگاه اخراج شدم این احساس در من نبود که چرا اخراج شده‌ام چون فکر میکردم با حمایت از خط حزب که در جهت حمایت از امام است به انقلاب خدمت میکنم.

وی افزود: من امروز میبینم که محرومیت از ادامه

تحصیل و در مقابل خانواده و جامعه چیزی جز سزاقتدگی بهارمغان نیافریدم.

حسن معقول آخرین متهم جلسه دادگاه در دفاع از اتهامات خود مبنی بر عضویت و فعالیت در تشکیلات مخفی با نام مستعار بابک پرداخت مجموعاً ۹۰۰۰ ریال حق عضویت، دادن اخبار و اطلاعات محیط کار خود از جبهه، اجرای قرارهای تشکیلاتی در خیابان و تشکیل جلسات حزبی در منزل خود، معرفی سروان ایرج طاهری جهت جذب به حزب و ادامه فعالیت پس از پیام امامت.

مدعی شد: من قبل از دستگیری حزب را با چهره‌ای شناختم که در دفاع از انقلاب و تحکیم و دستاوردهای آن بودم و رهنود میداد که در جبهه مقاوم در برابر جم رژیم بعثی صهیونیستی عراق از کشور دفاع کنم.

وی افزود: با این شناخت از حزب در اوایل سال ۶۱ خصی بنام کاظم تماس گرفتم. و در جلسات و قرارهای با وی داشتم پیرامون اینگونه مسائل صحبت میکردم.

وی اعتراف کرد: مبلغ ۹۰۰۰ ریال حق عضویت به حزب اخت کرده است. وی افزود: جلسات تشکیلاتی من هر اه یکبار در جریان مرخصی‌هایی که از جبهه به منزلم بگشتم انجام میگرفت که در این ملاقاتها کاظم رابطی

ی من رهنمودهای حزبی را به اطلاع من میرساند. متهم ورد معرفی سروان ایرج طاهری به حزب گفت: این معرفی خواست حزب و با همکاری من صورت گرفته است.

دادستان در دفاع از کیفرخواست ضمن رد دفاعیات در مورد توجیحات وی مبنی بر شناختش از حزب قبل از

یت گفت: اگر متهم از سوابق حزب آگاهی داشته باشد نسته که از این حزب خیرخواهی‌ها بر نمی‌آید. و اگر مت ندانسته است چطور توانسته عضویت آنرا بپذیرد

دادستان خطاب به متهم گفت: عضویت نظامیان در احزاب بع بوده است و عضویت ایشان از نظر قانونی خطا است. متهم در دفاع از خود گفت: آشنایی من با حزب بوده در ۵۵ از طریق مطالعه نشریات طنی حزب توده آغاز شد.

وی افزود: هیچگاه خودم را عضو حزب توده نمیدانستیم مفهوم عضو آزمایشی و تشکیلاتی را در زندان دریافتیم. حسن معقول گفت: مسئولین نظامی من اطلاع نداشتند که با حزب توده ارتباط داشتم. وی اعتراف کرد ارتباط من با حزب بصورت مخفی بود.

دادستان در دفاع از کیفرخواست با ارائه اسنادی حاوی اطلاعات محرمانه از جبهه دفاع متهم در انکار ارائه اطلاعات محرمانه نظامی به مسئول حزب را رد کرد.

خبرو لطفی در مورد دریافت اطلاعات محرمانه نظامی از متهم حسن معقول گفت: متهم در یک مورد اطلاعاتی را در یک گفتگوی شفاهی از جبهه بمن داده است که بدلیل مسائل امنیتی از ریاست دادگاه اجازه میخواهم محتویات آنرا در یک جلسه غیر علنی مطرح کنم.

حسن معقول در ادامه دفاعیات خود مدعی شد در قرارهای تشکیلاتی نظرات خود در مورد مسائل نظامی جبهه را به حزب میدادم و عمل گردش چیز دیگری بود است. دادستان بر این زمینه اظهار داشت: شما نظریه به حزب نداده‌اید بلکه اطلاعات را داده‌اید. کدامان صدق و کذب داشته است.

متهم بعنوان آخرین دفاع از خود با اشاره به سابقه عملکردش در جبهه گفت: من احکام دادگاه انقلاب اسلامی را میپذیرم و به عدالت آن اطمینان دارم.

گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی حاکی است بعد از ظهر دیروز با پایان یافتن دفاعیات متهمین جلسه علنی دادگاه پایان یافت و جلسه آینده آن که به بررسی پرونده سایر متهمین شاخه چهارم تشکیلات مخفی حزب جاسوس توده خواهد پرداخت به روز شنبه دهم دیماه جاری موقوف شد.

www.iran-arc.com

مشریح محاکمه ارتش از
اعضای چهارمین گروه
تشیکه مخفی نظامی حزب
خائن توده



تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی : در ادامه محاکمه عناصر تشکیلات مخفی حزب جاسوس و خائن توده صبح دیروز دادگاه انقلاب اسلامی ارتش به ریاست حجت الاسلام محمدی ریشهری رسیدگی به اتهامات نظامیان تحت مسئولیت خسرو لطفی را آغاز کرد.

پیکر ارتش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی در جلسه دیروز دادگاه که محمد مهدی پرتوی و محمد معزز نیز به عنوان مطلع شرکت داشتند ابتدا دادستان دادگاه انقلاب اسلامی ارتش متن کیفرخواست متهم ستوانیکم شهربانی نجم الله جهرپور را بدین شرح قرائت کرد :

عضویت و فعالیت در تشیکه مخفی نظامی بانام مستعار مهربان و تحت مسئولیت کاظم جمع آوری اخبار و اطلاعات محیط کار خود و دادن آنها به مسئولین کاظم در جهت اهداف حزب .

- دادن حق عضویت ماهانه در اوایل ۳۰۰ تومان و در اواخر ۵۰۰ تومان .

- استفاده از منزل جهت اجرای قرارها و جلسات تشکیلاتی .

- ارتباط پیدا از پیام حضرت امام .

سیس متهم به دفاع از خود در قبال اتهامات مندرج در کیفرخواست پرداخت او گفت: من به صورتی که اسم دفاع بتوان بر آن گذاشت پذیری ندارم که بگویم.

وی سپس به چگونگی جذب خود به حزب پرداخت و گفت پس از عزیمت از روستا و گذراندن دوران سربازی به استخدام شهربانی درآمدیم و با گذشت زمان از کار در آنجا احساس ناراحتی می کردیم و بالطبع پس از مدتی مخالفین که با شهربانی در تعارض بودند مورد علاقه من قرار گرفتند و یکی از آنها که با حاکمیت رژیم طاغوت مخالف بود و بامن آشنا شد حزبی بود که من به وسیله همین شخص جذب حزب شدم. من هم افزودم در جریان انقلاب نشریات گروههای سیاسی از جمله کتاب اطلاعات کورکورانه روزیه را مطالعه کردم و به وی علاقمند شدم.

وی افزود در مدتی که ریاست شهربانی رودسر را بعهده داشتیم پیروم عناصری با انقلاب مخالف بودند مجدداً به سرکار آمدند و این ساله باعث دلسردی من شد. من هم در مورد گرایش خود به حزب و چهره فریبنده آن گفتم حزب توده هیچگونه مخالفتی با انقلاب اسلامی نشان نداد و همگام با انقلاب بود و این عامل نیز باعث گرایش بیشتر من به حزب شد و سرانجام توسط فردی تودمائی که در زمان خدمت در تلوزیون باری همکاری بودم مرا به حزب معرفی و جذب حزب توده شدم.

وی در دفاعیات خود مدعی شد که اهداف واقعی حزب را نمی دانسته و تصور می کردم که در خط انقلاب حرکت می کند و تصور می کردم است که اگر گروههای ضد انقلاب قصد ضربه زدن به انقلاب را داشته باشند حزب با آنان برخورد خواهد کرد.

من هم در مورد اتهام خود مبنی بر دادن اطلاعات و اختیار محیط کار خود به حزب مدعی شد که خبرهایی را به حزب داده که مربوط به مشکلات خارج از محیط کار می بوده ولی در مجموع از این کار خود ندانم و بیخبران است و از دستگیر شدن من به حزب بی اطلاع بودم. وی در خانه آرزو کرده که نام و خاندان من را از یاد آگاه وی فراموش فرماید.

دادستان در دفاع از کثیرخواست و در رد اظهارات من هم با اشاره به اینکه من هم مدعی است که در خط انقلاب حرکت کرده و از انگیزه حزب اطلاع نداشته به اعترافات من در متن بازجویی وی اشاره کرد و با ذکر چند نمونه از اعترافات وی تناقض گوئیهای من را یادآور شد و گفت شما درین مرتبه از احترام خاصی برخوردار بودید و اگر به افرادی که به انقلاب دهن کبی می کردند برخورد می کردید می توانستید آنها را به مسئولین معرفی کنید و مطمئناً در این مورد از سوی مسئولین توجه هم می شده است و از سوی دیگر شما اسم مستعار داشتید و به دادن اطلاعات هم اعتراف کردید. و کتب ماتریالیستی متعددی از سازمان حزب را نیز مطالعه کردهاید پس باین تفصیل نمی شود از شما تلقی یک فرد ساده را کرد.

دادستان سپس با استناد به اعترافات من در متن بازجویی خطاب به وی گفت: شما از مخفی کاری حزب آگاه بودید و حتی آخرین ملاقات شما با مسئولان بعد از دستگیری سازمان حزب بوده و شما فردی فعال بودید و حتی مواضع خود را در زندان نیز حفظ کردهاید. در ادامه جلسه یاد آگاه من هم نتوانیم نجمل الله مهرپور در رابطه با سخنان دادستان گفت در مورد معرفی افراد ضد انقلاب من موضوع را با مقامات مسئول که به آنان دسترسی داشتم در میان می گذاشتم من ضمن پذیرفتن اسم مستعار گفتم این اسم بطور شفاهی از طرف مسئول به من داده شد و توجیه ایشان این بود که چون ضد انقلاب ابتدا قصد ضربه زدن به عناصر انقلابی چه را دارد این اسم برای جلوگیری از افشاء شدن عضویت افراد در حزب است.

وی افزود من در ابتدای دستگیری به علت سردرگمی و عدم اطمینان از افعای رابطه خود با حزب خودداری می کردم ولی پس از مدتی با مشاهده حسن نیت مأمورین تمامی حقایق را گفتم. من هم در پاسخ سؤال رئیس دادگاه منی بر آنکه قصد داشته کسی را به حزب معرفی کند این اتهام را رد کرد.

لطیف مسئول من هم در این رابطه گفت من از ایشان و دیگر افراد خواستم که افراد علاقمند به حزب را معرفی کنند ولی ایشان کسی را معرفی نکرد. سپس من هم در آخرین دفاع خود ضمن پذیرفتن لژی که دچار آن شده گفتم من با تمام وجود در خدمت جمهوری اسلامی بودم که گواه این امر فرماندهان نوین و استاندار شهید استان گیلان شهید انصاری بودند.

وی افزود من از امام امت معذرت می خواهم و امیدوارم که مرا مورد عفو قرار داده و به آغوش خانواده ام برگرداند تا این لژش خود را جبران کنم.

گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی حاکمیت پس از اتمام دفاعیات منم ردیف ۱ دادستان انقلاب اسلامی ارتش کثیرخواست منم ردیف دوم فریدون مرادی را بدین شرح قرائت کرد.

عضویت و فعالیت در شبکه مخفی حزب خائن توده تحت مسئولیت پایک و نام مستعار امید.

پرداخت حق عضویت ماهانه ۵۰۰ ریال و ۱۰۰ تومان و در اواخر همکاری ماهانه دویست تومان.

اجرای قرارهای تشکیلاتی در بارک و خیابان و منزل یا مسئولین خود پایک و کاظم.

معرفی یکی از همکارهای من به حزب منطه بنام رضا پاکدل.

فعالیت به نام زینب حضرت امام.

من هم پس از استماع شرح اتهامات من ابتدا در رابطه با انگیزه گرایش خود به حزب منطه توده گفتم آنست که برای من مطرح بود جو دانشگاه بود چون محیط زندگی و تحصیل من در دانشگاه تهران دانشگاه پزشکی بود و جو آلوده و جو فعالیت گروههای که فعالیت داشتند جو دانشگاه را آلوده کرده بود و مساله دوم آنست که خود من بودم که در دفاع و حمایت از انقلاب بودم و سوم تعطیل های سیاسی در شهری که به آن روز حزب از اوضاع جاری مملکت از قبیل مبارزه با بیابالیسم و قریبالیسم و معرفی افراد پایک به انقلاب بود. من هم در دفاعیات خود مدعی شد که کیفیت فعالیت وی در حبس بسیار پائینی بوده بطوریکه در منطه دستگیری فکر نمی کرده که عضو حزب باشد. وی همچنین مدعی شد که از وجود شبکه مخفی اطلاع نداشته و کسی را نیز به حزب معرفی نکرده است.

دادستان نیز از اظهارات منم گفت آنست که ایشان میگویند یک همکار ساده بوده و از شبکه مخفی اطلاع نداشته با اظهارات ایشان بازجویی متناقض است.

سپس دادستان انقلاب اسلامی ارتش ضمن یادآوری چند مورد از تناقض گوئیهای منم خطاب به وی گفت با توجه به آنست که شما در متن بازجویی خود تاکید کردهاید که گذشته حزب را در خشان نمی دیدید و از سوی طرفداری حزب از شوروی را به وضوح نمی دیدید باین حال جذب حزب شدید و مسئول داشتید اسم مستعار داشتید و حق عضویت می پرداختید و رضا پاکدل را شما به مسئول خود معرفی کردید.

من هم فریدون مرادی در پاسخ به اظهارات دادستان مدعی شد که از شبکه مخفی حزب اطلاع نداشته و اولین بار این موضوع را در زندان شنیده ام.

وی در مورد ارتباط خود با حزب گفت ارتباط ما از نظر قدمت ۲۰ روز یکبار و در سطحی بزرگتر می شد که کمیته ارزیابی کرده که کار سیاسی باشد.

من هم ضمن پذیرفتن حق عضویت در مورد معرفی پاکدل به حزب گفتم من فقط ایشان را به مسئول نشان دادم. رئیس دادگاه انقلاب اسلامی ارتش از منم خواست که به عنوان آخرین دفاع مطالبی را عنوان کند من هم در آخرین دفاع خود مدعی شد که هدف وی دفاع و حمایت از انقلاب با توجه به سیاست عالی حزب بوده و اکنون که به مساله جاسوسی حزب پی برده اظهارات سابق می کند.

گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی پس از اتمام دفاعیات منم فریدون مرادی دادستان ارتش کثیرخواست منم ردیف ۳ سروان شهربانی علی کاظمی را به این شرح قرائت کرد.

عضویت و فعالیت در شبکه مخفی نظامی با نام مستعار شیرو تحت مسئولیت عباس و کاظم.

پرداخت حق عضویت ماهانه ۲۰۰ تومان. دادن اطلاعات و گزارشات محیط کار خود به مسئولین کاظم معرفی یک نفر به تشکیلات حزب منطه و جاسوس بوده اجرای قرارهای تشکیلاتی و ارتباط بعد از پیام امام منم سروان علی کاظمی در مورد اتهامات منم در کثیرخواست بدفاع از خود پرداخت و گفت این حزب با توجه به قانونی بودن و نبود استفاده از علاقه افسران مومن به انقلاب و کشور ما را به این روز خفت باز نشانده و دچار فریب دردها کرد که امروز عقوبت آنرا پس میدیم و اگر چه شخصیت اجتماعی من لکندار شد ولی خدا را شکر که در جهت خلاف خط انقلاب و مردم قتل بر نداشتیم.

من هم با اشاره به این نکته که دفاع جانانه حزب از انقلاب باعث شد که فریب ظاهر را بخورم ولی از باطن حزب بی اطلاع بودم در مورد فعالیت خود من حزب گفت ارتباطات من با مسئولین سرد و بی اثر بود بطوریکه حس نمی کردم فعالیت سیاسی باشد و من در محیط کار خود فقط به کار فکر می کردم و نه به چیز دیگر و این مساله سیاسی فقط یک بدنامی بود. وی افزود در مورد حق عضویت

دادستان نیز در پاسخ به اظهارات منم گفت شما در متن بازجویی خود مدعی شده بودید که در آخرین ملاقات شما با مسئولان بعد از دستگیری سازمان حزب بوده و شما فردی فعال بودید و حتی مواضع خود را در زندان نیز حفظ کردهاید. در ادامه جلسه یاد آگاه من هم نتوانیم نجمل الله مهرپور در رابطه با سخنان دادستان گفت در مورد معرفی افراد ضد انقلاب من موضوع را با مقامات مسئول که به آنان دسترسی داشتم در میان می گذاشتم من ضمن پذیرفتن اسم مستعار گفتم این اسم بطور شفاهی از طرف مسئول به من داده شد و توجیه ایشان این بود که چون ضد انقلاب ابتدا قصد ضربه زدن به عناصر انقلابی چه را دارد این اسم برای جلوگیری از افشاء شدن عضویت افراد در حزب است.

وی افزود من در ابتدای دستگیری به علت سردرگمی و عدم اطمینان از افعای رابطه خود با حزب خودداری می کردم ولی پس از مدتی با مشاهده حسن نیت مأمورین تمامی حقایق را گفتم. من هم در پاسخ سؤال رئیس دادگاه منی بر آنکه قصد داشته کسی را به حزب معرفی کند این اتهام را رد کرد. لطیف مسئول من هم در این رابطه گفت من از ایشان و دیگر افراد خواستم که افراد علاقمند به حزب را معرفی کنند ولی ایشان کسی را معرفی نکرد. سپس من هم در آخرین دفاع خود ضمن پذیرفتن لژی که دچار آن شده گفتم من با تمام وجود در خدمت جمهوری اسلامی بودم که گواه این امر فرماندهان نوین و استاندار شهید استان گیلان شهید انصاری بودند.

وی افزود من از امام امت معذرت می خواهم و امیدوارم که مرا مورد عفو قرار داده و به آغوش خانواده ام برگرداند تا این لژش خود را جبران کنم.

باید بگویم که طی یکسال و نیمی که در تهران بودم حق عضویتی پرداخت نکردم ولی در شهرستان بدلیل اصرار زیاد مسئولان ماهیانه ۲۰۰ تومان حق عضویت منبرداختم وی سپس با اشاره به این نکته که در رابطه با دادن گزارشات محیط کار من خبری نندادم و تنها مسائل جاری عادی را میدادم گفت در مورد معرفی یک نفر به حزب خود او گرایش داشت و بنظر من او قبلا به عضویت حزب درآمده بود. منتم ضمن پذیرفتن بقیه اتهامات در مورد ارتباط بعد از فرمان امام گفت در این مورد من خود را سرزنش می‌کنم ولی به دلیل عدم اطمینان از باقی ماندن در شغل ارتباط را ادامه دادم و در این رابطه طلب عفو می‌کنم.

دادستان در دفاع از کیفرخواست ضمن رد دفاعیات منتم گفت در حالی که ایشان خود را مقرر اصلی نمی‌دانند ولی در پرونده ایشان تخلفات زیادی به چشم می‌خورد. اینکه منتم میگوید قریب ظاهر را خورده است مرهود است چون ایشان چندین واحد درس در دانشکده حقوق را گذرانده و از نهاد اسلام و مائیتالیست بخوبی آگاه بوده است همچنین ایشان در اعترافات خود صریحا گفتند که یکفتر را به حزب معرفی کرده است و حتی آخرین قرار ایشان با مسئول خود ۲ سال پس از فرمان امام بوده است. منتم علی کاظمی در رابطه با اظهارات دادستان در مورد معرفی یکفتر به حزب مدعی شد که قبل از اینکه جذب حزب شود احساس میکرد که آن شخص عضو حزب باشد چون شریات حزب را آشکارا مطالعه می‌کرده است وی افزود در مورد آخرین ملاقات من با مسئول من در بیمارستان نیز می‌گویم که بعد از ملاقات آمد و این ملاقات جنبه حزبی نداشت. منتم به عنوان آخرین دفاع و اظهار ندامت و پشیمانی از جزیانی که به آن آلوده شده است و تقاضای شهادت را تحمل شده تقاضای کرد که مورد عفو قرار گیرد تا به جامعه باز گردد و به کشورش خدمت کند.

بدانسان این گزارش چهارمین منتم ستوانیار محمد حسن جوادی گزارش بالایی افزودند حیا علی در پاسخ به اتهام

خود می‌گوید عضویت و فعالیت در شبکه مخفی نظامی حزب منحل شده تحت مسئولیت مهندس ثابت و کاظم پرداخت حق عضویت اوایل ۵۰ تومان سپس صد تومان اجرای جلسات و قرار های تشکیلی حزبی در منزل مسکونی خویش، دادن اطلاعات و اخبار محیط کار خویش و ارتباط با حزب بعد از پیام امام اظهار داشت.

بزرگترین اشتباه من این بود که بر اساس بی‌اطلاعی و نا آگاهی بعد از پیام امام بفاین حزب گرایش یافتم و اطلاع کافی از سازمان مخفی نظامی نداختم و می‌فهمیدم به حزب بدم بوده‌است و علت آنهم فقر و تنگدستی بوده چون پدرم یک روستایی زاده بود و توسط خانها و ثوادلها از آن ده چلای وطن کردوی افزود مطالباتی که میکردم روزنامه مردم بود و چون روزنامه شانهای مترقیانه در ترجه اول میداد و پشتیبان انقلاب بود و از انقلاب دفاع می‌کرد و هیاهای انقلابی را قبول داشت این یک عامل بود دیگری همان فقر و تنگدستی و در بدری بود که مرا بفاین حزب گرایش داد و مجذوب این حزب شدم، وی در تائید موارد کیفرخواست گفت حق عضویت به حزب پرداخت می‌کرده و همچنین در منزل مسکونی خود جلسات و قرار های تشکیلی نداختم. منتم افزود اخبار و اطلاعات محل کار خود را در سطح عادی به مسئولش میداده است وی همچنین از قریب‌هایی که مسئولش در مورد انقلابی بودن و طرفداری و دفاع از انقلاب نشان میداد آنچنانکه وی را مجذوب کرده بود سخن گفت منتم سپس موردی از اطلاعات داده شده وسیله خویش را که در دادسرای نظامی مشهد بود برای دادگاه تشریح کرد.

آنگاه دادستان در دفاع از کیفرخواست گفت با توجه به اظهارات منتم مندرج در متن بازجویی و اینکه وی می‌گوید اطلاعات کافی نداختم بودن حزب نداختم و این از کمال به ایشان اعلام شده که عضو حزب است و کسی نیاید از حزب چیزی بپندارد حتی همسر و فرزند در مورد دادن خبر آقای لطفی هر دو مورد را ذکر کردند. و خصوصیت ویژه ایشان عضویت وی ده ماه بعد از اعلام فرمان امام بوده است.

منتم به عنوان آخرین دفاع از خود گفت فقر و ندامت و پشیمانی خود را در این دادگاه اعلام می‌کنم و امیدوارم که مورد عفو تمام و ملک شهید پرور قرار گیرم.

بگزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی پس از پایان محاکمه منتم ردیف ۴ ستوانیار محمد حسن جوادی،

دادستان به قرائت متن کیفرخواست و موارد اتهام ستوانسوم

بهنی نظامی بفاین شرح پرداخت

عضویت و فعالیت در بخش نظامی تشکیلات مخفی با نام مستعار فرمان و تحت مسئولیت کاظم.

پرداخت حق عضویت ماهانه ۲۰۰ الی ۳۰۰ تومان به مسئولش کاظم.

ارتباط بعد از پیام حضرت امام. سپس منتم بدفاع از خود پرداخت و ضمن تشریح گوشه هایی از محرومیت‌هایی که در طول زندگی خود متحمل شده و اظهار تضرر از جو حاکم در رژیم طاغوت گفت پس از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به علاقه‌ای که به برپا آوردن جبهه چریک‌های فدائی بود و به عنوان دکتر در جبهه خدمت میکرد من هم هوادار این سازمان شدم ولی پس از مدتی به یوچی شمار ها و برنامه‌های آنان پی برده و از این سازمان دلسرد شدم.

وی افزود در سال ۵۹ اوایل جنگ به جبهه رفت و مشغول خدمت شدم که در اواخر سال ۵۹ دانشکده افسری ما را جهت مصاحبه احضار کرد که برگشتم و مشغول تحصیل شدم در اوایل سال ۶۰ که مشغول درس خواندن بودم روزی در تابلو اعلانات اسم خود را در لیست افراد پاکسازی شده دیدم. که علت آنرا وابستگی گروهی ذکر کرده بودند. منتم در مورد نحوه جذب و ارتقای خود به حزب شهادت داد که در جریان پاکسازی در دست همسرش کاظمی که عضو حزب بود به پیشنهادی زیادی به من ثابت کرد که حزب توده خائن قیست و من بالاخره توسط وی جذب حزب شدم دادستان در دفاع از کیفرخواست گفت ایشان احتمالا اتهامات را پذیرفتند و در مورد اعتراض ایشان به پاکسازی از ارتش با توجه به اظهارات آقای لطفی و خود منتم مبنی بر گرایشهای ایشان به حزب دادگاه انقلاب اسلامی ارتش حکم عدم صلاحیت ایشان صادر کرد. منتم در پاسخ گفت با عدم شناخت این خطا ها از من سرزد ولی خوشبختانه به هیچ وجه اقدامی بر علیه جمهوری اسلامی ایران نکردم و حتی پس از پاکسازی هلاقمند به خدمت بودم. اما اینکه این حزب چگونه از حسن نیت ما استفاده کرده نمی‌دانم چه بگویم منتم به عنوان آخرین دفاع خود گفت امیدوارم دادگاه اجازه دهد که برگردم و یکسال آخر تحصیلات خود را به پایان برسانم و دین خود را به ملت ادا و افتباه خود را جبران کنم. بر اساس این گزارش نمایان یافتن دفاعیات منتم ستوانسوم بهمن نظامی دادگاه رسیدگی به اتهامات سایر عناصر تشکیلات مخفی نظامی حزب منحل و جاسوس بوده به جلسه آینده دادگاه روز سه‌شنبه ۱۳ اردیبهشت ۶۷ مقرر گردید.

تعداد دیگری از عناصر تشکیلات

مخفی حزب

جاسوسان به خیانت‌های خود ا

عتراف کردند

بود که این خاطره در ذهن من باقی ماند. وی افزود: همچنین در سال ۱۳۲۸ که مصادف با آغاز تهضت نفت بود و اوضاع به هم خورده مجدداً احزاب و سازمانها شروع به فعالیت کردند.

و در آنموقع باز هم حزب توده بود که در مقابل فتودالها ایستاد و شعار مرگ پر فتودال میداد البته من در آن دوران خبر نداشتم که در تهران فرآکسیون توده امتیاز نفت شمال را برای روسیه میخواستند من از این مسائل بی اطلاع بودم.

بنا بر این من از تجربه نه از روی آگاهی احساس میکردم که تنها حزب توده حامی دهقانان است و با اربابان مبارزه میکند متهم در ادامه با اشاره به اینکه در سال ۱۳۵۰ وارد ارتش شده و طی مدت خدمت در ارتش تبعیضهای زیادی را مشاهده کرده گفت: پرونده من مشحون از استعفا است که بدلیل تخصص و ذکاوت من مورد قبول واقع نشده است. متهم در رابطه با گزارش خود به حزب توده گفت: پس از پیروزی انقلاب با توجه به خاطرات شیرینی که از حزب توده داشتم و با توجه به اینکه احزاب و گروهها مثل قارچ از زمین خارج شده بودند تا مدتی تشریفات احزاب را میخواندم و در این میان تنها نشریه حزب توده بود که از انقلاب اسلامی دفاع میکرد.

بنا بر این من به این حزب گرایش پیدا کردم. وی مدعی شد که عضو رسمی حزب توده نیست و تنها در حد یک هوادار و دوستدار حزب توده بوده و حق عضویت تیز به صورت ماهیانه نپرداخته و تنها در دو مورد مبلغ ۲ تا ۲۵۰۰ تومان به حزب کمک کرده است. متهم همچنین مدعی شد که اطلاعات محرمانه

دادگاه انقلاب اسلامی ارتش جمهوری اسلامی ایران صبح دیروز به منظور رسیدگی به اتهامات سایر نظامیان تشکیلات مخفی حزب جاسوس توده که تحت مسئولیت خسرو لطفی فعالیت میکردند، به ریاست حجت‌الاسلام محمدی ری‌شهری حاکم شرع دادگاههای انقلاب اسلامی ارتش تشکیل جلسه داد.

در این جلسه که محمد مهدی پرتوی مسئول کل تشکیلات مخفی و نظامی حزب توده و محمد معزز مسئول یکی از شاخه‌های تشکیلات مخفی حزب نیز حضور داشتند، پس از تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید دادستان دادگاه انقلاب اسلامی ارتش متن کیفرخواست متهم مقداد دهقانی رحیم آبادی را به این شرح قرائت کرد:

عضویت و فعالیت در شبکه مخفی نظامی تحت مسئولیت کاظم و با نام مستعار بهینا. پرداخت حق عضویت ماهانه که مجموعاً ۲ هزار و پانصد تومان میباشد به مسئول کاظم. دادن اطلاعات و اخبار و گزارشات محیط کار خود به مسئول کاظم. معرفی کردن دو نفر به تشکیلات حزب منحل بنامهای علی اکبر رضایی و سروان باز نشسته شرافتی. ارتباط بعد از فرمان حضرت امام.

سپس متهم بدفاع از خود پرداخت و ضمن بیان گوشه‌هایی از زندگی در دوران طفولیت که متحمل ظلم و ارباب‌زبانی و فتودالها در روستای محل سکونت خود شده است گفت: تنها حزبی که در آن زمان از دهقانان دفاع میکرد حزب توده

به مسئول خود نداده و تنها به طور شفاهی از مسائل موجود در ارتش از قبیل وجود عناصر وفادار به رژیم شاهنشاهی در ارتش با مسئول خود صحبت کرده است که این مطالب اسرار محرمانه و طبقه‌بندی شده نبوده است. متهم در مورد معرفی دو نفر به حزب گفت: آقای شرافتی یکی از دوستان دوران تحصیل من بود که ایشان از مواضع چریکهای فدایی دفاع میکرد و من به اتفاق اینشان میرفتم دانشگاه و در بحثهای احزاب و گروههایی که در گوشه و کنار دانشگاه فعالیت میکردند شرکت میکردیم و اینکه این مسائل باعث گرایش وی به حزب توده شده باشد من اطلاع ندارم. وی افزود: در مورد آقای رضایی که ایشان برادر خانم من هستند مسئول در مورد ایشان از من سؤال کرد و من گفتم که در تیب زنجان خدمت میکند.

دادستان ضمن رد دفاعیات متهم در دفاع از کیفرخواست به تناقض گسوییهای وی اشاره کرد و گفت: اینشان عضویت در شبکه مخفی را تکذیب کردند در حالی که صریحاً در صفحه ۳۰ پرونده اعتراف دارند که عضو بوده‌اند و همانطوریکه در پرونده ایشان ذکر شده صادقانه از خود دفاع نمی‌کنند. آقای لطفی نیز در صفحه ۲۰ پرونده در مورد عضویت و پرداخت حق عضویت و اسم مستعار ایشان صریحاً اعتراف کرده‌اند.

دادستان افزود: متهم مدعی است که مجموعاً ۲ تا ۲ هزار و پانصد تومان به حزب کمک کرده در حالی که آقای لدنی اعتراف کرده‌اند ایشان در ابتدا

ماهی ۱۰۰ و بعداً ۱۵۰ تومان ماهیانه حق عضویت پرداخته است. دادستان دادگاه همچنین نحوه دادن چند نمونه از اطلاعات محرمانه و سری ارتش توسط متهم به مسئول خود را برای حضار تشریح کرد. وی گفت: متهم در پرونده خود اعتراف کرده که آقای رضایی و شرافتی را نیز تشویق به عضویت در حزب کرده در حالی که ایشان مساله را بطور دیگری مطرح می‌کنند. متهم مجدداً در دفاع از خود مدعی شده که پرداخت حق عضویت بطور مستمر و الزامی نبوده و در مجموع ۲ تا ۲۵۰۰ تومان پول پرداخته است.

وی در مورد عضویت در حزب نیز مدعی شد که رسماً از طرف حزب به وی ابلاغ نشده بود.

متهم با ارائه دلایل دادستان پذیرفت که عضو حزب بوده و ضمن رد اتهام دادن اطلاعات محرمانه و طبقه‌بندی شده به مسئول خود پذیرفت که خبرهایی از محیط کارش را به مسئولش داده است. متهم افزود: من با آقای لطفی در مورد اوضاع جاری مملکت صحبت می‌کردیم و هرگز فکر نمی‌کردم که این حزب در پشت پرده قصد جاسوسی و براندازی دارد من فکر می‌کردم که از این طریق دارم به انقلاب خدمت می‌کنم و هدف براندازی سیاست منافقانه حزب بود که این بر خورد منافقانه را با اعضای خود نیز داشت. وی مدعی شد که از هدف براندازی و جاسوسی حزب مطلقاً بی اطلاع بوده است.

رئیس دادگاه از متهم خواست که در مورد اسم مستعار خود توضیح بدهد.

متهم گفت: اسم مستعار من نهیا بود ولی من با این اسم کاری انجام ندادم و تنها عضو داشتم این حزب بودم و در پیوسته وضع دهقانی نویسم. متهم مقدار دهقانی در پاسخ به سؤال رئیس دادگاه مبنی بر اینکه چرا بطور غیرقانونی با حزب همکاری می کرده است مدعی شد که در قانون اساسی عضویت نظامیان در احزاب منع نشده و تنها امام نظامیان را از عضویت در احزاب منع کرده اند که در این مورد وی ضمن پذیرفتن خطای خود از حضور امام هذرخواهی کرد.

سپس رئیس دادگاه به متهم متذکر شد شما که خود را فردی بی اطلاع از افعال خلافی که انجام داده اید معرفی می کنید مردود است. زیرا شما فرمان امام را قبول کرده و با نام مستعار بطور غیرقانونی با احزاب همکاری می کرده اید. در ادامه جلسه روز دادگاه متهم مقدار دهقانی به عنوان آخرین دفاع خود از اینکه فرمان امام است را اطمینان تکزیده عذرخواهی کرد و از امام است و ائت شهید پرور و ریاست دادگاه طلب عفو و بخشش کرد وی از دادگاه خواست با توجه به تخصصی که در رشته دکتری دارم کامپیوتر دارم و می توانم فرستنی داده شود تا به دامن جمهوری اسلامی باز گردد و با دل و جان خدمت کند.

بر اساس این گزارش در پایان دفاعیات متهم دادستان در رابطه با سخنان متهم مبنی بر اینکه قانون اساسی عضویت نظامیان در احزاب منع نشده است گفت: قانون اساسی شالوده نظام را تعیین می کند و اصول آن گامی مطلق است و زمانی مستبد و مشروطه اگر نطلق باشد اشتباه به آن شنبه می شود و اگر مستبد و مشروط بود قانون عادی است که چگونگی پیدا و شرطه را شرح میدهد و اصل ۳۶ قانون اساسی در رابطه با آزادی احزاب مشروط است. مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکند.

بنا به گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی با پایان یافتن دفاعیات متهم مقدار دهقانی حاکم دادگاه مقرر شد که عضویت نظامیان در احزاب ممنوع است. متهم مدعی شد که توده با نام مستعار علی میرزایی اجزای جلسات و قسراتهای تشکیلاتی تا لحظه دستگیری در منزل خود در آن حق حضور پیدا جمعا پنجاه هزار تومان و ارتباط با

حزب توده بعد از پیام امام ادامه یافت. متهم پس از استماع کیفرخواست بدفاع از خود پرداخت و گفت: من قبل از اینکه خود را مرتکب جرم بدانم خود را مرتکب اشتباه میدانم و مواردی را که آقای دادستان گفتند همه را قبول دارم و در واقع من مرتکب اشتباه شده ام چون بهیچوجه انگیزههایی که ایدئولوژیکی باشد در بین نبوده چون نه مطالعه ای داشته و دارم. رابطه اینجا حضور دارد و میدانم. متهم در مورد انگیزه عضویت خود در حزب گفت:

با بزی بودن و دلچرکین بودن و زمینه روانی که از ارتش داشتم آنرا بصورت یک اعتراض و یک عصیان کنده گانه و واقعا ابلهانه که ساده ترین راه پیروزی را در ورود به این حزب می بینم. متهم گفت: رابطه با دانشجویان غیر نظامی قبلا در دانشگاه با فاصله زیاد و پرتاز خلاء بود و با وجود جزئیاتی این حزب بهتر میتوانستم این خلاء را پر کرده و به دانشجویان غیر نظامی نزدیکتر بشوم و کم بینی هائی که در این رابطه داشتم برطرف شود. متهم افزود: بدین منظور اوایل سال ۶۰ مراجعه کردم به دانشجوی تودهای که چند ماهی با هم در کوی دانشگاه هم اتاق بودیم و با وی تقاضای عضویت در حزب را در میان گذاشتم. بعد از چند ماه او گفت حزب افراد نظامی را نمیپذیرد و این موضوع فراموش شد تا مهر ماه سال ۶۰ و من مجدداً درخواست عضویت نام گشتم در دانشگاه ولی اسم مستعار را هرگز از اسامی گزیده های دانشگاه و سیاسی که استخراج شده بودند ندادم. مراجعات مکرر به دانشگاه مجدداً بازگشته و دو ترم به پایان درسم باقی مانده بود که در

اواخر زمستان سال ۶۰ رابطه با من تماس گرفت و تا وقتی که دستگیر شدم به دفاعات ایشان راضی دیدم. متهم در قسمتی از دفاعیات خود گفت: من این مسئله را از یک درجه ساده نگاه می کردم چون یک چیزی در ظاهر هوادار انقلاب بوده و از حاکمیت جمهوری اسلامی دفاع میکرد و هم مردم ایران می دیدند ولی پس از جریانات بعضی حزب و وقتی که متوجه شدم که در جهت استقلال و آزادی افتاده ام برآیم شوک آور بود. متهم اظهار داشت: دو ماه قبل از دستگیری من بن اعلام شده بود که درجه ستوان یکمی گرفتارم متضاداً بر اینکه از سال ۵۴ تا ۶۱ مدت هفت سال دانشجوی دانشکده افسری تودهم. متهم از اینکه بسطت

حاصل

در دانشگاه برخورد مستقیم با ارتش نداشته و اختلاف محیط ارتش جمهوری اسلامی با ارتش شاهنشاهی را احساس نکرده است. این را تاسف کرد. وی در رابطه با پرداخت حق عضویت و کمک مادی به حزب گفت: پرداخت حق عضویت را از شرایط عضویت در حزب می دانسته و مدعی شد در سطح یک هوادار ساده برای حزب کاری نکرده است. در ادامه جلسات دادگاه دادستان در مورد اظهارات حمید افشار گفت: متهم تمام اتهامات وارد بخود را پذیرفته است.

سپس رئیس دادگاه از متهم سؤال کرد شما اسم مستعارتان چه بوده است و متهم پاسخ داد: علی میرزایی. متهم دادگاه از متهم پرسید شما چرا بطور غیرقانونی و مخفیانه با احزاب همکاری می کردید؟ متهم پاسخ داد در رابطه با انگیزه هایی که مطرح شد. رئیس دادگاه پرسید انگیزه شما آن بود که شما وارد حزب بشوید ولیکن این قانون شکنی یک نظامی آیا می تواند هدف سیاسی داشته باشد یا هدف نظامی؟ متهم در پاسخ مدعی شد که در رابطه با قانون شکنی بنه وی ابلاغ نشده بود و از فرمان صریح امام تبعی اطلاعی نداشته است.

وی افزود: در هر صورت این را قبول دارم که از فرمان امام تخلف کرده ام. آنگاه رئیس دادگاه از متهم سؤال کرد شما نسبت به عضویت تصور میکنید که یک حزب به چه منظوری افراد نظامی را بطور غیرقانونی و بطور مخفی جذب می کند و صحبت اینست که یک حزب قانونی بطور علنی افراد را جذب نمیکند. ولی چیزی که بطور غیرقانونی نظامیان را جذب میکند و برایشان اسم مستعار میگذارد و از آنان کمک مادی میگیرد و سرقرارها میدهد آنان از این کارها چه منظوری دارند؟ متهم پاسخ داد مسئله این است که علنی تقاضای عضویت کرده و خود را هم غیر نظامی میدانسته است.

متهم بعنوان آخرین دفاع از خود گفت: چیزی ندارم بگویم چیز اینکه اظهار ندانست کنم و حاضریم با تمام وجود یعنی خدا اقل خیالی گفته دارم در راه انقلاب از هیچ چیزی دریغ نکنیم و آنهم بستگی به تشخیص و صلاحیت دادگاه است. چون من در هر صورت سالهای متمادنی از بیت النعمان استفاده کرده ام و هیچکار مشغول نگردم و بعضی اینکه فائز التخصیل شدم این وضعیت پیش آمد و هر طور که دادگاه تصمیم بگیرد بنا کمال خضوع می پذیرم.

گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی حاکمیت پس از خاتمه دفاعیات متهم سوانیکم حمید افشار دادستان انقلاب اسلامی ارتش متن کیفرخواست متهم دانشجوی پورسیه ارتش ناصر گرجی را به این شرح قرائت کرد:

عضویت و فعالیت در شبکه مخفی نظامی حزب توده با نام مستعار اصغر و تحت مسئولیت حمید و کاظم - دادن اطلاعات و اخبار محیط کار خود به مسئولین کاظم - پرداخت حق عضویت ماهانه صد تومان. - داشتن یک حوزه سه نفره حزبی به اتفاق خلیل ابرقویی و کاظم - دادن پانصد تومان کمک مالی به کاظم - ارتباط با حزب توده بعد از پیام حضرت امام - شهن متهم بدفاع از خود در قبالت موازید اتهام چندجرح در کسب اطلاعات و درخواست پرداخت و در تشریح نحوه گرایش خود به حزب گفت: چیزی که من را به رهبری حزب در مضاحبه تلویزیونی پس از دستگیری در رابطه با جاسوسی عنوان کرد برای من نا آشنا بود و من در اینجا نهایت تنفر خود را از برخورد ریاکارانه این افراد اعلام میکنم.

متهم افزود: چیزی را که من شناخته بودم حزبی بود که خود را در خط انقلاب حامی قانون اساسی نشان داده و قبلا نه در انتخابات قانون اساسی شرکت کرده بود و نیز احتیاج این شناخت به عضویت حزبی در آن بود. وی افزود: من عضو حزب بودم و نه آن چیزی که رهبرانش اعتراف به جاسوسی و سراندازی کردند.

متهم در ادامه دفاعیات خود متذکر شد که از شبکه مخفی اطلاعی نداشته و در مورد اسم مستعار گفت: مسئولم از من خواست از اسم مستعار استفاده کنم که من هم اسم اصغر را برگزیدم ولی هرگز از آن استفاده نکردم و در مورد پرداخت حق عضویت نیز در مدت یکسال و چهار ماه مناهیان ۱۰۰ تومان بابت کمک به حزبی که از انقلاب دفاع می کنند پرداختم. متهم ناصر گرجی در مورد اتهامات خود گفت: ارتش من محیط کار خود به مسئولین متذکر شد که در یک مجوز اطلاعاتی درباره حزبی خود داده و فرمود دیگر نیز هنگامی که فرمانده یگان ناصر در کوی لیبیرال بوده تمیز و به جای وی فرماندهای مؤمن به انقلاب جایگزین شده که وی در مورد خصیصیات

خوب فرمانده جدید خود با مسئولی صحبت کرده است. وی افزود: مؤرد دیگر نیز پس از محاصره اقتصادی بعثت کمبود لوازم دندانپزشکی، دانشکده دندانپزشکی که در آن تحصیل می‌کردم، از نظر ارائه خدمات دندانپزشکی به مردم در مضیقه قرار داشت که در این مورد نیز با مسئول خود بتفصیل صحبت کردم.

متهم ناصر گرجی در مورد داشتن حوزه سه نفره حزبی ضمن پذیرفتن این اتهام گفت: چند ماه قبل از دستگیری من به اتفاق خلیل ابرقوئی و آقای لطفی حوزه‌ای تشکیل دادیم که آقای لطفی تحلیلهای حزب را می‌آوردند و در آنجا بتأمین صحبت و تبادل نظر میکردیم که البته تخلفی این تحلیلهای در حمایت و تبلیغ از جمهوری اسلامی بود.

در ادامه جلسه دادگاه دادستان نیز مورد اظهارات ناصر گرجی گفت: ایشان اتهامات را پذیرفتند ولی ذکر این مورد ضروری است که براساس اعترافات ایشان که در پرونده موجود است وی در اوایل به چریکهای فدائی و سپس به اکثریت تمایل داشته که بالاخره به عضویت حزب توده درآمده است و نکته دیگر اینکه آخرین قرار ایشان با مسئولش ۳۵ روز قبل از دستگیری بوده است. متهم در پاسخ به اظهارات دادستان مدعی شد که در اوایل سال ۵۸ تحریکات چریکهای فدائی را مطالعه می‌کرده ولی گرایشی به آنها نداشته است. وی افزود: در رابطه با اینکه مسئولم از من خواسته بود که تبلیغ نکنم و فعالیت خود را در حزب افشاء نکنم بخاطر این بوده که امکان از دست دادن شغلم

وجود داشته است.

وی مدعی شد که به هیچ عنوان از شبکه مخفی حزب با اهدافی که داشته آگاه نبوده و فعالیت وی تنها منحصر به مطالعه نشریات علنی حزب بوده است. متهم ناصر گرجی در آخرین دفاع خود گفت: امیدوارم دادگاه عدل اسلامی فرقی میان افرادی مثل من که با خلوص نیت در این راه پا گذاشته و اشتباه کرده‌اند با افرادی که با نیت خیانت در این حزب فعالیت می‌کردند قائل شود.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی با پایان یافتن دفاعیات متهم ناصر گرجی رسیدگی به اتهامات نظامیان تحت مسئولیت خسرو لطفی پایان یافت و رسیدگی به اتهامات بایز عناصر تشکیلات مخفی حزب جاسوس توده به جلسه امروز دادگاه موکول شد.

آزادگان

محاكمه گروهی دیگر از اعضاء جاسوسان سازمان مخفی حزب منحلہ توده آغاز شد

دادگاه انقلاب اسلامی ارتش در ادامه محاکمه عناصر تشکیلات مخفی نظامی حزب جاسوس توده صبح دیروز رسیدگی به اتهامات غلامرضا خاضعی و نظامیان تحت مسئولیت وی را آغاز کرد.

در این جلسه که ساعت ۱۰ صبح پیروز بریاست، حجت الاسلام ری شهری حاکم شرع و رئیس دادگاه های انقلاب ارتش آغاز شد و محمد مهدی پرتوی مسئول تشکیلات مخفی و شاهرخ جهانگیری مسئول شاخه نظامی تشکیلات مخفی نیز حضور داشتند. ابتدا دادستان موضوع اتهامات متهمین مبنی بر جاسوسی، عضویت و فعالیت در تشکیلات مخفی با هدف براندازی را قرائت کرد و گفت در پی کشف تشکیلات مخفی حزب خائن توده معلوم شد که متهم ردیف ۱ مسئولیت گروهی از نظامیان را در این شبکه بعهده داشته است. سپس دادستان شرح اتهامات متهم ردیفیک غلامرضا خاضعی را بشرح زیر قرائت کرد:

۱ - عضویت و فعالیت در تشکیلات مخفی و مسئول تشکیلات مخفی مشهد از مهر ۵۸ تا دیماه ۵۹

۲ - جذب کردن همسرش به حزب توده و معرفی چهار نفر به اسامی علی انتخابی، علی امینی، فرزاد جهادو محسن منبری.

۳ - قبول مسئولیت یک بخش بیست و سه نفره از شاخه هوایی، دریایی شبکه مخفی با نام مستعار شایان و تحت مسئولیت هوشنگ.

۴ - گرفتن اطلاعات سیاسی، نظامی محرمانه و جزوات سری از افراد زیردست خود.

۵ - گرفتن حق عضویت از افراد تحت مسئولیت خود.

۶ - جاسازی اسناد و مدارک تشکیلات در منزل.

۷ - گرفتن یک قبضه آرمی جی هفتست از افراد تحت مسئولیت خود و دادن به حزب.

۸ - قبول مسئولیت تعدادی افراد نظامی وابسته به گروهک اکثریت که در اواسط سال ۶۱ به حزب واگذار شده بودند.

۹ - گرفتن حقوق و اجاره خانه جمعا ماهانه ۵۷۰۰ تومان از حزب و دادن کمک مالی به مبلغ سی هزار تومان به حزب.

۱۰ - تشویق افراد زیر دست خویش جذب نظامیان به حزب.

آنگاه رئیس دادگاه، چگونگی فعالیت و ارتباط متهم با حزب توده را جویا شد.

متهم با اشاره به این نکته که در اواسط سال ۵۷ با سازمان نوید تماس گرفته است طریقه تماسش با این سازمان را بشرح زیر اعلام کرد:

در اواخر سال ۵۶ با یکی از دوستانم که تمایل به حزب توده داشت در رابطه با ارتباط با حزب صحبت کردم که دوستم به خارج رفت و با مرکز حزب تماس گرفت و به ایران برگشت البته گروه ما چهار نفر بود که شخصی که به خارج رفت سید حسین شجاعی بود رهنمود های حزب را کما کما بود برایشان آورد که این رهنمود ها بخش نشریات حزب بود. قبل از شروع به فعالیت از طرف سازمان نوید با ما تماس گرفته شد که باید با آنها کار بکنیم و من در آبان ماه سال ۵۷ فعالیت خود را با سازمان نوید شروع کردم.

تحویل نشریه های نوید به دو نفر از افراد حزب در قاتمشهر و مشهد بود آغاز کردم. متهم در دفاعیات خود ضمن اظهار ندامت گفت در این لحظه که من در پشت میز دادگاه نشسته ام جوانان این مرز و بوم بر اساس اعتقادات مذهبی خود در چپه های سادگی از جان خود می گذرند و مبارزین در لبنان در نبرد با امپریالیسم و عوامل آن جان خود را می بازند پس تنگ و نگرین ایندی بر من یاد اگر قصد داشته باشم دفاع فردی از خود بکنم بلکه صحبت های من در اینجا تنها بخاطر روشن شدن پاره ای از ابهامات پرونده و تشریح چگونگی جذب من به حزب خواهد بود.

متهم در رابطه با مخفی بودن تشکیلات با اشاره به توجیحات حزب در این رابطه مدعی شد که مخفی بودن وی به صورت فعالیت در خانه تیمی نبوده بلکه جهت مخفی بودن فعالیت وی از دید آشنایان بوده است و در مورد معرفی چهار نفر به حزب به قبل از انقلاب مربوط می شود که بر اساس رهنمود سازمان نوید ما افراد متماثل به حزب را معرفی می کردیم و چون من در آن زمان دانشجوی بودم چهار تن از آشنایان را که تمایل داشتند به حزب معرفی کردم.

متهم ضمن پذیرفتن اتهام دادن یک قبضه آرمی جی هفت به مسئول خود گفت مسئول من که احمد نام داشت از من خواست که اگر در شاخه من کسی در طی انقلاب اسلحه بدست آورده از آنها جمع آوری کنم. به حزب بدهم که من هم از یکی از افراد تحت مسئولیتم یک قبضه آرمی جی هفت گرفتم و آن را به مسئولم تحویل دادم.

متهم سپس اعتراف کرد که تمامی اتهامات متوجه در کفرخواست است و از جمله عضویت در شبکه مخفی و مسئولیت یک شاخه نظامی را می پذیرد.

وی علل گرایش خود به حزب توده را

هرگز تبلیغ نمی‌شود و کار در خفا انجام می‌گیرد.

متهم مجدداً ضمن رد اتهام براندازی گفت در رابطه با براندازی هرگز به این صورت که مطرح است فکر نمی‌کردم متهم بر پاسخ به سؤال رئیس دادگاه مبنی بر اینکه به نظر شما شاخه نظامی در قلب حزب به چه منظوری تشکیل می‌شود یا اشاره به کسب تجربی و قدرت تحلیل کم به این مساله پی‌نبرده و تحلیل حزب در مورد شاخه نظامی این بوده که چون درون انقلاب دو خط وجود دارد یکی خط امام و دیگر خط سرمایه داری و چون خط امام هنوز حکمیت پیدا نکرده است و می‌گن است خط سرمایه داری حاکم شود پس حزب باید برای جلوگیری از ضربه خوردن تشکیلات مخفی داشته باشد.

متهم ضمن بیان نقل قول جمله‌ای از کیانوری با این مضمون که بیگانه راه پیروزی انقلاب اتحادی بین مسلمانان مبارز و پیروان موسویانیم علمی است حتی اگر مسلمانان مبارز در این مرحله از زمان به خاطر داشتن پیش‌داوری از روی جسده توده‌ایها بگذرند و پیش‌داوری هایشان با خون توده‌ایها شسته شود و یا نسل بعدی توده‌ایها اتحاد ایجاد شود.

اعتراف کرد من معرف یک همچنین مساله‌ای بودم که امروزه پوچی آن پی‌بردم رئیس دادگاه ضمن اشاره به تناقض گویهای متهم متذکر شد از سخنان شما استنباط می‌شود که شما راه خود را از مردم جدا می‌دیدید و اقدامات خود را ضد مردمی می‌دانستید رئیس دادگاه افزود شما تخلفاتی کردید و اینها را طوری توجیه می‌کنید که این کارها در مسیر خدمت به مردم بوده ولی الان می‌فهمید که در خدمت به مردم نبوده که این تناقض گویی است.

سپس دادستان دادگاه متن کیفرخواست متهم ردیف ۲ تیمور راوندی را بدین شرح قرائت کرد.

- ۱- عضویت و فعالیت در تشکیلات مخفی تحت مسئولیت بهرام و هوشنگ و سپس شایان.
- ۲- دادن اطلاعات محرمانه محیط کار خود طی مدتی که در ارتش شامل بوده است.
- ۳- پرداخت حق عضویت در زمان اشتغال ماهانه ۵۰۰ تومان.
- ۴- قبول مسئولیت هفت روز جمله چهار نفر نظامی در شبکه مخفی.
- ۵- گرفتن اطلاعات محرمانه از افراد تحت مسئولیت خود و دادن آن به تشکیلات.
- ۶- گرفتن ماهانه پنجاه هزار تومان حقوق از حزب و دریافت کمک جهت خرید ماشین و موتور به مبلغ ۲۰۰ هزار تومان.

سپس متهم به دفاع از خود پرداخت و در مورد نحوه آشنائی خود با حزب گفت در اواخر سال ۵۸ به حزب توده پیوستم قبل از آن هیچ گرایشی به هیچ حزبی نداشتم متهم در رد اتهام دادن اطلاعات نظامی پس از حزب گفت من نه از طرف خودم و نه از طرف هیچ یک از افراد تحت مسئولیت اختیار محرمانه به حزب ندادم و در زمان خدمت در ارتش بنا توجه به اینکه افراد سلطنت طلب و ضد انقلاب در ارتش وجود داشت فقط آنها را به مسئول معرفی می‌کردم وی مدعی شد که از اهداف و مقاصد حزب مبنی بر جاسوسی و براندازی هیچ‌گونه اطلاعی نداشته و بنابراین دستگیری سران حزب و اعتراف آنها پس از مسئله جاسوسی و براندازی بی‌برده است و در مورد افراد تحت مسئولیت در مدت یکساله که با آقای خاصی فعالیت داشتیم تعداد آنها از دو سه نفر تجاوز نکرد که

برنامه های ارائه شده حزب و دفاع از انقلاب اسلامی خواند و ضمن پذیرفتن اتهام جاسوسی در این رابطه گفت ذهن من به این شکل پرورش یافته بود که در دنیا دو قطب بیشتر وجود ندارد یکی شوروی و همپیمانانش و دیگر آمریکا و در این مبارزه شوروی در نوک پیکان قرار گرفته و تمام نیروها باید در خدمت شوروی باشند در رابطه با مساله جاسوسی انگیزه من هرگز این نبوده که اطلاعاتی را به شوروی بدهم که بر علیه کشور خود بکار گرفته شود زیرا ذهن من اینطور پرورش یافته بود که شوروی نمی‌تواند دشمن کشوری باشد و هیچ وقت تصور نمی‌کردم که شوروی قصد داشته باشد مردم کشوری را به استضعاف بکشاند و این خط مشی فکری من بود.

متهم در مورد اتهام براندازی مدعی شد که توجیه حزب این بود که چون سرنوشت انقلاب هنوز مشخص نیست و ممکن است ضربه بخورد پس باید تشکیلات مخفی وجود داشته باشد.

متهم در مورد اتهام مسئولیت شاخه مخفی حزب در مشهد مدعی شد که افراد تحت مسئولیتش از چندین نفر تجاوز نمی‌کرده و فعالیتش منحصر به جمع آوری گزارشات دهقانی و کارگری و شرکت گسترده در تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری بوده و در آن زمان هیچ‌کار نفوذی و تهیه مدارک سری وجود نداشته است.

متهم در ادامه اعترافش در رابطه با مؤظنه براندازی از سوی حزب خائن توده مدعی شد که هیچگاه از این مساله که حزب توده خواهان کسب قدرت سیاسی به این شکل است آگاه نبوده است وی همچنین مدعی شد که رهبران حزب همیشه تأکید می‌کردند که باید در خط انقلاب و دفاع و تدوام آن کوشش کرد زیرا در صورت شکست انقلاب نیروهای طرفدار آمریکا حاکم خواهند شد.

متهم ضمن رد اتهام براندازی مدعی شد که هیچگاه تصور نمی‌کرده که یک حزب حتی بصورت مسلح قادر باشد بتواند وضعیت یک جامعه را تغییر بدهد و قدرت را بدست بگیرد زیرا انقلاب اسلامی را به چشم خود دیده است.

وی علت گرایش خود به حزب را انگیزه های نوع دوستانه دانست و گفت ناراحتی من از این است که من که در این لحظه در اینجا نشسته‌ام به هیچ‌وجه خود را دشمن انقلاب تصور نمی‌کردم و تاسف می‌خورم که چرا امروز در اینجا نشسته‌ام و دادگاه هر حکمی بدهد با جان و دل می‌پذیرم.

در ادامه جلسه دادگاه شاهرخ جهانگیری در تکمیل اعترافات متهم خاصی ضمن تأکید اتهامات نامبرده به تمایلات انسان دوستانه وی اشاره کرد و در مورد سنوالی که برای متهم در مورد رابطه حزب با شوروی که عنوان کرد که مساله انترناسیونالیسم را برای حالت رئیس و مرئوس را داشته مطرح بود متهم مطرح می‌کرده است بر اساس این گزارش سپس محمد مهدی پرنوی نیز موارد اتهام و اظهارات متهم را تأیید کرد.

آنگاه دادستان در دفاع از کیفر خواست با اشاره به اینکه متهم تمامی اتهامات را پذیرفته است تأکید کرد که فعالیت متهم از روی آگاهی کامل بوده و اینکه ایشان عنوان می‌کنند که هدف حزب در امر براندازی بوده چنین ادعائی هم نیست زیرا برای براندازی

حافظ قاصدی و ابوالفضل مهداوی و آقای
مزیور و احمد ادریسیان بودند که مسؤلت
ارتباط من با اینها کوتاه بود.

متهم در ادامه دفاعیاتش در رابطه با
نحوه جذب خود به حزب گفت با توجه به جو
موجود در سال ۵۸ و ۵۹ و تبلیغات حزب نموده
و بر اساس برداشت خودم حزب را در خط
انقلاب دیدم ولی از مقاصد و اهداف واقعی
آنها آگاه نبودم و فعالیت خود در حزب را
در چهار چوب انقلاب می دیدم و در خانه از
امام امت به علت اشتباه خود تقاضای عفو
و از دادگاه تقاضا دارم به من فرصتی داده
شود تا اشتباه خود را جبران کنم.

دانشمن در دفاع از کیفرخواست گفت
متهم یکی از افراد فعال تشکیلات مخفی بود
که در صفحه ۶ پرونده نحوه وصل شدن
خود به حزب و ارتباط خود با بهرام و هوشنگ
و شایان را شرح داده و در صفحه ۷ پرونده
نیز در مورد دادن اخبار و اطلاعات محیط
کار خود در پایگاه و گرفتن اخبار محرمانه
از افراد تحت مسئولیت خود توضیح داده اند.

متهم در دفاع از خود مدعی شد که
اخبار محیط کار و اطلاعات بدست آمده از
افراد تحت مسئولیت خود را به حزب نداده
است سپس رئیس دادگاه با استناد به مواردی
از پرونده متهم با ذکر چند نمونه از اطلاعات
محرمانه که توسط وی به مسئولان داده شده
تناقض گویی متهم را یادآور شد آنگاه دادستان
گفت ایشان در دادگاه بگفتند که یکسری در
تشکیلات مخفی فعالیت می کرده و از طرفی
اعترافات ایشان نشان می دهد که ماهیانه ۵
هزار تومان از حزب حقوق می گرفته و ۲۰۰
هزار تومان نیز از حزب جهت خرید اتومبیل
موتور دریافت کرده است که این مسائل نشان
دهنده فعالیت زیاد متهم می باشد. متهم در
آخرین دفاع خود مدعی شد بدلیل اینکه از
ارتش باز خرید شده و برای ایجاد شغل و
خرید اتومبیل برای کار احتیاج به پول داشته
و هنوز حقوق خود را از ارتش دریافت نکرده
بود احتیاج به پول داشته که به این طریق
این مقدار پول را از آقای شایان دریافت
کرده است آنگاه پرتوی مسئول تشکیلات
مخفی حزب در مورد مبلغی که متهم به عنوان
کمک از حزب عنوان کرده بود گفت:

این پول به عنوان کمک مالی حزب به
ایشان نبود بلکه برای ایجاد امکانات خروج
از مرز در مواقعی که حزب احتمالاً زیر ضرب
قرار میگرفت تعیین شده بود این پول به
منظور خرید قایق و یک اتومبیل بنز کرایه
تعیین شده بود که در مواقع ضروری مقامات
حزب به طور غیر قانونی بدین وسیله بتوانند
از طریق مرز شمالی از کشور خارج شوند
پرتوی افزود در این رابطه آقای راوندی
اتومبیل بنز چند مرتبه مسیر را چک کرده

بود و در واقع مساله پول بدین صورت بود
و جنبه کمک به متهم در میان نبود پس از اظهارات
پرتوی متهم تلویحاً این اتهام را پذیرفت این
گزارش خاکبست پس از پایان دفاعیات متهم
ردیف دوم دادستان شرح اتهامات متهم ردیف
آشوبنگ ابوالفضل مهداوی را مبنی بر
عضویت و فعالیت در تشکیلات مخفی با نام
ضیاع آذری و تحت عباس بهرام - هوشنگ
و منس تیمور ۲ - پرداخت حق عضویت
ماهانه ۲۰۰ تومان و کمک مالی هزار و پانصد
تومان ۳ - اجرای قرارهای خیابانی و تشکیل
جلسه در مطب خود ۴ - ادامه ارتباط و
فعالیت بعد از پیام حضرت امام را قرائت کرد.

پس از قرائت کیفرخواست متهم به
دفاع از خود پرداخت و ضمن قبول اتهامات
خود اظهار ندامت و پشیمانی کرد.
پس از مخاکمه متهم ردیف سوم دادستان
انقلاب اسلامی ارتش شرح اتهامات سروان
حسین خزائلی مبنی بر عضویت و فعالیت در
تشکیلات مخفی با نام مستعار دهقان و تحت
مسئولیت محمود، حسن و همایون پرداخت
حق عضویت ماهانه هزار تومان و مجموعاً
هفته هزار تومان، دادن اطلاعات و اخبار
محرمانه به تشکیلات، معرفی سه نفر نظامی
به تشکیلات بنام های رضا براتی، محسن
پناهنده و استوار کریم، ادامه فعالیت بعد از
پیام امام را قرائت کرد.

متهم پس از اطلاع از اتهامات وارده
با اشاره به انگیزه و گرایش خود به حزب
گفت: انگیزه ام در گرایش به حزب جهت درک
مسائل سیاسی ناشی از شرایط حاکم بر
مملکت و موضع گیری حزب در مقابل انقلاب
بوده و از اهداف پشت پرده حزب هم خبری
نداشتم.

سپس متهم به یکی از رابطین خود بنام
محمود اشاره کرد که به او گفته بود: درک
مسائل سیاسی بدون آموزش حزبی ممکن
نیست و به همین منظور وی درصدد حس
گرفتن با حزب توسط رابطین دیگر خود
حسن و همایون برآمده و سپس رهنمودهای
حزب را می گرفته است.

متهم همچنین در مورد خصوصیات شفلی
خود گفت تخصص در کنترل راداری شکاری
ها را بعداً داشته و در مدت سه سال که
برجسته بوده فقط سه روز بهر خصی
رفته است. وی همچنین در تائید اتهامات
خود گفت حق عضویت جمعاً به مبلغ هفده
هزار تومان را به حزب داده است. متهم هم
سپس مدعی شد هیچگونه اطلاعات بجز آنکه
در نماز جمعه گفته و روزنامه نوشته می
شده نداده است و آنچه که اطلاع می داده
محرمانه نبوده است.

متهم در بخشی از سخنانش اعترافیه
چند مورد اطلاعات سری کرد و آنها را غیر
محرمانه دانست. وی همچنین اظهار داشت
شش ماه قبل از دستگیری سرقرار نرفته و
حق عضویت هم نپرداخته است.

دادستان در پاسخ به ادعای متهم
گفت در رابطه با دادن اطلاعات مبنی بر آنچه
در نماز جمعه و یا روزنامه بوده باید عرض
دادگاه برسد که طبق موارد پرونده از آنچه
در محل کار ایشان اتفاق می افتاده اطلاع
می داده و در مورد مخفی کاری و فعالیت و
تبلیغات و جذب نیرو عبارتی است که متهم
سراغ کسی در دزفول رفته و ایشان را تشویق
به عضویت در حزب کرده بود ولی آن
شخص نپذیرفته لذا از طرف حزب بوی گفته
شده که او هم متقابلاً اظهار کند دیگر به حزب
علاقه ندارد. سپس متهم به عنوان آخرین
دفاع با اشاره به خدماتش در ارتش درخواست
عفو کرد.

بر اساس همین گزارش دربی آخرین
دفاع حسین خزائلی دادستان انقلاب اسلامی
ارتش کیفرخواست متهم ردیف ششم همافر
سوم محمدرضا گیامچی را مبنی بر عضویت
فعالیت در تشکیلات مخفی با نام مستعار بهرنگ
و تحت مسئولیت هوشنگ و رضا پرداخت
حق عضویت و کمک مالی مجموعاً پنج
هزار تومان و دادن اخبار محیط کار خود،
اجرای قرارهای خیابانی و معرفی یک نظامی
(سرهنگ توفیق) به حزب و شرکت دادن همسرش

در جلسات حزبی ، ادامه فعالیت بعد از پیام امام

متهم پس از استماع کیفرخواست به موارد اتهامات خود پرداخت و گفت در سال ۶۰ به تقاضای خودم با جهانگیری (یکی از مسئولین شبکه) در منزل تماس گرفتم و او رهنمودها را بمن داد. در مورد حق عضویت گفت قبول دارم ماهی دویست تومان منعی ندارد و در مورد اخیار محیط کاری هیچ مسئولیتی از اینکه اخیار را کسب نکنم نداشتم و مسئولیت عدم خیف و میل اموال دولتی بود. و در کل اخیار محیط کار را میدادم. در مورد قرارها ابتدا در خیابان قرار می گذاشتم که بعداً در منزل ادامه یافت و در مورد معرفی فرد نظامی که یکی از اقوام بود خود جهانگیری از شخص ایشان اطلاعاتی داشت و از طرف این فرد نظامی سئوالاتی در مورد حزب بود که در رابطه با نظایر بوده و وی حزب را پشتیبان واقعی انقلاب نمی دانست. من طی دو جلسه با حضور جهانگیری با ایشان تماس داشتم و در باره استراتژیک (بقیه در صفحه ۲)

در خیر مربوط به محاکمه ناصر جاسوس حزب خائن توده که دیروز در این روزنامه بجا رسیده مناسبانه متن کیفرخواست و دفاعیات متهم ردیف چهارم شفیع پور از قلم افتاده بود که بدینوسیله از نظر خوانندگان محترم می گذرد .

(تم استانی بدین وسیله تصحیح شد)

۱۸/۱۰/۶۲

کیفرخواست متهم ردیف چهارم سروان شفیع حسین پور توسط دادستان بشرح زیر فراتر شد:

عضویت و فعالیت در تشکیلات مخفی با نام مستعار کیومرث و تحت مسئولیت هوشنگ و شایان .

قرار دادن اسناد سری نظامی در اختیار حزب.

پرداخت حق عضویت ماهانه پانصد تومان و مجموعاً پانزده هزار تومان.

معرفی دو نفر نظامی به حزب. ادامه فعالیت بعد از پیام امام.

متهم سروان شفیع حسین پور پس از استماع اتهامات خود ابتدا ضمن بیان انگیزه هایش در گرایش به حزب توده به نفع از خود پرداخت و گفت در سال ۵۹ به حزب پیوستم و علل و انگیزه پیوستن به حزب هم برمی گردد به سال های قبل از انقلاب که یک نوجوان بودم در جامعه ستشاهی و ستم سرمایه ای گذشته و قطعاً بیدالتی هسا و محرومیت ها و یک سلسله مسائل اجتماعی و مسائلی که وجود داشت نوعی عدالت خواهی را در من روز بروز بوجود می آورد.

متهم افزود در سال ۵۹ با احساس مسئولیتی که نسبت به مردم داشتم به صف انقلابیون پیوستم و پس از پیروزی انقلاب گروه های زیاد چپ وجود داشت که بصورت مسلحانه یا سیاسی علیه انقلاب اقدام می کردند و تنها حزبی که ظاهراً از انسقلاب حمایت می کرد حزب توده بود که به این خاطر جذب آن شدم.

متهم مدعی شد که چون در قانون اساسی منعی برایش وجود نداشته عضویت حزب توده درآمده است. وی علل و انگیزه عضویتش در شاخه مخفی را حمایت و پاسداری از انقلاب خواند و ضمن پذیرفتن اتهام پرداخت حق عضویت و معرفی دو نفر افسر به حزب در رابطه با فعالیت بعد از فرمان امام گفت من فرمان امام را آنطور که باید درک نکردم و این فرمان را در رابطه با سپاه تلقی می کردم به این دلیل فعالیتیم را ادامه دادم.

متهم در مورد اتهام دادن اسناد سری

مدعی شد آنچه که در اینجا اسناد سری تلقی شده وی برداشت دیگری از آن داشته است.

متهم ضمن پذیرفتن اتهام دادن اسناد سری اظهار داشت من تصور می کردم به هیچوجه این اسناد و مدارک در اختیار خارجی قرار نمی گیرند.

پس دادستان خطاب به متهم گفت ایشان در سخنان خود عنوان کردند در پاسداری از هدایای انقلاب ولی اشاره نکردند که

محاکمه گروهی دیگر

(بقیه از صفحه آخر)

حزب و مسائل متفرقه صحبت شد که ایشان گفت: به حزب نمی تواند اعتماد کند چون مشی مارکسیست دارد و سرانجام با نظام برخورد خواهد کرد.

متهم اظهار داشت در مورد فعالیت با عرض شرمندگی اگر قصد اطاعت داشتم باین فرمان امام را اطاعت می کردم و اظهار ندامت و پشیمانی دارم و از محضر دارگاه تقاضا می کنم فرصتی داده شود تا اشتباهات خود را جبران کنم و تنها آبروی رفته خود را بدست آورم.

آنگاه دادستان گفت آخرین قرار متهم در ششم اردیبهشت ۶۲ بوده است و متهم در پاسخ گفت بعد از دستگیری رهبران حزب ملاقات های من یک هفته و ده روز بیشتر طول نکشید که آخرین آن همین تاریخ بوده است. دادستان از متهم پرسید همسران در جلسات شما شرکت می کرد ، متهم پاسخ داد اوایل خیر ولی بعداً به علت اینکه صاحب فرزند شده بودیم برای اینکه از خانه خارج نشود با جهانگیری در میان گذاشتم و ایشان گفت حضورش اشکالی ندارد و همسر من به عنوان عضو نبوده است .

متهم به عنوان آخرین دفاع مجدداً اظهار ندامت کرده و گفت آرزو نداشته در جایی بنشیند که دشمن انقلاب قلمداد شود. براساس این گزارش ادامه جلسه دادگاه به امروز یکشنبه ۱۸/۱۰/۶۲ موکول شد.

باسواری از هدایای انقلاب به چه ترتیبی بوده که اسناد و مدارک محرمانه را در اختیار حزب جیسوس مزار می داده‌اند، و در مورد قانون اساسی ایشان گفت که مراجع کردند به قانون و دیدیم که معنی نیست و شرطی نیست که اتفاقاً شرط هست اگر منظور اصل ۲۶ قانون اساسی باشد که ظاهر همین اصل هم هست می گوید احزاب جمعیت ها ، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند مشروط بر اینکه اصول استقلال ، آزادی ، وحدت ملی موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکند.

قانون اساسی بطور کلی شامل ده یک نظام را تعیین می کند و قانون عادی است که در تفسیر شرط ها و قیدهای قانون اساسی تکلیف را روشن می کند و تک وقت هست که

قانون اساسی مطلق است شرط و قیدی ندارد در این صورت استناد به قانون اساسی شنیده می شود ولی وقتی که قانون اساسی مشروط است یعنی مقید است استناد به اصل قانون اساسی همیشه و در همه جا مستحب نیست . بلکه آن قانون عادی است که باید چگونگی این شرط را تفسیر کند دلیل من برایین مدعا اصل ۲۴ قانون اساسی است که صراحتاً این معنی را که عرض کردم اثبات می کند می گوید نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه منحل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد ، تفسیر آنرا قانون معین می کند.

در اینجا قانون گذار کاملاً توجه کرده که بنابه تفسیر شرط اخلاص به مبانی اسلام و قانون عادی است . ایشان اخبار و اطلاعاتی را که داده اند موثر بوده چرا که اگر موثر نبود حزب از متهم نمی خواست.

متهم اظهار داشت که اگر این چنین بود چرا حزب در جامعه وجود داشت و چرا جلوی فعالیتش گرفته نمی شد. حزبی که نماینده اش بیاید در صدا و سیمای جمهوری اسلامی بصورت رسمی شرکت کند دلیل بر رسمیت داشتن این حزب بوده و قطعاً

مقامات جمهوری علیه مبانی جمهوری اسلامی تشخیص نداده بودند در هر حال من بر اساس این محورها بودم و آنچه را که آقای دانشتین گفتند من قبول دارم و دادن اطلاعات بر علیه قوانین ارتش و هر کشوری است ولی از اینکه اطلاعات به خارج از کشور نرزد می کند و یا چیزی دیگر من دلیل توجیهی همانطور که عرض کردم و این ضمن اینکه در این دلایل حزبی بود دقیقاً حتی استناد می کردم به ریاست جمهوری اسلامی .

دانشتین در پاسخ به ادعای متهم گفت من توجه می دهم به اینکه در همان برنامه های تلویزیونی منحل بودن فعالیت حزبی برای ما ثابت شد.

در اینجا رئیس دادگاه از متهم سؤال کرد مگر فرمانده یکی قوا دستور نداده بودند که نظامیان به حزبی وارد نشوند.

متهم پاسخ داد من گفتار امام را بدقت بررسی کردم و کلمه «نقارش» را در آن دیدم احساس کردم پانویس به سیاست های حزب که برای ما تحلیل شده بود تیرو های امت جنگاوند در جامعه ، حتی در نهاد های انقلابی احتمال پیام امام را و ناراحتی ایشان را احتمالاً در سپاه می داشتیم و بخاطر همین توجیه کردم که در رابطه با ارتش نمی تواند باشد.

رئیس دادگاه پرسید آیا فرمان امام را خلاصه قانون اساسی می دانستید .

متهم گفت فرمانده کل قوا هر مسئله را در رابطه با ارتش تصویب کرد آن باید اجرا شود وگرنه لغو دستور است .

متهم به عنوان آخرین دفاع اظهار داشت گارهایی که کرده ام صرفاً بر اساس شناخت هایی بوده که داشتم که این خلاف هارا انجام داده ام.



محاكمه ۷ تن ديگر از عناصر شبکه مخفی نظامی حزب جاسوس توده * در جلسه ديروز دادگاه کلیه متهمین به اتهامات وارده اعتراف کردند

در ادامه محاکمه عناصر تشکیلات مخفی نظامی حزب جاسوس توده صبح دیروز دادگاه انقلاب اسلامی ارتش به ریاست حجت الاسلام زین شهری جاکم شروع دادگاههای انقلاب اسلامی ارتش رسیدگی به اتهامات سایر نظامیان تحت مسئولیت غلامرضا خاضعی را آغاز کرد . در جلسه دیروز که محمد مهدی پرتوی و شهرخ جهانگیری نیز به عنوان مطلع حضور داشتند ابتدا دادستان متن کیفرخواست متهم ردیف ۷ همامیوم ناصر ایلخانی فرزند عبدالله را به شرح زیر قرائت کرد .

- ۱- عضویت و فعالیت در تشکیلات مخفی تحت مسئولیت رضا .
- ۲- پرداخت حق عضویت بطور نامنظم ماهانه پانصد تومان و جمعاً هزار و پانصد تومان .
- ۳- اجرای قرار و تشکیل جلسات به همراه مسئول خود .
- ۴- ادامه فعالیت بعد از پیام حضرت امام .

تشکیلات مخفی و خود حزب بایدید دیگری به مسئله نگاه مبرکده است .

متهم ناصر ایلخانی در پایان ضمن پذیرفتن تمامی اتهامات مندرج در کیفرخواست بعنوان آخرین دفاع خود گفت من و تمامی کسانی که در این دادگاه نشسته ایم بهخطر انسان دوستی و نه بهخطر اهراف حزب توده جذب این حزب شده ایم و اینک حزب برخلاف ظاهر چه اهدای را دنبال میکرده است از آن بیخبر بودیم . براساس این گزارش با بیان یافتن دفاعیات متهم ردیف ۷ دادستان موارد اتهام متهم ردیف ۸ همام دوم صابر پناهنده نیکیه فرزند نادر رامینی بر عضویت و فعالیت در شبکه مخفی تحت مسئولیت مخمورضا و بانام مستعار صابر پرداخت حق عضویت ابتدا صد و پنجاه تومان و مجموعاً بیش از شش هزار تومان دادن اخبار محیط کل خود به حزب (طبق تکوینی مسئولش شایان) معرفی پسر عموی خود محمد پناهنده نیکیه بخرب و تماس باوی به منظور جذب مشارکتی ز اقراقت کرد . متهم پس از استماع موارد اتهام مندرج در کیفرخواست ضمن پذیرفتن تمامی اتهامات مدعی شد که از تشکیلات مخفی و مساله جاسوسی بی اطلاع بوده است . متهم در ارائه خدمتی که انجام داده است مدعی شد که همیشه در محیط کار و در همه جا از انقلاب دفاع میکرده و در پیروزی انقلاب همگام با دیگر اقشار امت مسلمان ایران شرکت فعال داشته است .

متهم ادعای رئیس دادگاه مبنی بر توده ای بودن خانواده اش را رد کرد و در این رابطه خاضعی گفت فقط پسر عموی ایشان عضو حزب بوده است .

خاضعی سپس در پاسخ به سوال رئیس دادگاه مبنی بر اینکه متهم صابر پناهنده چه اطلاعاتی به وی داده است گفت در تمام جلسات که ما داشتیم خط مشی کلی برداشتن اطلاعات خاصی نبود لیکن متهم در چندین مورد اطلاعاتی در مورد محیط کارشان از جمله خبری در مورد بازدید آقای رفسنجانی از محیط کارشان و مسئولی که در این بازدید مطرح شده بود و دریکه مورد خبری که جنبه سری داشت بمن داد. آنگاه متهم در آخرین

سپس متهم به دفاع از خود پرداخت و گرایش به حزب را فشار طبقاتی در دوران کودکی ، جوخفقان در دوران خدمت در ارتش ستم شاهی و تحقیر و تمسخر فرهنگ اندان از سوی مستشاران خارجی خواند و گفت با پیروزی انقلاب اسلامی و آزادی فعالیت گروهکها و احزاب مشی حزب توده را پذیرفتم هرچند که اکنون به انحراف نمودم . متهم افزود توسط یکی از دوستانم به نام کیانپور با آقای جهانگیری چند مرتبه ملاقات کردم و پس از آن آقای خاضعی در ارتباط بودم و در مجموع فعالیت در حزب آماه پیشتر نبود . متهم مدعی شد که در مورد

عمل

هوشنگ شایان و گودرز متهم ضمن پذیرفتن تمامی موارد اتهام مندرج در کیفرخواست گفت من در سال ۶۰ بخاطر ازدواج و نیز سدکویی لیبرالها و حاکمیت پیروان خط امام از حزب جدا شدم و بعد از دستگیری سزان حزب توده منم خودم را به اطلاعات ارشد پایگاه معرفی کردم تا هرگونه کمکی از دستم بر می آید انجام دهم اما گزارشی از محیط کارم به مسئولم ندادم.

سپس دادستان بدفاع از کیفرخواست گفت ایشان در حالی که در صفحه ۱۴ پرونده خود اعتراف کرده اند که گزارشی از محل کار خود به مسئولش داده است اکنون این مسئله را انکار می کند پس از آن متهم به عنوان آخرین دفاع گفت امام در سال ۶۱ فرمان دادند که ارتشها از اجزای سیاسی خود را کنار بکشند.

در حالی که من سال ۱۳۶۰ از حزب جدا شدم.

سپس غلامرضا خاضعی مسئول متهم در رابطه با داود خلخالی توضیحاتی داد و گفت متهم مرتب در جلسات حزبی شرکت نداشته و روزی جهانگیری از او خواست تا بطور فعال در جلسات حاضر شود که او نپذیرفت.

در ادامه همین جلسه متن کیفرخواست متهم ردیف ۱۱ همانند نسخه بهجتی توسط دادستان بدین شرح قرائت شد.

عضویت و فعالیت در شبکه مخفی نظامی حزب خائن توده.

- پرداخت حق عضویت در ماه ۵۰۰ تومان و در مجموع ۱۶ هزار تومان.

- انجام قرار های خیابانی تشکیل جلسات حزبی در محل سکونت خود.

- ادامه فعالیت بعد از فرمان امام - خمینی تحت مسئولیت هوشنگ و رضا.

آنگاه متهم طی سخنان کوتاهی تمامی موارد اتهام را پذیرفت و از دارگاه تقاضای عفو کرد. همین گزارش حاکمیت پس از آن متن کیفرخواست متهم ردیف ۱۲ سرهمافز علی نعیبی توسط دادستان بدین شرح قرائت شد.

- عضویت و فعالیت تر شبکه مخفی نظامی حزب جاسوس توده.

- پرداختن ماهانه ۵۰۰ تومان بعنوان حق عضویت و پرداخت مبالغی کمک مالی.

- انجام قرار های خیابانی تشکیل جلسات حزبی در خانه خود.

- داشتن نام مستعار یزدی تماس بسا یک نظامی برای جذب او به حزب.

- ادامه فعالیت بعد از فرمان امام و تحت مسئولیت هوشنگ و شایان.

سپس متهم در دفاع از خود گفت انگیزه من از تماس و فعالیت برای حزب فقط کمک به انقلاب بود و از مواضع حقیقی حزب اطلاعی نداشتیم بجز آنچه در نشریات و تحلیل های حزبی داده می شد و حالا که به حقیقت این جریان پی برده ام.

آمده پذیرفتن هر حکمی که از سوی دارگاه محترم صادر شود هستم رئیس دارگاه انقلاب اسلامی ارتش از متهم سؤال کرد چرا شما نام مستعار داشتید.

متهم در پاسخ گفت در جلسه اول تماس با شاهرخ جهانگیری او این اسم را برای اینکه اسم اصلی مرا کسی نداند بر روی من گذاشت.

دفاع خود اظهار امیدواری کرد که به وی فرصتی داده شود تا به اغوش گرم خانواده خود برگردد و به مردم و انقلاب اسلامی خدمت کند.

این گزارش حاکمیت در ادامه جلسه دادگاه متن کیفرخواست متهم ردیف ۹ همافز محمدمحسین بهرامی زاد فرزند اسماعیل بدین شرح توسط دادستان قرائت شد:

۱ - عضویت و فعالیت در شبکه مخفی با نام مستعار گوراوغلی و تحت مسئولیت محمود خالقی (هوشنگ) شایان و گودرز.

۲ - پرداخت حق عضویت ماهانه پانصد تومان که در مجموع هشت هزار تومان پرداخته است.

۳ - اجرای قرار های تشکیلاتی در خیابان و تشکیل جلسات حزبی در منزل.

۴ - دادن گزارشت از محیط کارش به تشکیلات.

متهم پس از استماع موارد اتهام بدفاع از خودش پرداخت و ضمن قبول اتهام عضویت در حزب از خرداد ۵۹ تا آبان ۶۰ و پذیرفتن اتهام حق عضویت اعتراف کرد که در مدت ۱۶ ماه که در حزب فعالیت می کرده ماهی ۵۰۰ تومان حق عضویت پرداخته است. متهم در توجیه انگیزه کرده گیری خود از حزب گفت پس از اتمام محو خط لیبرالها و حاکمیت یافتن خط امام دیگر حضور خود در حزب را ضروری ندانستم و در آبان ماه ۶۰ از حزب کناره گیری کردم.

متهم در دفاعیات خود مدعی شد که با تیمور زاوودی رابطه حزبی نداشته و در ملاقات با وی که فقط رابطه دوستی با هم داشته اند تنها در مورد مسائل خانوادگی و اجتماعی صحبت کرده است.

متهم همچنین اعتراف کرد که زاوودی دوبار نوار سخنرانی بر روی وی آورده بود که فرصت نکرده به آنها گوش بدهد. سپس خاضعی مسئول متهم در مورد چگونگی قطع ارتباط وی با حزب گفت حدود پانزده سال ۶۰ ایشان با حزب قطع رابطه کرد و علت آن هم حاضر نشدن ایشان در سرقرار ها و عدم شرکت در جلسات بود که اقبای جهت گیری نیز در این مورد به وی تذکره داد که مورد قبول وی واقع نشد و از آن تاریخ ارتباط خود را با حزب قطع کرد. آنگاه دادستان در دفاع از کیفرخواست با اشاره

به اینکه متهم دادن گزارش محیط کار خود به مسئولش را رد کرده است متذکر شد که متهم صریحا در پرونده خود به دادن گزارشات محیط کار خود اعتراف کرده است. در پایان متهم در آخرین دفاع خود اتهام دادن گزارش را رد کرد و مدعی شد که فقط به صورت شفاهی با شایان در مورد رویداد های عادی و در موردی هم در رابطه با عملیات هواپیما ها صحبت کرده و گزارشی که جنبه جاسوسی داشته باشد نداده است.

سپس دادستان دانگاه انقلاب اسلامی ارتش متن کیفرخواست متهم ردیف ۱۰ همافز زاوود خلخالی را بدین شرح قرائت کرد.

- عضویت و فعالیت در شبکه مخفی نظامی حزب جاسوس توده.

- دادن حق عضویت ماهانه ۵۰۰ تومان.

- دادن گزارش از محیط کار.

- انجام قرار های خیابانی و تشکیل جلسات حزبی در منزل خود.

- ادامه فعالیت بعد از پیام امام داشتن اسم مستعار مولماز و تحت مسئولیت

وی در آخرین دفاع خود گفت کلیه موارد اتهام بر او نمی پذیرم و به رای دادگاه اعتقاد قلبی دارم.

با پایان یافتن دفاعیات متهم ردیف ۱۲ علی نعیمی حیدر خواست متهم ردیف ۱۳ ابراهیم نطنی هزید حسین به این شرح قرائت شد.

۱- عضویت و فعالیت در شبکه مخفی نظامی تحت مسئولیت رضا.

۲- پرداخت حق عضویت صد تومان در ماه و جمعا ۶۰۰ تومان.

۳- اجرای قرارهای خیابانی و تشکیل جلسات در منزل خود به اتفاق مسئولین رضا.

۴- فعالیت بعد از پیام حضرت امام در شهریور ماه ۶۱ ارتباط گرفته است و قبل از پیام امام فعالیت نداشته است تعابیر ماقبل

اخروی آرزو در میان فردوسی انجام و قرار بعدی ۶۱ آرزو بود که به علت دستگیری مسئولین منتهی شده است.

متهم سپس در دفاع از خود به انگیزه گرایش خود به حزب اشاره کرد و مدعی شد که هدفش این بوده است که با شرکت در یک تشکیلات منظم از انقلاب اسلامی دفاع کند. وی همچنین مدعی شد که تصور می کرده حزب در خدمت مردم و انقلاب بوده است.

متهم ضمن اظهار شرمندگی از اینکه در حزبی که با هدف براندازی و جاسوسی فعالیت می کرده است اظهار تاسف کرد.

تکلیف دادگاه از متهم پرسید که برای خدمت به انقلاب جای دیگری بهتر از حزب بوده و وجود نداشت. متهم در جواب گفت برای ما این طور توجیه کرده بودند که حزب با برنامه هایش بهتر می تواند خدمت کند. وی مدعی شد که گرایش و فعالیتش در حزب جنبه ایدئولوژی نداشته و هدفش خدمت بوده است.

سپس متهم در آخرین دفاع ضمن پذیرفتن کلیه اتهامات خود گفت من دفاعی ندارم زیرا خود را جدا از دادگاه نمی بینم و هر تصمیمی که در مورد من گرفته شود امیدوارم درجهتی باشد که من مجددا بتوانم به کشورم خدمت کنم.

بر اساس این گزارش پس از آخرین دفاع متهم دادستان بر دفاع از کیفرخواست با اشاره به اینکه متهم قبل از دستگیری از مسئله جاسوسی آگاه بوده است به عین جمله وی در پرونده اشاره کرد و گفت متهم نوشته است.

در شهریور ۶۱ با شخصی به نام رضا آشنا شدم که او را یکی از دوستانم بنام ابوالفضل کیانیور از طریق حزب به من معرفی کرد که پس از چندین بار ملاقات با وی وقتی می بردم اهداف حزب در جهت خیانت است. می خواستم موضوع را با وی در میان بگذارم که ارتباط ما قطع شد. سپس متهم در این رابطه گفت وقتی که از طرف اداره دوم به نیروی هوایی می آمدند و در رابطه با جاسوسی حزب توده صحبت می کردند من هم در این جلسات شرکت می کردم و وقتی به هدف جاسوسی حزب بدم ارتباط خود را در تاریخ آرزو قطع کردم ولی قبل از آن از اهداف واقعی حزب آگاه نبودم. این گزارش حاکیست با پایان یافتن دفاعیات آخرین متهم حاضر در دادگاه رسیدگی به اتهامات سایر متهمین تحت مسئولیت غلامرضا خاضعی به فردا سه شنبه ۲۰ آذر ۶۱ موکول شد.

در محاکمه گروه دیگری از عناصر مخفی نظامی حزب منحل توده:

جزئیات تازه‌ای از خیانت‌های حزب جاسوسان

فاش شد

دادگاه انقلاب اسلامی ارتش صبح دیروز در ادامه محاکمه عناصر تشکیلات مخفی نظامی حزب خائن توده به اتهام جاسوسی و عضویت و فعالیت در تشکیلات مخفی باهدف براندازی، رسیدگی به اتهامات گروهی دیگر از نظامیان تحت مسئولیت غلامرضا خاضعی و حسین شجاعی را آغاز کرد.

مخفی نظامی با نام مستعار پندار و تخت مسئولیت هوشنگ و سپس رضا، پرداخت حق عضویت هزار تومان در ماه و جمعا چهل

هزار تومان (نامبرده بکبار نیز مبلغ پنجاه هزار تومان به تشکیلات کمک مالی نمود که بعدها به او پس دادمانند) اجرای قرارهای خیابانی و تشکیل جلسات حزبی در منزل خود به اتفاق ناصر بهجتی و هوشنگ پارضا که نامبرده در این جلسات همسر خود را نیز شرکت میداده است، دادن اطلاعات و گزارشات صادی و محرمانه از محل کار خود به تشکیلات و معرفی چهار نفر نظامی به تشکیلات را قرائت کرد. آنگاه متهم پس از استماع اتهامات خود ضمن پذیرفتن تمامی اتهامات به انگیزه گرایش خود به حزب خائن توده اشاره کرد و با بیان خدماتی که تاکنون انجام داده گفت: قبل از انقلاب به خاطر فساد حاکم بر رژیم و محیط کار قادر به خدمت به مردم محروم نبودم ولی بعد از انقلاب پایستی من در خط امام

قرار می‌گرفتم و از اسلام دفاع میکردم ولی خطا کردم و راه باطل را پیش گرفتم و به اینجا رسیدم. متهم مدعی شد که نیت عضویت و فعالیت وی در حزب جاه طلبی و ثروت اندوختنی نبود زیرا در خانواده‌ای محروم زیسته و همیشه خانواده‌اش سدقاع انقلاب اسلامی بوده‌اند، متهم در آخرین دفاع خود از دادگاه تقاضای عفو کرد. این گزارش حاکیست پس از دفاعیات متهم ردیف ۱۵، دادستان متن کیفرخواست متهم ردیف ۱۶ آخرین نظامی تحت مسئولیت غلامرضا خاضعی، حافظ قاصدی کند بین را بدین شرح قرائت کرد:

۱- عضویت و فعالیت در شبکه مخفی یا نام مستعار الوندی و تحت مسئولیت هوشنگ، رضا و گودرز. ۲- پرداخت حق عضویت پانصد تومان در ماه و جمعا پانزده هزار تومان. ۳- اجرای قرارهای تشکیلاتی و تشکیل جلسات حزبی در منزل خود به اتفاق داود خلخالی، محمد حسین

سپس دادستان با اشاره به اینکه متهم تمامی اتهامات را پذیرفته است در مورد انگیزه گرایش متهم به حزب گفت: از اظهارات ایشان در صفحه ۱۳ پرونده شان برمیآید که قبل از وصل شدن به حزب از تضاد ایدئولوژی اسلام و حزب توده کاملا آگاه بوده است. و مساله دیگر علاقه وافر ایشان به حزب توده، به طوری که بنا استناد به صفحه ۲۷ پرونده دو بار دختران ایشان در جلسات حزب شرکت داشتند. متهم در پاسخ به دادستان گفت در مورد ایدئولوژی حزب جهانگیری به من گفت که حزب توده به تمامی توده‌ها تعلق دارد و مساله ایدئولوژی مطرح نیست و در مورد دخترانم آنها یسکریع ساعت در جلسه بودند که من به این مساله اهمیت نمی‌دادم. متهم مدعی شد که از شبکه مخفی حزب بی اطلاع بوده و به عمق جنایات حزب آگاه بوده است. سپس رئیس دادگاه از متهم پرسید که قبول دارید که کارشان خلاف بوده است؟ متهم گفت: من با تصور خدمت به انقلاب در حزب فعالیت کردم و به شکلی که امروز حزب را می‌بینم هرگز از اهداف آن خیر نداشتیم سپس رئیس دادگاه به متهم متذکر شد داشتن اسم مستعار و مسئول و مخفی کاری شما نشان دهنده آگاهی شما از عمل خلافی بوده که مرتکب میشدید. آنگاه متهم در آخرین دفاع خود تقاضا کرد که مورد عفو قرار بگیرد و به او اجازه داده شود تا مانند سربازی آگاه در خدمت امام و در کنار خانواده خود باشد، زیرا خانواده وی امید دارند که دادگاه وی را عفو کند. بر اساس این گزارش سپس دادستان دادگاه اتهامات متهم ردیف ۱۵، محمدرحیمی را مبنی بر عضویت و فعالیت در شبکه

بگزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی در جلسه دیروز دادگاه که به ریاست جنتلاسلام ری شهری آغاز شد و در آن محمد مهدی پرتوی و شاهرخ جهانگیری نیز به عنوان مطلع حضور داشتند ابتدا دادستان موارد اتهام متهم ردیف ۴ ستوانیار علی خسروانفر فرزند علی اکبر را بدین شرح قرائت کرد.

۱- عضویت و فعالیت در شبکه مخفی نظامی با نام مستعار حامد و تحت مسئولیت هوشنگ و رضا. ۲- پرداخت حق عضویت صد تومان در ماه. ۳- اجرای قرارهای تشکیلاتی در خیابان و تشکیل جلسه در منزل خود به اتفاق مسئول (اخیرا دختران خود به اسمی فریبا و فغانه را در جلسات شرکت میداده است). ۴- ادامه فعالیت بعد از پیام حضرت امام.

متهم پس از استماع موارد اتهام کیفرخواست گفت: من در دادگاهی که به آن اعتقاد دارم و بر خاسته از خون توده‌های میلبونی است. از خود دفاعی ندارم چون ایمان دارم که حاکم شرع از من دفاع خواهد کرد متهم در تشریح انگیزه گرایش خود به حزب، مواضع حزب در دفاع از انقلاب را عنوان کرد و مدعی شد که هدفی جز خدمت به انقلاب اسلامی نداشته است وی اعتراف کرد که ارتباط وی با حزب ۷ ماه ادامه داشته و طی چندین ملاقات با جهانگیری و خاضعی مسائلی در خصوص دفاع از انقلاب و افشای عناصر ضد انقلاب در ارتش مطرح شده است متهم در ادامه ضمن پذیرفتن خطاهایی که مرتکب شده از دادگاه تقاضا کرد که مورد عفو و عنایت قرار بگیرد.

بهرامی و مسئول خود. ۵- ادامه فعالیت بعد از پیام حضرت امام. سپس متهم در دفاع از خود تمامی موارد اتهام را تأیید کرد و از ریاست دادگاه خواست که با مطالعه پرونده شغلی وی خدماتی را که در طول انقلاب داشته است مدنظر قرار دهد. متهم ضمن اظهار بی اطلاعی از شبکه مخفی مدعی شد که پس از مصاحبه سران حزب، به توطئه‌های آنان پی برده است. متهم در پاسخ به سوال رئیس دادگاه که اسم مستعار شما برای چه منظوری بود گفت: این اسم را مسئول به من داد و من هم قبول کردم ولی بعد فهمیدم برای مخفی کاری بوده است. آنگاه متهم مجدداً با اظهار اینکه

حقیقتاً از تشکیلات مخفی بی اطلاع بوده در آخرین دفاع از خود اعتراف کرد من ناگهانه و به نیت خدمت فرمان امام را لغو کردم و امیدوارم امام است مرا ببخشد. گزارش خبرنگاران خبرگزاری جمهوری اسلامی حاکیست در ادامه جلسه دادگاه با پایان یافتن دفاعیات متهم حافظ قاصدی توسط رئیس دادگاه ختم رسیدگی به اتهامات نظامیان تحت مسئولیت غلامرضا خاضعی اعلام و رسیدگی به اتهامات حسین شجاعی و نظامیان تحت مسئولیت وی آغاز شد. و دادستان موارد اتهام حسین شجاعی مسئول یکی از شاخه‌های تشکیلات مخفی نظامی حزب توده را به این شرح قرائت کرد:

۱- عضویت و فعالیت در شبکه مخفی نظامی. ۲- فعالیت در شبکه مخفی شهرستان مشهد. ۳- مسئول یک شاخه ۹ نفره از افراد نظامی نیروی هوایی و شاهین و تحت مسئولیت هوشنگ. ۴- دریافت اطلاعات نظامی سیاسی محرمانه از افراد تحت مسئولیت خود. ۵- گرفتن حق عضویت از افراد تحت مسئولیت خود. ۶- ازدواج تشکیلاتی بنا به

دستور مسئول خود ۷- آگاهی از مخفی ساختن یک قبضه سلاح و نگهداری ۸۰ عدد فشنگ و اتلاف بیت‌المال از رهگذر دور ریختن آنها. آنگاه رئیس دادگاه از متهم خواست در مورد نحوه آشنایی و فعالیت خود در حزب توضیحاتی بدهد. متهم حسین شجاعتی گفت: در سال ۵۶ از دانشگاه مشهد فارغ‌التحصیل شدم و تصمیم گرفتم برای ادامه تحصیل به خارج از کشور بروم. در تاریخ دوم فروردین ۵۷ از کشور خارج شدم. وی افزود: در سال ۵۱ یکی از همکلاسیهایم به نام خاضعی در مشهد تمایلات

توده ای داشت که پس از مدتی من هم به حزب گرایش پیدا کردم هنگامی که در خارج مشغول تحصیل بودم آقای خاضعی به من نامه ای نوشت و درخواست کرد که برای وی با حزب از رتباط بگیرم که من هم از طریق دکتر پناهی مسئول حزب در انگلیس برای وی ارتباط گرفتم که کلمه رمزی نیز به من داده شد که در روزنامه حزب درج شود. متهم افزود: با اوج گیری انقلاب اسلامی با احساس وظیفه، تابستان سال ۵۸ به ایران بازگشتم. در بازگشت به ایران از طرف حزب قرار شد به مشهد بروم و در تشکیلات نوید شروع به فعالیت کنم. متهم اعتراف کرد هر دو هفته یکبار به تهران می آمدم و نشریات نوید را میگردتم و در مشهد توزیع میکردم. پس از مدتی که از انقلاب گذشت خاضعی به عنوان مسئول من به مشهد آمد و پس از آن شخص دیگری با نام مستعار **حیدر** به عنوان مسئول من به

مشهد آمد. وی افزود: اواخر سال ۶۱ به تهران فرا خوانده شدم و پس از ارتباط با آقای جهانگیری مسئولیت ۹ نفر ارتشی در یک شبکه مخفی به من سپرده شد. متهم در رابطه با دستگیری خود مدعی شد که از حکم دستگیری خود توسط صاحبخانه اش مطلع بوده و بنا دیدن مصاحبه سران حزب که به جاسوسی اعتراف کرده بودند، پس از چند روز غیبت خود را به محل گزارش معرفی و دستگیر شده است. وی در خاتمه گفت: متاسفم که پشت میزی نشسته ام که قبلاً قطب زاده و کودتاگران نشسته بودند.

متهم در پاسخ رئیس دادگاه که بطور کلی از ابتدای مسئولیت شاخه نظامی چند نفر را تحت مسئولیت داشتید گفت: علاوه بر ۹ نفر که ذکر شد شخصی به نام شریعتی نیز بود که پس از دو جلسیه بمعتمد حاضر نشدن سر قزارها مسئله ارتباط با وی

منتفی شد. متهم همچنین مدعی شد که ازدواج من به پیشنهاد خودم بوده نه پیشنهاد مسئول. دادستان در دفاع از کیفرخواست با اشاره به صفحه ۴۵ پرونده متهم گفت: هوشنگ به وی گفته بود که با کسب دفتر حزبی نمی تواند ازدواج کند چون فعالیت حزبی برای وی خطرناک خواهد شد. متهم پاسخ داد: ایمن - خاطر حساسیت مسئله بود، چون همسر من حزبی بود و اگر دستگیر میشد امکان داشت از طریق او متن نیز لو بروم. براساس این گزارش در ادامه جلسه دادگاه دادستان اتهامات استوار نیروی هوایی داود قریشی را مبنی بر عضویت و فعالیت در شبکه نظامی با نام مستعار جواد و تحت مسئولیت عباس و بعد هوشنگ و سپس شاهین، دادن گزارشات در مورد سه نفر، اجرای قرارهای خیابانی و تشکیل جلسات حزبی در منزل خود که نامشده در جلسات همسر خود را نیز راه میداده است، پرداخت کمک مالی

بمیزان یک هزار تومان و همچنین پرداخت حق عضویت به مبلغ چهار صد تومان در ماه که تا لحظه دستگیری بالغ بردوازه هزار تومان شده است را قرائت کرد. سپس متهم به دفاع از خود پرداخت و مدعی شد که از کارگری که حزبی بوده و با صداقت از مستضعفان دفاع میکرده است جذب حزب شده و همیشه به انقلاب عشق میورزیده است و هرگز تصور نمی کرده که ضد انقلاب باشد. متهم ضمن پذیرفتن تمامی موارد اتهام خود با اشاره به خدماتی که در طول جنگ انجام داده است مدعی شد که پس از فرمان امام از شبکه مخفی اطلاع داشته ولی از شبکه نظامی به عنوان یک تشکیلات آگاهی نداشته است زیرا این مسئله توسط مسئولش تکذیب شده بود. متهم ضمن اظهار شرمندگی از اینکه بعد از فرمان امام در حزب باقی مانده گفت: در برابر هر رأیی که دادگاه صادر کنند سر تعظیم فرود خواهم آورد. آنگاه دادستان در دفاع از کیفرخواست گفت: ایشان در صفحه ۷ پرونده اطلاعات محرمانه ای را که دادماند بر شمرده اند و آقای جهانگیری نیز در صفحه ۳۷ پرونده اعتراف کرده اند و اطلاعاتی که ایشان دادماند خیلی محرمانه و حتی یکی از آنها خیلی سری بوده است. رئیس دادگاه از متهم پرسید شما همسر خود را وارد حزب کردید؟ متهم گفت: وارد حزب نه، ولی همسر من در حوزة

تحلیلهای حزب را گوش میکرد. اما در جلسات شرکت نمی کرد. متهم داود قریشی در آخرین دفاع خود ضمن طلب عفو از امام امت تقاضای صدور رای عادلانه از دادگاه عدل اسلامی کرد. براساس این گزارش سپس متن کیفرخواست متهم سروان پزشکی قدرتالله مقیمی فرزند عبدالله بدین شرح توسط دادستان قرائت شد:

۱- عضویت و فعالیت در شبکه مخفی نظامی با نام مستعار دکتر تحت مسئولیت همایون شاهین. ۲- اجرای قرارهای تشکیلاتی در خیابان و تشکیل جلسات حزبی در منزل. ۳- پرداخت حق عضویت بمیزان ده هزار ریال در ماه که در مجموع چهار هزار تومان کمک کرده است. ۴- معرفی دو نفر پزشک وظیفه به تشکیلات جهت تماس.

۵- دادن گزارشات و اطلاعات محرمانه از محیط کارش به تشکیلات. متهم پس از شنیدن موارد اتهام خود گفت: اتهامات دادستان در مورد عضویت را می پذیرم. پرداخت حق عضویت و جلسات حزبی با مسئول خود شاهین را نیز می پذیرم اما در مورد معرفی دو نفر از پزشکان وظیفه به حزب چون حدس می زدم که این دو نفر تمایل داشته باشند، آنها را معرفی کردم. متهم مدعی شد چون به هیچ اطلاعاتی در محیط کارش دسترسی نداشته خبرسری به حزب نداده و نه تنها وظیفه وی نبوده بلکه مسئولش نیز چنین کاری از وی نخوسته است. و فقط در یک مورد که خارج از محیط کارش بوده با مسئول صحبت کرده است. آنگاه دادستان با استناد به صفحات ۱۸ و ۱۵ پرونده متهم متذکر شد که وی اطلاعات محیط کارش را گزارش می کرده است. متهم مجدداً ضمن تکذیب این اتهام مدعی شد که به اطلاعاتی دسترسی نداشته که به حزب بدهد و فقط در دو مورد در رابطه با مسائل جنسی با مسئول خود صحبت کرده است. آنگاه رئیس دادگاه در مورد میزان حق عضویت و حقوق نامبرده پرسید که متهم جواب داد: بیش از ۲۱ هزار تومان حقوق می گرفته و ماهی ۱۰۰۰ تومان به حزب حق عضویت می داده است. سپس متهم در آخرین دفاع از خود گفت: دفاعی ندارم چون مسائلی که عنوان شده مشخص است.

در ادامه جلسه دادگاه کیفرخواست متهم هادی حسین زاده بدین شرح قرائت شد:

۱- عضویت و فعالیت در شبکه مخفی نظامی با نام مستعار نادر تحت مسئولیت بهرام، هوشنگ و سپس شاهین. ۲- اجرای قرارهای خیابانی و تشکیل جلسات حزبی در منزل خود به اتفاق همسرش ناهید و مسئول خود. ۳- پرداخت کمک مالی بطور ماهیانه که مبلغ آن متغیر بوده ولی رویهمرفته حدود چهار هزار تومان پرداخته است. ۴- معرفی همسر خود به نام معصومه حسین زاده با نام مستعار ناهید به تشکیلات.

۵- دادن اطلاعات و گزارشات از محل کار خود به تشکیلات. ۶- ادامه فعالیت بعد از پیام امام. سپس متهم پس از استماع موارد اتهام خود ضمن ارائه نامهای به ریاست دادگاه گفت: تمام اتهامات وارده را می پذیرم و سرپیچی از فرمان امام را قبول دارم و در رد این اتهامات هیچ دفاعی از خود ندارم.

در ادامه جلسه دیروز دادگاه دادستان کیفرخواست متهم همافر طوفان ربیعی فرزند اسد را بدین شرح قرائت کرد:

۱- عضویت و فعالیت در شبکه مخفی نظامی با نام مستعار فردوس تحت مسئولیت کاظم، هوشنگ و شاهین. ۲- پرداخت حق عضویت ماهانه بطور متناوب از ۵۰ تا دو هزار تومان که جمعا مبلغ دوازده تا پانزده هزار تومان پرداخته است. ۳- اجرای قرار تشکیلاتی در خیابان و تشکیل جلسات حزبی در منزل خود. ۴- معرفی دو نفر نظامی به تشکیلات. ۵- دادن گزارشات و اطلاعات به حزب توده از محل کار خود. ۶- ادامه فعالیت بعد از پیام امام.

آنگاه متهم بدفاع از خود پرداخت و گفت: در سال ۵۲ در رسته همافری ارتش وارد و شروع به خدمت کردم. با شروع انقلاب اسلامی و حرکت بی نظیر امت مسلمان برخلاف گذشته با مسائل سیاسی آشنا شدم و به اندیشه های سوسیالیستی در زمینه اقتصادی گرایش پیدا کردم و در میان گروههایی که با این بینش مورد علاقه من فعالیت می کردند تنها حزب توده را که علاوه بر داشتن اندیشه های سوسیالیستی در زمینه اقتصادی، مدافع انقلاب اسلامی نیز بود و از نظام انتقاد و پشتیبانی می کرد ساده لوحانه باور کردم و به عضویت این حزب در آمدم در حالی که امروز به بوی آن پی بردم. آنگاه متهم ضمن پذیرفتن تمامی اتهامات خود گفت: من در برابر امام امت و ملت شهیدپرور شرمند هستم. متهم سپس افزود: من گزارشاتی

که دادم محرمانه نبود بلکه گزارشات عادی بود و ادرا مورد معرفی دو نفر بسنه

حزب هدف من جذب آنها به حزب نبود، بلکه آنها ضدانقلاب بودند و اخراج شده بودند و من یقین دارم به عضویت حزب در نیامدند.

متهم در خاتمه گفت: به خاطر گناهایی که مرتکب شدم از پیشگاه امام و ملت مسلمان تقاضای عفو برای جبران خطاهای گذشته خود را دارم. براساس این گزارش آنگاه دادستان در رد دفاعیات متهم گفت: ایشان در صفحه ۲۷ بدان گزارشات محیط کار خود اعتراف کرده اند و آقای جهانگیری نیز در صفحه ۲۵ پرونده اعتراف کرده است که ایشان در باره مسائل اطراف خود هر چه می دانست می گفت. متهم در پاسخ مدعی شد که به خاطر دسترسی نداشتن به اسناد سری تنها اخبار عادی

مربوط به محیط کار خود را به مسئولش می داده است.

در خاتمه متهم به عنوان آخرین دفاع گفت: در حضور امام ملت شهید پرور و محضر دادگاه تقاضای عفو می کنم به من فرصتی داده شود تا خطاها و اشتباهات خود را با خدمت صادقانه به جمهوری اسلامی و ملت مسلمان جبران کنم.

براساس این گزارش در ادامه رسیدگی به اتهامات نظامیان تحت مسئولیت حسین شجاعتی با نام مستعار شاهین دادستان کیفرخواست متهم همافز فیروز شهسواریان فرزند کریم را بدین شرح قرائت کرد:

۱- عضویت و فعالیت در شبکه مخفی نظامی با نام مستعار آریا تحت مسئولیت شاهین. ۲- اجرای قرارهای خیابانی و تشکیل جلسات حزبی در منزل خود. ۳- پرداخت حق عضویت بطور ماهانه اما متفاوت بطوریکه جمع آن سی هزار تومان تا لحظه دستگیری شده است. ۴- معرفی هادی حسینزاده به تشکیلات حزب. ۵- دادن اطلاعات و گزارشات محل کار خود به تشکیلات و ادامه فعالیت بعد از پیام امام.

متهم پس از استماع شرح اتهامات خود تمام موارد را پذیرفت و اتهامات را وارد دانست و در مورد معرفی هادی حسینزاده اقرار کرد مسئولش از

وی پرسیده که کسی را می شناسد عقاید چپی داشته باشد و او هم در پاسخ به مسئولش نامبرده را که حدس می زده با عقاید خود وی آشنایی دارد و از نوع ضرر

فکرش آگاه است بنا نوشتن حروف اول اسم وی به مسئولش معرفی کرده است. آنگاه دادستان موارد موجود در پرونده متهم دال بر معرفی یک نفر بعنوان عضو را به حزب بازگو کرد و چون متهم موارد کیفرخواست را پذیرفته بوده، ستوانی باقی نماند.

پس در ادامه جلسه دادگاه دادستان به قرائت کیفرخواست متهم بعدی ستوان یکم نیروی هوایی رضا برای فرزند براتاله پرداخت و موارد آنرا بدین مضمون بیان داشت: عضویت و فعالیت در شبکه مخفی نظامی تحت مسئولیت هوشنگ و سهند شاهین، اجرای قرارهای خیابانی و تشکیل جلسات حزبی در منزل خود، پرداخت حق عضویت مجموعاً ده تا دوازده هزار تومان، معرفی یک نفر به تشکیلات، دادن اطلاعات و گزارشات از محل کار خود به تشکیلات، ادامه داشتن فعالیت بعد از پیام امام.

متهم پس از شنیدن موارد اتهامات خود اظهار داشت: من دفاعی از خود ندارم و تمام موارد اتهام را تایید می کنم و خود را گناهکار دانسته و از محضر امام و دادگاه پوزش می طلبم.

بخزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی پس از خاتمه محاکمه متهم رضا برای دادستان انقلاب اسلامی ارتش شرح اتهامات ستوان یکم نیروی هوایی غلامعلی داوری فرزند تقی را به این شرح قرائت کرد: عضویت و فعالیت در شبکه مخفی نظامی بانام مستعار پدram تحت مسئولیت شاهین، اجرای قرارهای تشکیلاتی و برپاداشتن جلسات حزبی در منزل خود، پرداخت حق عضویت ماهانه دو بیست تومان و در مجموع هزار و دو بیست الی هزار و چهار صد تومان به تشکیلات، ادامه فعالیت بعد از پیام امام.

متهم پس از استماع موارد اتهام در دفاع از خود گفت: من از اینکه ناآگاهانه مسیری را انتخاب کردم که در مقابل ملت قرار گرفتم از دادگاه پوزش

خواسته و دفاعی ندارم و از خداوند متعال کمال تشکر را دارم که بیش از این اجازه نداد من مرتکب گناه و فساد شوم. متهم بعنوان آخرین دفاع از محضر امام و امت عذر خواسته و فرصت جبران گذشته های خود را خواستار شد.

این گزارش حاکیست بدنبال محاکمه غلامعلی داوری دادستان کیفرخواست استوار نیروی هوایی حاجتاله حمیدی

فرزند مختار را بدین شرح قرائت کرد:

عضویت و فعالیت در شبکه مخفی نظامی تحت مسئولیت شاهین، پرداخت حق عضویت ماهانه دو بیست تومان که در مجموع یک هزار تومان بوده است، پرداخت کمک مالی بمیزان ۱۶۰۰ تومان و همچنین در اختیار قرار دادن یک دستگاه تکثیر نوار، تماس با یک نظامی جهت جذب وی به حزب، ادامه فعالیت بعد از پیام امام.

متهم پس از استماع اتهاماتش در دفاع از خود گفت: من کیفرخواست دادستان را می پذیرم و در مورد دستگاه تکثیر نوار شاهین به من گفت بعنوان امانت بدهم به او، که او باز پس خواهد داد ولی پس از گرفتن دستگاه، وی دستگیر شد.

متهم در مورد معرفی یک تن به حزب اقرار کرد مسئولش از وی خواسته بود کسانی را که گرایش به حزب دارند جذب کند.

متهم در مورد مخفی بودن تشکیلات حزب اظهار بی اطلاعی کرد و گفت: بعد از فرمان امام از مسئول پرسیدم تکلیف ما چیست و او گفت، ما با شما کاری نداریم، متهم افزود: فقط دو ماهی یکبار مسئول تحلیل های حزب را بران می خواند.

آنگاه متهم گفت: به اشتباهات خود بی بردم و تقاضای جبران آنها را دارم.

سپس دادستان در دفاع موردی از کیفرخواست گفت: متهم براساس موارد

پرونده خود دال بر مخفی کاری حزب آگاهی داشته است.

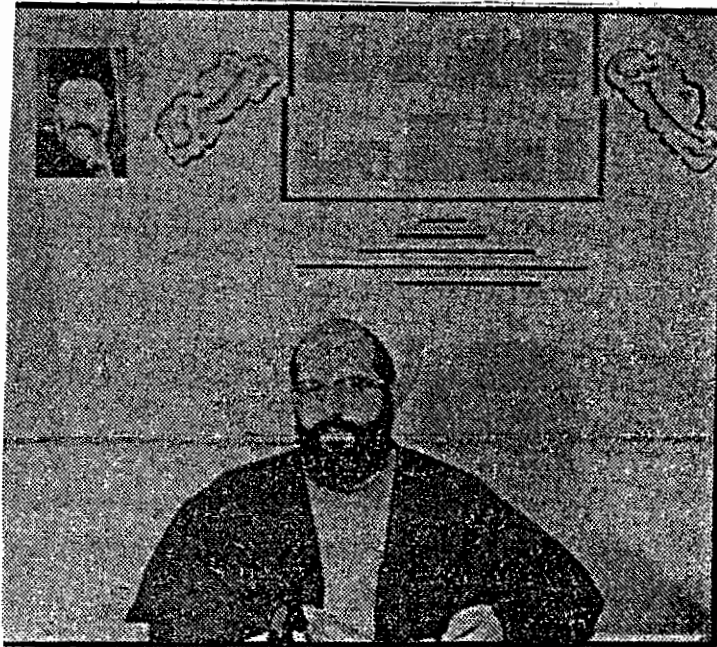
متهم بعنوان آخرین دفاع با توجه به موارد اتهام خود در خواست عفو کرد.

بنابراین گزارش همافز حسن صرافی پور فرزند حسین آخرین متهم از گروه تحت مسئولیت حسین شجاعتی بود که دادستان انقلاب اسلامی ارتش کیفرخواست وی را به این شرح قرائت کرد: عضویت و فعالیت در تشکیلات مخفی نظامی بانام مستعار سیاوش تحت مسئولیت هوشنگ و شاهین، اجرای قرارهای خیابانی و تشکیل جلسات حزبی در منزل خود به اتفاق مسئولین و شرکت دادن همسرش سیما پرداخت حق عضویت ماهانه هفتصد تومان و جمعاً ده هزار تومان و کمک مالی بصورت دادن یک انگشتری طلا، دادن اطلاعات محیط کار خود و ادامه همکاری حتی

بعد از پیام امام متهم پس از شنیدن موارد کیفرخواست در دفاع از خود گفت: که موارد اتهام را می پذیرم و سپس در رابطه با گزارشات خود به حزب و پس از آن عضویتش در حزب سخن

گفت و گوشه هایی از زندگی خود را برای دادگاه بازگو کرد. متهم بعنوان آخرین دفاع از ریاست دادگاه خواست با توجه به خدمت هایی که در طول خدمت خود انجام داده در مورد وی عادلانه قضاوت شود.

آنگاه رئیس دادگاه ختم رسیدگی به اتهامات نظامیان تحت مسئولیت شجاعتی را اعلام کرد و جلسه آینده دادگاه به امروز موکول شد.



احکام دادگاه انقلاب ارتش در مورد ۸۷ تن از عناصر نظامی حزب جاسوسان اعلام شد

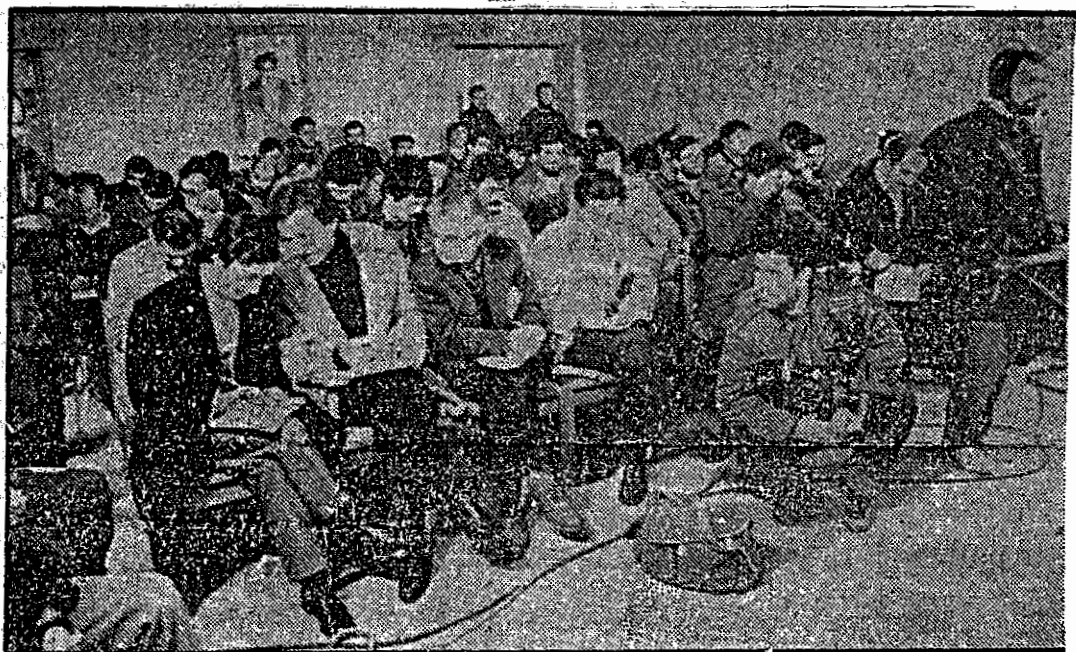
بخش خبری جمهوری اسلامی - ۸۷ تن
از عناصر نظامی تشکیلات مخفی حزب جاسوسان به حبس
های دائم تا کمتر از یکسال محکوم شدند.

- احکام ۱۳ نفر از متهمین پس از
تأیید شورای عالی قضائی اعلام
خواهد شد
- محاکمه ۳۰ نفر دیگر از عناصر نظامی که
جز سازمان چریکهای فدائی اکثریت میباشند
بزودی آغاز میشود
- ۴ تن از متهمین که جرائم چندانی
نداشتند، بدلیل پشیمانی و ندامت تبرئه و
آزاد شدند

در صفحه ۱۲

حجت الاسلام محمدی
ری شهری حاکم شرع دادگاه
انقلاب اسلامی ارتش پیش از
ظهر دیروز در یک مصاحبه
مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی
با حضور خبرنگاران داخلی
و خارجی شرکت نمود و ضمن
اعلام مطلب فوق به سئوالاتی
در زمینه های مختلف پاسخ
داد.

یگزارش خبرنگار ما
حجت الاسلام ری شهری
در ابتدای این کنفرانس، عناصر
نظامی تشکیلات مخفی حزب
خائن توده را که در دادگاه
انقلاب اسلامی ارتش محاکمه
شدند به چهار دسته تقسیم کرد
و گفت:



اتهامات کسانی که محاکمه شده‌اند عبارت بود از اقدام علیه نظام و براندازی جمهوری اسلامی ایران، جاسوسی، جمع‌آوری و اختفای سلاح و تخلف از قانون ممنوعیت ورود نظامیان در احزاب.

وی افزود: دستمای از متهمین هدفشان براندازی نظام جمهوری اسلامی بوده و دستمای نیز از این هدف آگاه نبودند و تنها جرمشان جاسوسی و جرم عداوت هم لغو قانون ممنوعیت ورود نظامیان به احزاب می‌باشد و همچنین افرادی که پس از

سرمان امام امنیت مبنی رهنوعیت ورود نظامیان در احزاب، رابطه خود را با حزب نه قطع کرده بودند از زندان دزدند.

حاکم شرع دادگاه انقلاب دمی ارتش معرفی و همکاری ستولین و ندامت واقعی اعضاء ب خائن توده را از عواملی کرد که در کيفرخواستشان خواهد بود.

ی افزود: افرادی که زمشان ورود به احزاب اسوسی بوده به حبسهای اوتی محکوم شدند و احکام بن از متهمین نه پس از یت یافتن اتهامات آنان خواهد شد.

حجت‌الاسلام ری شهری سپس بده با محکومیت تعدادی زمین گفت: شش نفر به ۳۰ سال، ۱ نفر به ۲۰ سال، ۲ نفر به ۱۴ سال، ۱ نفر به ۱۲ سال، ۶ نفر به ۸ سال، ۱ نفر به ۱۰ سال، ۱ نفر به ۶ سال، ۳۰ نفر به ۹ سال، ۹ نفر به کمتر از ۵ سال و ۲ نفر به کمتر از یکسال محکوم شدند.

ی افزود: تعداد ۳۰ نفر دیگر اصر نظامی به علت اینکه ده شان هنوز کامل نشده

تهاماتشان با افرادی که محاکمه شده‌اند تفاوت دارد، هنوز محاکمه نشده‌اند که اینها جزء سازمان چریکهای فدائی اکثریت می‌باشند که در نیمه سال ۶۱ به عضویت حزب توده درآمدند و این مسئله ثابت میکند که سازمان چریکهای فدائی اکثریت و حزب توده از یک ریشه هستند و سازمان مذکور بدلیل اینکه دارای شاخه نظامی بنوده و با حزب توده همکاری داشته غیر قانونی است و افرادی که در رابطه با سازمان چریکهای فدائی اکثریت می‌باشند باید خود را فوراً معرفی کنند. البته طبق اطلاعاتی که به ما رسیده رهبران سازمان چریکهای فدائی اکثریت به خارج از کشور فرار کرده‌اند.

همچنین ۴ تن از متهمینی که جرائم چندانی نداشتند، بدلیل پشیمانی و ندامت تبرئه و آزاد شدند.

حجت‌الاسلام ری شهری در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران که پرسید شما اعترافات سران حزب توده را چگونه ارزیابی میکنید، اظهار داشت:

در دنیا بی سابقه است که متهمی در دادگاه بر علیه خودش حرف بزند و بجای دادستان برای خویش تقاضای اشد مجازات کند، همانطور که در جریان محاکمه عناصر نظامی حزب منحل توده مشاهده شد. افرادی

که افکار مادی دارند از تحلیل چنین مسئلهای عاجزند، اما اگر چنین اشخاصی به برخورد انسانها با واقعیتها توجه کنند، خواهند دید که حل این مسئله بسیار آسان است. بعضی از اعضا، نظامی حزب توده قبل از دستگیری به قبول خودشان کور بودند و پس از دستگیری وقتی با واقعیات آشنا شدند بر اثر فشار وجدان شروع به اعتراف نمودند و بعضی از آنها می گفتند که اگر مسائل را نکو کنیم احساس گناه می کنیم و این از معجزات انقلاب اسلامی است که میتواند این چنین ججاییها را از جلوی چشمان مجرمین بردارد.

ضمناً بر خورد هشیارانه و دقیق برادران ارگانهای انتظامی کشور یکی از علل اعترافات صریح متهمین است، به این ترتیب که قبل از دستگیری یک متهم، کلیه اطلاعات مربوط به خصوصیات و نحوه فعالیت وی را کشف می کنند و متهم وقتی با اطلاعات مستدل و کاملاً مشهود روبرو شد نمیتواند اعتراف نکند، زیرا اطلاعات پرونده وی بقدری دقیق است که اگر اعتراف هم نکند، دادگاه میتواند با آگاهی حکم صادر کند.

وی سپس در پاسخ به سؤالی پیرامون تعداد افراد غیر نظامی و محاکمه پرتوی گفت: تعداد افراد غیر نظامی سازمان مخفی حزب منحل توده حدود ۲۰۰ نفر می باشد و بدلیل اینکه آقای پرتوی مسئول تشکیلات نظامی و غیر نظامی بوده به همراه این گروه محاکمه میشود.

حجت‌الاسلام ری شهری در پاسخ به این سؤال خبرنگار ما که پرسید در صورت امکان نحوه دستگیری سران حزب جاسوس توده را شرح نموده و بیان نمائید که چه مقدار از تشکیلات آنان نابود شده اظهار داشت: ابتدا تعدادی از رهبران و سپس با کشف سازمان مخفی حزب خائن توده تعدادی از اعضاء آن

دستگیر شدند و اساس تشکیلات حزب توده در ایران با دستگیری این عده درهم ریخت و بطور کلی تاکنون حدود ۸۰ درصد از اعضاء این حزب دستگیر شده‌اند.

وی در پاسخ به سؤال دیگر خبرنگار ما که پرسید محاکمه رهبران حزب منحل توده چه زمانی آغاز میشود گفت: محاکمه رهبران این حزب سه ماه دیگر در دادگاه انقلاب اسلامی مرکز آغاز میشود حاکم شرع دادگاه انقلاب اسلامی ارتش ضمن بیان این مطلب که تعدادی از عناصر تشکیلات نظامی فراری هستند، از زحمات پاسداران انقلاب اسلامی بخاطر تلاش شبانه روزی جهت حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی و دستگیری و انهدام تشکیلات حزب جاسوسان تشکر و قدردانی نمود.

بگزارش خبرنگار ما در پایان این مصاحبه، حجت‌الاسلام ری شهری اسامی محکومین و مدت محکومیت آنانرا بدین شرح اعلام نمود:

ابوالقاسم افرائی، رحیم شمس، صابر ظفر حیدری، سیف‌الله غیبائوند، تسمیرور آوندی و هدایت‌الله زیده سرائی به حبس دائم - جعفر بهرامی نژاد به ۳۰ سال زندان - رحیم صادق زاده، نجم‌الله مهرپور، محمد حسن جوادی کاریز بی‌الایی، مقداد دهقانی و بهمن قنبری به ۲۰ سال - محسن بیدگلی، علی اکبر میرزایی، ابوالفضل مهداوی، بیژن حیدریان، بهمن نظامی و محمد هاشم سعادت‌مندی به ۱۵ سال - طوغان ربیعی به ۱۴ سال - قدرت سقیمی، خلیل ابرقوئی و محمد رضا سعادت‌مندی به ۱۲ سال - محمد مفیدی، محمد امین مقدسی، خیرالله ایران نژاد، خلیل قنادی آذر، غلامعلی واحد، ابوالقاسم

عظیمی، محمد چراغی، هادی حسین زاده، فریدون مرادی، علی کاظمی، ناصر شاهسونند، محمد اسماعیل مسهرزایی، سیروس حکیمی، محسن حسینی نژاد و داود قریشی به ۱۰ سال - نسیم‌الله زاده نوره، جمشید بذرائی، محمد رحیمی، غلامرضا پیمان دوست، صفرعلی موحدی و حسن صراف پور به ۸ سال - فیروز شهسواریان به ۷ سال - حجت‌الله حمیدی به ۶ سال - بهمن حافظی نیا، عباس هاشمی نژاد، اسدالله دریکوندی، مهدی مصطفوی، اباذر غلامی، خلیل مینائی ماسوله، محمد رضا گیاهچی، شفیق حسین پور، ناصر ایلخانی، ناصر بهجتی، ابراهیم لطفی، علی خسروانقر، آقا وردی احمدی، مسوچهر

ذوالفقاری، سلیمان حسین زاده توده، جمال موسوی، محمد انصاری، نعمت‌الله علیخانی، قاسم بخشی زاده محمودی، محمد رضا پزداندوست، عبسی حق شناس حقیقی، رضا براتی، غلامعلی داوری، هادی حسرتی، رضا پاکدل، محمود دلاور، حسن معقول حمید الشار، ناصر گرجی و مجید سرخکوه آذری به ۵ سال - حسین خزانلی، علی نعمتی و حافظ قاصدی کندی به ۴ سال - علی اکبر رضائی به ۳ سال - محمد رضا بهداد، صابر پناهنده نیکچه و باقر سامیر به ۲ سال - حسین رضائی و حسین الماسپور به یکسال - فالح قاضی، محمدحسین بهرامی راد و داود خلخالی هر کدام به هشت ماه زندان محکوم شدند.